

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اندیشه‌نقریب

سال چهارم، ویژه‌نامه انسجام اسلامی (۳)، ۱۳۸۷



صاحب امتیاز: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

زیر نظر: آیه‌الله محمدعلی تسخیری

مدیر مسئول: علی اصغر اوحدی

شورای سردبیری

سید حسین هاشمی، عزالدین رضائزاد، مرتضی محمدی

مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا)

علیرضا اعرافی، عباس برومند اعلم، سید احمدرضا حسینی، سید منذر حکیم، سید هادی خسروشاهی، محمدحسن زمانی، محمدرضا غفوریان، ناصر قربان نیا، نجف لک‌زایی، محمدهادی یوسفی غروی

مدیر اجرایی: محمدعلی ملاهاشم

ویراستار: احمد اکرمی

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: سید محمود حسینی

- ✓ فصلنامه «اندیشه تقریب» با هدف استحکام بخشیدن به وحدت میان مسلمانان و نیز طرح مباحث اندیشه‌ای در زمینه مشکلات و چالش‌های فراروی جهان اسلام، در حوزه‌های گوناگون فقهی، حقوقی، کلامی، فلسفی، تاریخی و ... انتشار می‌یابد.
- ✓ فصلنامه در جهت اهداف یادشده، از مقالاتی که دارای موازین علمی باشند، استقبال می‌کند.
- ✓ فصلنامه در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی آزاد است.
- ✓ نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.

نشانی: تهران، خ آیت‌الله طالقانی، نرسیده به چهارراه شهید مفتاح، شماره ۳۵۷، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی و پژوهشی

تلفن: ۸۸۲۲۱۴۱۳، ۸۸۲۲۵۳۲؛ دورنگار: ۸۸۲۲۱۴۱۴ - ۸۸۲۲۱۴۱۶ - ۲۱ - ۰۰۹۸

قلم: خیابان ساحلی، نبش لوسانی ۱۷، پلاک ۱۶۱/کد پستی: ۳۷۱۳۶۶۳۶۵۷ / تلفن: ۷۷۵۵۴۴۴ / ۷۷۵۵۴۴۵۶ - ۲۵۱ - ۰۰۹۸

پست الکترونیک: andisheh@taghrib.org

فهرست مندرجات

سرمقاله.....	۵
مقالات اندیشه‌ای ◀	
♦ دین و انسجام اجتماعی / غلامرضا بهروزلک.....	۱۱
♦ اهمیت استراتژیکی و نقش ژئوپلتیکی کشورهای اسلامی در وحدت مسلمین / ع.ر. امیردهی.....	۳۷
♦ ارزیابی توان و ظرفیت نظامی کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز / مرتضی شیرودی.....	۶۵
♦ جهانی شدن، انسجام اسلامی، ظرفیت‌ها و راه کارها / عبدالخالق قاسمی.....	۸۹
♦ اتحاد و انسجام اسلامی در آئینه چهل حدیث (چهل آئینه، چهل اسرار) / بشیر احمد.....	۱۰۳
♦ آمایش سرزمین؛ برقرار کننده عدالت اجتماعی اسلامی در جهت تحکیم انسجام اسلامی / محمد سریرافراز و فاطمه فهیمی فر.....	۱۳۳
مآخذشناسی انسجام اسلامی / سلمان حبیبی..... ◀	۱۴۹
◀ خلاصه مقالات به زبان عربی / انور رصافی.....	۱۷۷
◀ چکیده مقالات به زبان انگلیسی / محمد اخوی پور.....	۱۸۳

سرمقاله

انسجام اسلامی، مسئولیت‌ها و راه کارها

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۳۲)

امروزه شرایط حاکم بر جهان هر روز بیش از پیش تغییر یافته و صنعت و علم و فناوری، تغییرات اساسی در شکل زندگی انسان‌ها پدید آورده است و متناسب با آن، برخی از آداب و رسوم اجتماعی - فرهنگی تحول پیدا کرده، و ویژگی‌های دیگری را در زندگی مردم نمایان ساخته است. از این رو، معتقدیم در جهان کنونی می‌توان با کمک ابزارهای علمی - پژوهشی، آموزشی، فرهنگی و ارتباطاتی، راه کارهایی جدید برای پیوند بیشتر انسان‌ها و به ویژه ایجاد هم‌بستگی و انسجام اسلامی میان مسلمانان ارایه نمود.

به مناسبت نام‌گذاری سال ۱۳۸۶ شمسی به سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» از سوی رهبر معظم انقلاب، نشست‌ها، سمینارها و همایش‌های گوناگون در سطوح مختلف داخلی و خارجی برگزار گردید و اندیشمندان جهان اسلام، راه کارهایی برای وحدت بیشتر امت اسلامی ارائه دادند. در این خصوص، بیانیه‌های خوب و جامعی هم صادر شد؛ برای نمونه، در بیانیه پایانی دومین همایش بین‌المللی نقش آموزش، علوم، فرهنگ و ارتباطات در تحکیم انسجام اسلامی، ضمن تأکید بر نقش مهم بهره‌گیری از مشترکات فرهنگی امت اسلام، اصلاح شیوه‌های اندیشه، ساخت نظام فرهنگی، توجه به میراث مادی و معنوی امت اسلامی در تحقق انسجام اسلامی و سعادت امت مسلمان، آمده است: «گسترش آگاهی مسلمانان از میراث فرهنگی و تاریخی خود، توجه به هنر و ظرفیت‌های هنری، معرفی صحیح اسلام و تمدن اسلامی در رسانه‌های بین‌المللی جهان اسلام و پرهیز از پرداختن به تعصبات فرقه‌ای و تخریب چهره مذاهب اسلامی و مقابله با خطر رسانه‌های غربی و پیش‌گیری از مخدوش کردن چهره اسلام و تمدن اسلامی و اسلام‌هراسی، هم‌سویی

رسانه‌های ارتباطی و اطلاعاتی جهان اسلام برای دفاع از هویت اسلامی با بهره‌گیری مناسب از نوآوری‌ها و تازه‌های دانش و فناوری، به انسجام امت اسلام و کسب جایگاه شایسته مسلمانان در جامعه بین‌المللی می‌انجامد.» (سایت وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۶/۱۲/۸).

در نوشته‌ها و نظریه‌پردازی‌هایی که از سوی متفکران و رهبران اندیشمند جوامع اسلامی ارائه گردیده، افق‌های جدیدی برای بسترسازی وحدت مسلمین و اهتمام بیشتر به انسجام اسلامی گشوده شده است.

خدای بزرگ را شاکریم که توجه عالمان دین و اندیشمندان مسلمان به تمسک و اعتصام به «حبل‌الله» بیشتر شده، و با ابراز انزجار آنها از تفرقه و اختلاف، آینده‌ای روشن برای امت اسلامی ترسیم گشته است. در این‌جا در صدد بیان تک تک نظرات و آرای ارائه شده نیستیم، اما مناسب می‌دانیم برخی از سیاست‌ها و راه کارهای نظری و اجرایی تحقق انسجام امت اسلامی را به اجمال یادآوری کنیم:

- تأکید بر مشترکات اعتقادی امت اسلامی از قبیل: توحید، نبوت، خاتمیت پیامبر اسلام، کتاب آسمانی قرآن کریم و...؛

- در اولویت قرار دادن انسجام اسلامی، در برنامه‌های فرهنگی و مبارزه با تهدیدات متوجه آن، که می‌توان از آن به «ناتوی فرهنگی» یاد کرد؛

- تأکید بر آموزه‌های مشترک مسلمانان در عصر انتظار حکومت جهانی اسلامی با عنوان «مهدویت»؛

- حفظ دکترین انسجام اسلامی در نگاه به اصول و ساختارهای رابطه مسلمانان با یک‌دیگر در سطح جهان؛

- توسعه فرهنگی اسلامی در بین امت اسلام، جدای از مذهب شیعه و سنی؛

- آگاهی دادن به مسلمانان نسبت به فرقه‌ها و گروه‌هایی که مانع انسجام اسلامی‌اند؛

- ترویج عدالت اجتماعی و رفع تبعیض در عرصه‌های گوناگون اجتماعی - فرهنگی؛

- دشمن‌شناسی مشترک مسلمانان؛

- تلاش دولت‌ها و سران کشورهای اسلامی نسبت به ایجاد وحدت و از بین بردن تعصب و

طائفه‌گری؛

- ارائه پژوهش‌های علمی برای تبیین مسائل اختلافی به دور از هر گونه تعصب مذهبی؛

- رعایت حقوق مذهبی و اجتماعی همگان به ویژه اقلیت‌های مذهبی در جامعه اسلامی؛

- اهتمام رهبران و اندیشمندان جامعه اسلامی در تئوری‌ها و نظریه‌پردازی‌های خود به انسجام اسلامی و در گام بعدی، عملیاتی کردن آن و ارائه راهبردهای عملی؛
- کوشش مراکز تبلیغاتی و رسانه‌های جمعی برای پدید آوردن و ارائه شعارهای وحدت‌آمیز و نمادهای مشترک مذهبی؛
- بیان تجارب تلخ اختلاف‌ها در طول تاریخ جهت عبرت‌گیری و واداشتن افراد به یک‌پارچگی و وحدت؛

- ایجاد تصور مشترک برای طرفداران هر مذهب و کاستن فاصله معرفتی طوایف مذهبی؛
- فراهم ساختن هم‌گرایی مذهبی با تأکید بر عرفان و معنویت مشترک میان مسلمانان؛
- ترویج فکر «جهانی شدن اسلامی» در برابر شعار جهانی سازی یا جهانی شدن فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی غربیان؛
- جلوگیری از افراط و تفریط مذهبی و برائت جستن از اعمال غیرانسانی افراطیون مذهبی؛
- ممانعت از اظهارنظرهای شخصی برخی از عالمان مذهبی که رویکردی تفرقه‌افکن دارند؛
- ترغیب و تشویق بیشتر نسبت به شرکت در مراسم عبادی و مذهبی مشترک مثل نماز جماعت، نماز جمعه و...؛

- انعقاد پیمان صلح و دوستی و معاهده‌های بین‌المللی میان دولت‌های اسلامی و نیز گسترش روابط سیاسی و دیپلماتیک؛
- همکاری‌های علمی اندیشمندان مسلمان در زمینه‌های مختلف به ویژه در مسائلی که به نظریه‌پردازی و راه‌حل‌های جدید علمی نیاز دارد؛
- ایجاد مراکز علمی - آموزشی مشترک و بین‌المللی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز علمی - فرهنگی دانش‌پژوهان مسلمان؛
- اهتمام به فقرزدایی از مناطق مسلمان‌نشین، و کمک‌های اقتصادی همه‌جانبه مسلمانان و دولت‌های کشورهای اسلامی به یک‌دیگر؛
- و ده‌ها و صدها حرکت دیگر که در عرصه‌های گوناگون زندگی مسلمانان با هدف انسجام اسلامی می‌تواند انجام گیرد.

شاید نیاز به یادآوری نباشد که «انسجام اسلامی» محدود به زمان و مکان ویژه نیست و نام‌گذاری یک سال خاص به سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نباید باعث شود توجه به این موضوع خطیر و سرنوشت‌ساز در سال‌های دیگر به فراموشی سپرده شود، بلکه باید بیش از پیش

یادآوری نمود و زمینه‌های تحقق و راه کارهای انسجام اسلامی را ارائه داد و از بروز عوامل نفاق، کینه و تفرقه مسلمانان جلوگیری به عمل آورد.

به دلیل اهمیت ویژه این موضوع، مجله اندیشه تقریب علاوه بر نشر مقالات در این زمینه، به نشر ویژه‌نامه انسجام اسلامی پرداخته و این مسئله را از زوایای گوناگون بررسی نموده است. تنوع مقالات و نگاه به موضوع از دریچه‌های متفاوت و بسترسازی بیشتر برای تحقق انسجام اسلامی در این ویژه‌نامه مد نظر قرار گرفته است.

موضوعاتی از قبیل: «اتحاد و انسجام اسلامی در آیینه چهل حدیث»، «دین و انسجام اجتماعی»، «جهانی شدن، انسجام اسلامی، ظرفیت‌ها و راه کارها»، «آمایش سرزمین؛ برقرارکننده عدالت اجتماعی اسلامی در تحکیم انسجام اسلامی»، «ارزیابی توان ظرفیت‌های نظامی آسیای مرکزی و قفقاز» و بالاخره «نقش استراتژیکی و ویژگی‌های ژئوپلیتیکی کشورهای اسلامی» در این ویژه نامه تحلیل و بررسی شده است. به امید این که بخش اندکی از وظایف و مسئولیت‌های بزرگ خود را انجام داده باشیم، از درگاه خداوند متعال توفیق بیشتر و سعادت و سربلندی همه مسلمانان را درخواست می‌کنیم.



اندریشه‌های
مقالات

لا يمشى تقرب

دین و انسجام اجتماعی

غلامرضا بهروز لک *

چکیده

دین از دیر باز به عنوان مهم‌ترین عامل هم‌بستگی و انسجام اجتماعی عمل کرده است. تا پیش از دوران مدرن چنین کارکردی برای دین همواره امری آشکار بوده است. در جوامع شرقی این امر کامل برجسته و بارز بوده و چنین کارکردی تا کنون نیز تداوم یافته است. اما در اندیشه و عمل غرب مدرن، دین دچار تحول گشته و با به حاشیه رفتن آن، امور انسانی جای‌گزین نقش آفرینی کارکردی دین در حفظ هم‌بستگی و انسجام اجتماعی گردید. اما با این حال، دین به صورت غیرمستقیم در غرب مدرن نیز تداوم یافته است. در جهان اسلام، دین و نمادها و شخصیت‌های دینی کانون هویت بخش بوده و در نتیجه، هویت اجتماعی انسان‌ها را تعیین می‌کرده است. قرآن کریم به عنوان پیام الهی و شخص پیامبر اکرم ﷺ کانون هویت بخش و انسجام بخش بوده‌اند. در تفکر شیعی، امام نیز نقش کلیدی در این مورد دارد و معیار دین‌داری با معرفت امام تعریف شده و در نتیجه، امام به کانون هویت و انسجام تبدیل می‌گردد.

کلید واژه‌ها: دین، هویت، انسجام اجتماعی، دین مدنی

مقدمه

دین یکی از مهم‌ترین پدیده‌های انسانی - اجتماعی در طول تاریخ مسحوب شده و به تعبیر روسو هیچ جامعه‌ای را در طول تاریخ نمی‌توان یافت که دین مبنای آن نبوده باشد. تأثیر دین در عرصه اجتماعی در جوامع سنتی روشن و کاملاً تعیین کننده بوده است. در چنین جوامعی ادیان، به ویژه ادیان آسمانی، مبنای زندگی جمعی و هم‌بستگی اجتماعی بودند. اما گذار به دنیای مدرن،

* عضو هیأت علمی دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام) - قم

تغییراتی را در این زمینه ایجاد نمود. با این حال و به رغم تأثیرات برخی از آموزه‌های مدرن غربی هم چون سکولاریسم، بر نقش دین در عرصه اجتماعی، به نظر می‌رسد دین به شیوه‌های بسیار مختلفی حتی در عرصه زندگی اجتماعی دنیای مدرن نیز نقش ایفا می‌کند. ورود به هزاره جدید میلادی و ظهور پدیده‌های جدیدی چون جهانی‌شدن و تکنولوژی‌های ارتباطی بار دیگر نقش آفرینی دین را در عرصه سیاسی - اجتماعی فعال کرده است.

در میان مسلمانان، اسلام از آغاز در عرصه اجتماعی و پیوستگی اجتماعی مسلمانان کاملاً تعیین کننده بوده است. نخستین جامعه اسلامی با نمادی دینی به نام بنیان‌گذار دین نام گرفت و شهر یثرب، «مدینه النبی» ﷺ خوانده شد. این امر خود از محوریت دین در میان اعضای نخستین جامعه اسلامی حکایت دارد. همانند دیگر بنیان‌گذاران، پیامبر اسلام ﷺ در دوران حضور خویش شخصاً مبنای پیوند اجتماعی مسلمانان بود، اما با رحلت آن حضرت، اسلام و تعالیم آسمانی وی به عنوان میراث آن حضرت چنین نقشی را بر عهده گرفت. مبنای دعوت آن حضرت از آغاز، ابلاغ پیام الهی بود و در نتیجه، اسلام عامل اصلی پیوند اجتماعی بوده است. اما با توجه به نزول تدریجی احکام اسلامی و تازه بنیاد بودن جامعه اسلامی شخص پیامبر ﷺ در ایجاد پیوند اجتماعی بسیار تأثیرگذار بود.

به رغم به حاشیه رانده شدن دین در فرایند غلبه آموزه‌های سکولاریسم در دو سده گذشته، حرکت احیای اسلامی تلاش نموده است با نفی آموزه‌های سکولاریستی غربی و احیای نقش دین در عرصه سیاسی - اجتماعی، بار دیگر اسلام را به عرصه سیاسی اجتماعی بازگرداند. آرا و عملکرد امام خمینی به عنوان شخصیت برجسته احیای فکر اسلامی در جهان اسلام دارای اهمیت است. هر چند در طول دو سده گذشته در واکنش به تهاجم فکری - فرهنگی غرب مصلحان و احیاگران بسیاری در جهان اسلام ظهور نموده‌اند و کسانی چون سید جمال الدین اسد آبادی، نائینی، شیخ فضل الله نوری، مدرس و دیگران در این زمینه پیشگام بوده‌اند، اما آنها هیچ‌کدام نتوانستند میراث ارزشمندی چون انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی ایجاد نمایند. از این جهت، امام خمینی شخصیتی کاملاً برجسته و بارز در اسلام‌گرایی معاصر می‌باشد. از این رو، مطالعه دیدگاه‌های امام خمینی در باب ماهیت انسجام اجتماعی و نقش دین در آن دارای اهمیت می‌باشد. دیدگاه‌های امام خمینی در این باره خود تجلی نگرش اسلام‌گرایی معاصر به ماهیت زندگی سیاسی نیز می‌باشد. از جهات دیگری نیز مطالعه دیدگاه‌های امام خمینی در این مورد اهمیت دارد. امام خمینی

بنیان‌گذار نظامی است که ما اینک وارث آن هستیم و جامعه اسلامی امروز ما باید برای شناخت جامعه خویش، با مبانی نظری آن، به ویژه آن گونه که در دیدگاه‌های بنیان‌گذاران آن آمده است، آشنا باشد. هم چنین ضرورت دیگر به مسئولیت‌های جامعه ما در حفظ این میراث بستگی دارد. بدون شناخت صحیح این میراث، امکان میراث داری صحیح از آن وجود ندارد. هم چنین بدون شناخت این میراث نمی‌توان در برابر انحرافات و بدعت‌ها ایستادگی کرد و اصالت انقلاب اسلامی را حفظ نمود. این نوشتار با تبیین ماهیت انسجام اجتماعی، نقش دین را در تقویت آن بررسی می‌نماید.

۱. رابطه دین و انسجام اجتماعی در اندیشه مدرن

اندیشمندان دوره مدرن غرب نیز درباره نقش دین در عرصه اجتماعی بحث کرده‌اند. هر چند گذار از عصر سنتی به دنیای مدرن با حاشیه‌ای شدن دین همراه بوده است، اما در عمل، دین به شیوه‌های مختلفی در عرصه سیاسی و اجتماعی خود را حفظ نموده است. اگر خصلت‌های بارز دنیای مدرن را انسان محوری، سکولاریسم، عقلانیت خود بنیاد و قرائت کلان پیشرفت بدانیم، این اصول مقتضی حاشیه‌ای شدن دین در عرصه اجتماعی است، به ویژه اصل سکولاریسم، بر غلبه و تفوق کامل امر عرفی - بشری بر امر دینی حکم نموده است. چنین نگرشی بر شیوه‌ها و نظریه‌های نوسازی جوامع تا دهه‌های میانی قرن بیستم نیز حاکم بوده و در نتیجه، دین بخشی از دنیای سنتی تلقی می‌شد که با نوسازی و مدرن شدن جوامع کاملاً اعتبار و اهمیت خود را از دست می‌داد. اگر چه از این لحاظ دین در عرصه زندگی اجتماعی مدرن به تدریج حذف گردید، اما نیاز به هم‌بستگی اجتماعی سبب شد تا اندیشمندان مدرن نیز برخی از کارکردهای دین را در هم‌بستگی اجتماعی به شیوه مدرن بازسازی نمایند.

از منظر تاریخی، سیر تحولات نقش دین را در جهان غرب می‌بایست در دوران ماقبل و مابعد مسیحیت ریشه یابی کرد. دوران ماقبل مسیحی از دو الگوی یونانی - رومی و یهودی تشکیل می‌شود. قبل از دوران مسیحیت و به ویژه در عصر یونان و روم، دین بخشی از ساختار سیاسی رسمی جامعه بوده و از این جهت در عرصه سیاسی نیز حضور داشته است. چنین حضوری از طریق تابعیت دین از آموزه‌های سیاسی - رسمی صورت می‌گرفت و دین بخشی از حاکمیت و قدرت سیاسی بود. در جهان یهودی نیز به رغم اهمیت و جایگاه دین در عرصه سیاسی، طبق درخواست یهودیان از انبیای بنی اسرائیل برای تعیین ملک، امور حکومتی در اختیار ملک بوده و متولیان دین

نیز از این جهت تابعی از حکومت محسوب می‌شدند. بین دو الگوی یونانی - رومی و یهودی مشترکاتی را می‌توان یافت. نخستین وجه اشتراک آنها را می‌توان غلبه امر دنیوی - حکومتی بر امور دینی دانست. وجه اشتراک دیگر آنها حضور دین در عرصه زندگی سیاسی - اجتماعی، هر چند به صورت تبعی، است.

با ورود به عصر مسیحیت، دوگانگی بین امر سیاسی و دینی تداوم یافته و در واقع در سنت مسیحی نهادینه می‌شود. چگونگی ظهور حضرت مسیح علیه السلام و سیر دعوت او و تحولاتی که بعدها در مسیحیت رخ داده، زمینه‌های گرایش به سکولاریسم را در غرب فراهم آورده است. از آغاز دوره تبشیر مسیح که با غسل تعمید در رود اردن به دست حضرت یحیی علیه السلام صورت گرفت تا عصر رسمیت‌یابی مسیحیان در اوایل سده چهارم میلادی، مسیحیان نسبت به تأسیس حکومت ادعایی نداشته‌اند. حتی طبق گزارش نویسندگان انجیل، حضرت مسیح علیه السلام در پاسخ به درخواست فریسی‌ها اعلام نمود: «مال قیصر را به قیصر و مال خدا را به خدا بدهید.» (متی، ۲۲، ۲۱).

طبق گزارش یوحنا، مسیح در دادگاه خود در پاسخ به این سؤال که آیا دعوای پادشاهی داری، می‌گوید: "پادشاهی من از این جهان نیست؛ اگر پادشاهی من از این جهان می‌بود، خدام من جنگ می‌کردند." (یوحنا، ۱۸، ۳۶). آگوستین قدیس نیز بعدها با نهادینه کردن آیین دو شمشیر در مسیحیت با تمسک به سیره عملی عیسی مسیح در روی گردانی از دنیا و زندگی مسافر گونه در این جهان آموزه شهر خدا و شهر زمینی را مطرح نمود. او تقابل جدی بین شهر آسمانی و شهر زمینی ایجاد نموده و با شیطانی خواندن تمایلات طبیعی، کمال معنوی انسان را در ترک شهر خاکی و پیوستن به اهالی شهر آسمانی می‌داند. (آگوستین، ص ۱۵۲). با چنین تقریری، شهر آسمانی بر شهر زمینی مقدم می‌گردد و در نتیجه، در دوره‌های بعدی نیز به رغم پذیرش استقلال و تمایز دولت از کلیسا، دولت تابع کلیسا قلمداد می‌گردد، زیرا به تعبیر آمبروسیوس قدیس «کلیسا در امور روحانی حق قضاوت نسبت به کلیه مسیحیان دارد، حتی نسبت به شخص امپراتور، زیرا امپراتور نیز مانند سایر مسیحیان یکی از فرزندان کلیسا است، امپراتور در درون کلیساست نه مافوق آن». (پازارگاد، ۱۳۴۸ش، ج ۱، ص ۲۷۳). بعدها در قرون وسطای مسیحی و به‌ویژه در زمان پاپ گروسوسیوس هفتم کلیسا با ادغام نمودن امپراتوری در کلیسا به تأسیس امپراتوری مقدس روم دست زد و به این ترتیب، حاکمیت مطلق پاپ در عرصه دینی و سیاسی تثبیت گردید. پس از چندین سده، بار دیگر با انتقاداتی که از حاکمیت مقدس امپراتوری مقدس روم مطرح می‌شود، آکویناس قدیس دوباره آئین دو شمشیر را با تقدم بالشرف

کلیسا در امور معنوی، و نه در امور دنیوی که صرفاً در صلاحیت امپراتور و نه کلیسا دانسته می‌شود، مطرح می‌نماید. (در مورد نظریه‌ها و تحولات فکری قرون وسطای مسیحی و ادعاهای حاکمیت دینی پاپ گروسیوس هفتم و انتقادات بعدی ر. ک: طباطبایی، ۱۳۸۰).

با ورود به دوران مدرن، آموزه دو شمشیر همراه با حاکمیت مطلقه پاپ به صورت هم‌زمان از سوی اندیشمندان عصر جدید و دوران رنسانس هم‌چون ماکیاولی و هابز و روسو رد گردید. (N. 4, Fall 1993, vol. 55, The Review of Politics: in 'Rousseau on Civil Religion & Hobbes', See: Ronald Beiner, 'Machiavelli'). به تعبیر روسو، در میان نویسندگان مسیحی هابز تنها کسی بود که به مشکل دوگانگی ساختار سیاسی - دینی پی برد و اتحاد مجدد آنها را تحت نظر حاکم مدنی پیشنهاد داد. (روسو، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۹۳). البته پیش از هابز، ماکیاولی در عمل سعی نمود با طرح الگوی پیش از مسیحیت و الگوی روم باستان، دین را در خدمت قدرت سیاسی قرار دهد و در نتیجه، به تعبیر برخی، به بازگرداندن مسیحیت به عصر جاهلی (Paganization of Christianity) اقدام نمود. اگر ماکیاولی مسیحیت را به عصر جاهلی برگرداند کار هابز را نیز در این دوران می‌توان به نوعی به یهودی سازی مسیحیت (Judaicization of Christianity) تشبیه نمود، زیرا وی نیز در کتاب «لویاتان» با الهام از الگوی نصب و تفوق ملک بر نهاد دینی، به مقابله آیین دو شمشیر می‌پردازد. (بهروزلک، اسفند ۱۳۸۲).

کار ژان ژاک روسو اندیشمند فرانسوی را در کتاب «قرارداد اجتماعی» در مسئله رابطه دین و سیاست، می‌توان نقطه عطفی تاریخی در تفکر غربی دانست. نکته بارز و برجسته در اثر روسو اقرار وی به نقش آفرینی دین در هر جامعه می‌باشد و از این جهت است که معتقد بود: «هیچ جامعه‌ای نیست که دین مبنای آن نبوده باشد». (روسو، پیشین، ص ۴۱۹). او بر اساس چنین نگرشی به نقد آموزه دو شمشیر مسیحیت کاتولیک و تمجید از اسلام پرداخت. (پیشین). در نهایت، وی برای دنیای جدید الگوی دین مدنی را پیشنهاد نمود. (بهروزلک، آذر و دی ۱۳۸۱). هر چند دین مدنی روسو صرفاً مبتنی بر چند اصل کلی باقی ماند، اما بعدها این ایده در غرب و به ویژه پس از انقلاب فرانسه به شیوه‌های مختلفی دنبال شد. دین مدنی در انقلاب فرانسه و پس از آن در گرایش‌های ملی‌گرایانه و وطن پرستانه مطرح و دنبال شد.

در این دوران دین مدنی در شکل‌های مختلفی چون دین بشری آگوست کنت، نظریه معادل کارکردی وی و آموزه دین مدنی رابرت بلا تداوم یافت. کسانی چون دورکیم نیز تلاش نمودند به

جای دین از دیگر مفاهیم اجتماعی برای هم‌بستگی استفاده نمایند. آگوست کنت معتقد بود انسان مدرن با ورود به عصر مدرن از دوره‌های اسطوره‌ای - ربانی و فلسفی - عقلی گذر کرده است و به مدد علم تجربی قادر به شناخت حقیقی تمامی امور جهان هستی است. برای چنین عصری نیز لازم بود تا دین و آیین جدیدی وضع شود. او خود آموزه «دین بشری» را به این منظور مطرح ساخت و متعاقب آن کلیسای دین جدید را فعال نمود.

در اقدامی مشابه، امیل دورکیم نیز مسئله دین را مد نظر قرار داده است. اگر دین در ادوار باستانی مبنای اصلی پیوند اجتماعی بود و زندگی جمعی برای هویت خویش دین خاصی را به وجود می‌آورد، از نظر وی با پیشرفت علم و دانش بشری مجهولات بشر حل شده و در نتیجه، کارکرد دین در عرصه اجتماعی از بین می‌رفت. او در بیانی نمادین رابطه انسان با خدا را همانند جنگ خاکریز به خاکریز تشبیه نمود که با پیشرفت دانش بشری خاکریزهای خدا فرو می‌ریزد. دورکیم به صراحت اعلام می‌نماید: «... کم کم مسایل سیاسی و اقتصادی و علمی قلمرو خود را از قلمرو دین جدا کردند... خدا قبلاً در تمام روابط بشر حاضر بود اما در طول زمان از آن باز پس می‌کشد و به تدریج جهان را به انسان و درگیری‌هایش وامی‌گذارد. حتی اگر بخواهد هم مسلط باشد تسلطی از راه دور و از بالا است...» (Emile, the Division of Labor in Society, New York, the Free Press, 1964, Durkheim).

از این روست که اوج جدایی اومانیزم را از کلیسا و آموزه‌های دینی می‌توان در سخن معروف، صریح و متهورانه نیچه یافت. نیچه نتیجه انسان محوری غرب را مرگ خدا اعلام می‌کند. از نظر او با نشستن انسان در مقام خدایی دیگر مجالی برای خدای کلیسا باقی نمانده است.^۱

با حذف شدن نمودهای آسمانی دین از عرصه زندگی انسان مدرن، نظریه‌پردازان مدرن به نظریه‌پردازی در باب ماهیت هم‌بستگی و پیوند در جامعه جدید پرداختند. یکی از آرمان‌های جدیدی که به عنوان بدیل آموزه‌های دینی مطرح شد، آموزه‌های ملیت خواهی بود که در قالب دین مدنی جدید از انقلاب فرانسه نشأت گرفته و به تدریج بر سراسر جهان مستولی گردید. غرب مدرن با محور قرار دادن نظریه رضایت عمومی یا قرارداد اجتماعی به عنوان مبنای نظام سیاسی مدرن خویش، ملیت‌گرایی و ناسیونالیسم را به عنوان شعار بیرونی و اعلامی خویش قرار داد. از این پس محور اصلی جهت‌گیری غرب دامن زدن به پروژه دولت - ملت سازی و نفی وفاداری‌های غیر ملی به نظام سیاسی در درون جوامع غربی و در مراحل بعدی ترویج آن در نقاط دیگر جهان اسلام بود.

۱- البته کسانی چون یاسپرس سعی نموده‌اند این بیان نیچه را نقد زمانه خود و نه اعتقاد خود نیچه بدانند و از این جهت نیچه را یک مسیحی منتقد می‌دانند؛ ر. ک: یاسپرس، ۱۳۸۰ ش، ص ۷۶.

به این ترتیب بود که در فرایند حرکت مردمی رهایی‌بخشی و مبارزه با استعمار غربی، آموزه ملی‌گرایی نیز در جهان اسلام مطرح و موجب تجزیه و تحت الشعاع قرار گرفتن خصلت امت محوری و وحدت مذهبی جهان اسلام گردید و کشورهای جدیدی در جهان اسلام ظهور نمودند که به تعبیر یکی از محققان غربی، موجب چینش وصله دوزی شده و موزائیک ناهم‌گونی از کشورهای ملی اسلامی در جهان اسلام گردید. (لویس، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۹۰-۲۰۰).

پروژه دولت - ملت سازی مدرن غربی بر آن بود که در فرایند نوسازی در جهان اسلام نمادها و هنجارهای هویت بخش سنتی اسلام را به تدریج از جامعه حذف و هنجارهای جدید عاریت گرفته از غرب را جانشین آن سازد. نمونه‌های عملی چنین حرکتی را می‌توان به شکل بارزی در کار کمال آتاترک در ترکیه و با الهام از وی در کار رضا شاه در ایران دانست. کمال آتاترک به منظور هویت بخشی جدید به جامعه ترکیه سعی نمود تمامی نمادهای هویت بخش اسلامی را از صحنه سیاسی - اجتماعی حذف نموده و هویت مدرن جدیدی به جامعه ترکیه بدهد. از این روست که او به الغای خلافت در یک فرایند دو مرحله‌ای در سال‌های ۱۹۲۲ و ۱۹۲۴ اقدام می‌نماید. حذف اسلام از دیدگاه کمال آتاترک بدان جهت ضرورت داشت که در صورت باقی ماندن این نمادها امکان بازگشت اسلام به کانون هویت بخشی وجود داشت. از این رو اسلام بعد سلبی گفتمان کمالیسم قرار می‌گیرد، که بر اساس آن نفی آموزه‌های اسلامی هویت سلبی نظام لائیک ترکیه می‌گردد. جنبه ایجابی ناسیونالیسم ترکی پیروی از دستاوردهای تمدن مدرن غربی بود.

کمال نمی‌توانست بین پیشرفت و مدرن شدن با غربی شدن تفکیک نماید و در نتیجه، پیشرفت را صرفاً در غربی شدن و به تبع آن نفی آموزه‌های اسلامی می‌دانست. (بابی، ۱۳۷۹ ش، ص ۷۴-۸۵).

اقدامات مشابه پهلوی‌ها در ایران نیز در پنجاه سال گذشته تقلیدی از غرب بوده است. اقدام به تغییر تقویم، کشف حجاب، برداشتن عمامه از سر روحانیون، تغییر سوگند به قرآن کریم در لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و تغییر مجدد تقویم از هجری به شاهنشاهی همگی نمودهای عمده چنین گرایشی در سلطنت پهلوی بوده است.

۲. نقش دین در انسجام اجتماعی در اندیشه اسلامی

بر خلاف رویکردهای غربی، رویکرد اسلامی به انسجام سیاسی - اجتماعی را باید در یک دیدگاه نظری هستی شناختی تحلیل نمود. در این رویکرد هویت‌یابی انسان‌ها امری بیش اجتماعی است.

انسان به عنوان خلیفه و جانشین خداوند بر روی زمین معرفی شده است و در نتیجه، بخشی از خلقت و هستی است. جایگاه انسان در جهان هستی از این منظر نه نگاهی استقلالی بلکه به عنوان نمود بارزی از خالق جهان هستی است. بدین جهت انسان رنگ خالق خویش را دارد. چنین نگرشی در تمام عرصه‌های جهان هستی تجلی دارد به تعبیر قرآن کریم همه جهان هستی تسبیح گوی خالق خویش می‌باشد؛ «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (اسرا/۴۴؛ هم‌چنین ر.ک: نور/۴۱).

در عرصه انسانی نیز انسان با خالق خویش شناسایی می‌شود. طبق منطق قرآن کریم، انسان خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین است و اوست که روح خویش را در کالبد آدمی دمیده است (۷۲). خداوند به بنده خویش از رگ گردن نزدیک‌تر است و نجوای او را می‌شنود. اوج چنین شناسایی در بازگشت انسان در قالب نفس مطمئنه به ساحت قدسی است؛ «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * اذْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي» (فجر/۲۷-۳۰). بدین سان، انسان هویتی الهی داشته و به عنوان مخلوق الهی شناسایی می‌شود. مفهوم خلیفه‌الله بازنمای چنین حقیقتی است. شاید چنین حقیقتی را حتی فرشتگان که مأمور به سجده بر آدم شدند نیز درک نکردند و از این رو از ذات اقدس الهی سر خلقت انسان و ظرفیت‌های منفی را در وی سؤال نمودند؛ «قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ» و چنین پاسخ شنیدند که: «قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره/۳۰). هویت علوی انسان در نگاه استکباری ابلیس قابل تحمل نیامد و او را از اطاعت امر الهی مبنی بر سجده بر آدم واداشت؛ «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ» (صافات/۷۵) و ابلیس به رغم اذعان به مخلوقیت خویش، فریفته خلقت خود از آتش شد و با مقایسه آن با خاک - ماده آفرینش حضرت آدم عليه السلام - از فهم عظمت هویت انسان باز ماند و مطرود درگاه الهی و دشمن قسم خورده آدمی گردید.

با چنین معیاری فرد و جامعه اسلامی در برابر کسانی قرار می‌گیرد که توحید را نپذیرفته و از آن روی برمی‌گردانند. در چنین موقعیتی تقابل هویت ایمانی - اسلامی با هویت شرک‌آلود سایرین رخ می‌نماید. در قرآن کریم در موارد متعددی از چنین تقابلی سخن گفته شده است. اساس پیام سوره کافرون بر تبری از مشرکان بنا نهاده شده است. در این سوره ضمن بیان مکرر عبادت متفاوت پیامبر با مشرکان، در پایان، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که چنین تفاوتی موجب تمایز او با آنان می‌گردد؛ «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ» (کافرون/۶). در فرازی دیگر و پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله و شکل‌گیری جامعه

اسلامی در مدینه نیز پیام تبری ابلاغ می‌شود: «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (توبه/۱). نگرش توحیدی سبب می‌گردد تا در موارد متعدد دوستی و موالات بین مؤمنان و مشرکان مورد نهی و مذمت قرار گیرد: «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران/۲۸). و این پیام به شیوه‌های مختلف تکرار می‌شود (ر.ک: نساء/۱۴۴ و ۸۹؛ مائده/۵۱ و ۵۷؛ اعراف/۳ و ۳۰؛ هود/۱۱۳؛ کهف/۱۰۲ و...). حتی در صورت تقابل و تعارض ولایت الهی با ولایت پدر و مادر، ولایت الهی تقدم می‌یابد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (توبه/۲۳).

با توجه به ظرفیت تکامل آدمی، خداوند هدایت خویش را بر بشر منت گذاشت و برای وی هادینانی فرستاد: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران/۱۶۴). طبق منطق قرآن کریم هر انسانی نیازمند هادی است. چنین هدایتی از طریق رسولان باطنی و ظاهری انجام می‌شود. اگر رسول باطنی از درون به هدایت بشر می‌پردازد، رسولان و راهنمایانی همراه اویند تا وی گزینه‌های زمینه ساز سعادت را برگزیند.

حتی هنگامی که خداوند با رد ادعای یهود و نصاری بر نقش محوری الگو و شیوه حضرت ابراهیم تأکید می‌کند، نقش توحید و پرهیز آن حضرت از شرک را برجسته می‌سازد. حضرت ابراهیم علیه السلام از جمله انبیای اولوالعزم است که ملت و روش او در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (نحل/۱۲۰). حتی از دیدگاه قرآن کریم تبعیت یهود و نصاری زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از حضرت ابراهیم صادقانه نبوده و دین ابراهیم با آیین آنان متفاوت بوده است: «وَ قَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (بقره/۱۳۵). بدین سبب است که حضرت ابراهیم در آسمان‌ها به مقام خلت الهی رسیده و در روی زمین الگو و اسوه عالمیان می‌گردد: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ» (ممتحنه/۴).

علاوه بر تعبیر اسو و الگو بودن پیامبران، در قرآن کریم از شناسایی با امام نیز سخن رفته است. مقام عظمای امامت پس از آزمون‌هایی که از حضرت ابراهیم علیه السلام گرفته می‌شود، به وی اعطا می‌گردد: «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا». چنین مقامی به هر کسی نمی‌رسد و حتی درخواست ابراهیم برای امامت ذریه خویش نیز با این پاسخ روبه‌رو می‌شود که: «قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» (بقره/۱۲۴).

وجه بارز دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی را در زمینه هم‌بستگی اجتماعی می‌توان در تأکید مشترک آنان بر جایگاه دین در عرصه اجتماعی دانست. اندیشمندان اسلامی با الهام از آموزه‌های دینی، دین را عامل اصلی پیوند و هم‌بستگی اجتماعی دانسته‌اند. چنین نگرشی در نزد اندیشمندان اسلامی از باور آنان به اهمیت و جایگاه دین در تنظیم زندگی سیاسی - اجتماعی حکایت دارد. از این جهت رویکرد آنان به نقش دین رویکردی هنجاری و ارزشی است. این رویکرد بر بایستگی نقش دین در عرصه اجتماعی و سیاسی تأکید می‌نماید. این دیدگاه‌ها را می‌توان در میان اندیشمندان مختلف اسلامی مشاهده کرد. کسانی چون فارابی، ابن سینا، ابن‌خلدون و بسیاری از اندیشمندان دیگر نقش دین را در این زمینه بررسی کرده‌اند.

فارابی فیلسوف برجسته قرن چهارم هجری، از جمله اندیشمندانی است که چنین رویکردی دارد. غایت اندیشه سیاسی فارابی را می‌توان تنظیم زندگی اجتماعی به سوی سعادت دانست. (فارابی، ۱۹۶۴م، ص ۷۸). چنین سعادت از طریق پیوند انسان با عالم قدسی فراهم می‌شود. از دیدگاه فارابی سعادت «غایت مطلوبی است که همه انسان‌ها مشتاقانه خواهان آن هستند و با تلاششان به سوی آن حرکت می‌کنند، زیرا سعادت کمال و برترین خیرات است و همه انسان‌ها خیرخواه و کمال طلب‌اند. بنابراین، فطرت کمال طلبی آنها را به سوی سعادت می‌کشاند.» (فارابی، ۱۴۰۳ق، ص ۵۲).

چنین سعادت را می‌بایست سعادت حقیقی دانست که از سعادت موهوم یا ظنی که به جاه و مقام دنیوی معطوف است، متمایز می‌باشد. چنین سعادت را فارابی سعادت موهوم در جامعه جاهلی می‌نامد. (فارابی، ۱۹۹۱م، ص ۱۳۱). از دیدگاه فارابی سعادت حقیقی تنها در مدینه فاضله محقق می‌شود؛ «اجتماعی که تعاون در آن موجب نیل به سعادت است، همانا اجتماع فاضل می‌باشد». (پیشین، ص ۱۱۷-۱۱۸). از این روست که فارابی در مباحث خویش به تحلیل ماهیت مدینه فاضله و آرا و عقاید آنها و مضادات آن در جوامع جاهله می‌پردازد. ماهیت شناسی جوامع مختلف از سوی فارابی با تحلیل ماهیت پیوند و هم‌بستگی اجتماعی در آنها نیز همراه است.

فارابی بر اساس مبانی نظری خود ماهیت مدینه فاضله را هم‌سویی و تطابق با عالم وجود و نظام هستی می‌داند. از این روست که وی تلاش می‌کند با سلسله هستی‌شناسی خود و تعیین چگونگی ارتباط انسان‌ها و جوامع بشری با منشأ و مبدأ خلقت، یک هستی‌شناسی ده مرتبه‌ای را برای عقول مطرح نماید. این مراحل ده گانه پیوند دهنده انسان زمینی یا به تعبیر وی «عالم مادون قمر» با خداوند می‌باشد. در این سلسله، عقل دهم یا عقل فعال قرار دارد که وجود تمامی موجودات مادون

قمر از وی صادر شده و از این جهت مدبر چنین جهانی است. در مدینه فاضله بشری نیز بدین سان شرط واقعی و بنیادین دست‌یابی به سعادت، پیوند خوردن با عقل فعال است. چنین پیوندی به واسطه رئیس اول که از عقل مستفاد برخوردار است، حاصل می‌شود.

رئیس اول به عنوان انسان کامل و جهت دهنده به جامعه انسانی با کسب فیوضات از عقل فعال با ذات الهی پیوند می‌خورد. با توجه به انعکاس تجلی عقل فعال ابتدا در عقل مستفاد و سپس در عقل متخیل رئیس اول، وی با نام‌های مختلفی یاد می‌شود. «پس به واسطه فیوضاتی که از عقل فعال به عقل منفعل او افزوده می‌شود، حکیم و فیلسوف و خردمند و متعقل کامل است، و به واسطه فیوضاتی که از او به قوه متخیله‌اش افزوده می‌شود، نبی و منذر است.» (پیشین، ص ۱۲۵).

هر چند در اندیشه فلسفی فارابی فیلسوف به عنوان انسان کامل و رئیس اول دریافت‌کننده فیوضات عقل فعال است، اما به منظور انتقال این پیام به انسان‌ها آنها را در قالب هنجارها و سنت‌ها ارائه می‌کند. از این جهت است که سنت یا دین شکل می‌گیرد. در این‌جا میان ماهیت پیام که از عقل فعال به رئیس اول به عنوان پیام‌آور افزوده می‌شود، با فلسفه که تجلی پیام عقل فعال در عقل مستفاد رئیس اول است و نیز دین که تجلی همان پیام در عقل متخیل رئیس است، وحدت و اتحاد حاصل می‌شود. حاصل چنین اتحادی تجلی‌های مختلف رئیس اول در نقش فیلسوف و نبی است. بدین جهت دین در کانون مدینه فاضله قرار می‌گیرد تا سعادت انسانی را تضمین نماید.

علاوه بر نقش کانونی دین در شکل‌گیری و ماهیت مدینه فاضله بشری، در تداوم چنین جامعه‌ای نیز نقش دین بسیار برجسته است. در این‌جا است که فارابی از «ملت»، که تعبیر دیگری از مدینه فاضله است، استفاده می‌کند. از آن‌جا که رئیس اول همواره وجود ندارد، پس ضروری است به منظور تداوم مدینه فاضله تدبیری اندیشیده شود. فارابی این امر را با سنخ‌شناسی رهبری جامعه انجام می‌دهد. (مهاجرنیا، ۱۳۸۰ش، ص ۲۴۸-۲۲۷).

رهبری مدینه فاضله پنج نوع طولی می‌باشد و با فقدان یکی نوبت به دیگری می‌رسد. با توجه به این‌که رئیس اول بنیان‌گذار مدینه فاضله است، پس رؤسای بعدی هر کدام تابع رئیس اول و سنت او خواهند بود و پس از وی آن را در جامعه حفظ خواهند نمود. پس از رئیس اول این شأن «رئیس مماثل» است که به رهبری جامعه بر اساس سنت‌ها و قواعدی که رئیس اول بنا نهاده است، اقدام نماید. رئیس مماثل مشابه رئیس اول است و در نتیجه آگاه به سنت‌ها و نوامیس بوده و در موارد لزوم می‌تواند آنها را تکمیل و اصلاح نماید. رئیس مماثل همان امام شیعی در تفکر اعتقادی فارابی

است. اما «رئیس سنت» و پس از وی «رؤسای سنت»، و در نهایت «رؤسای افاضل» هر کدام در شأن و منزلت خویش حافظ و مجری قوانین و سنت‌های رئیس اول هستند. و به این ترتیب دین به مثابه سنت رئیس اول و آن گونه که از عقل فعال به عقل متخیل نبی یا رئیس اول تجلی یافته است، نقشی کانونی در گونه‌های مختلف رهبری در مدینه فاضله دارد.

تقابل مدینه فاضله با مدینه‌های دیگر نشان می‌دهد که علت نقصان و جاهله بودن آنها انحراف از قوانین جهان هستی و ناسازگاری با آن است. نتیجه این عدم ناسازگاری بی‌توجهی به سعادت حقیقی و غلبه سعادت متوهم و ظنی در آنهاست. در مدینه‌های غیر فاضله که فارابی آنها را به عنوان مضادات مدینه فاضله در قالب سه مدینه اصلی جاهله، فاسقه، ضاله برشمرده است (پیشین، ص ۳۱۶)^۱، با فقدان محوریت سعادت حقیقی و آموزه‌های دینی (چه در نظر و چه در عمل)، مبنای مدینه، امور دنیوی می‌باشد. چنین مبنایی در اقسام فرعی مدینه‌های جاهله در جدول (۱) نمایش داده شده است. ابن سینا از دیگر حکمای اسلامی نیز به شیوه‌ای دیگر بر نقش کانونی دین در پیوند و هم‌بستگی اجتماعی تأکید کرده است. او در رساله «عیون الحکمه» عقل را فقط ملاک امور نظری می‌داند و مبادی اقسام سه‌گانه حکمت نظری را تنها با قوت عقلیه قابل درک دانسته و ارشاداتی را که در شرایع در این باب آمده است صرفاً منبّه می‌داند. اما در باب مسایل عملی و مبادی حکمت عملی معتقد است: «مبدأ این علوم سه‌گانه [حکمت مدنی و منزلی و خلقی] مستفاد از جانب شریعت الهی است و کمالات حدود آن با شریعت روشن می‌گردد و بعد از بیان شریعت قوه نظریه بشری به استنباط قوانین عملی پرداخته و استعمال آن قوانین را در جزئیات معین می‌سازد» (ابن سینا، مجموعه رسائل، ص ۳۰). چنین دیدگاهی تکالیف شرعی را در امور عملی ضروری می‌نماید.

بر اساس چنین نگرشی به نسبت عقل نظری و عقل عملی با شریعت، ابن سینا استدلال به قاعده عنایت را برای ضرورت نبوت به منظور تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها مطرح می‌سازد. از دیدگاه وی عنایت الهی به مقتضای حکیم بودن خداوند اقتضا می‌کند که خداوند نسبت به هدایت مردم و ارائه قوانین آسمانی و نیز مجری آسمانی که همان پیامبر می‌باشد، اقدام نماید. در حکمت اسلامی، تکلیف شرایع و ارسال رسل به عنایت الهی استناد شده است. بر اساس چنین استدلالی، بر

۱- البته فارابی برخلاف کتاب «السیاسه المدنیه»، در کتاب «آراء اهل المدینه الفاضله» از مدینه مبدله نیز سخن گفته است که حاصل تحول و تبدل مدینه فاضله می‌باشد. اما به نظر می‌رسد تبدل مدینه فاضله با رعایت معیار سعادت حقیقی، صرفاً به سه صورت جاهله (ناآگاه به سعادت حقیقی)، فاسقه (آگاه غیرعامل)، و یا ضاله (تحریف سعادت حقیقی) متحول می‌شود.

خداوندی که عنایت او مقتضای توجه به جزئی‌ترین نیازهای بشری است، لازم است برای هدایت انسان نیز اقدامی نموده باشد. انسان موجودی اجتماعی است که نیازهای او از طریق همکاری و تعاون با بنی نوع رفع می‌گردد و از این رو سنت و قانون عادلانه ضرورت پیدا می‌کند. این سنت گذار عادلانه باید از بنی نوع انسان باشد. از نظر ابن‌سینا «پس حاجت به این انسان در بقای نوع انسان و تحصیل وجودیش اشد از حاجت به رویانیدن مو بر پلک‌ها و ابروان و گود کردن کف پاها و منافع دیگری که در بقای نوع آدمی ضرورت ندارند، می‌باشند ... پس جایز نیست عنایت برتر [خداوند] چنین منافع را اقتضا نماید ولی این نفع را که اساس منافع است اقتضا ننماید.» (ابن سینا، ۱۳۶۴ش، ص ۳۰۴).

او در جای دیگر عنایت را چنین تعریف کرده است: «عنایت عبارت است از علم حضرت حق به تمام هستی و بر نظام ضروری آن، تا این‌که بر بهترین نظام ممکن باشد، و بر ضرورت صدور این هستی و نظام حاکم بر آن از ذات خداوندی و احاطه علم وی. در نتیجه، و بدون دخالت هیچ قصد و طلبی از جانب خداوند، «موجود» در جهان هستی با «معلوم» در علم الهی برابر و موافق خواهد بود. پس علم الهی به کیفیت صواب در ترتیب وجود کل، منبع فیضان و سرچشمه جریان خیر در همه آنها است.» (ابن‌سینا، الاشارات، ج ۳، ص ۳۱۸). بر اساس استدلال ابن‌سینا نیز مبنای هم‌بستگی در جامعه، دین و آموزه‌های دینی می‌باشد.

ابن‌خلدون دیگر اندیشمند اسلامی است که در زمینه مبنای هم‌بستگی اجتماعی سخن گفته است. او به منظور تأمل در احوال ملل و تحلیل تاریخی آنها ره‌یافت جدیدی را با الهام از تحلیل‌گرانی چون مسعودی ارائه نموده و علم عمران را تأسیس کرده است. به لحاظ تأسیس علم عمران به دست ابن‌خلدون وی بنیان‌گذار جامعه‌شناسی و مطالعات اجتماعی تجربی قلمداد شده است. مسئله و تمرکز اصلی علم عمران ابن‌خلدون را می‌توان مسئله عصبیت و چگونگی ظهور و زوال آن دانست که به نوبه خود به زوال یا پایداری جوامع می‌انجامد.

از دیدگاه وی جوامع به دو گروه بدوی و حضاری تقسیم می‌شود. مبنای تقسیم وی ماهیت عصبیت در دو جامعه است. مفهوم عصبیت در علم عمران ابن‌خلدون مفهومی کلیدی بوده و بیان‌گر ماهیت هم‌بستگی و پیوند اجتماعی است. در جامعه بدوی هم‌بستگی بسیار ساده و مبتنی بر روابط نسبی و خون است و زندگی اجتماعی فاقد پیچیدگی و سازمان‌یافتگی موجود در جوامع شهری و حضاری است. از دیدگاه ابن‌خلدون ابتدایی‌ترین نوع عصبیت یا عاطفه هم‌بستگی اجتماعی از این

میل غریزی انسانی سرچشمه می‌گیرد که می‌خواهد نسبت به خویشاوندان نزدیک خود مهربان باشد و از ایشان دستگیری و پشتیبانی نماید. از این میل غریزی هسته مرکزی گروه اجتماعی به وجود می‌آید. از این رو ویژگی بارز زندگی بدوی عصیبت مبتنی بر رابطه خویشاوندی است که بیشتر به وسیله عوامل خارجی حفظ می‌گردد؛ یعنی ضرورت همکاری و دفاع از خویشتن، احساس خویشاوندی را ایجاد می‌کند. (ر. ک: مهدی، ۱۳۵۸ ش، ص ۲۴۹-۲۵۳).

در بحث ابن‌خلدون، در فرایند تحول و دگرگونی زندگی بدوی به زندگی حضاری دین نقش اساسی ایفا نموده و مبنای جدیدی برای هم‌بستگی و عصیبت فراهم می‌آورد. اینان برای آن‌که بتوانند یک تمدن بزرگ بنا نهند یا امپراتوری بزرگی را تسخیر یا بنا نمایند نیاز به یک نیروی اضافی دارند تا نقایصشان را برطرف سازد و عصیبت ایشان را استحکام و اعتلا بخشد. این نیرو دین است. دین مانند هر علت اجتماعی دیگر، نیازمند به هم‌بستگی و عصیبت دارد تا قوام بگیرد. از این رو باید در میان گروهی برخیزد (و معمولاً هم برمی‌خیزد) که عصیبت نیرومندی داشته باشند تا از راه جنگیدن به تبلیغ آن پردازند. البته دین همواره چنین عصیبتی را فراهم می‌کند و با مطرح ساختن الگوهای جدید پیوستگی مبتنی بر ایمان به آیین مشترک و شعایر مشترک بین پیروان خود وحدت ایجاد می‌نماید. در این جاست که دین عصیبت تازه‌ای به وجود می‌آورد که همانا ایمان مطلق به اوامر شرع و اطاعت از شارع است. (پیشین، ص ۲۵۶-۲۵۷). به این ترتیب، در ساخته شدن تمدن، دین نقش اساسی را در تعریف روابط اجتماعی ایجاد می‌کند. ابن‌خلدون با الهام از سنت اسلامی سعی می‌کند ماهیت سیاست شرعی را نیز در عمران حضاری بررسی نماید.

مشابه بحث ابن‌خلدون را در نقش آفرینی دین در شکل‌گیری تمدن‌ها می‌توان در مباحث توینبی مورخ مشهور انگلیسی نیز یافت. او در فلسفه تاریخ خود فرایند ظهور و افول تمدن‌ها را بر اساس الگوی چالش و پاسخ تحلیل می‌نماید و قانون اساسی مطرح در این زمینه را ناتوانی تمدن‌های موجود در برابر چالش‌های ناشی از هجوم مهاجمان دانسته که در نتیجه با فروپاشی تمدن قبلی زمینه تأسیس تمدن جدید توسط مهاجمان و یا گسترش تمدن آنها فراهم می‌شود. این تمدن تا هنگامی که بتواند به چالش‌های پیش روی خود پاسخ دهد، پایدار خواهد بود و در غیر آن صورت، زمینه افول آن و ظهور تمدن جدید فراهم خواهد شد.

بحث مهم در فلسفه تاریخ توینبی در ارتباط با بحث حاضر، دیدگاه وی نسبت به نقش دین در قوام و شکل‌گیری تمدن‌هاست که بحث او را به ابن‌خلدون نزدیک می‌سازد. از دیدگاه وی در طول

تاریخ، هر تمدنی با دینی پیوند یافته و با الهام از آن توانسته است خود را منسجم نموده و همبستگی درونی در جامعه و تمدن خود ایجاد نماید.

اندیشه و دیدگاه‌های سیاسی امام خمینی را در باب همبستگی اجتماعی می‌بایست در بستر فکری و فرهنگی موجود بررسی کرد. همان‌گونه که بیان گردید، در سنت تفکر اجتماعی اسلامی و دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان دین نقش برجسته و تعیین‌کننده‌ای در پیوند اجتماعی دارد. چنین نقشی در سنت مسیحی نیز به شیوه دیگری مطرح شده است. اما دنیای غرب با طرح آموزه‌های مدرن تلاش نمود تا دین را از عرصه سیاسی - اجتماعی حذف نموده و به جای نمودهای دین آسمانی دین بشری را در قالب دین مدنی مطرح سازد. در کل، نگرش غرب به دین و احکام ادیان آسمانی نگرش سلبی بوده است و غرب در دوران سیطره و غلبه خود بر جهان اسلام تلاش نمود این نگرش را بر مسلمانان نیز تحمیل نماید. اما برخلاف غرب‌گرایان، احیای اسلام اسلامی که امام خمینی را می‌توان شخصیت بارز این جریان فکری - فرهنگی در تاریخ معاصر دانست، با چنین نگرشی مخالفت نموده و در نهایت بر بازگشت به پیام آسمانی اسلام و فعال‌سازی دین در عرصه عمومی تأکید نمودند. دیدگاه امام خمینی را در این زمینه می‌توان با مطالعه نگرش امام خمینی به مبنای هویت و همبستگی اجتماعی و رابطه دین و سیاست بررسی نمود.

۳- دین مبنای هویت و پیوند اجتماعی

در اندیشه و تفکر سیاسی امام خمینی هویت اجتماعی جامعه اسلامی بر اساس دین و آموزه دینی تعریف می‌شود. از این رو، وی از یک سو بر محوریت توحید و اتکال به خداوند برای وحدت جامعه اسلامی تأکید نموده و از سوی دیگر، گونه‌های دیگر وحدت و پیوند اجتماعی را نفی کرده است. ایشان در مبنای اتحاد و وحدت جامعه اسلامی بر موارد زیر تأکید نموده است:

الف) توحید کلمه و عقیده مقصد انبیا

از دیدگاه امام خمینی توحید کلمه و وحدت جامعه اسلامی غایت اصلی دعوت انبیای الهی بوده است. ایشان در ذیل حدیث نوزدهم کتاب چهل حدیث که در باب تحلیل غیبت می‌باشد، به مفاسد و آثار منفی اجتماعی غیبت می‌پردازد. برای این منظور ابتدا از مبانی وحدت جامعه اسلامی بحث نموده و گفته است:

«یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام، سلام الله علیهم که علاوه بر آن که خود مقصود مستقل است، وسیله پیشرفت مقاصد بزرگ و دخیل تام در تشکیل مدینه فاضله می‌باشد، توحید کلمه و توحید عقیده است، و اجتماع در مهام امور و جلوگیری از تعدیات ظالمانه ارباب تعدی است، که مستلزم فساد بنی‌الانسان و خراب مدینه فاضله است. و این مقصد بزرگ، که مصلح اجتماعی و فردی است، انجام نگیرد مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری، و افراد جامعه به طوری شوند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص دهند، و جمعیت به منزله یک شخص باشد و افراد به منزله باشد، و تمام کوشش‌ها و سعی‌ها حول یک مقصد بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی، که صلاح جمعیت و فرد است، چرخ زند. و اگر چنین مودت و اخوتی در بین یک نوع یا یک طایفه پیدا شد، غلبه کنند بر تمام طوایف و مللی که بر این طریقه نباشند.» (امام خمینی، ۱۳۷۸ ش).

در جای دیگر نیز بر اهمیت توحید در کلمه در بعثت انبیا اشاره نموده است. (امام خمینی، ج ۱۴، ص ۱۰۲).

ب) اسلام و حبل الله اساس وحدت و پیوند جامعه اسلامی

پس از بیان محوریت توحید کلمه، امام خمینی در موارد دیگر اساس وحدت در جامعه اسلامی را اسلام و حبل الله دانسته است. از نظر ایشان هر گونه اجتماعی از دیدگاه اسلام مطلوب نیست. اجتماع مورد نظر اسلام، اجتماع بر اوامر الهی و تمسک به حبل الهی است. ایشان با اشاره به آیه شریفه: «و اعتصموا بحبل الله جميعا و لا تفرقوا» اظهار می‌دارند که:

«در آیه فقط امر به اجتماع نیست، تمام دستوره‌های مردم عادی و رژیم‌های غیر الهی این است که همه با هم باشید و دستور به اجتماع است لکن دستور خدا دستور «و اعتصموا بحبل الله» است. این که مهم است این است که تنها این نباشد که همه با هم در یک امری مجتمع باشید و متفرق نباشید، امر این است که همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید. راه، راه حق باشد و توجه به حق باشد و اعتصام به راه حق باشد. انبیا نیامده‌اند که مردم را در امور با هم مجتمع کنند، انبیا آمده‌اند که همه را در راه حق مجتمع کنند. (پیشین، ج ۸، ص ۱۵۵؛ هم چنین ر. ک: پیشین، ج ۷، ص ۲۲۹).

امام خمینی در بیانی کلی‌تر مبنای وحدت را عمل به اسلام دانسته است: «شما همه یک مقصد دارید و آن این است که به آن چیزی که اسلام فرموده است برسید. امید است که برسید، انشاء الله، وقتی مقصد واحد باشد و مقصود همه یک مطلب باشد و آن اسلام.» (پیشین، ج ۱۹، ص ۲۹).

ج) فقدان وحدت، مهم‌ترین مشکل جهان اسلام

امام خمینی مشکل اساسی جهان اسلام را دوری از اسلام و عمل نکردن به این آیه شریفه می‌داند و معتقد است تا زمانی که به این امر الهی عمل نشده است، «باید مسلمین انتظار گرفتاری‌های بیشتر داشته باشند». (پیشین، ج ۷، ص ۱۷۶). هم چنین ایشان در جای دیگر به دعوت قرآن کریم به وحدت و پرهیز از اختلاف و نزاع اشاره می‌کند و وضعیت جهان اسلام را بر اساس آن سنجیده و اظهار می‌نماید:

«از مسائل مهم سیاسی قرآن دعوت به وحدت و منع از اختلاف است، با تعبیرهای مختلفی که در قرآن کریم هست، منع تنازع بین مسلمین و سران مسلمین است که نکته اش را هم فرموده است که «لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»، ما بررسی کنیم به این که آیا این دو اصل مهمی که دو اصل سیاسی مهم اسلامی است، در بین مسلمین چه وضعی دارد، آیا مسلمین اعتنایی کرده‌اند به این دو اصل و آیا تبعیتی کرده‌اند از این دو اصل مهمی که اگر اطاعت از آن بکنند، تمام مشکلات مسلمین حل می‌شود و اگر اطاعت نکنند فشل می‌شوند و رنگ و بویشان از بین می‌رود» (پیشین، ج ۱۶، ص ۳۶). تفرقه و عمل نکردن به اصول اسلامی در جهان اسلام سبب شده است که اجانب بر مسلمانان تسلط پیدا کنند و تا زمانی که این تفرقه و بیگانگی بین مسلمانان حاکم باشد سیطره غرب نیز تداوم خواهد یافت:

«اگر مسلمین وحدت کلمه داشتند، امکان نداشت اجانب بر آنها تسلط پیدا بکنند. این تفرقه در بین مسلمین است که باعث شده است که اجانب بر ما تسلط پیدا بکنند، این تفرقه مسلمین است که از اول با دست اشخاص جاهل تحقق پیدا کرد و الآن هم ما گرفتار هستیم. واجب است بر همه مسلمین که با هم باشند. یک زمان حساسی است، ما بین حیات و موت مردد هستیم. ما الآن مملکت‌مان یا باید تا ابد زیر یوغ استعمار و استبداد باشد یا باید الآن از این یوغ خارج بشود. اگر وحدت کلمه را حفظ نکنید تا آخر باید مبتلا باشید». (پیشین، ج ۵، ص ۳۷).

د) تلاش غرب برای از خود بیگانگی و وابسته کردن فرهنگی جامعه اسلامی

یکی از چالش‌های اساسی جهان اسلام در دوران اخیر غلبه تفکر و نگرش غربی بر اذهان برخی از حاکمان، فرنگ رفتگان و برخی از به اصطلاح روشن‌فکران جوامع اسلامی است. این امر سبب شده است تا مسلمانان راه پیشرفت و ترقی را صرفاً در پیروی از فرهنگ و تمدن غربی تلقی نمایند و در برابر غرب دچار از خود باختگی شده و از فرهنگ و سنت اسلامی بیگانه شوند. امام خمینی در

موارد مختلفی به این غرب زدگان و خود باختگان در برابر غرب اشاره نموده و غفلت آنها را از میراث عظیم و فرهنگ اصیل خودی مورد نقد قرار می‌دهد. در مواردی هم به نمونه‌هایی از این افراد اشاره می‌کند که چگونه در برابر غرب خود را باخته و مقلد غرب شده‌اند. در یکی از این موارد به کمال آتاترک در ترکیه می‌پردازد و ضمن بیان خاطره خود از سفر به ترکیه و مشاهده مجسمه کمال آتاترک، اظهار می‌دارد:

«آن دردی که برای ملت ما پیش آمده و الآن به حال یک مرض، یک مرض مزمن تقریباً هست این است که کوشش کرده‌اند غربی‌ها که ما را از خودمان بی‌خود کنند، ما را میان تهی کنند، به ما این طور بفهمانند و فهمانند که خودتان هیچ نیستید و هر چه هست غرب است و باید رو به غرب بایستید. آتاترک، در ترکیه من مجسمه او را دیدم، دستش این‌طور بالا بود، گفتند او دست را بالا گرفته رو به غرب که باید همه چیز ما غربی بشود. یکی از اشخاصی که در زمان رضاشاه و بعد از رضاشاه هم او بود و معروف هم بود، حالا من میل ندارم اسمش را ببرم، اولش هم معمم بود و بعد هم مکلا و بعد هم سنا و اینها راه داشت، آن هم گفته بود که همه چیز ما باید انگلیسی بشود. این‌طور نقشه بوده است، این‌طور طرح بوده است که ما را از - خودمان - بی‌خبر کنند و تهی کنند و به جای او یک موجود غربی درست کنند.» (پیشین، ج ۹، ص ۲۵).

ایشان به اهمیت فرهنگ در جامعه پرداخته و وابستگی فرهنگی را بسیار خطرناک و منشأ وابستگی‌های دیگر قلمداد نماید، زیرا اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می‌دهد. «استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشأت می‌گیرد و ساده اندیشی است که گمان شود با وابستگی فرهنگی، استقلال در ابعاد دیگر یا یکی از آنها امکان پذیر است. بی‌جهت و من باب اتفاق نیست که هدف اصلی استعمارگران که در رأس تمام اهداف آنان است، هجوم به فرهنگ جوامع زیر سلطه است.» (پیشین، ج ۱۵، ص ۱۶۰). سلطه فرهنگی غرب سبب شده بود که برخی در جهان اسلام همه چیز را با معیار فرهنگ غربی بسنجند. امام خمینی به انتقاد از چنین خود باختگی پرداخته و آن را امری مذموم می‌داند؛ «هی دم از غرب چقدر می‌زنید، چقدر میان تهی شدید! باید احکام اسلام را با احکام غرب بسنجیم! چه غلطی است» (پیشین، ج ۷، ص ۵۷). این خود باختگی سبب شده است که حتی شرقیان به مآثر بزرگان خویش نیز بی‌اعتنا باشند؛ مآثری که غربیان آنها را گرفته‌اند و از آن بهره می‌گیرند، اما شرقیان از آن بی‌خبرند و راه پیشرفت را

پیروی از غرب می‌دانند (پیشین، ج ۹، ص ۱۱). چنین وضعیتی به یک مرض مزمن در جهان اسلام تبدیل شده است و غربیان تلاش نموده‌اند که «ما را از خودمان بی‌خود کنند، ما را میان تهی کنند، به ما این‌طور بفهمانند و فهمانند که خودتان هیچ نیستید و هر چه هست غرب است و باید رو به غرب بایستید». (پیشین، ص ۲۵).

ه) ضرورت خودیابی و بازگشت به اسلام

شعار و دغدغه اصلی جریان احیای اسلامی در رویارویی با چالش و سیطره تمدن غربی بر جهان اسلام، بازگشت به اصالت اسلامی بوده است. برخلاف جریان غرب‌گرایی و باستان‌گرایی که هر دو نسبت به گذشته اسلامی ابراز تردید نموده و حتی در مواردی علل انحطاط و عقب ماندگی جهان اسلام را آموزه‌های اسلامی قلمداد نموده‌اند، احیای اسلامی با نشان دادن توانایی ذاتی اسلام به عنوان پیام الهی برای سعادت بشری، ریشه‌های انحطاط جوامع اسلامی را در عملکرد گذشته مسلمانان و جهل و بی‌خبری، خود باختگی، ورود خرافات به فرهنگ اسلامی، ارائه اسلام به صورت ناقص و جداسازی دین از عرصه سیاسی و مواردی از این قبیل دانسته‌اند. در واقع، از نظر آنان آن‌چه موجب انحطاط اصلی جوامع اسلامی بوده است، از دست رفتن اصالت اسلامی است که این امر آثار دیگری را در پی داشته است. از این رو دغدغه اصلی این جنبش‌ها بازیابی هویت اصیل اسلامی بوده است. امام خمینی نیز در راستای احیای اسلامی، بر اهمیت و ضرورت بازگشت به هویت اسلامی تأکید نموده است؛ «باید خودشان را پیدا کنند؛ یعنی بفهمند که خودشان یک فرهنگی دارند، خودشان یک کشوری دارند، خودشان یک شخصیتی دارند. این‌که در ذهن جوان‌های ما کرده‌اند که باید مثلاً فلان مکتب در این‌جا پیاده بشود، مکاتب شما چیزی نیستند، اینها همین تعلیماتی است که ابرقدرت‌ها در ایران پیاده کرده‌اند. آنها یک همچو فرهنگی را برای ما درست کردند که ما از خودمان بی‌خود بشویم و آنها تمام چیزی که ما داریم و حیثیتی که ما داریم ببرند. باید ما برگردیم به حال اول اسلام، باید مسلمین برگردند به همان حال که با جمعیت کم غلبه کردند بر همه قدرت‌ها». (پیشین، ج ۶، ص ۲۲۰).

مسلمانان باید «کوشش کنند تا وابستگی فکری خود را از غرب بزدایند و فرهنگ و اصالت خود را بیابند و فرهنگ مترقی اسلام را که الهام از روحی الهی می‌باشد بشناسند و بشناسانند». (پیشین، ج ۱۰، ص ۷۹).

«باید این فرم غربی برگردد به یک فرم اسلامی. تا حالا ما همه چیزمان را تقریباً باید بگوییم

غربی بود، همه چیز غربی بود. حالا باید بعد از این که ما دست آنها را کوتاه کردیم این طور نباشد که باز دنبال آنها باشیم، همه چیزهای خودمان را فراموش نکنیم و دنباله رو غرب یا دنباله رو شرق باشیم. باید ما توجه داشته باشیم که ما خودمان کی هستیم و چی هستیم و مملکت ما احتیاج به چی دارد و به کی دارد. اگر ما این وابستگی‌های معنوی را، این وابستگی‌هایی که جوان‌های ما را و دانشگاه ما را و همه چیز ما را به صورت غربی در آورده بود، اینها را اگر برگردانیم به حال خودش، و پیدا کردیم خودمان را، می‌توانیم یک ملت مستقل باشیم و یک ملت آزاد باشیم، پیوند به غیر نداشته باشیم و خودمان سر پای خودمان بایستیم و کارهای خودمان را خودمان انجام بدهیم.» (پیشین، ج ۹، ص ۱۱۰).

در فرایند بازگشت به اصالت اسلامی نیز مراکز علمی و دانشگاه‌ها که خود خاستگاه ورود اندیشه‌ها و افکار غربی بودند می‌بایست پیشگام باشند. فرهنگ غربی شست‌شوی مغزی مسلمانان را در پی داشت و اینک لازم بود تا آثار آن از مغز و اندیشه مسلمانان زدوده شده و فرهنگ اسلامی جای‌گزین آن شود:

«اول چیزی که بر ملت لازم است و بر دانشگاه‌ها لازم است و بر دانشکده‌ها لازم است و بر همه ملت لازم است این است که این مغزی که حالا شده است یک مغز اروپایی یا یک مغز شرقی، این مغز را بر می‌دارند یک مغز انسان خودمانی، انسانی ایرانی - اسلامی، همان طور که آنها شست‌وشو کردند مغزهای ما را، مغزهای بچه‌های ما را و به جای مغز خودشان مغز دیگری را نشانند، ما هم حالا عکس‌العمل نشان بدهیم و شست‌وشو کنیم مغز خودمان و بچه‌های خودمان را و یک مغز اسلامی - انسانی جایش بنشانیم تا از این وابستگی فرهنگی و وابستگی فکری بیرون بیاییم.» (پیشین، ص ۱۶۷).

البته چنین بازگشتی برخلاف دیدگاه سلفی گرایان بازگشت صرف و بدون تأمل در گذشته و حال نبوده است. امام خمینی همواره بر اساس اجتهاد مبتنی بر زمان و مکان تلاش نمود تا از دستاوردهای بشری استفاده نماید. از این رو اصالت اسلامی به معنای بازگشت به اصول و ارکان تفکر اجتهادی اسلامی می‌باشد. امام خمینی چنین شیوه‌ای را در اجتهاد سنتی جواهری یافته بود و به آن توصیه می‌نمود. به تعبیر آیت الله خامنه‌ای:

«فقه صاحب جواهر، به معنای دقت و اتقان کامل در قواعد فقهی و استنتاج منظم فروع از همان قواعدی است که در فقه و اصول مشخص شده است. این فقاقت، دو رکن دارد، که رکن اول آن،

اصول معتدل و قوی و آگاه به همه جوانب استنباط است، و رکن دوم، تطور فقه می‌باشد و همان چیزی است که امام در معنای اجتهاد و مجتهد و فقیه می‌فرمودند و تأکید داشتند که مجتهد و فقیه باید با دید باز بتواند استفهام‌ها و سؤال‌های زمانه را بشناسد.» (سخنرانی مقام معظم رهبری در مراسم بیعت هزاران تن از طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم و روحانیون بیست کشور جهان، ۱۳۶۸/۳/۲۲).

از این جهت حضرت امام علیه السلام مخالف نشان دادن اسلام را با تمدن، نادرست می‌داند:

«آنهایی که می‌خواهند عیب‌گیری کنند می‌گویند که اسلام با همه تمدن‌ها مخالف است، این اشتباه است، اسلام با هیچ تمدنی مخالف نیست... با تمدن، اسلام مخالف نیست، با دلبستگی و محدود شدن مخالف است... دلبستگی را مخالف است... همه مظاهر تمدن را انبیا قبول دارند لکن مهيار شده، نه مطلق و رها». (امام خمینی، پیشین، ج ۸، ص ۶۳).

و) تعارض قومیت و ملی‌گرایی با مبنای هم‌بستگی اسلامی

ملیت و قوم‌گرایی به عنوان یکی از تأثیرات انقلاب فرانسه، با حمله ناپلئون به مصر و اشاعه ایده‌ها و آموزه‌های غربی در جهان اسلام، وارد سرزمین‌های اسلامی گردید و در فرایند حرکت‌های بخشی در جهان اسلام به شیوه‌های مختلفی گسترش یافت. نخستین نمود این جریان را به صورت سازمان یافته می‌توان در ترکیه یافت که ترکان جوان با طرح ایده پان‌ترکیسم سرزمین اسلامی ترکیه را از دیگر نقاط جهان اسلام جدا نمودند. به تدریج ایده ناسیونالیسم به عنوان بخشی از فرایند استعماری ایجاد تفرقه و جدایی میان امت اسلامی در دیگر سرزمین‌های اسلامی مطرح شد. در کشورهای عربی، پان‌عربیسم ناصری و گرایش‌های ناسیونالیستی حزب بعث نمود بارزی داشت. (ر.ک: احمدی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۳۰-۸۵). نتیجه و تأثیر عملی ملی‌گرایی از یک سو به حاشیه رانده شدن هویت اسلامی و از سوی دیگر، تجزیه جهان اسلام به بخش‌های کوچک ملی بود.

در واکنش به چنین گرایش‌هایی در جهان اسلام و به منظور خنثی‌سازی توطئه استعمارگران، امام خمینی در راستای احیای اسلامی خویش و به منظور بیدارسازی امت اسلامی، به افشای ماهیت ملی‌گرایی پرداخته و بر ناسازگاری و تضاد آن با آموزه‌های اسلام و منافع مسلمانان تأکید نمود و در بیانی صریح اظهار نمود که امت اسلام بارها از ملی‌گرایی سیلی خورده است.

«آنهایی که می‌گویند ما ملیت را می‌خواهیم احیا بکنیم، آنها مقابل اسلام ایستاده‌اند، اسلام آمده است که این حرف‌های نامربوط را از بین ببرد. افراد ملی به درد ما نمی‌خورند، افراد مسلم به درد ما می‌خورند. اسلام با ملیت مخالف است. معنی ملیت این است که ما ملت را می‌خواهیم و ملیت را می‌خواهیم و اسلام را نمی‌خواهیم.» (امام خمینی، پیشین، ج ۱۲، ص ۲۷۴).

از نظر ایشان ملی‌گرایی «بر خلاف دستور خداست و بر خلاف قرآن مجید است. ما که می‌گوییم جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی، برای این‌که از آن امامزاده ما معجزه‌ای ندیدیم!» (پیشین، ص ۱۱۰). ایشان بین حب وطن که با اسلام سازگار است و ملی‌گرایی که موجب تفرقه و تجزیه جهان اسلام است تفکیک قائل شده و معتقد است:

«حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور مسئله‌ای است که در آن حرفی نیست و ملی‌گرایی در مقابل ملت‌های مسلمان دیگر، مسئله دیگری است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم ﷺ بر خلاف آن است و آن ملی‌گرایی که به دشمنی بین مسلمین و شکاف در صفوف مؤمنین منجر می‌شود بر خلاف اسلام و مصلحت مسلمین و از حیل‌های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می‌برند.» (پیشین، ج ۱۳، ص ۸۱).

این ملی‌گرایی برخلاف دعوت انبیای الهی هم می‌باشد، زیرا:

«این ملی‌گرایی که به این معناست که هر کشوری، هر زبانی بخواهد مقابل کشور دیگر و زبان دیگر بایستد، این آن امری است که اساس دعوت پیغمبرها را به هم می‌زند. پیغمبرها که از اول تا ختمشان آمده‌اند مردم را به برادری، به دوستی، به اخوت دعوت کرده‌اند، در مقابل آنها یک قشرهای تحصیل کرده در دامن غرب یا شرق آمده‌اند و ندانسته، اکثراً ندانسته و بعضی هم دانسته قضیه ملی‌گرایی را پیش کشیده‌اند.» (پیشین، ج ۱۵، ص ۲۷۸).

بدین سبب است که ایشان اظهار می‌نماید: «ما اسلام را می‌خواهیم و از ملی‌گرایی سیلی خورده‌ایم» (صحیفه نور، ۱۲: ۲۵۶) یا «ملی‌گرایی اساس بدبختی مسلمین است.» (پیشین، ج ۱۲، ص ۲۸۰). زیرا «این ملی‌گرایی، ملت ایران را در مقابل سایر ملت‌های مسلمین قرار می‌دهد.» (پیشین، ص ۲۸۰). از این رو کسانی که با شعار ملیت و ملی‌گرایی بین مسلمانان تفرقه می‌اندازند، «لشکرهای شیطان و کمک کارهای به قدرت‌های بزرگ و مخالفین با قرآن کریم هستند.» (پیشین، ج ۱۳، ص ۲۲۵).

البته در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام ملی‌گرایی می‌تواند به شکل مثبت و قابل قبول نیز مطرح شود؛ «ملی به معنای صحیحش، نه آن‌چه امروز در مقابل اسلام عرض اندام می‌کند.» (پیشین، ج ۲۱، ص ۱۹۲). از این روست که ملیت ایرانی به صورت صحیح قابل تعریف است: «ملت ایران یک ملت مسلم است، ملت ایران شعارشان اسلام است، شعارشان دیانت است.» (پیشین، ج ۲، ص ۱۲۰). از این منظر می‌توان گفت امام خمینی ملیت را به عنوان یک واقعیت اجتماعی در جهان اسلام پذیرفته است، اما سعی می‌کند ماهیت و اصالت اسلامی را به ملت‌های مسلمان برگرداند. (ر.ک: فوزی تویسرکانی، تابستان ۱۳۷۹).

۴- هم‌بستگی اجتماعی و ابعاد سیاسی اسلام

دین به عنوان مبنای هم‌بستگی و هویت جمعی جامعه اسلامی کارکردهای مهمی در عرصه سیاسی - اجتماعی دارد. از این جهت در اندیشه سیاسی امام خمینی دین پیوند وثیقی با سیاست داشته و آموزه سکولاریسم یا جدایی دین از سیاست نفی می‌شود. از دیدگاه امام خمینی دین الهی جامعیت دارد: «دین الهی دارای دستورات جامعی است که کلیه ابعاد مادی و معنوی بشر را شامل می‌شود؛ تعالیمی که علاوه بر فنی ساختن انسان در بعد روحانی در مادیات هم او را غنی می‌سازد». (امام خمینی، پیشین، ج ۵، ص ۲۴۰). ایشان برداشت‌های محدود از دین را از محدودیت نگرش انسان‌ها ناشی می‌داند؛ «از دین اسلام و بعثت رسول اکرم ﷺ برداشت مختلفی است، چنان‌چه از انسان هم برداشت‌های مختلفی می‌باشد. هر دیدی محدود به حدود آن کسی است که آن دید را دارد. انسان موجودی است محدود، انسان غیر متناهی در کمال غیرمتناهی در جلال و جمال دید غیر متناهی دارد و او می‌تواند از اسلام و از انسان برداشت صحیح بکند». (پیشین، ج ۱۲، ص ۱۷۵). از این رو محدود سازی دین به بعد یا عرصه خاصی نادرست و خلاف واقع است.

«نسخه تربیت اسلام که قرآن باشد نامحدود است؛ نه محدود به عالم طبیعت است و نه محدود به عالم غیب و نه محدود به عالم مجرد است همه چیز است. بنابراین نباید گمان شود که اسلام آمده است برای این که این دنیا را اداره کند یا آمده است فقط برای این که مردم را متوجه آخرت سازد. نوع انسان در خسارت است مگر آنان که در حصار دین و ایمان و تربیت انبیا وارد شوند. (پیشین، ص ۱۶۸-۱۷۵).

ایشان دین اسلام را چنین معرفی می‌کند: «حقیقت دین اسلام این است که همه مسایل مربوط به زندگی بشر را و آنچه مربوط به رشد و تربیت انسان و ارزش انسانی می‌باشد را داراست. اسلام همه چیز را گفته است لکن اشکال بر سر مسلمین است.» (پیشین، ج ۱۶، ص ۱۴). با توجه به جامعیت دین اسلام از نظر ایشان، تفکیک دین از سیاست و محدودسازی اسلام به عرصه معنوی صرف نادرست خواهد بود:

«دین احکام معنوی دارد و بسیاری از احکامش سیاسی است، دین از سیاست جدا نیست البته در اذهان بسیاری از اهل علم و بیشتر مقدسین این است که اسلام به سیاست چه کار دارد، اسلام و سیاست جداست، دین علی حده است، سیاست علی حده، اینها اسلام را نشناخته‌اند... مگر سیاست

چیست؟ روابط بین حاکم و ملت، اسلام احکام سیاسی اش بیشتر از احکام عبادی است. اسلام در مقابل ظلمه ایستاده است، حکم به قتال داده، حکم به کشتن داده، در مقابل کفار و این احکام باید اجرا شود.» (پیشین، ج ۲، ص ۲۳۳-۲۴۲).

هم چنین محدود ساختن دین به تصدی امر قانون گذاری نیز از دیدگاه امام خمینی پذیرفته نیست. ایشان سخنان برخی را در زمینه محدود سازی دین به بعد قانون گذاری و واگذاری اجرا به خود مردم، با مبنای اسلام و معتقدات اولیه اسلامی مخالف می داند، زیرا در هیچ اجتماعی جعل صرف قانون به تنهایی سعادت نمی آورد، بلکه باید بعد از تشریح قانون، قوه مجریه ای به وجود آید؛ «اسلام همان طور که جعل قوانین کرده است قوه مجریه قرار داده، ولی امر، متصدی قوه مجریه است. در زمان رسول اکرم ﷺ این طور نبود که فقط قانون را بیان و ابلاغ کنند بلکه آن را اجرا می کردند. رسول الله ﷺ مجری قانون بود، مثلاً قوانین جزایی را اجرا می کرد، دست سارق را می برید، حد می زد، رجم می کرد. خلیفه برای همین امور است. (امام خمینی، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۵).

امام ریشه سوء برداشتهای ارائه شده از اسلام را ناشی از ناآگاهی افراد می داند؛ «یکی از مصیبت ها این است که [کسی که] نمی داند اسلام با سین است یا با صاد، از اسلام بی اطلاع است از مدارک اسلام بی اطلاع است... خیال می کنند حالا که مثلاً انقلاب شده باید در اسلام هم انقلاب بشود. اینها می خواهند اساس اسلام را از بین ببرند و احکام اسلام را نابود کنند.» (امام خمینی، ج ۱۳، ص ۱۸۰). از این روست که ایشان بر تمسک به فقه سنتی که بر اساس اجتهاد مبتنی بر زمان و مکان و قابلیت پاسخ گویی به تمامی نیازهای جامعه امروز پایه ریزی شده است، وصیت می نماید؛ «من اکنون به ملت های شریف و ستم دیده و به ملت عزیز ایران توصیه می کنم دست از فقه سنتی که بیان گر مکتب رسالت و امامت و ضامن رشد و عظمت ملت هاست، ذره ای منحرف نشوند.» (پیشین، ج ۲۱، ص ۱۷۳).

بر اساس تعاریف و تفاسیری که امام خمینی از دین مبین اسلام ارائه می کند و با توجه به تأکید ایشان بر محوریت دین در هویت بخشی به جامعه اسلامی، دین می بایست دینی جامع و مشتمل بر ابعاد سیاسی - اجتماعی زندگی بشری نیز باشد. از این جهت محدود سازی دین به بعد فردی یا عبادی آن با ماهیت اسلام ناسازگار خواهد بود. چنین دینی می تواند به صورت مطلوب هم بستگی اجتماعی مسلمانان را در پی داشته و زمینه سعادت بشری را در زندگی این جهانی و اخروی فراهم نماید.

نتیجه گیری

الگوی انسجام اجتماعی در طول تاریخ دچار تحولات جدی بوده است. در گذشته بیشتر دین نقش جدی در انسجام اجتماعی داشته است. با پیدایش اندیشه‌های مدرن، نقش کانونی دین در انسجام اجتماعی دچار دگرگونی گشته و الگوهای جدید جای‌گزین دین شد. ناسیونالیسم از جمله مفاهیم جدیدی بود که در طول قرن نوزدهم و بیستم به تدریج جانشین دین در غرب گردید. اما در اندیشه اسلامی، دین معیار هویت و وحدت بخش در جامعه بوده و مهم‌ترین نماد و شاخص دینی در شخص امام تجلی یافته و انسان‌ها با شناسایی امام خویش وحدت می‌یابند.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آگوستین، یاسپرس، انتشارات خوارزمی، تهران.
- ۳- ابن سینا، الاشارات.
- ۴- النجاة، المكتبة المرتضوية، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۴ ش.
- ۵- مجموعه رسائل.
- ۶- احمدی، حمید، ریشه‌های بحران در خاورمیانه، انتشارات کیهان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
- ۷- امام خمینی، چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- ۸- صحیفه نور، ج ۲، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۲۱.
- ۹- ولایت فقیه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۰- بابی، سعید، هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۱- بهروز لک، غلامرضا، «روسو و دین مدنی»، نامه مفید، س ۸، ش ۳۲، آذر و دی ۱۳۸۱.
- ۱۲- «هابز و دین مدنی»، فصلنامه دانش پژوهان، اسفند ۱۳۸۲.
- ۱۳- بازارگاد، بهاء‌الدین، تاریخ فلسفه سیاسی، انتشارات زوار، تهران، ج ۱، ۱۳۴۸ ش.
- ۱۴- روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی، ترجمه مرتضی کلانتریان، نشر آگه، تهران، ۱۳۷۹ ش.

- ۱۵- طباطبایی، سید جواد، ولایت مطلقه پاپ، مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۶- فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله، تحقیق دکتر البیر نصری نادر، دارالمشرق، بیروت، ۱۹۹۱ م.
- ۱۷- السیاسه المدنیه، تحقیق و تعلیق دکتر فوزی متری نجار، مطبعة الكاثولیکیه، بیروت، ۱۹۶۴ م.
- ۱۸- تحصیل السعاده، تحقیق دکتر جعفر آل یاسین، دارالاندلس، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۹- فوزی تویسرکانی، یحیی، «امام خمینی و هویت ملی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۴، تابستان ۱۳۷۹ ش.
- ۲۰- لوئیس، برنارد، زبان سیاسی اسلام، ترجمه غلامرضا بهروزلک، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۸ ش.
- ۲۱- مهاجرنیا، محسن، اندیشه سیاسی فارابی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۰ ش.
- ۲۲- مهدی، محسن، فلسفه تاریخ ابن خلدون، ترجمه مجید مسعودی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۸ ش.
- ۲۳- یاسپرس، کارل، نیچه و مسیحیت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، نشر سخن، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- 24- Durkheim, Emile, the Division of Labor in Society, New York: the Free Press, 1964.



اهمیت استراتژیکی و نقش ژئوپلتیکی کشورهای اسلامی در وحدت مسلمین

ع.ر. امیردهی

چکیده

انسجام اسلامی را می‌توان از زوایای مختلف بررسی نمود. در این نوشتار با نگاه به ویژگی‌های استراتژیکی و اهمیت ژئوپلتیکی کشورهای اسلامی، به وحدت مسلمانان اشاره می‌شود. پتانسیل موجود در مناطق مسلمان‌نشین، عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی ویژه که در اختیار مسلمانان است اگر به درستی به کار گرفته شود، بر عظمت و عزت مسلمانان افزوده و زمینه سوء استفاده دشمنان اسلام را از بین خواهد برد. با توجه به این اهداف، در این نوشتار، بدون هیچ پیش‌فرضی، به ویژگی‌های استراتژیکی کشورهای همانند نیجریه، یمن، موریتانی، گینه، قزاقستان، عمان، کامرون، ترکیه، تونس، بنگلادش، بروئی، بحرین و الجزایر، اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: کشورهای اسلامی، اهمیت استراتژیکی، ژئوپلتیک کشورهای اسلامی، انسجام اسلامی، وحدت مسلمانان.

مقدمه

کشورهای اسلامی که دارای مناطق و عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی نادر و ویژه هستند، می‌توانند نقش ارزنده‌ای در وحدت مسلمانان ایفا کنند. به نظر می‌رسد اگر مسلمانان به ویژگی‌های استراتژیکی و اهمیت ژئوپلتیکی کشورهای اسلامی بیشتر پی ببرند می‌توانند به جایگاه بلندتری از اتحاد و هماهنگی دست یابند. گرچه مفهوم انسجام اسلامی و راه‌های دستیابی به آن در کتاب‌ها و مقالات نوپدید به صورت مکرر و از زوایای گوناگون بررسی شده است، اما در میان آنها مجموعه

مطالبی که بر بعد اهمیت استراتژیکی کشورهای اسلامی تأکید کند و از این زاویه به کنکاش انسجام اسلامی بپردازد، ملاحظه نمی‌گردد؛ از این رو، جا دارد مسئله وحدت و یک‌پارچگی امت اسلامی از این زاویه بررسی گردد و مسلمانان از این طریق پایه‌های انسجام را محکم‌تر و عوامل و زمینه‌های تفرقه را از بین ببرند.

آنچه که در پی می‌آید، بازگویی بخشی از ویژگی‌های استراتژیکی کشورهای همانند نیجریه، یمن، موریتانی، گینه، قزاقستان، عمان، کامرون، ترکیه، تونس، بنگلادش، برونئی، بحرین و الجزایر می‌باشد، که با وجود تفاوت‌های قومی، نژادی، زبانی و فرهنگی میان آنها، نقاط مشترک فراوانی دارند که می‌تواند حلقه وصل میان همه آنها باشد.

علاوه بر اشتراک دینی، بهره‌مندی این کشورها از موقعیت‌های ویژه جغرافیایی، منابع و مواهب فراوان طبیعی می‌تواند زمینه‌های انسجام آنان را فراهم کند. البته آگاهی و هوشیاری مسلمانان در این باره نقش ویژه‌ای دارد، که البته نباید به آن اکتفا کرد بلکه باید از طریق شناسایی موارد ویژه، دشمن کینه‌جو و تفرقه‌افکن را در دست‌یابی به اهداف شوم خود، مأیوس کرد. با این هدف، برخی از موقعیت‌های استراتژیک بعضی از کشورهای اسلامی - که از پراکندگی جغرافیایی برخوردار بوده و به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند - بیان می‌گردد:

نیجر

جغرافیای سیاسی و جایگاه استراتژیکی آن

سرزمین پهناور نیجر در همسایگی کشورهای مهمی هم‌چون نیجریه، الجزایر، لیبی و در مرکز نیمه شمالی قاره آفریقا قرار گرفته که از یک سو ارتباط دهنده کشورهای عرب شمال با کشورهای سیاه زیر صحرا و از سوی دیگر، پل ارتباطی بین شرق و مرکز آفریقا با غرب آن است. این ویژگی خاص جغرافیایی به جایگاه سرزمین نیجر در منطقه، اهمیت خاصی بخشیده به طوری که این کشور از دیرباز مورد نظر قدرت‌های بزرگ به خصوص فرانسه (کشور استعمار کننده آن) قرار گرفته است.

واقع شدن سرزمین نیجر در شمال کشور بزرگ و استراتژیک نیجریه که گول آفریقا لقب گرفته و قرار گرفتن آن در جنوب دو کشور مهم عربی، یعنی لیبی و الجزایر، باعث طمع‌ورزی قدرت‌های خارجی نسبت به این کشور شده است. به طور قطع، نفوذ و یا تسلط بر سرزمین نیجر، به معنای نفوذ

در کل منطقه، کنترل شمال آفریقا و کشور قدرت‌مند نیجریه می‌باشد که با توجه به جریان‌های سیاسی موجود در نیجریه و وجود منابع نفتی آن و دشمنی آمریکا با لیبی، این سرزمین جایگاه استراتژیک خاصی پیدا نموده است.

هم‌چنین وجود منابع سرشار اورانیوم، طلا، نفت، آهن، فسفات، پلاتین و غیره اهمیت این کشور را دوچندان نموده است. وجود صحرای‌های لم یزرع و وسیع جهت هر گونه آزمایشات هسته‌ای یا دفن زباله‌های اتمی همواره به اهمیت جایگاه سرزمین نیجر در نزد قدرت‌های بزرگ افزوده است. (علی‌بخشی، ۱۳۸۱، ص ۲۱). جمعیت حدود دوازده میلیون نیجر با تنوع ملی، نژادی و زبانی می‌تواند با وحدت و یک‌پارچگی، نقش تعیین‌کننده‌ای در منطقه آفریقا ایفا کند.

یمن

۱- اهمیت استراتژیکی یمن در منطقه و نقش تعیین‌کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و

منابع طبیعی

یمن یکی از حاصلخیزترین مناطق شبه جزیره عربی به شمار رفته و به علت دارا بودن موقعیت خاص جغرافیایی و بنادر و جزایر مهم، در طول تاریخ مد نظر استعمارگران بوده و صفحات تاریخ این کشور را حوادث گوناگون پر کرده است. این کشور از لحاظ استراتژیکی دارای اهمیت ویژه‌ای است، زیرا یمن جنوبی در بخش شمال غربی و شمال شرقی «باب‌المنذب» قرار گرفته و این تنگه بین دریای سرخ و اقیانوس هند واقع شده و نزدیک‌ترین آبراه بین شرق و غرب می‌باشد. این کشور یکی از نقاط حساس استراتژیکی مورد نظر شرق و غرب است. یمن با تسلط بر تنگه «باب‌المنذب» قادر به کنترل دریای سرخ بوده و حتی می‌تواند آن را با در اختیار داشتن جزیره مهم و استراتژیکی «بریم» ببندد. این جزیره تنگه «باب‌المنذب» را به دو بخش آبراه شرقی به نام «باب‌الاسکندر» و آبراه غربی به نام «میون» تقسیم کرده است.

وجود بعضی جزایر با ویژگی‌های استراتژیکی، بر اهمیت آنها می‌افزاید. علاوه بر جزیره «بریم»، جزیره «زقر» که در فاصله ۲۹ کیلومتری یمن قرار داشته و بلندترین نقطه آن ۶۵۲ متر از سطح دریا ارتفاع دارد، امکان کنترل و مراقبت فعالیت‌های دریایی آن نقطه را میسر می‌سازد.

جزیره «کمران» نیز دارای اهمیت استراتژیکی است. هم‌چنین، جزیره «جبل‌الطیر» به خاطر اشراف بر آبراه منطقه دارای اهمیت ویژه‌ای است. جزایر دیگری نیز وجود دارد که دارای اهمیت

استراتژیکی است. به طور کلی با توجه به موقعیت تاکتیکی و استراتژیکی این جزایر می‌توان از آنها برای مقاصد نظامی و جهت کنترل کشتیرانی در دریای سرخ استفاده نمود. عوامل دیگری که بر اهمیت این کشور می‌افزاید عبارت است از:

۱- نزدیکی این کشور به شاخ آفریقا، که در نیمه دوم قرن حاضر، کشمکش‌های ابرقدرت‌ها در این منطقه، بر حساسیت موقعیت آن افزوده است.

۲- محاصره «باب المندب» از سوی نیروهای ارتش مصر در جنگ پنج روزه سال ۱۹۶۷ یک تجربه تاریخی برای رژیم اشغالگر قدس بود؛ از این رو امنیت یمن برای آن رژیم دارای اهمیت ویژه است.

۳- امنیت یمن که از قسمت شمال با عربستان دارای مرزهای مشترک است برای عربستان سعودی از نظر تولید و صدور نفت دارای اهمیت می‌باشد و حمایت عربستان سعودی از سلطنت‌طلبان در برابر جمهوری خواهان که دولت مصر از آنها حمایت می‌نمود، در طول سال‌های ۱۹۶۲-۱۹۷۰، به علت ترس از نفوذ مصری‌ها در جنوب و برهم زدن آرامش منطقه بوده است.

۴- وجود سواحل طولانی در دریای سرخ و دریای عرب و نیز وجود بنادر مهمی مانند عدن، حدیده و فحاء، بر اهمیت استراتژیکی یمن افزوده است.

۲- اهمیت عامل انسانی

یمن با داشتن جمعیتی بیش از پانزده میلیون نفر، پرجمعیت‌ترین کشور شبه جزیره محسوب می‌شود. بیشتر مردم یمن را افراد قبایل مسلح و جنگ‌وجو تشکیل می‌دهند و از این رو دولت یمن می‌تواند در موارد ضروری بیش از یک میلیون نفر از نیروهای مردمی به استعداد ده لشکر را به سرعت بسیج نماید، که این مسئله برای عربستان سعودی نگران‌کننده است، زیرا برای او این کار به آسانی میسر نیست.

۳- اهمیت عامل اقتصادی

این کشور با داشتن سواحل طولانی در دریای سرخ و دریای عرب، می‌تواند برای سرمایه‌گذاری جهت صید ماهی سودمند باشد و علاوه بر این، یمن دارای منابعی است که تا کنون به علت فقر مالی

شدید و جنگ‌های طولانی با استعمارگران و نیز جنگ‌های ممتد داخلی، فرصت استفاده و بهره‌برداری از آنها را به دست نیاورده است. کشف نفت در مرزهای مشترک یمن و عربستان سعودی نیز موجب بروز درگیری‌هایی بین دو کشور شده است. دولت عربستان سعودی در صدد ضمیمه کردن مناطق نفت‌خیز یمن به خاک خود می‌باشد. وجود آثار باستانی و مناطق طبیعی بی‌نظیر در این کشور می‌تواند زمینه سرمایه‌گذاری را برای صنعت توریسم فراهم نماید.

۴- اهمیت عامل فرهنگی

کشور یمن آثار باستانی و میراث فرهنگی بسیاری دارد که در قرآن مجید نیز به بعضی از آنها اشاره شده است و در سال‌های اخیر کاوشگران مشغول بیرون آوردن این آثار از زیر خاک می‌باشند. همچنین وجود کتابخانه‌هایی مملو از کتاب‌های با ارزش خطی، بر اهمیت فرهنگی این کشور افزوده است. (کریملو، ۱۳۷۴، ص ۲۹-۳۱).

با توجه به موقعیت‌های ویژه، اعم از منابع طبیعی، عامل انسانی و عوامل دیگر اقتصادی و فرهنگی، شایسته است که مسلمانان یمن علاوه بر حفظ وحدت داخلی، به وحدت بیشتر با همسایگان فکر کنند و با اقتدار بیشتر، مانع نفوذ قدرت‌های بیگانه به ویژه رژیم صهیونیستی در منطقه گردند.

موریتانی

جغرافیای سیاسی و موقعیت استراتژیکی

موریتانی که نام رسمی آن جمهوری اسلامی موریتانی می‌باشد به عنوان پنجمین کشور منطقه صحرا چه از نظر وسعت و چه از نظر ترتیب به حساب می‌آید. با توجه به نقشی که موقعیت جغرافیایی و عوامل آن بر روند و شکل‌گیری سیاست خارجی یک کشور دارد می‌توان اهمیت استراتژیک موریتانی را در سه بخش بررسی نمود؛ بخش اول مربوط به موضوع عربیت موریتانی است. موریتانی به عنوان یک کشور مسلمان و مدعی عربیت، در منتهی‌الیه مرزهای کشورهای عربی در حاشیه غربی آفریقا قرار دارد. به عبارت دیگر، مرزهای جنوبی موریتانی با سنگال که یک کشور مسلمان نشین ولی غیر عرب است، محل بروز اشکالاتی برای آن کشور شده است که اختلافات موجود بین سیاهان و مورها (اعراب) در موریتانی که

به شکل محسوس نشأت گرفته از تحریکات سنگال است یکی از آن مشکلات عمده به شمار می‌رود.

کشور سنگال نیز در غرب آفریقا قرار دارد و از ناحیه شمال با کشور موریتانی همسایه است و بیشتر ساکنان آن را سیاهان تشکیل می‌دهند. دو کشور سنگال و موریتانی از نظر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی به هم پیوسته‌اند. اتباع دو کشور، به علت وجود مرزهای مشترک و کمبود آب و امکانات محدود، زندگی مشترک داشته و از امکانات یک‌دیگر استفاده می‌کنند.

اتباع موریتانی و سنگال در منطقه‌ای به نام «دیوارا» جهت استفاده از رود مشترک در مرز دو کشور با یک‌دیگر نزاع و اختلاف داشته‌اند که حوادث خونینی در این مورد به وقوع پیوسته است و این حوادث خونین باعث شده که دو کشور نتوانند آن‌گونه که باید، از رودخانه سنگال و هم‌چنین پتانسیل‌های موجود دو کشور به صورت بهینه، بهره‌برداری اقتصادی نمایند.

بخش دوم اهمیت استراتژیک موریتانی مربوط به همسایگی این کشور با صحرای غربی است که به هر تقدیر مسئله‌ای گذراست و در شرایط فعلی جغرافیای موریتانی را دارای اهمیت بسیار نموده است. جمهوری دموکراتیک صحرا در مرزهای جنوبی با موریتانی همسایه است و دولت استعمارگر اسپانیا پس از خروج از صحرای غربی در حدود ۲۵ سال پیش آن سرزمین را بین مغرب و موریتانی تقسیم نمود. عدم توانایی نظامی موریتانی در حفظ این منطقه و حضور نیروهای نظامی پولیساریو با حمایت الجزایر در آن موجب شد دولت موریتانی با عقد قرارداد با مقامات صحرا استقلال آن کشور را به رسمیت بشناسد؛ ولی این واقعه بیشتر از آن‌که مورد بهره‌برداری مردم صحرا واقع شود به سود مغرب تمام شد و ادعای ارضی مغرب نسبت به صحرای غربی تا مرزهای موریتانی توسعه یافت. بندر اقتصادی و ماهی‌گیری نوادهیبو که از نظر صادرات سنگ آهن و ماهی‌گیری برای موریتانی دارای اهمیت حیاتی است در حاشیه شرقی همین شبه جزیره واقع بوده و بندرگوترا واقع در حاشیه غربی این شبه جزیره بنا بر توافق اعلام نشده‌ای بین مغرب و موریتانی، عملاً در اختیار موریتانی بوده است. گسترش دامنه جنگ در صحرا و بروز مسئله‌ای به نام احداث دیوارهای نظامی مغرب در صحرا تا مرزهای موریتانی، در حال حاضر به مرزهای موجود بین این دو کشور اهمیت ژئوپلیتیکی بخشیده است. به عبارت دیگر، در شرایط حاضر تنها معبر باقی مانده و مؤثر برای تداوم حیات سیاسی و نظامی پولیساریو، ارتباط این جبهه با دریا از طریق همین منطقه می‌باشد.

جریان‌های مطرح شده، به موقعیت جغرافیایی موریتانی در معادلات سیاسی منطقه اهمیت ویژه بخشیده است. ترکیب جمعیتی مردم موریتانی به رغم کمی جمعیت آن کشور قابل توجه است. این جمعیت، از اعراب (مورها) و سیاهان تشکیل شده است و این دوگانگی به جهت وابستگی هر کدام از این نژادها به فرهنگ‌های عربی و آفریقایی مورد بهره‌برداری استعمار می‌باشد و مسیحیت تحت استیلای استعمار سعی می‌کند از طریق عوامل وابسته به خود، از این واقعیت موجود جهت تضعیف و تحدید جهان اسلام استفاده نماید.

بخش سوم اهمیت استراتژیک موریتانی مربوط به عضویت این کشور در مجموعه‌ای است که به مغرب عربی، شهرت یافته است. مغرب که خود را وارث حکومت اسلامی در غربی‌ترین ثغور اسلام می‌داند ابتدا با استقلال موریتانی به عنوان یک کشور مجزا مخالفت می‌نمود، ولی در عمل، پیش از استقلال موریتانی آن‌را به رسمیت شناخت. مدارکی که مغرب برای انضمام موریتانی به کشورش ارائه داد در حقیقت همان مدارکی است که مستند عضویت این کشور در مجموعه کشورهای مغرب عربی محسوب می‌شود. در سال ۱۹۸۴ به ابتکار و رهبری الجزایر قراردادی بین الجزایر و تونس به امضا رسید که بعداً موریتانی نیز به آن پیوست.

این قرارداد به اعتباری گام نخست در ایجاد مغرب بزرگ عربی محسوب می‌شود. به هر شکل، عضویت و حضور موریتانی در این منطقه و در این قرارداد این کشور را وارد معادلاتی کرد که در حال حاضر یکی از حساس‌ترین جریان‌های جاری منطقه محسوب می‌گردد. (امیرشاهی، ۱۳۷۴، ص ۱۱-۹).

چنان که ملاحظه شد، کشور مسلمان موریتانی با جایگاهی که در منطقه دارد اگر نتواند انسجام اسلامی را در داخل کشور و در بیرون با همسایگان، گسترش دهد، نه تنها خود از کاروان پیشرفت و کمال عقب می‌ماند بلکه موانعی در راه اتحاد و قدرت‌مندی کشورهای مسلمان منطقه ایجاد خواهد کرد. آیا وقت آن نرسیده که مسلمانان با درک واقعیت‌های موجود، به توافق و زندگی مسالمت‌آمیز روی آورند؟

گینه

جمهوری گینه مستعمره سابق فرانسه (۱۸۹۸-۱۹۵۸)، نخستین کشور منطقه آفریقای حاره فرانسه زبان بود که در دوم اکتبر ۱۹۵۸ م. با «نه گفتن» به رفراندوم پیشنهادی دوگل به استقلال دست

یافت و در واقع جزء پیش‌قراولان استقلال آفریقا است. دین رسمی مردم گینه اسلام است و اکثریت قاطع مردم از آیین فقهی مالکی تبعیت می‌کنند. آمارهای رسمی حدود ۹۵٪ جمعیت را مسلمان می‌داند، ولی تحقیقات محلی و شواهد نشان می‌دهد که حدود ۹۸٪ جمعیت مسلمان هستند. (مسائلی، ۱۳۷۴، ص ۳۵).

اهمیت استراتژیک کشور در منطقه

هر چند جمهوری گینه کشور کوچکی است و به لحاظ سیاست‌های گذشته تقریباً در انزوای بین‌المللی نیز بوده است، ولی به دلیل وجود برخی استعدادها طبیعی و بروز تحولات جدید در منطقه غرب آفریقا، جایگاهی نسبتاً استراتژیک یافته است. مهم‌ترین ابعاد موقعیت استراتژیک این کشور می‌تواند در چند محور عمده تقسیم‌بندی شود:

۱- موقعیت جغرافیایی

گینه با کشورهای گینه بیسائو، سنگال، مالی، ساحل عاج، لیبیریا و سیرالئون همسایه است. بنابراین بروز هر گونه تحول در هر یک از این کشورها نمی‌تواند فاقد تأثیر بر کشورهای دیگر باشد. همان‌گونه که بحران جاری سیرالئون و لیبیریا به گونه‌ای نزدیک و انکارناپذیر با موقعیت این کشور پیوند خورده است. عموم تحلیل‌گران مسائل منطقه معتقدند به لحاظ محوریت جغرافیایی گینه در میان کشورهای منطقه غرب آفریقا چنان‌چه تحولات هر یک از این دو کشور بحرانی به سود شورشیان تمام شود آثار حاصل از آن از گینه فراتر رفته و کشورهای دیگر همسایه را به نوعی بی‌ثباتی خواهد کشاند.

حدود سیصد کیلومتر مرز آبی با اقیانوس اطلس علاوه بر این‌که کشور گینه را از ذخایر آبی سرشاری برخوردار نموده و پای کشورهای دیگر، حتی پاره‌ای از کشورهای آسیایی، را به قصد صید به این منطقه باز نموده، حکم گذرگاهی را یافته است که از طریق آن بخشی از کالاهای وارداتی کشورهای محروم از دسترسی به دریای آزاد، از طریق آن تأمین می‌شود.

شبکه آبی گسترده و وجود رودهای بزرگ و پر آبی مانند رود نیجر، رود گامبی، سنگال و فاتالا ظرفیت بالقوه بالایی به این کشور بخشیده است. طبیعتاً ایجاد هر مانعی در مسیر جریان آب این‌گونه رودها، آثار منفی زیان‌باری برای چهارده کشور غرب آفریقا خواهد داشت که این شبکه آبی بزرگ به آنها جلوه حیات و فعالیت اقتصادی می‌بخشد.

۲- موقعیت اقتصادی

وجود ذخایر بزرگ زیرزمینی به ویژه بوکسیت و آهن و همچنین ذخایر گران بهایی مانند الماس و طلا که بیش از نیم قرن است پای کشورهای خارجی را جهت استخراج آن به این کشور باز نموده است، مهم‌ترین عامل در تمایل سیاسی کشورهای با نفوذ به ویژه فرانسه جهت حفظ ثبات و جلوگیری از بروز ناآرامی در این کشور می‌باشد. طبیعتاً کشوری که حدود یک سوم ذخایر بوکسیت جهان را، آن هم با بالاترین کیفیت، در خود جای داده است، چهره استراتژیک ملموس‌تری دارد، به ویژه هنگامی که با کیفیت‌ترین ذخایر آهن و دیگر فلزات گران بها را نیز در انحصار خود داشته باشد.

۳- موقعیت فرهنگی

مهم‌ترین شاخصه فرهنگی گینه وجود اکثریت قاطع جمعیت مسلمان این کشور است. علاوه بر آن، وابستگی عمیق مردم به فرهنگ دینی خود عملاً با سرنوشت تاریخی کشور عجین می‌باشد. تعیین تاریخ و تکوین کشور گینه، با مبارزات اعتقادی و جهاد پیش‌قراولان مسلمان علیه کفار که ساکنین اولیه سرزمین گینه بوده‌اند ارتباط می‌یابد. همچنین، مبارزات گسترده مسلمانان گینه علیه استعمار فرانسه جزء ارکان اصلی تاریخ فرهنگی سیاسی این کشور تلقی می‌شود.

امروزه گینه یکی از پایگاه‌های مهم و ناشناخته اسلام در آفریقا است و قدرت خود را در مقابله با جریان‌های مخالف اسلام به نمایش گذاشته است.

۴- موقعیت سیاسی

هر چند گینه با همسایگان غربی و شمالی خود مشکل خاصی نداشته است، اما رابطه آن با کشور مقتدر شرقی، یعنی ساحل عاج، که از مهم‌ترین پایگاه‌های فرانسه در غرب آفریقا می‌باشد، همواره تیره بوده و رهبران دو کشور (دست‌کم تا قبل از مرگ هوفت بوئی رئیس جمهوری ساحل عاج) در مسائل سیاسی، با یک‌دیگر نوعی ستیز و مقابله داشته‌اند. دامنه این ستیز تا جایی است که از طریق بحران لیبریا آنها را به طور رسمی به رویارویی با یک‌دیگر کشانده است. شارل تیلور از سوی ساحل عاج تقویت و حمایت می‌شود و الحاج کور، وزیر اطلاعات ساموئل دوکه، با تشکیل یولیمو که یکی از

پایه‌های اصلی نیروهای متخاصم لیبریا را تشکیل داده و دارای گرایش‌های اسلامی است، مورد حمایت گینه است.

دولت گینه از آغاز بروز بحران در لیبریا و سپس در سیرالئون همواره نقش فعالی را در جهت حل بحران به ویژه از طریق جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا ایفا نموده است. نیروهای نظامی گینه با عضویت در اکوموگ نه تنها حضوری تقریباً ثابت در لیبریا دارند، بلکه در پس راندن شورشیان سیرالئون نیز دولت والتین استروسز را یاری می‌نمایند. در جهت همین سیاست کلی «تلاش برای حل بحران و استقرار صلح و آرامش» است که رهبری گینه از یک سو نقش فعال و مثبتی در نشست‌ها و گفت‌وگوهای کشورهای غرب آفریقا داشته و از سوی دیگر، کوناکری گذرگاه سفرها و مرکزیتی برای گفت‌وگوهای نمایندگان کشورهای منطقه شده است. (مسائل، پیشین، ص ۳۱-۳۳). گینه، با موضع‌گیری‌های نسبتاً قابل قبول، توانسته است در جهت استقرار صلح و هم‌دلی میان کشورهای منطقه نقش مثبتی ایفا نماید. البته تداوم آن، می‌تواند جایگاه این کشور را در منطقه مستحکم نموده و موقعیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ویژه‌ای را برای آن فراهم نماید.

قزاقستان

جمهوری قزاقستان در بخش میانی قاره اروپا - آسیا و شمال آسیای مرکزی و در سواحل شرقی دریای خزر تا مرز جمهوری خلق چین قرار دارد. قزاق‌ها مسلمان سنی مذهب و پیرو مکتب حنفی بوده و در قلمرو مرکز روحانی آسیای میانه و قزاقستان قرار دارند.

اهمیت استراتژیک کشور در منطقه

جمهوری قزاقستان به علت وجود منابع سرشار زیرزمینی، به خصوص نفت و گاز و موقعیت استراتژیک و ممتاز، در بین کشورهای منطقه از اهمیت خاصی برخوردار است. وسعت زیاد سرزمین، داشتن مرزهای طولانی با دو قدرت بزرگ منطقه، یعنی روسیه و جمهوری خلق چین، و داشتن بیش از ۲۳۲۰ کیلومتر ساحل در بخش شرقی و شمالی دریای خزر از ویژگی‌های خاص این جمهوری به شمار می‌رود. این جمهوری به عنوان پل ارتباطی بین آسیای مرکز، اروپا و شرق آسیا، نقش قابل ملاحظه‌ای در صحنه روابط بین الملل ایفا می‌نماید.

این کشور پس از استقلال، با توجه به میراث اتمی شوروی سابق و با در اختیار داشتن بیش از ۱۸۰۰ کلاهک اتمی یک‌باره به عنوان چهارمین قدرت هسته‌ای جهان مطرح گردید. هر چند پس از پیوستن به پیمان استارت و نیز پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به تدریج از جرگه کشورهای دارای سلاح هسته‌ای خارج شد، ولی باز با در اختیار داشتن پایگاه‌های فضایی بایکنور (محل پرتاب سفینه‌ها و فضاپیماهای بزرگ و سرنشین‌دار شوروی سابق و مهم‌ترین پایگاه فضایی در زمان حکومت شوروی) که هنوز هم محل اختلاف آلمانی و مسکو می‌باشد و داشتن ذخایر بزرگ اورانیوم، همچنان می‌تواند به عنوان یک قدرت هسته‌ای در منطقه مطرح باشد.

نقش تعیین‌کننده هریک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

وسعت خاک قزاقستان که بزرگ‌ترین کشور در میان جمهوری‌های شوروی سابق بعد از روسیه می‌باشد، داشتن وسیع‌ترین ساحل در دریای خزر، وجود منابع متنوع و غنی معدن هم‌چون نفت، گاز، اورانیوم، طلا و زغال سنگ، و موقعیت خاص جغرافیایی، توجه بسیاری از کشورها به خصوص دولت‌های منطقه را برای ایجاد روابط هر چه بیشتر با این کشور و سرمایه‌گذاری در آن جلب نموده است، به طوری که از همان ابتدای استقلال، سیل سرمایه‌گذاران غربی به این کشور سرازیر شده است و این روند با توجه به تحکیم موقعیت و ثبات سیاسی این کشور، رو به افزایش است.

باتوجه به رقابت و تنش‌های تاریخی و عمیق غرب، به خصوص آمریکا، با روسیه و چین که در حال حاضر به جنگ تجاری و اقتصادی تبدیل گردیده است، جمهوری قزاقستان برای سرمایه‌گذاران غربی یک امتیاز برجسته و یک موقعیت ویژه و برتر محسوب می‌گردد. (ابوالحسنی، ۱۳۸۲، ص ۲۸-۲۷).

اگر موقعیت به وجود آمده برای قزاقستان در منطقه به خوبی مورد بهره‌برداری مسلمانان قرار گیرد و جمهوری‌های تازه به استقلال رسیده شوروی سابق با هم‌دلی و همکاری بیشتر به فکر پیشرفت و ترقی مردم مسلمان باشند و از اغواهای شیطانی قدرت‌های بزرگ بر حذر باشند، آینده‌ای روشن در پیش روی مردم منطقه قابل تصور خواهد بود.

عمان

۱. اهمیت استراتژیک کشور عمان در منطقه

اهمیت استراتژیکی کشور «سلطنت‌نشین عمان»، علاوه بر وجود شبه جزیره «مسندم» و کرانه‌های جنوبی تنگه هرمز، مربوط به موقعیت ویژه این کشور در غرب اقیانوس هند است. عمان دارای جزایر استراتژیک زیادی در طول سواحل خود می‌باشد که مهم‌ترین آنها جزیره بزرگ «مصیره» و جزایر «کوریا و مورییا» است. شبه جزیره «مسندم» بر تنگه هرمز و خطوط کشتیرانی بین‌المللی در این ناحیه مسلط بوده و یکی از نقاط حساس و سوق الجیشی جهان به حساب می‌آید. این منطقه از سلسله کوه‌های سخت و قله‌های تیز و بلند تشکیل یافته که بلندترین نقطه آن بالغ بر ۱۸۰۰ متر می‌باشد.

حاکمیت دولت عمان بر بخش جنوبی تنگه هرمز، این کشور را از نظر استراتژیکی در شرایط ویژه‌ای قرار می‌دهد که اهمیت آن برای همه کشورهای منطقه و حتی برای کشورهای خارجی که به نحوی به نفت و بازارهای منطقه خلیج فارس وابستگی دارند، انکارناپذیر است. به همین جهت آمریکا در این منطقه دارای پایگاه و امکانات وسیعی است و عملاً بر این آبراه بین‌المللی نظارت دارد. جزیره «مصیره» نیز که در قسمت جنوب شرقی شبه جزیره عربستان در مقابل ساحل عمان قرار دارد موقعیت سوق الجیشی بسیار مهمی داشته و از دیرباز پایگاه نظامی انگلیس بوده است. طبیعت جغرافیایی این جزیره که از زمین‌شنی و سنگلاخی تشکیل شده است، به تأسیس فرودگاهی مهم در آن کمک می‌کند. نیروی هوایی انگلیس در سال ۱۹۵۸ در قسمت شمالی آن پایگاهی تأسیس نمود. این جزیره از سال ۱۹۷۵ تحت نفوذ آمریکا درآمده و نیروهای «واکنش سریع» از آن استفاده می‌کنند.

جزایر «کوریا و مورییا» در نزدیکی کرانه‌های شمال شرقی ظفار در دریای عرب واقع شده است. این جزایر در سال ۱۹۷۶ با انجام همه‌پرسی از ساکنین جزایر و تمایل آنها، به سلطان عمان واگذار گردید، اما یمن جنوبی (سابق) از ادعای مالکیت بر آن دست برداشت.

۲. نقش تعیین‌کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

موقعیت کوهستانی بخش جنوبی تنگه هرمز امکان دفاع بهتر از این کشور را برای دولت عمان فراهم می‌نماید. به علاوه، در باریک‌ترین قسمت جنوب شبه جزیره «مسندم» که در حدود

یک کیلومتر پهنا دارد، می‌توان با حفر کانالی، با خلیج فارس و دریای عمان ارتباط دریایی برقرار کرد و در صورت اجرای چنین طرحی، از اهمیت تنگه هرمز، برای حمل و نقل دریایی خلیج فارس به شدت کاسته خواهد شد و دولت عمان از این نظر نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای به دست خواهد آورد.

همچنین وجود تمام بنادر عمان در دریای عمان و عرب که به دور از اغتشاش‌های درون خلیج فارس قرار دارد برای این کشور امتیازی محسوب می‌شود و امکان دارد کشورهای جنوبی خلیج فارس به صادرات نفت خود از طریق بنادر عمان به وسیله احداث خط لوله تشویق شوند که در این صورت از اهمیت خلیج فارس نیز کاسته خواهد شد.

گرچه بخش جنوبی تنگه هرمز جمعیت چندانی ندارد و بیشتر، نیروهای دولتی در آن مستقر هستند، ولی همین گسیختگی سرزمین و دو بخش بودن قلمرو عمان می‌تواند در حفظ تمامیت ارضی کشور اشکال ایجاد کند. به هر صورت، فقدان راه زمینی مستقل بین سرزمین اصلی عمان و شبه جزیره مسندم در صورت بروز بحران می‌تواند مانعی بر سر راه اعمال حاکمیت مطلقه رژیم عمان بر این بخش از کشور باشد. به علاوه، به خاطر همین جدایی سرزمین، چنان‌چه در شرایط خاص، قدرت‌های خارجی حاکمیت عمان را بر بخش جنوبی تنگه هرمز به مصلحت خود ندانند به راحتی می‌توانند وسیله جدا شدن این بخش را از سرزمین عمان فراهم آورند، به خصوص در صورتی که رژیمی مخالف با منافع این قدرت‌ها در این کشور زمام امور را به دست گیرد.

خشکی سرزمین و کمبود منابع آبی از عواملی است که باعث ضعف اقتصادی عمان و وابستگی آن از نظر غذایی به خارج شده است. (یگانه، ۱۳۷۴، ص ۱۳-۱۴).

با این وصف، عمان به عنوان یک کشور اسلامی می‌تواند در راستای همکاری با کشورهای مسلمان منطقه تلاش نموده و موقعیت استراتژیکی مسلمانان را افزایش دهد و با وحدت و تعامل بیشتر با همسایگان، از نفوذ قدرت‌های بیگانه در منطقه بکاهد.

کامرون

اهمیت استراتژیکی کشور در منطقه و جهان

جمهوری کامرون از جمله کشورهای واقع در منطقه غرب آفریقا است که در مقایسه با دیگر

کشورهای این منطقه دارای ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی است. اخبار منتشره در مورد کامرون از تلاش مقامات این کشور در اتخاذ موضع صلح طلبی و دوری از مناقشات منطقه‌ای حکایت دارد که حاصل آن امنیتی است که شرایط را برای فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی، به ویژه در بخش سرمایه‌گذاری خارجی آماده نموده است. برگزاری موفقیت آمیز اجلاس سران فرانسه - آفریقا در یائونده در ژانویه ۲۰۰۱ نیز نشان‌دهنده امنیت و توانمندی سیاسی این کشور در قاره آفریقا می‌باشد.

همچنین عضویت کامرون در سازمان کنفرانس اسلامی، شورای امنیت سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر نشان‌دهنده جایگاه ویژه این کشور به عنوان یکی از کشورهای مطرح در بعد منطقه‌ای و جهانی می‌باشد. کامرون از جمله کشورهای تولیدکننده نفت نیز می‌باشد. لازم به ذکر است که بندر دوآلا به عنوان مرکز اقتصادی این کشور، محلی آشنا برای بازرگانان خارجی بوده و با داشتن زیرساخت‌های مناسب اقتصادی، نقش مهمی در تجارت منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای ایفا می‌کند.

بندر دوآلا که دارای زیرساخت‌های لازم در حمل و نقل و ترانزیت کالا بوده و یکی از مهم‌ترین بنادر غرب آفریقا محسوب می‌شود، برای کشورهای هم‌چون آفریقای مرکزی و چاد که در خشکی محصور هستند، دارای اهمیت است. (ملکی، ص ۸۷)

تونس

جغرافیای سیاسی

تونس به دلیل موقعیت جغرافیایی و سیاسی خود در شمال آفریقا، نقش مهمی را در سیاست کلی آفریقا و کشورهای عربی بر عهده دارد. این سرزمین کوچک از یک سو در جناح راست کشورهای عرب قرار داشته و جزء میانه‌روها محسوب می‌شود و مخالف نظریات افراطی پاره‌ای از کشورهای عربی می‌باشد، و از سوی دیگر، یک کشور آفریقایی و از اعضای سازمان وحدت آفریقا، کنفرانس اسلامی، غیرمتعهدها و همچنین عضو اتحادیه مغرب عربی بوده و تلاش می‌کند با ممالک این قاره روابط حسنه داشته باشد و به علت قرار گرفتن در حوزه دریای مدیترانه، در معادلات این منطقه وارد می‌گردد. همچنین، به علت موقعیت خاص جغرافیایی و نزدیکی با ایتالیا، در جهت عبور لوله‌های گاز از الجزایر به آن کشور دارای موقعیت ترانزیتی مطلوبی است.

تونس از نظر وسعت، کشور کوچکی است، که با مساحت ۱۶۴۱۵۰ کیلومتر مربع یکی از کشورهای آفریقای شمالی را تشکیل می‌دهد.

این کشور از نظر موقعیت سوق الجیشی و ژئوپلتیک در منطقه حساسی از جهان واقع شده است. تونس در شمال آفریقا در ساحل جنوبی دریای مدیترانه قرار گرفته و از نظر تجاری و بازرگانی دارای اهمیت فراوانی می‌باشد. به طور کلی، آفریقای شمالی به لحاظ موقعیت جغرافیایی آن از گذشته مورد طمع قدرت‌های وقت بوده است؛ راه دریایی دریای مدیترانه باعث شده که قدرت‌های استعماری سعی کنند برای استحکام سلطه خویش بر این منطقه، از جمله کشور تونس، از یک‌دیگر سبقت بگیرند. بنابراین، بیشترین اهمیت ژئوپلتیک تونس مربوط به موقعیت آن در جنوب دریای مدیترانه می‌باشد.

دریای مدیترانه از گذشته تا کنون از اهمیت فوق‌العاده استراتژیک برخوردار بوده است. امروزه دریای مدیترانه و به خصوص غرب آن، برای کشورهای بزرگی چون آمریکا و فرانسه و به درجات پایین‌تری، برای اسپانیا دارای اهمیت ویژه ژئوپلتیک است. دریای مدیترانه سه قاره و دو اقیانوس را به هم پیوند داده و یکی از مهم‌ترین دریاهای جهان شناخته می‌شود که علاوه بر تراکم جمعیت و وجود فرهنگ‌ها و نظام‌های مختلف سیاسی، اقتصادی پیرامون آن، با بهره‌گیری از حدود ۱۱۲۰۰ کیلومتر ساحل، تبدیل به نظامی‌ترین منطقه دنیا شده است و امروزه قوای دریایی چند کشور صنعتی مانند آمریکا، انگلستان و ایتالیا در آن حضور دائمی دارند. دریای مدیترانه، جلوه‌گاه رقابت شرق و غرب و تقابل ممالک صنعتی بوده و به دلیل اهمیت آن، پایتخت همه کشورهای این منطقه در ساحل آن ایجاد شده است. در قرن نوزدهم، مدیترانه ویژگی خاصی برای مبادلات بین‌المللی امپراطوری انگلیس داشت و در عصر حاضر نیز منافع قدرت‌های بزرگ، مدیترانه را به دریایی بین‌المللی تبدیل کرده است؛ بنابراین کشورهای سواحل دریای مدیترانه نیز از اهمیت استراتژیک و ژئوپلتیک فراوانی برخوردار می‌باشند.

واقع شدن تونس در ساحل این دریا سبب گردید که بنادر بنزرت و حلق الوادی و شهر بندری تونس اهمیت بسیار یابند. وجود این بنادر، از یک سو بر اهمیت این کشور از نظر ایجاد ارتباط با کشورهای اروپایی شمال دریای مدیترانه، یعنی ایتالیا، اسپانیا و فرانسه می‌افزاید و از سوی دیگر، برقراری روابط بین این کشور و دیگر کشورها را در تمامی زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و تجاری تسهیل می‌کند. هم‌چنین، این مسئله زمینه نفوذ فرهنگ غربی را در این کشور فراهم آورده است.

تونس گرچه در مقام مقایسه با کشورهای آفریقایی، از نظر وسعت، سی و چهارمین کشور قاره آفریقا به حساب می‌آید، اما به لحاظ موقعیت ژئولیتیک آن مورد توجه خاص قدرت‌ها می‌باشد، به گونه‌ای که ژول فری نخست وزیر اسبق فرانسه از تونس به عنوان «کلید خانه فرانسویان» یاد می‌کند. (امیرشاهی، پیشین، ص ۱۵-۱۶).

در چنین موقعیتی جا دارد دیگر کشورهای اسلامی، به ویژه همسایگان تونس، ارتباط صمیمانه‌ای با یکدیگر و به ویژه با تونس داشته باشند تا با درک حساسیت و اهمیت جغرافیای سیاسی خود، به رشد اقتصادی و سیاسی منطقه کمک نموده و قدرت‌های غربی را در بهره‌وری رایگان از موقعیت‌های ژئولیتیکی منطقه ناکام گذارند.

ترکیه

جغرافیای سیاسی

این کشور که امروز با نام جمهوری ترکیه شناخته می‌شود، در گذشته آسیای صغیر نامیده می‌شد. نوع حکومت ترکیه جمهوری پارلمانی و پایتخت آن شهر آنکارا می‌باشد که در قسمت آسیایی ترکیه قرار گرفته است. از نظر تقسیمات سیاسی، ترکیه دارای ۸۲ استان می‌باشد که چهار استان در ترکیه اروپا و بقیه در ترکیه آسیا واقع شده است. شاید بتوان ترکیه را از معدود کشورهای خاورمیانه دانست که نه تنها مشکل آب ندارد، بلکه در صدد صدور آن نیز می‌باشد.

اهمیت استراتژیک کشور در منطقه

اهمیت استراتژیک ترکیه را می‌توان از چند جهت بررسی نمود:

الف) ترکیه به عنوان پلی بین دو قاره اروپا و آسیا واقع شده است و اروپا را به منطقه استراتژیک خاورمیانه متصل می‌سازد.

ب) وجود نفت در منطقه خاورمیانه و بحران‌های متعدد، شرایطی را ایجاد کرده که بر اهمیت ترکیه در نظر غرب افزوده است.

ج) موقعیت جغرافیایی ترکیه به شکلی است که دریای سیاه را از طریق تنگه‌های بسفر و داردانل و دریای مرمره به دریای اژه و دریای مدیترانه وصل می‌نماید. ترکیه در ترانزیت کالاهای مصرفی

اروپا به کشورهای خاورمیانه نیز نقش مهمی را ایفا می‌نماید. عضویت ترکیه در ناتو به علت وحشت از شوروی در دهه ۵۰ نیز یکی دیگر از عوامل اهمیت آن در منطقه است.

د) ترکیه در حال حاضر در میان مناطق بحرانی قفقاز و آسیای مرکزی، عراق و اکراد و کشورهای اروپای شرقی قرار گرفته است و همین موضوع باعث توجه بیشتر کشورهای غربی به ترکیه شده است.

ه) مسئله «همسایگی» ترکیه خود باعث بروز مشکلات داخلی برای این کشور بوده است. در واقع می‌توان گفت ترکیه با تمام کشورهای همسایه خود دارای مشکلاتی بوده که این امر بیشتر به وجود مشکلات در دستگاه سیاست خارجی آن کشور باز می‌گردد و همین امر باعث به وجود آمدن معضلات امنیتی برای این کشور شده است. ترکیه با یونان بر سر ادعای مالکیت بر جزایر واقع در دریای اژه و خط ساحلی و منطقه قبرس در یک منازعه جدی به سر می‌برد، که این مشکل حتی به داخل ناتو نیز کشیده شده بود. مشکل آنکارا با ایروان نیز یک مشکل جدی می‌باشد. دولت ترکیه با کشورهای عراق و سوریه همیشه بر سر مسئله آب و مسئله اکراد درگیر بوده است و این دو مشکل در کوتاه مدت قابل حل نمی‌باشد.

نقش تعیین‌کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

ترکیه از لحاظ جغرافیایی موقعیت ممتازی را جهت دسترسی کشورهای غربی به کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی فراهم نموده است. در طول جنگ دوم خلیج فارس (جنگ متحدان غربی و عراق) ترکیه با در اختیار گذاشتن پایگاه به آمریکا نقش مهمی را در سرکوب رژیم عراق ایفا نمود. ترکیه دارای منابع طبیعی و معدنی غنی می‌باشد که تاکنون از آنها بهره‌برداری کافی نشده است. مواد معدنی که در ترکیه تولید می‌شود عبارت است از: آهن، سرب، قلع، جیوه، کرم، منگنز، سولفور، مواد سوختنی، ذغال سنگ و لیگنیت. (قاسمی، ۱۳۸۴، ص ۲۳-۲۴).

ترکیه با وجود مشکلاتی که برایش پیش آمده بود، به تدریج روند رشد اقتصادی، علمی و صنعتی را ادامه داد، و در دهه اخیر با تحولات فرهنگی - سیاسی ویژه‌ای روبه‌رو گردیده است. این کشور با وضعیت فعلی و موقعیت ویژه خود می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در مسائل منطقه ایفا کند. به نظر می‌رسد تأکید مسلمانان بر پیاده کردن اسلام در ابعاد وسیع‌تر و تصمیم حاکمان فعلی بر حمایت از آن، آینده خوبی را برای مردم مسلمان ترکیه و حتی همسایگان نوید می‌دهد.

بنگلادش

۱- اهمیت استراتژیک کشور در منطقه

بنگلادش به رغم کمی وسعت، به علت قرار داشتن در جنوب شرقی آسیا و شمال اقیانوس هند از نظر استراتژیکی از موقعیت خاصی برخوردار است. این کشور از یک سو مد نظر ابرقدرت‌ها و از سوی دیگر، مورد توجه کشورهای همسایه و همجوار مانند هند، پاکستان و چین می‌باشد. بنگلادش، زمانی به عنوان بخشی از ایالت بنگال هند محسوب می‌گردید. پس از استقلال پاکستان، بنگال شرقی از هند جدا و به عنوان پاکستان شرقی به کشور پاکستان ملحق گردید. جدایی دو بخش پاکستان از یکدیگر، مسائل و مشکلات فراوانی را برای آنها به دنبال داشت، تا آن‌که در سال ۱۹۷۱ بنگلادش از پاکستان جدا گردید و به صورت کشور مستقلی در آمد. بنگلادش به علت همسایگی با ایالات بنگال غربی، آسام و تریپورای هند برای این کشور اهمیت ویژه‌ای دارد.

جمهوری خلق چین به علت مشکلات و مسائلی که با کشورهای منطقه هندو چین دارد و به سبب عدم دسترسی به اقیانوس هند سعی می‌کند با کسب امتیازاتی از بنگلادش امکان دسترسی به آبهای اقیانوس هند را برای خود فراهم نماید. از طرف دیگر، بنگلادش با داشتن ارتشی بزرگ می‌تواند متحد نظامی مهمی برای هر یک از کشورهای همسایه محسوب شود.

۲- نقش تعیین‌کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

بنگلادش به رغم مساحت کم و محصور شدن به وسیله هند، از سه جهت در کنار خلیج بنگال قرار دارد و از این نظر می‌تواند با اقیانوس هند و راه‌های مختلف آبی دنیا در تماس باشد و این امر اهمیت ویژه‌ای برای این کشور دارد.

هم‌چنین رودخانه‌های پر آب و متعدد این کشور راهی ارتباطی را در درون کشور تشکیل داده است. علاوه بر این، رودخانه‌ها به کشاورزی این کشور کمک فراوانی می‌نماید، ولی عدم استفاده صحیح از آنها و جاری شدن سیل‌های فراوان در طول سال موجب شده است که این منبع طبیعی خسارت‌هایی برای این کشور به همراه داشته باشد. وجود این رودخانه‌ها یکی از عواملی است که دولت‌های مختلف باید در برنامه‌ریزی‌های خود به مسائل ناشی از آنها توجه ویژه باشند.

از منابع طبیعی دیگر این کشور گاز می‌باشد، که می‌تواند در پیشرفت و توسعه بنگلادش نقشی مهم ایفا نماید. ذخایر گاز فراوان می‌تواند جای‌گزین دیگر مصارف انرژی در بنگلادش گردد و از واردات انرژی جلوگیری کند. دولت این کشور این مسئله را مورد توجه خود قرار داده است. اراضی جنگلی بنگلادش که حدود ۱۴٪ کل اراضی این کشور را تشکیل می‌دهد بیش از ۷۵٪ مصرف انرژی این کشور را به صورت سنتی تأمین می‌نماید، ولی با افزایش جمعیت، این اراضی برای کشت محصولات غذایی تسطیح می‌شود و در عین حال، تهیه چوب برای اهداف سوختی به ۱۶٪ حجم انرژی قبل می‌رسد.

منابع ماهی‌گیری داخل بنگلادش که از جمله غنی‌ترین منابع جهان است، دارای شرایط اکولوژیک مطلوبی است و منبع غنی پروتئین این کشور می‌باشد. این منبع حدود ۵۶٪ از کل مصرف پروتئین در بنگلادش می‌باشد. ماهی‌گیری حرفه‌ای برای امرار معاش بسیاری از مردم این کشور است. (فرزین‌نیا، ۱۳۷۴، ص ۲۹-۳۱).

بنگلادش به کمک همه کشورهای اسلامی نیاز دارد تا درخشش بیشتری پیدا کند. با این وصف، با موقعیت ویژه‌ای که دارد، به ویژه از بعد جمعیت‌شناسی، می‌تواند پیشگام وحدت و هم‌دلی با کشورهای همسایه باشد و از تجربیات دیگران استفاده کرده، با رفع اختلافات، موجبات ترقی و سعادت خود و آنها را فراهم سازد.

برونئی

اهمیت استراتژیک کشور در منطقه

برونئی کشوری مسلمان و ثروتمند است. این سلطان‌نشین کوچک ترین و ثروتمندترین کشور جنوب شرقی آسیا است. برونئی با جمعیت ۳۳۸ هزار نفری خود، از نظر جمعیتی کوچک‌تر از متوسط شهرهای اروپایی و آمریکایی می‌باشد. این کشور به صورت باریکه‌ای جنگلی در شمال غربی سواحل جزیره برونئی می‌باشد. این سلطان‌نشین در حدود ۵۷۶۵ کیلومتر از زمین‌های مقابل سواحل جنوبی دریای چین را در برمی‌گیرد و حاشیه‌های آن توسط ایالت ساراواک مالزی احاطه شده است. این شکل جغرافیایی وضعیت این کشور را مشکل می‌نماید، به این دلیل که برونئی عملاً از دو باریکه تشکیل می‌شود که توسط یک راهرو باریک به هم متصل می‌گردند و یکی از این دو باریکه مورد ادعای کشور مالزی می‌باشد.

جنگل‌های انبوه قسمت میانی این کشور می‌تواند بهترین وسیله جهت دفاع در مقابل یک تهاجم از ساحل باشد، هر چند این امر در عمل، برای انگلیسی‌ها در مورد حمله ژاپن‌ها در سال ۱۹۴۱ کارساز نبود و سنگاپور به تصرف ژاپنی‌ها درآمد.

با توجه به اهمیت این منطقه از نظر استراتژیک که همواره دست‌خوش چالش‌های سیاسی بین قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا و چین می‌باشد، نقش استراتژیک کشور کوچک برونئی را نمی‌توان نادیده گرفت. به همین جهت ایالات متحده آمریکا به دنبال برقراری روابط بیشتر با برونئی است و از مدت‌ها قبل به طور سالانه مانور نظامی با عنوان king fisher در برونئی توسط نیروهای آمریکایی اجرا می‌گردد. پس از برچیده شدن پایگاه دریایی سوویک آمریکا از فیلیپین، برونئی نیز به عنوان یکی از گزینه‌ها برای تأسیس پایگاه آمریکا مطرح بود، ولی در جولای ۱۹۹۱ وزیر خارجه برونئی شاهزاده محمد بولکیاه احتمال ایجاد پایگاه‌های دریایی آمریکا را در برونئی به طور رسمی تکذیب کرد. برونئی پس از خروج نیروهای انگلیسی از هنگ کنگ، هم‌اکنون به عنوان مهم‌ترین پایگاه زمینی این کشور در کل منطقه آسیا و اقیانوسیه می‌باشد.

نقش تعیین‌کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

برونئی به یک کشور ثروت‌مند مشهور است. تخمین زده می‌شود که ذخایر نفتی برونئی می‌تواند این کشور را به خوبی به قرن آینده هدایت کند و فروش گاز مایع طبیعی به ژاپن و کره جنوبی دیگر منبع بزرگ درآمد آن کشور می‌باشد. ساکنین برونئی دارای یکی از بالاترین استانداردهای درآمد سرانه در جهان هستند و این مسئله با نوسانات قیمت نفت بستگی تنگاتنگ دارد.

درآمدهای حاصل از این منابع طبیعی می‌تواند دلیل کافی برای وارد کردن این کشور به جنگ باشد. در سال‌های اخیر منافع ملی برونئی به طور فزاینده‌ای بر روی دریا متمرکز شده است. این کشور به طور اساسی وابسته به تجارت دریایی است. تمام صادرات و ۸۰٪ از واردات این کشور از طریق دریا و در امتداد خطوط استراتژیک ارتباطی که از جنوب به دریای چین و از غرب به سنگاپور و از شمال به ژاپن امتداد می‌یابد انجام می‌شود.

پنج حوزه از هفت حوزه نفتی این کشور که توسط شرکت نفت شل برونئی اداره می‌شود، در دریا قرار دارد. به علاوه، برونئی منطقه‌ای را نیز به نام Exclusive Economic Zone (EEZ) به عنوان منطقه اقتصادی اعلام نموده است و توسط اعلامیه ۱۹۵۴ برونئی فلات قاره خویش را به عمق

۵۹۵ پا افزایش داده که به همین وسیله ۱۴۷۶۲ کیلومتر مربع به منابع اصلی این کشور اضافه شده است. در سال ۱۹۸۴ بروئی به تبعیت از سایر دولت‌های ساحلی، منطقه اقتصادی خویش را تا آبهای با عمق ۲۰۰ کیلومتر اعلام نمود.

همین مسئله، حاکمیت دریایی این کشور را چهار برابر و منافع این کشور را تا مجمع الجزایر اسپرنتلی گسترش داد و این کشور را در رویارویی با منافع سایر کشورهای مدعی این جزایر، یعنی فیلیپین، مالزی، ویتنام، چین و تایوان قرار داد. هر یک از این کشورها مدعی تمامی و یا بخشی از مجمع الجزایر اسپرنتلی می‌باشند.

جمهوری خلق چین مدعی تمام جزایر تا عمق ۲۰۰ کیلومتری جنوب دریای چین می‌باشد. در حقیقت، ادعای قلمرو دریایی کشور چین تا ۲۰ مایلی سواحل بروئی را شامل می‌گردد.

چینی‌ها معتقدند کلیه منابع ثروت جنوب دریای چین متعلق به آنها می‌باشد و در گذشته به دلیل ادعای مالکیت بر برخی جزایر با ویتنام وارد جنگ شدند و اخیراً به تحکیم مواضع خویش در همان منطقه پرداخته‌اند.

این خطر وجود دارد که کشورهایی مانند چین مدعی منافع خویش در حوزه دولت‌های محلی گردند.

به همین دلیل نیروی نظامی سلطنتی بروئی (RBAF) در سال‌های اخیر اهمیت بیشتری یافته و این کشور به دنبال ترتیبات جدید امنیتی مطمئن به ویژه از طریق مجموعه ترتیبات امنیتی آسه آن (ARF) می‌باشد. (شهریاری، ۱۳۸۱، ص ۱۵-۱۳).

تهدیدات کشورهای بزرگ و همسایه، بروئی را وادار می‌کند که خردمندانه‌تر از گذشته عمل کرده، با کشورهای اسلامی ارتباط تنگاتنگ سیاسی - اقتصادی داشته باشد و بخشی از درآمدهایش را برای سامان دادن به چالش‌های اقتصادی دیگر کشورهای اسلامی صرف کند. اگر هویت اسلامی مسلمانان بروئی حفظ شود، این کشور کوچک می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در منطقه داشته باشد.

بحرین

اهمیت استراتژیک کشور در منطقه

کشور بحرین از دیرباز از نظر موقعیت استراتژیکی و جغرافیایی و قرار گرفتن در کنار خلیج فارس از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. این کشور به دلیل ثروت سرشار آن به خصوص در صید

مروارید از قدیم محل تردد کشتی‌های خارجی بوده است؛ هم‌چنین در اوج رقابت کشورهای اروپایی بر سر مستعمرات بحرین، صحنه جنگ و ستیز بین انگلیسی‌ها از یک سو و پرتغالی‌ها - که این جزایر را در اوایل قرن شانزدهم به اشغال خود در آوردند - از سوی دیگر بوده است.

پس از این‌که شبه قاره هند یکی از مستعمرات مهم امپراطوری بریتانیا گردید، بحرین به عنوان راه ارتباطی بین اروپا و خاور دور اهمیت ویژه‌ای یافت. از نظر تجارت، به دلیل موقعیت مناسب آن به لحاظ قرار گرفتن بر سر راه تجارت بین النهرین و هندوستان، به عنوان مرکز تجارتی ایفای نقش می‌نمود. موارد زیر اهمیت این کشور را روشن می‌نمایند:

- موقعیت بحرین به عنوان یکی از راه‌های مهم ارتباطی بین اروپا و هند به ویژه در دوران استعمار انگلستان بر شبه قاره هند.

- بحرین در سال ۱۹۳۵ یعنی قبل از جنگ جهانی دوم و قبل از به استقلال رسیدن، به عنوان کشور دارای پایگاه‌های نظامی، اهمیت ویژه‌ای داشته است.

- اهمیت بحرین به عنوان مرکز سرمایه‌گذاری‌های خارجی در منطقه تا دوره بعد از استقلال این کشور.

- اهمیت بحرین به عنوان یک مرکز تجاری و راه ارتباطی بین خاور دور و شبه قاره هند و نیز بین کشورهای خاورمیانه.

موقعیت استراتژیک این مجمع‌الجزایر با ایجاد ارتباط زمینی با خاک عربستان سعودی از طریق احداث پلی به طول ۲۵ کیلومتر که در سال ۱۹۸۶ افتتاح شد و هزینه آن را عربستان سعودی تأمین کرد، تقویت شده است؛ از این رهگذر، بحرین برای اولین بار در تاریخ خود، صاحب مرز زمینی شد. احداث این پل و ایجاد چنین ارتباطی، نقش مؤثری در زمینه‌های مختلف به ویژه از نظر سیاسی، امنیتی و اقتصادی، داشته است و به دلیل اهمیت فوق‌العاده نظامی - سیاسی آن در دفاع از حریم دو کشور، می‌توان از آن به عنوان یک نقطه سوق الجیشی مهم نام برد.

بحرین و پایگاه‌های نظامی آمریکا

بنادر بحرین همیشه محل رفت و آمد کشتی‌های جنگی آمریکا، انگلستان و فرانسه بوده است. علاوه بر این، آمریکا دارای یک پایگاه مهم دریایی به نام «الجفیر» است که انگلیسی‌ها آن را در سال ۱۹۳۵ احداث کرده و پس از تخلیه، در اختیار آمریکایی‌ها گذاشته‌اند. این پایگاه بعد از پایگاه

دیگوگارسیا در اقیانوس هند، بزرگ‌ترین پایگاه دریایی آمریکا در منطقه محسوب می‌شود. پایگاه الجفیر، تا سال ۱۹۷۱ در اختیار انگلستان قرار داشت و در دسامبر ۱۹۷۱ یعنی چهار ماه پس از استقلال بحرین، به دنبال موافقت‌نامه‌ای که بین سفارت آمریکا و رژیم بحرین امضا شد، همراه با امتیاز استفاده از کلیه تسهیلات بندرگاه جفیر و فرودگاه و اسکله بندر سلمان و سایر تسهیلات بندری در مقابل ۲۵ لیره لسترلینگ به آمریکا واگذار گردید. البته گفته می‌شود که نیروهای آمریکایی حتی قبل از خروج انگلیسی‌ها از بحرین، از این پایگاه استفاده می‌کردند.

امضای این موافقت‌نامه تا مدت‌ها از سوی دولت بحرین پنهان نگاه داشته شد تا این‌که در تاریخ ششم ژانویه ۱۹۷۲، نیویورک تامیز متن کامل آن را منتشر نمود. در اکتبر ۱۹۷۳ با شروع جنگ اعراب و اسرائیل، بحرین برای نشان دادن هم‌بستگی خود با سایر کشورهای عربی و مقابله با سیاست جانب‌داری آمریکا از اسرائیل، موافقت‌نامه را به طور یک‌جانبه فسخ کرد و از آمریکا خواست تا حداکثر ظرف یک سال پایگاه خود را تخلیه نماید، ولی پس از چندی ظاهراً به دلیل تعدیل سیاست‌های آمریکا موضوع منتفی گردید.

در حال حاضر یکی از پایگاه‌های بزرگ نظامی آمریکا در منطقه پایگاه الجفیر در بحرین می‌باشد. این پایگاه مرکز اطلاعات و عمده‌ترین مرکز فرماندهی نیروی دریایی آمریکا بین فیلیپین و دریای مدیترانه و همچنین مرکز فرماندهی خاص خاورمیانه محسوب می‌شود.

از سال ۱۹۸۵ به بعد تحرکات آمریکا به تدریج در این پایگاه افزایش یافت به طوری که در سال ۱۹۸۷ آمریکا مبادرت به تخلیه انواع وسایل و تجهیزات نظامی در بحرین نمود و به تعداد ناوهای جنگی و پرسنل نظامی خود در این امیرنشین افزود. علاوه بر این پایگاه دریایی، آمریکا دو مرکز نظامی دیگر به نام‌های «المحرق» و «الهمله» در بحرین دارد که هر دوی آنها در اختیار نیروی واکنش سریع آمریکا است. (Foreign Report , Jun . 11 , 1987). بیش از ۱۵۰ مشاور نیروی دریایی آمریکا و وابستگان آنها و حدود ۳۰۰۰ سرباز نیروی دریایی آمریکا با خانواده‌های خود در بحرین بسر می‌برند. (نیویورک تایمز، ۳۰ ژانویه ۱۹۹۶)

نقش تعیین‌کننده هر یک از عوامل جغرافیایی و منابع طبیعی

مجمع الجزایر بحرین مرکز مهمی جهت صید مروارید و ماهی محسوب می‌شود. با رشد جوامع ثروت‌مند بین النهرین و رونق روز افزون تجارت مروارید، مردم این منطقه نیز از ثروت خوبی

برخوردار شده و توانستند به وضعیت مطلوبی دست یابند. آثار به جای مانده در قریه سار و نیز وجود قلعه‌های قدیمی بحرین این ادعا را ثابت می‌کند.

ترقی و توسعه بحرین در واقع زمانی بیشتر شد که قبایل هند و اروپا به جنوب و غرب آسیا سرازیر شده و تمدن‌ها و شهرهای موجود را تخریب کردند. این امر موجب شد تا تجارت عمده مس معادن عمان با هند تقریباً متوقف شود و با رکود بازار تجاری منطقه، مردم به تولیدات داخلی و نیز صید مروارید و ماهی روی آورده و در این خصوص به صورت قابل توجهی پیشرفت نمودند. اشتغال ساکنین این جزیره به صید مروارید باعث شده تا مردم تماس بیشتری با جهان خارج (حتی بیش از دیگر کشورهای همسایه) داشته باشند و این عامل بر افزایش جمعیت این کشور تأثیر گذاشته است.

اگر چه بحرین از نظر جمعیت و وسعت کوچک‌ترین کشور حاشیه خلیج فارس است، ولی نزدیکی آن به سواحل ایران و اکتشاف چاه‌های نفت و وجود چشمه‌های آب شیرین، از دیرباز بر اهمیت موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی آن افزوده است. به همین دلیل این کشور تا مدت زیادی و حتی پس از استقلال هم‌چنان تحت نفوذ انگلستان قرار داشت.

شهرت بحرین به تجارت و امور پولی بین‌المللی، بی‌ارتباط با مسئله نفت نیست. موقعیت این کشور در قلب کشورهای نفت خیز حوزه خلیج فارس، آن را تبدیل به مکان مناسبی برای جذب پول‌های به دست آمده از فروش نفت به شبکه‌های بین‌المللی بانکی و پولی نموده است. (سیف افجه‌ای، ۱۳۸۱، ص ۱۹-۲۲).

عدم دخالت بحرین در برخی از مناقشات منطقه‌ای، گامی مثبت برای این کشور جهت توسعه روابط میان کشورهای اسلامی به شمار می‌رود، اما وجود پایگاه نظامی آمریکا در بحرین، مایه تأسف و سرشکستگی این کشور و مسلمانان می‌باشد. اگر بحرین بخواهد به انسجام کشورهای اسلامی کمک کند، باید از فراهم‌سازی امکانات برای بیگانگان بپرهیزد و منطقه را از وجود پایگاه‌های نظامی پاکسازی نماید.

الجزایر

اهمیت استراتژیک کشور الجزایر در منطقه شمال آفریقا

از آن‌جا که «الجزایر» جزئی از مدیترانه است، برای پی بردن به اهمیت استراتژیکی این کشور در

منطقه شمال آفریقا، لازم است شمه‌ای از وضعیت مدیترانه آورده شود، سپس نکاتی درباره‌ی الجزایر یادآوری گردد.

دریای مدیترانه سه قاره و دو اقیانوس را به هم پیوند داده و یکی از مهم‌ترین دریاهای جهان شناخته می‌شود. علاوه بر تراکم جمعیت و وجود فرهنگ‌ها و نظام‌های مختلف سیاسی - اقتصادی، وجود حدود ۷۰۰۰ مایل (۱۱/۲۰۰ کیلومتر) ساحل، این دریا را به نظامی‌ترین منطقه دنیا تبدیل نموده است و قوای دریایی بیش از پانزده کشور (شامل سه کشور خارجی روسیه، آمریکا و انگلستان) در آن حضور دائم داشته و دارند.

دریای مدیترانه جلوه‌گاه رقابت شرق و غرب، اختلاف اعراب و اسرائیل و تقابل ممالک صنعتی درحال رشد در دو سوی دریاست. هم‌چنین منطقه خاورمیانه سال‌های متمادی محل نزاع و کشمکش بسیار بوده است.

الجزایر به دلیل در اختیار داشتن منابع نفتی و منابع معدنی مرکزی بود که کشور استعمارگر فرانسه می‌توانست از آن‌جا بر جبهه آزادی‌بخش اریتره و جبهه ملی آزادی‌بخش چاد اشراف داشته باشد؛ از طرف دیگر، به جهت دستیابی به پایگاه‌هایی برای مقابله با استعمار انگلیس، که این کشور نیز در آفریقا در همسایگی الجزایر مستعمراتی داشت، این سرزمین از دیرباز زیر چکمه فرانسوی‌ها بوده و همانند همسایگانش تاخت و تازهای متعددی را به خود دیده است. این جریان تاریخی در عین حال متأثر از ویژگی گستردگی این سرزمین است که به هر یک از گروه‌ها اجازه داده تا مدتی طولانی نوعی خودمختاری نسبی را حفظ کنند و بعد از یک دوره مقاومت طولانی، به قوانین تازه رسیده گردن نهند.

الجزایر باوسعتی معادل پنج برابر کشور فرانسه همواره در معرض هجوم نیروهای مرکز‌گریز قرار داشته است و این امر استقرار یک حاکمیت مرکزی نیرومند را در این سرزمین به تعویق انداخته است. در طول تاریخ، مناطق و قبایل در این سرزمین نقش بسیار مهمی را ایفا کرده‌اند. پیمان‌ها و منازعات این قبایل تابع ترکیب پیچیده‌ای از ملاحظات سیاسی، اقتصادی، مذهبی یا مالی بوده است، که گاهی آنها را به حاکمیت مرکزی نزدیک و گاهی از آن دوره کرده است. هدف از اشغال الجزایر از سوی فرانسه که در زمان ناپلئون، به دلایل سیاسی، اقتصادی و نظامی صورت گرفت، این بود که این کشور به جناح راست خود برای حرکت‌های گسترده به سمت اروپا امنیت بخشد.

بعدها این سرزمین تکیه‌گاه ژئوپلیتیکی فرانسه در مدیترانه جنوبی گردید. الجزایری‌ها بعد از

استقلال، اقداماتی برای احیای زبان ملی خود (عربی) به عمل آوردند. عربی کردن زبان در سال‌های آغازین دهه ۹۰ در تحصیلات ابتدایی و متوسطه به پایان رسید و هم‌اکنون در تحصیلات عالی در حال تکمیل است. این امر مسائل متعددی به بار آورده است؛ توقف آموزش زبان‌های بربری و اعمال محدودیت در مورد آموزش و بی‌اعتنایی نسبت به طریقه کلاسیک آموزش، از جمله این مسائل می‌باشد.

در پایان قرن بیستم گرچه اسلام‌گرایان مغربی دارای استراتژی‌هایی جهت در دست گرفتن حاکمیت بوده و قادرند توده‌های مردم را به شکلی دقیق بسیج کنند، ولی از آن‌جا که محور قرن بیست و یکم را عامل اقتصادی تشکیل می‌دهد و این اقتصاد به سرعت از طریق قلمروهای ژئوپلیتیکی به سمت جهانی شدن پیش می‌رود و نیز با توجه به جهانی شدن دو پدیده مهم دیگر، یعنی تکنولوژی و ارتباطات، به نظر می‌رسد که شمال آفریقا، یعنی غرب جهان اسلام، تحت تأثیر این پدیده‌های جهانی قرار گیرد. (مجیدی سورکی، ۱۳۸۱، ص ۱۱-۱۲).

این کشور مسلمان پس از طی فراز و نشیب‌های فراوان، اینک نقش تعیین‌کننده‌ای در منطقه برای از بین بردن سلطه استعمارگران دارد. اتحاد کشورهای اسلامی و انسجام دینی و هماهنگی بیشتر در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی، می‌تواند بر قدرت، عظمت و شکوفایی بلاد مسلمین بیفزاید. و در عصری که جهانی سازی (با مفهومی که قدرت‌های بزرگ در نظر دارند) به عنوان یک شعار از سوی استکبار جهانی مطرح است، جا دارد که مسلمانان در اندیشه جهان بزرگ مسلمانان باشند و با وحدت خویش سرزمین‌های اسلامی را حفظ کرده، قلب‌های محرومان جهان را به تصرف خویش درآورده، آنان را به اسلام دعوت کنند و سربلندی را برای همگان به ارمغان ببرند.



چنان که ملاحظه شد، در این نوشتار، تنها به بازگویی موقعیت‌های استراتژیکی برخی از کشورهای اسلامی پرداخته شد تا این مهم یادآوری شود که در سایه انسجام اسلامی می‌توان از پتانسیل موجود در جهان اسلام استفاده کرد و در مقابل استکبار جهانی قد علم نمود. شعار «انسجام اسلامی» محدود به یک منطقه یا کشور یا مذهب خاصی نیست، بلکه وظیفه دینی همه مسلمانان است تا در سایه وحدت و یک‌پارچگی به تقویت خویش پردازند و در برابر قدرت‌های باطل مقاومت نمایند.

شاید لازم به یادآوری نباشد که مسلمانان در این عصر، بیش از پیش نیاز به هم‌دلی دارند تا سپاه باطل را از پای درآورند و زمینه‌ساز وعده الهی باشند که اراده فرموده مستضعفان را حاکمان روی زمین قرار دهد و امنیت و ایمان را حاکم گرداند.

بیداری مسلمین و پی بردن آنها به توان و نیروی خود، می‌تواند گام نخست این حرکت باشد تا در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد «انسجام» بزرگ اسلامی باشیم.

منابع و مآخذ:

- ۱- ابوالحسنی، صالح، جمهوری قزاقستان، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۲.
- ۲- امیرشاهی، ذوالفقار، تونس، گردآوری و تنظیم: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۳- امیرشاهی، ذوالفقار، موریتانی، گردآوری و تنظیم: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۴- سیف افجه‌ای، معصومه، بحرین، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ دوم با اضافات، ۱۳۸۱.
- ۵- شهریار، محمدمهدی، بروئی، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- ۶- علی بخشی، حسن، نیجر، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۱.
- ۷- فرزین نیا، زیبا، بنگلادش، گردآوری و تنظیم: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۸- قاسمی، صابر، ترکیه، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ دوم (بازبینی و اضافات: ابوالقاسم ملکی)، تابستان ۱۳۸۴.
- ۹- کریملو، داود، یمن، گردآوری و تنظیم: وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.

- ۱۰- مجیدی سورکی، علی، الجزایر، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
- ۱۱- مسائلی، محمود، گینه، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۱۲- ملکی، حسین، کامرون، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۳- یگانه، عباس، عمان، گردآوری و تنظیم: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۴.



ارزیابی توان و ظرفیت نظامی کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز

مرتضی شیرودی*

چکیده

آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان از زمان تأسیس اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی به ناچار زیر پرچم ارتش سرخ کمونیست زیستند و از داشتن هرگونه استقلال در هر زمینه، از جمله نظامی، محروم بودند. البته در این دوران، نگران امنیت خویش هم نبودند، زیرا شوروی از آنها به عنوان بخشی از خاک خود حفاظت می‌کرد. اما با فروپاشی شوروی و فراخوانی یا عزیمت سربازان و نظامیان به مسکو و نیز به دلیل ضعف ارتش سرخ و هم چنین خطرات جدیدی که کشورهای مزبور را تهدید می‌کرد، آنها به فکر تشکیل ارتش و یا بازسازی بقایای بر جای مانده ارتش سرخ برای تأمین امنیت خود افتادند. درباره این تحول، سؤالاتی مطرح می‌شود، از جمله این که وضعیت و توان نظامی فعلی این کشورها چگونه است و تا چه حد می‌توانند از امنیت خود پاسداری نمایند؟ مقاله حاضر می‌کوشد به این سؤالات پاسخ دهد.

کلید واژه‌ها: ظرفیت نظامی، کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز، آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان.

مقدمه

برای یافتن پاسخ یا پاسخ‌هایی برای سؤالاتی همانند: وضعیت و توان نظامی فعلی کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز چگونه است و تا چه حد می‌توانند از امنیت خود پاسداری کنند؟ و نیز سؤالاتی از این دست، نخست یک برآورد کلی از توان نظامی این کشورها در بخش‌های بودجه نظامی، تعداد پرسنل نظامی، رابطه نظامیان و سیاست، عزل و نصب فرماندهان و تکنولوژی نظامی

* عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات اسلامی سپاه و مدرس دانشگاه.

ارائه می‌شود و سپس سلاح‌های سازمانی، پیمان‌ها و پایگاه‌های نظامی هر یک از کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز بررسی می‌گردد:

آذربایجان

میزان توان نظامی آذربایجان را می‌توان از طریق بررسی مؤلفه‌های زیر جست‌وجو کرد:
برآورد کلی وضعیت نظامی: اطلاعات کلی از وضعیت نظامی آذربایجان به این شرح است:
بودجه نظامی این کشور ۱۱۹ میلیون دلار در سال است. سن آغاز خدمت هجده سال است. تعداد پرسنل شاغل در نیروی زمینی، ۶۲۰۰۰ نفر، در نیروی دریایی، ۲۲۰۰ نفر و در نیروی هوایی و دفاع هوایی ۷۹۰۰ نفر است. تمام امور نظامی کشور آذربایجان تحت فرماندهی رئیس‌جمهور این کشور قرار دارد. به عبارت دقیق‌تر، هدایت و فرماندهی نیروهای نظامی و امنیتی این کشور از طریق نخست‌وزیر و وزیر دفاع و با نظارت کامل رئیس‌جمهور انجام می‌شود. عزل و نصب فرماندهان نظامی نیز به دستور رئیس‌جمهور انجام می‌گیرد. با تأسیس شورای دفاع در سال ۱۹۹۳ توسط علی‌اف، رئیس‌جمهور وقت آذربایجان، نظارت و قدرت رئیس‌جمهور بر ارتش افزایش یافت و فرماندهی نظامی که قبلاً بر عهده نخست‌وزیر بود به رئیس‌جمهور انتقال یافت. این شورا در حقیقت جانشین معاونت وزیر دفاع در گارد ملی و ستاد کل ارتش شده است.

کشور آذربایجان تا قبل از کودتای ۱۹۹۱ مسکو و تغییر رژیم روسیه، فاقد وزارت دفاع و ارتش مستقل بود، اما به دنبال وقوع جنگ قره‌باغ و عدم توانایی این کشور در دفاع از خاک خود، وزارت دفاع این کشور تشکیل شد و سرلشکر برشاتلی والی ایوب اوغلی به سمت وزیر دفاع منصوب شد. با این وصف، ارتش این کشور به دلیل در اختیار نداشتن افسران ارشد نظامی، قدرت کافی نداشت. یکی دیگر از دلایل ناتوانی ارتش آن است که ۱۰٪ افسران فرمانده را نظامیان روس و یا اوکراینی تشکیل می‌دهند.

یکی از مسائل مهم در برآورد وضعیت نظامی آذربایجان بررسی میزان دخالت نظامیان در سیاست است. دخالت نظامیان در قدرت سیاسی آذربایجان با کودتای سال ۱۹۹۳ آغاز شد. در این سال حسین اف از فرماندهان نظامی آذربایجان در منطقه قره‌باغ توسط ایلچی بیگ، رئیس‌جمهور وقت آذربایجان، از کار برکنار شد. حسین اف با فراهم آوردن سپاه و ادوات و شکست نیروهای دولتی به سوی باکو حرکت کرد. با سقوط دولت ایلچی بیگ، حیدر علی‌اف به قدرت رسید و حسین اف به

مقام نخست وزیری دست یافت. در این دوران، حسین اف مناصب وزارت دفاع و کشور را نیز به عهده گرفت. با گذشت زمان و انجام اصلاحات امنیتی نظامی توسط حیدر علی اف، از جمله تشکیل شورای دفاع، از قدرت حسین اف کاسته و به تدریج از قدرت نظامیان و نیز حضور آنان در عرصه‌های سیاسی کم شد. هم اکنون در اوضاع سیاسی آذربایجان، نظامیان نقش همکار را داشته و بیشتر در خدمت سیاستمداران قرار دارند.

تکنولوژی نظامی نقش مهمی در سنجش توانایی ارتش آذربایجان دارد. تکنولوژی نظامی آذربایجان وارداتی است. تجهیزات نظامی این کشور، تجهیزات به جا مانده از ارتش اتحاد جماهیر شوروی سابق است. این کشور در حال حاضر تنها توانایی ساخت و تعمیر برخی از تجهیزات و ادوات نظامی متعارف را داشته و از توانایی تولید و به کارگیری سلاح‌های استراتژیک بی بهره است. تجهیزات پیشرفته نظامی اتحاد جماهیر شوروی سابق از قبیل رادارها و سیستم‌های ضد موشک از این کشور خارج شده و تنها دو مرکز رادار پیشرفته و مجتمع صنعتی نظامی باقی مانده که توسط روس‌ها اداره می‌شود.

سلاح‌ها، پایگاه‌ها و بیمان‌ها: مهم‌ترین سلاح‌های نیروی زمینی عبارت است از: تانک جنگی: ۲۶۲ دستگاه (۱۳۶ دستگاه T-72، ۱۲۶ دستگاه T-55)؛ خودرو جنگی پیاده نظام زرهی: ۲۵۳ دستگاه از انواع BMP-1، BMD-1، BRM-1، BMP-2، BMP-3؛ نفربر زرهی: ۲۵ دستگاه BTR-60، ۲۸ دستگاه BTR-70، ۱۱ دستگاه BTR-D، ۳۰۶ دستگاه MT-LB؛ موشک‌انداز چند لول: ۵۶ دستگاه BM-21 ۱۲۲ میلی‌متری؛ توپ خودکششی: ۱۴ عراده 2SI ۲۲۲ میلی‌متری؛ توپخانه کششی: ۱۵۳ عراده از انواع ۱۲۲ و ۱۵۲ میلی‌متری.

مهم‌ترین سلاح‌های نیروی هوایی به این شرح است: جنگنده هوا به زمین: یک هنگ با چهار فروند S-117، چهار فروند S-24، دو فروند SU-25 و چهار فروند MIG-21؛ جنگنده شکاری: یک اسکادران با هجده فروند MIG-25 و سه فروند MIG-25UB؛ هواپیمای حمل و نقل: یک فروند AM-12 و سه فروند YAK-40؛ هواپیمای آموزشی: ۲۶ فروند L-29، دوازده فروند L-39 و یک فروند SU-17؛ هلی کوپتر: یک هنگ مشتمل بر هفت فروند MI-2، سیزده فروند MI-8 و پانزده فروند MI-24.

سلاح‌های موجود در نیروی دریایی عبارت است از: شناور گشتی: شش فروند، شامل یک فروند TURK، یک فروند Osa II، دو فروند Srenka PFI، یک فروند ZHUK PCI و یک فروند

SVETLYAK PCI: مین روب: پنج فروند، شامل سه فروند SOMYA MSC و دو فروند
YEYGENYA MSI: آبی خاکی: دو فروند PLONOCHNY LSM؛ پشتیبانی و غیره: یک فروند
VADIM POPOV و دو فروند BALIRIAN URYAVAYEV.

پایگاه‌های نظامی در چند بخش قرار دارند:

- ۱- پایگاه‌های زمینی: باکو (مقر فرماندهی)، گنجه، نخجوان، لنکران (LENKORAN)
- ۲- پایگاه‌های هوایی: سیتال چای (SITAL CHAY) در گنجه، فرودگاه بین‌المللی باکو، کیوردامیر (KYURDAMIR)، دالیار (DALLYAR)، قاضی ماغوند (KAZI MAGOMED)، ناسوس نایا (NASOSNAYA)، ناسوسنج (NASOSNYJ) در شمال غربی باکو و مرکز رادار لیاکی (LIAKI).

آذربایجان در پیمان‌های نظامی زیر مشارکت دارد:

- ۱- عضویت در شورای وزیران دفاع کشورهای مشترک المنافع به رهبری فدراسیون روسیه در سال ۱۹۹۲: این شورا از وزیران دفاع کشورهای ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، گرجستان، قزاقستان، تاجیکستان، روسیه و ازبکستان تشکیل شده است. تشکیل نیروی نظامی مشترک، کمک‌های تکنیکی، تولید جنگ افزار و فعالیت‌های صلح‌طلبانه، از اهداف این شورا است. موافقت نامه‌های این شورا جنبه عملی نیافته و روز به روز از قدرت و وحدت آن کاسته می‌شود.
- ۲- پیمان نظامی با ترکیه در سال ۱۹۹۸: این پیمان، آموزش پرسنل نظامی آذربایجان و کمک‌های فنی را در برمی‌گیرد.
- ۳- پیمان نظامی با آمریکا در سال ۲۰۰۰ در زمینه‌های امنیتی، برنامه‌های بشر دوستانه، اصلاحات نظامی در ارتش آذربایجان و مین زدایی: همکاری‌های نظامی آمریکا با آذربایجان به سال ۱۹۹۷ باز می‌گردد. دو کشور در سال ۲۰۰۲ سطح همکاری‌های خود را افزایش داده و اولین نمایندگی نظامی آمریکا - آذربایجان در باکو دایر شد. این نمایندگی کمیته‌ای مشترک از ریزن نظامی آمریکا و نماینده وزارت دفاع آذربایجان است. آموزش و تأمین هزینه‌های آموزشی نیروهای نظامی آذربایجان در جریان برنامه‌های بین‌المللی، از اهداف این مؤسسه است. هم‌چنین طبق پیمان منعقد شده در سال ۲۰۰۲، تقویت روابط بین واحدهای نظامی آمریکا و آذربایجان برای عکس‌العمل سریع، توسعه ناوگان نیروی دریایی آذربایجان و استاندارد کردن سیستم‌های کنترل در فرودگاه‌ها و فضای آذربایجان، از اهداف دیگر این دو کشور است. طبق این پیمان، آمریکا ۴/۴ میلیون دلار کمک نظامی به آذربایجان خواهد کرد.

- ۴- پیمان نظامی با روسیه: این پیمان برای آموزش فنی نیروهای آذری جهت استفاده از تجهیزات به جای مانده از ارتش روسیه در آذربایجان، در سال ۱۹۹۳ منعقد شده است.
- ۵- اعلام آمادگی و همکاری برای پیوستن به ناتو.
- ۶- امضای قرارداد دو جانبه منع گسترش سلاح‌های اتمی، شیمیایی، بیولوژیکی و مواد مربوطه با آمریکا در سال ۱۹۹۹.

مجتمع‌ها و صنایع نظامی

نام	تولیدات	محل استقرار
ایستگاه رادار گابالا (GABALA) معروف به (LYAKI)	هشدار زود هنگام موشکی	گابالا
مجتمع صنعتی ایزوتوپ	ذخیره زیاده‌های اتمی درصد پایین	اطلاعاتی در دست نیست

ازبکستان

سنجش ظرفیت نظامی ازبکستان از طریق گزینه‌های زیر امکان پذیر است:

برآورد کلی وضعیت نظامی: پرسنل نیروی زمینی ۴۰۰۰۰ نفر است. این رقم در نیروی هوایی بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ نفر برآورد شده است. در مجموع، تعداد کل شاغلین در امور نظامی بین ۵۰۰۰۰ تا ۵۵۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود و نیز، آمار نیروهای خارجی مستقر در کشور بین ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ سرباز آمریکایی است. مطابق ماده ۹۳ قانون اساسی ازبکستان، رئیس جمهور این کشور فرمانده کل قوا است و اعلام بسیج عمومی، اعلام جنگ، انتصاب فرماندهان عالی رتبه نظامی، اعطای درجات مختلف نظامی، اعطای نشان و مدال‌های ملی از وظایف او است. رئیس جمهور از طریق شورای امنیت ملی و وزیر دفاع با نیروهای مسلح در ارتباط است. وزیر دفاع و فرمانده ستاد مشترک ارتش هر دو نقش اجرایی و عملیاتی دارند.

از مسائل مهم در ارتش ازبکستان بررسی میزان دخالت ارتش در امور سیاسی است. تنها یک هفته بعد از استقلال ازبکستان، وزارت امور دفاعی در اوت سال ۱۹۹۱ ایجاد شد. در حقیقت،

ازبکستان در میان کشورهای تازه استقلال یافته (CIS) وضعیت امنیتی به مراتب بهتری داشت. این کشور وارث منطقه نظامی ترکستان بود که مقرر فرماندهی آن در تاشکند قرار داشت. به بیان دیگر، با امضای قرارداد تاشکند در سال ۱۹۹۲، تجهیزات و تسلیحات منطقه نظامی ترکستان (واقع در ازبکستان) به ازبکستان رسید و این کشور با کاهش تعداد سربازان خود در ارتش نیروهای مستقل مشترک المنافع، وزارت دفاع را جای‌گزین وزارت امور دفاعی کرد. با این حال، در سال ۱۹۹۲، ۸۵٪ افسران و ده نفر از پانزده نفر سرلشکر ارتش ازبکستان را روس‌ها تشکیل می‌دادند. با گذشت زمان، وزارت دفاع و فرمانده ستاد مشترک ارتش به ازبک‌ها سپرده شد و هم‌چنین مراکز آموزش دفاعی روسیه در ازبکستان ملی اعلام شد. با اجرای این روند، آموزش افسران ازبک و جای‌گزین شدن آنها با افسران روس، صورت پذیرفت. در حال حاضر، رئیس‌جمهور این کشور قدرت زیادی نسبت به امور نظامی دارد و نظامیان، از جمله وزیر دفاع و فرمانده ستاد مشترک، تنها نقشی اجرایی دارند و همکار قدرت حاکم و در اختیار آن هستند.

از مسائل مهم دیگر در بررسی وضعیت نظامی، تکنولوژی نظامی است. این کشور هیچ‌گونه سلاح اتمی در اختیار ندارد و هرگز سلاح هسته‌ای تولید نکرده است. در مجموع، دو راکتور هسته‌ای در ازبکستان وجود دارد که هر دو از نوع تحقیقاتی بوده و قادر به تولید سلاح هسته‌ای نیست. راکتور هسته‌ای اولوگبک (ULUGBEK) دیگر فعال نبوده و تجهیزات آن به مؤسسه فیزیک هسته‌ای تاشکند انتقال داده شده است. ازبکستان از سال ۱۹۹۱ (سال استقلال) پیمان‌های منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی را امضا کرده و طبق گزارش‌های موجود، سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی در اختیار ندارد. تکنولوژی نظامی این کشور وارداتی بوده و روسیه تأمین‌کننده تمامی تجهیزات آن است.

سلاح‌ها، پایگاه‌ها و پیمان‌ها: سلاح‌های موجود در نیروی زمینی عبارت است از: تانک جنگی: ۱۹۰ دستگاه T-62، ۱۰۰ دستگاه T-64، ۶۰ دستگاه T-72؛ خودرو شناسایی: ۱۳ دستگاه BRDM-2؛ خودرو جنگی پیاده نظام زرهی: ۱۶۰ دستگاه BMP-2، ۱۲۰ دستگاه BMD-1، ۹ دستگاه BMD-2، ۶ دستگاه BMR؛ نفربر زرهی: ۲۵ دستگاه BTR-70، ۲۴ دستگاه BTR-60، ۲۱۰ دستگاه BTR-80، ۵۰ دستگاه BTR-D؛ توپخانه کششی: (۱۲۲ میلی متری) ۷۰ عراده 14D-30 (۱۵۲ میلی متری)، ۱۴۰ عراده 2A36؛ موشک انداز چند لول: (۱۲۲ میلی متری) ۳۶ دستگاه BM-21، ۲۴ دستگاه 159P138 (۲۲۰ میلی متری)، ۴۸ دستگاه 9P140.

سلاح‌های نیروی هوایی به این شرح است: بمب افکن (جنگنده هوا به زمین): یک هنگ با ۲۰ فروند SU-25 و ۲۶ فروند SU-17MZ، SU-17UMZ، یک هنگ با ۲۳ فروند SU-24 و ۱۱ فروند SU-24MP؛ جنگنده شکاری: یک هنگ با ۳۰ فروند MIG-29 و MIG-29 UB، یک هنگ با ۲۵ فروند SU-27 و SU-27UB؛ سفارش داده شده: ۳۰ فروند MIG-29/29UB؛ حمل و نقل: یک هنگ با ۲۶ فروند AN-12PP/AN-12 و ۱۳ فروند AN-26RKR/AN-26؛ هواپیمای آموزشی: ۱۴ فروند L-39 (۹ فروند سفارش داده شده) و یک فروند SU-17. این کشور فاقد نیروی دریایی است.

پایگاه‌های نظامی این کشور عبارت‌اند از: پایگاه‌های زمینی: تاشکند (مقر فرماندهی)، ترمیز (TERMEZ) و فرغانه (FARGHONA). نیروی زمینی ازبکستان دارای چهار منطقه نظامی، دو فرماندهی عملیاتی و یک مقر فرماندهی است. پایگاه‌های هوایی: خان آباد؛ چیرچیک (CHIRCHIQ)، توزل (TUZEL)، کارشی (KARSHI)، کاکایدا (KAKAIDA) و کاگایتی (KAGAYTY). این کشور پایگاه‌های دریایی ندارد.

این کشور در پیمان‌های زیر مشارکت دارد:

- ۱- عضویت در عملیات مشارکت برای صلح ناتو (در سال ۱۹۹۴).
- ۲- انعقاد همکاری‌های اطلاعاتی و نظامی با ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۰. همچنین سازمان CIA از امکانات امنیتی - اطلاعاتی ازبکستان برای جمع‌آوری اطلاعات درباره طالبان استفاده می‌کرده است.
- ۳- امضای قرارداد همکاری‌های استراتژیک با ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۲.
- ۴- امضای قرارداد امنیتی با آمریکا در اکتبر سال ۲۰۰۱. آموزش نیروهای ازبک توسط آمریکا، اعطای کمک‌های مالی به میزان سالانه ۱۶۰ میلیون دلار و تقویت نیروهای مرزی از مفاد این پیمان است.
- ۵- خرید اسلحه و تجهیزات نظامی از روسیه در سال ۲۰۰۱ به مبلغ ۳۰ میلیون دلار و خرید موشک انداز از روسیه در قبال فروش پنبه و گاز.
- ۶- خرید اسلحه و تجهیزات از چین. ازبکستان در سال ۲۰۰۱، شش قرارداد نظامی با چین امضا کرده است.
- ۷- شرکت در عملیات آزادسازی افغانستان. ازبکستان در اکتبر سال ۲۰۰۱ با امضای قراردادی، به آمریکا اجازه داد از فضای آن کشور و نیز از یکی از پایگاه‌های هوایی آن علیه طالبان استفاده کند. مبادلات اطلاعاتی از دیگر مفاد این پیمان است.

۸- امضای قرارداد انرژی اتمی با روسیه. طبق این قرارداد که در سال ۱۹۹۷ به امضا رسید دو کشور در استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی به توافق رسیدند. امضای این قرارداد در راستای همکاری بیشتر روسیه و ازبکستان در فعالیتهای اتمی است.

۹- قرارداد نظامی با روسیه در مورد همکاریهای همه جانبه در نیروی هوایی. طبق این قرارداد که در سال ۱۹۹۴ به امضا رسید، روسیه تجهیز، آموزش و مراقبت از نیروی هوایی ازبکستان را به عهده می‌گیرد.

مجتمعها و صنایع نظامی

نام	تولیدات	محل استقرار
راکتور هسته ای (تحقیقاتی)	آزمایش هسته ای	تاشکند
صنایع نوکوس	تولیدات بیولوژیکی - شیمیایی	نوکوس (NUDUS)
معدن ناوی	استخراج اورانیوم	ناوی (NAVOI)
راکتور هسته ای (تحقیقاتی)	آزمایش هسته ای	اولوگیک (ULUGBEK)
معدن ظفرآباد	استخراج اورانیوم	ظفرآباد
معدن زرافشان	استخراج اورانیوم	زرافشان
معدن نورآباد	استخراج اورانیوم	نورآباد
معدن اوچکودوک	استخراج اورانیوم	اوچکودوک (UCHKUDUK)

تاجیکستان

بخش‌های مهم در بررسی ظرفیت نظامی تاجیکستان به این قرار است:

برآورد کلی وضعیت نظامی: بودجه نظامی این کشور ۱۹ میلیون دلار است و در آن جوانان در سن هجده سالگی به خدمت نظام وظیفه اعزام می‌شوند. تعداد نظامیان نیروی زمینی ۶۰۰۰ نفر است. این کشور نیروی دریایی ندارد. تاجیکستان در نظر دارد یک اسکادران هوایی ایجاد کند. این کشور تعدادی جنگنده SU-25 از بلاروس خریداری کرده و هم اکنون نیز در حال خرید پنج فروند MI-24 و ده فروند MI-8 است. آمار نیروهای خارجی مستقر در این کشور عبارت است از: ۱- نیروهای خط مقدم روسیه به تعداد ۱۴۵۰۰ نفر که البته سربازان این نیروها تاجیکستانی و افسران آن روسی هستند؛ ۲- نیروی زمینی روسیه، متشکل از ۸۰۰۰ نفر و یک واحد موتوری.

مطابق اصل ۶۵ قانون اساسی تاجیکستان، رئیس جمهور فرمانده کل قوای مسلح کشور است. تشکیل و رهبری شورای امنیت ملی، اعلام جنگ، اعطای نشان‌های نظامی و عزل و نصب فرماندهان عالی رتبه از وظایف دیگر رئیس جمهور است. نیروهای مسلح تاجیکستان از طریق دو وزارتخانه دفاع و امنیت با کابینه در ارتباط بوده و دستورات ریاست جمهوری از طریق آنان اعمال می‌شود.

کشور تاجیکستان تا پیش از استقلال فاقد یک ارتش ملی بود و این کشور به عنوان بخش نظامی جمهوری ترکمنستان اتحاد جماهیر شوروی سابق محسوب می‌شد. با استقلال این کشور در سال ۱۹۹۱ و منحل شدن بخش نظامی ترکمنستان، این کشور درصدد ایجاد ارتش ملی برآمد. مهم ترین نیروی نظامی باقی مانده در تاجیکستان بعد از استقلال، لشکر ۲۰۱ زرهی اتحاد جماهیر شوروی سابق بود. در ژانویه سال ۱۹۹۳ سرهنگ الکساندر شیشلیانیکف ALEKSANDR SHISHKYANNIKOV، یکی از افسران روسی لشکر، که بعدها به سمت سرلشکری رسید، وزیر دفاع تاجیکستان شد. وی در تلاش بود تا این لشکر را تبدیل به ارتش تاجیکستان کند. افسران عالی رتبه این لشکر را افسران روسی تشکیل داده و نیروهای متخصص نظامی تاجیک بسیار انگشت شمار بودند. با ایجاد نیروهای حافظ صلح کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در اواسط سال ۱۹۹۳، تشکیل چنین ارتشی به تأخیر افتاد. نیروهای حافظ صلح متشکل از نیروهای مرزی روسیه، نیروهای لشکر ۲۰۱ و نیروهای قزاق، قرقیز و ازبک بودند. سرلشکر الکساندر شیشلیانیکف در سال ۱۹۹۵ از وزارت دفاع برکنار و سرلشکر شیرعلی خیرالله اف تاجیک، به وزارت منصوب شد. امروزه نیز تاجیکستان دارای یک ارتش واقعی است و البته به دلیل فقدان نیروی هوایی و دریایی، نظامیان سابقه چندانی در حیات سیاسی تاجیکستان نداشته و نیروی نوپا محسوب می‌شوند.

تکنولوژی نظامی این کشور کاملاً متعلق به روسیه بوده و تمامی ادوات نظامی آن را روسیه تهیه می‌کند. ادوات نیروی زمینی متعلق به لشکر ۲۰۱ زرهی ارتش روسیه و گارد مرزی دولت فدرال است. این کشور طبق اطلاعات موجود هیچ گونه سلاح استراتژیک خاصی در اختیار ندارد و قادر به تولید آنها نیز نیست.

سلاح‌ها، پایگاه‌ها و پیمان‌ها: سلاح‌های نیروی زمینی عبارت است از: تانک جنگی: ۳۳ دستگاه T-72 و ۳ دستگاه T-62؛ خودرو جنگی پیاده نظامی زرهی: ۹ دستگاه BMP-1 و ۲۵ دستگاه BMP-2؛ نفربر زرهی: یک دستگاه BTR-60، دستگاه BTR-70 و ۲۶ دستگاه BTR-80؛ توپخانه کشتی ۱۲۲ میلی متری: ۱۱ عراده D-30؛ موشک انداز چند لول: ۱۱ دستگاه BM-21؛ موشک زمین

به هوا: ۲۰ فروند SA-21-31-7 و استیونگر؛ هلی کوپتر: ۱۰ فروند MI-24 و ۱۱ فروند MI-8. سلاح‌های نیروی هوایی عبارت است از: جنگنده: SU-25 (تعداد معلوم نیست)؛ سفارش داده شده: ۵ فروند MI-24 و ۱۰ فروند MI-8.

در تاجیکستان این پایگاه‌ها وجود دارد:

- ۱- پایگاه‌های زمینی در دوشنبه (مقر فرماندهی)، قرقان تپه و کولاب قرار دارد.
- ۲- پایگاه‌های هوایی، بجز در دوشنبه و کولاب، در پرخر (PARKHAR) و خنجد نیز احداث شده است.

تاجیکستان در پیمان‌های زیر مشارکت دارد:

- ۱- امضای پیمان نظامی با آمریکا در اکتبر سال ۲۰۰۱: به موجب این قرارداد پایگاه‌های هوایی کولاب، خنجد و قرقان تپه در اختیار نیروهای آمریکایی قرار داده شده تا در عملیات آزادسازی افغانستان شرکت کنند.
- ۲- امضای پیمان امنیت جمعی کشورهای مستقل مشترک‌المنافع تحت عنوان پیمان تاشکند.
- ۳- امضای پیمان محافظت از مرزهای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در سال ۱۹۹۴ با کشورهای روسیه، قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان.

ترکمنستان

توان و ویژگی‌های نظامی ترکمنستان به این شرح است:

برآورد کلی وضعیت نظامی: بودجه نظامی رقم ۱۵۷ میلیون دلار را نشان می‌دهد. سن خدمت نظام وظیفه در این کشور هم هجده سال است. تعداد پرسنل نظامی این کشور در نیروی زمینی و هوایی به ترتیب ۱۴۵۰۰ و ۳۰۰۰ نفر می‌باشد. ترکمنستان فاقد نیروی دریایی است. این کشور اخیراً اعلام نموده که خواهان ایجاد نیروی دریایی و گارد ساحلی است. نیروی دریایی کاسپین (CASPIAN SEA FLOTILLA) به عنوان نیروی مشترک دریایی روسیه، قزاقستان و ترکمنستان عمل می‌کند و مقر اصلی آن تحت فرماندهی روسیه در آستراخان قرار دارد.

مطابق قانون اساسی ترکمنستان، رئیس جمهور، فرمانده کل نیروهای مسلح است. اعلام بسیج عمومی و یا نیمه عمومی، استفاده از نیروهای مسلح، تعیین فرماندهان رده بالای ارتش و عزل و نصب اعضای شورای امنیت ملی بر عهده رئیس جمهور بوده و دستورات وی از طریق وزیر دفاع منتقل می‌شود. کشور ترکمنستان تا قبل از سال ۱۹۹۱ (استقلال این کشور) فاقد ارتش ملی بود و

ارتش اتحاد جماهیر شوروی، ارتش این کشور محسوب می‌شد و نیروهای ترکمن در اختیار این ارتش بودند. بعد از استقلال این کشور، ایجاد ارتش ملی از اهداف اولیه محسوب می‌شد و آموزش نیروهای آن نیز با کمک سایر کشورها آغاز شد. با وجود این، در سال‌های آغازین، حفاظت از خاک این کشور برعهده نیروهای روسی قرار داشت و این کشور از کمبود افسران عالی رتبه نظامی رنج می‌برد. هم‌اکنون این کشور در حال توسعه ارتش ملی و ایجاد نیروی دریایی و تقویت سایر نیروها است.

با توجه به این که نظام سیاسی این کشور، نظامی بر پایه قدرت ریاست جمهوری است، تمام امور به رئیس جمهور ختم شده و نظامیان در راستای اجرای فرامین ریاست جمهوری عمل می‌کنند. ترکمنستان توانایی صنعتی تولید سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی را ندارد. در این کشور هیچ‌گونه مرکز آزمایشی هسته‌ای از اتحاد جماهیر شوروی سابق باقی نمانده است و تنها یک معدن اورانیوم در شمال غربی این کشور در نزدیکی غزل کایا (KIZIL-KAYA) وجود دارد. تجهیزات و ادوات نظامی این کشور، تجهیزات به جامانده از ارتش شوروی بوده و توانایی استفاده از سلاح‌های استراتژیک را نیز ندارد. نقطه قوت ارتش ترکمنستان نیروی هوایی آن است که تمام تجهیزات و هواپیماهای آن روسی است.

سلاح‌ها، پایگاه‌ها و پیمان‌ها: ادوات زیر مهم‌ترین سلاح‌های نیروی زمینی این کشور است: تانک جنگی: ۷۰۲ دستگاه T-72؛ خودرو شناسایی: ۱۷۰ دستگاه BRDM و BRDM-2؛ خودرو جنگی پیاده نظام زرهی: ۹۳۰ دستگاه BMP-1/2 و ۱۲ دستگاه BRM؛ نفربر زرهی: ۸۲۹ دستگاه BTR(60-70-80)؛ توپخانه کششی: ۱۹۷ عراده D-33 (۱۲۲ میلی‌متری)، ۱۷ عراده D-1 و ۷۲ عراده D-20 (۱۵۲ میلی‌متری)؛ موشک‌انداز چند لول: ۵۶ دستگاه BM-21 و ۹۹ دستگاه P138. سلاح‌های نیروی هوایی نیز عبارت است از: جنگنده هوا به زمین (جنگنده شکاری): دو اسکادران با ۲۴ فروند MIG-29 و ۶۵ فروند SU-17؛ سفارش داده شده: ۴۶ فروند SU-25، ۱۲۰ فروند MIG-23، ۱۰ فروند MIG-23U و ۲۴ فروند MIG-25؛ حمل و نقل: یک اسکادران ترکیبی با یک فروند AN-2610، ۲۹ فروند MI-24 و ۸ فروند MI-8؛ آموزش: یک واحد با سه فروند SU-7B و دو فروند L-39.

پایگاه‌های نظامی ترکمنستان به قرار زیر است:

پایگاه‌های زمینی: عشق آباد، گوشگی (GUSHGY) و قزل آربات (GYZYLARBAT).
پایگاه‌های هوایی: مرو، گوگ تپه، قزل آربات، گوشگی، عشق آباد، آق تپه و ماری.

پایگاه‌های دریایی: هم اکنون این کشور دارای یک پایگاه دریایی در شهر ترکمن‌باشی با پنج قایق است.

پیمان‌های نظامی این کشور عبارت است از:

- ۱- امضای قرارداد دفاع مشترک با روسیه در سال ۱۹۹۲: دفاع از امنیت ترکمنستان و گسترش ارتش ملی این کشور از مفاد این قرارداد است. به موجب این قرارداد، نیروهای هوایی، پدافند هوایی و گارد مرزی ترکمنستان به مدت ده سال در اختیار روسیه قرار گرفته و طی این ده سال، تجهیزات و ادوات نظامی این نیروها به همراه آموزش نیروی انسانی در اختیار ترکمنستان قرار می‌گیرد.
- ۲- امضای قرارداد محافظت مشترک از مرزهای ترکمنستان توسط روسیه در سال ۱۹۹۳: به موجب این قرارداد نیروهای فدرال روسیه در مرزهای ترکمنستان مستقر شدند. این قرارداد در آغاز محدودیت زمانی نداشت، اما در سال ۲۰۰۰، نیروهای روسی از خاک ترکمنستان خارج شدند.
- ۳- امضای قرارداد با ناتو در سال ۱۹۹۴: به موجب این قرارداد، ترکمنستان به عنوان اولین کشور آسیای مرکزی در برنامه صلح ناتو شرکت کرد.
- ۴- امضای قرارداد با کشورهای روسیه، ترکیه، پاکستان و اوکراین برای آموزش افسران ترکمن.
- ۵- امضای قرارداد برنامه مشترک همکاری‌های نظامی با آمریکا در سال ۲۰۰۱: مطابق این قرارداد، نیروهای آمریکایی به تشکیل نیروی دریایی ترکمنستان پرداخته و جای‌گزین نیروی دریایی روسیه (کاسپین فلوتا) شدند.
- ۶- امضای قرارداد تعمیر هواپیماهای SU-25 با گرجستان: طبق این قرارداد، تعمیر ۲۲ هواپیمای جنگی در سال ۲۰۰۱ به پایان رسید.
- ۷- امضای قرارداد ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در آسیای مرکزی به همراه کشورهای قزاقستان، تاجیکستان، ازبکستان و قرقیزستان.

قرقیزستان

قرقیزستان دارای توان و ظرفیت نظامی زیر است:

برآورد کلی وضعیت نظامی: بودجه نظامی این کشور ۵/۲۳ میلیارد دلار می‌باشد. سن خدمت سربازی هجده سال است. تعداد نظامیان در نیروی زمینی ۸۵۰۰ نفر و در نیروی هوایی ۲۴۰۰ نفر است. آمار نیروهای خارجی مستقر ۷۰۰ سرباز آمریکایی، ۳۸۰ سرباز فرانسوی، ۷۵ سرباز دانمارکی، ۲۰ سرباز اسپانیایی و ۹۰ سرباز کره جنوبی است. حضور این نیروها بیشتر به واسطه عملیات آمریکا

در افغانستان است. مطابق ماده ۴۶ قانون اساسی قرقیزستان، رئیس جمهور این کشور فرمانده کل قوا بوده و اعلام بسیج همگانی، عزل و نصب فرماندهان عالی رتبه نظامی و اعطای نشان و درجه توسط وی انجام می‌شود. رئیس جمهور دارای دو بازوی اجرایی در امور نظامی و امنیتی کشور است: شورای عالی امنیت ملی (با نقش اجرایی و مشورتی) و وزیر دفاع، این دو بازو را تشکیل می‌دهند و دستورات ریاست جمهوری از طریق آنان اجرا می‌شود. شورای عالی امنیت ملی، سیاست‌گذار امور دفاعی است و وزارت دفاع نقش اجرایی و عملیاتی دارد.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال قرقیزستان در سال ۱۹۹۱، رئیس جمهور این کشور به فکر ایجاد یک ارتش ملی افتاد، اما با شکل‌گیری نیروهای مشترک کشورهای مستقل مشترک المنافع، قرقیزستان بی‌درنگ به این پیمان پیوست. هنگامی که روسیه در سال ۱۹۹۲، اعلام کرد که قادر به تأمین هزینه‌های ارتش مشترک نیست، قرقیزستان با تشکیل کمیته امور دفاعی، فرماندهی نیروهای مستقر در کشورش را به عهده گرفت. بیشتر فرماندهان این نیرو را روس‌ها تشکیل می‌دادند که به دلایل مختلفی از قبیل کمی دست‌مزد و شرایط سخت زندگی، قرقیزستان را ترک کردند. قرقیزستان سعی در جانشین کردن این افراد با نیروهای قرقیز کرد، اما این کار موفقیت چندانی دربر نداشت و طبق قراردادی، قرقیزستان را به پرداخت حقوق و مزایای کافی به افسران روس مجبور کرد تا در ارتش این کشور بمانند.

این روند با وجود تغییراتی، امروزه نیز پا برجا مانده است و نظامیان این کشور به دلیل کوچک بودن بدنه ارتش قدرت چندانی ندارند. از سوی دیگر، طبق قانون اساسی، فرماندهی این نیروها به طور کامل در اختیار ریاست جمهوری است و سیاست‌های دفاعی نیز توسط شورای امنیت ملی که ریاست آن با رئیس جمهور است تعیین می‌شود. به همین خاطر نظامیان به طور کامل در اختیار قدرت سیاسی قرار دارند.

تکنولوژی نظامی این کشور کاملاً متعلق به روسیه است. ابزار نظامی ارتش این کشور نیز باقی مانده از ارتش اتحاد جماهیر شوروی سابق است و بسیاری از آنها در اوایل استقلال قرقیزستان از آن کشور خارج شده است. این کشور سلاح استراتژیک در اختیار ندارد و قادر به تولید و به کارگیری آن هم نیست.

سلاح‌ها، پایگاه‌ها و پیمان‌ها: سلاح‌های موجود در نیروی زمینی عبارت است از: تانک جنگی: ۲۳۳ دستگاه T-72؛ خودرو شناسایی: ۳۰ دستگاه BRDM-2؛ خودرو جنگی پیاده نظام زرهی: ۲۷۴ دستگاه BMP-1 و ۱۱۳ دستگاه BMP-2؛ نفربر زرهی: ۵۳ دستگاه BTR-70 و ۱۰ دستگاه

BTR-80؛ موشک انداز چند لول (۱۲۲ میلی متری): ۲۱ دستگاه BM-21؛ توپ خود کششی (۱۲۲ میلی متری): ۱۸ عراده 2S1؛ توپخانه کششی: ۱۸ عراده M-1994 (۱۰۰ میلی متری)؛ ۷۲ عراده D-30 (۱۲۲ میلی متری)؛ ۳۵ عراده M-30 (۱۵۲ میلی متری) و ۱۶ عراده D-1. سلاح‌های نیروی هوایی عبارت است از: جنگنده شکاری: یک هنگ با چهار فروند L-39 و ۴۸ فروند MIG-21؛ حمل و نقل: یک هنگ ترکیبی با دو فروند AN-12 و دو فروند AN-26؛ هلی کوپتر: یک هنگ با ۹ فروند MI-24 و ۲۳ فروند MI-8؛ سفارش داده شده: دو فروند MI-23؛ ۲۴ فروند L-39 و ۲۴ فروند MIG-21؛ موشک زمین به هوا: SA-3 و SA-2 و ۱۲ فروند SA-4. مهم‌ترین پایگاه‌های نظامی این کشور، پایگاه‌های زمینی بیشکک (مقر فرماندهی)، نارین (NARYN)، ایسفرآ (ISFARA) و کاراکول (KARAKOL) و پایگاه‌های هوایی کانت (KANT)، ماناس (MANAS) و بیشکک می‌باشد.

قرقیزستان در همکاری‌ها و پیمان‌های نظامی زیر مشارکت دارد:

۱- قرارداد همکاری نظامی با آمریکا و دیگر قوای غربی در عملیات آزادسازی افغانستان (۲۰۰۲): به موجب این قرارداد، قرقیزستان پایگاه‌های هوایی خود را در اختیار نیروهای غربی قرار داد.

۲- همکاری‌های همه جانبه نظامی با روسیه از سال ۱۹۹۱ تاکنون.

مجتمع‌ها و صنایع نظامی

نام	تولیدات	محل استقرار
معدن ترکیبی کارا - بالتا	اورانیوم فشرده	کارا - بالتا (KARA-BALTA)
معدن کاجی - سای (غیر فعال)	اورانیوم	کاجی سای (KADZHI-SAY)
معدن اک - تیوز (AK-TYUZ)	اورانیوم و دیگر فلزات	ارلوکا (ORLOKA)
معدن قزیل - چار (غیر فعال) (KYZYL-DZHAR)	اورانیوم و طلا	قزیل چار
معدن مایلی - سو (غیر فعال) (MAYLI-SUU)	اورانیوم	شمال اوش
معدن مین - کوش (غیر فعال)	اورانیوم	مین کوش (MIN-KUSH)
معدن تونسکی - بای (غیر فعال) (TOSKIY-BAY)	اورانیوم	ایسک - کول

قزاقستان

در بررسی توان و ظرفیت نظامی قزاقستان باید به مقولات زیر پرداخت:

برآورد کلی وضعیت نظامی: بودجه قزاقها ۲۱۱ میلیون دلار در سال است. سن اعزام به خدمت نظام وظیفه هجده سال است. تعداد پرسنل نیروی زمینی و هوایی به ترتیب ۴۵۰۰۰ و ۱۹۰۰۰ نفر است. ارتش قزاقستان در سال ۱۹۹۲ پایه گذاری شد و رئیس جمهور قزاقستان، فرمانده کل قوا است. ارتش این کشور از طریق وزیر دفاع با کابینه و شخص رئیس جمهور مرتبط بوده و تحت فرمان وی اداره می‌شود. بعد از رئیس جمهور که رئیس شورای امنیت ملی است، ستاد کل ارتش و فرمانده آن دومین مقام اجرایی به شمار می‌رود. ستاد کل ارتش مرکب از معاون پرسنلی وزارت دفاع، فرمانده نیروی زمینی، فرمانده نیروی هوایی و فرمانده پدافند هوایی است. شورای امنیت ملی بالاترین شورای مشورتی رئیس جمهور در امور دفاع ملی است و مرکب از نخست وزیر، معاون اول نخست وزیر، وزیر امور خارجه، رئیس کمیته دفاع از قانون اساسی، رئیس کمیته ملی حوادث غیرمترقبه، وزیر دفاع، فرمانده نیروهای مرزی، فرمانده نیروی زمینی و وزیر کشور است. در هنگام فعالیت این شورا، یک کمیته چهار نفره از مجلس برای هماهنگی با سیاست‌های دفاعی در جلسات این شورا شرکت می‌کند.

کشور قزاقستان در زمان استقلال، فاقد ارتش و نیروهای نظامی مستقل بود و حتی پس از استقلال نیز تمایلی به ایجاد نیروهای نظامی نشان نمی‌داد. رئیس جمهور قزاقستان در زمان استقلال آن خواهان امنیت از سوی فرماندهی نظامی کشورهای مشترک‌المنافع بود و حتی زمانی که سیاست نظامی روسیه در قبال کشورهای مشترک‌المنافع تغییر یافت، بیشتر جوانان این کشور را به نام‌نویسی در ارتش کشورهای مشترک‌المنافع تشویق می‌کرد.

با وجود این، زمانی که روسیه در سال ۱۹۹۲ نیروهای خود را از قزاقستان عقب کشید، این کشور اقدام به ملی کردن لشکر چهلیم زمینی اتحاد جماهیر شوروی سابق کرده و به این شکل هسته اصلی ارتش این کشور به وجود آمد. به همین علت، ارتش و نظامیان در این کشور، نوپا بوده و هنوز هم تعداد زیادی از افسران روسی (اسلاو) در آن خدمت می‌کنند. از سوی دیگر، قدرت سیاسی کشور تنها در دست رئیس جمهور و مشاوران وی بوده و رئیس جمهور بر تمامی امور حاکم است. حتی احزاب نیز در این کشور دارای قدرت نیستند و بیشتر در اختیار رئیس جمهور می‌باشند. بنابراین نوعی

انفکاک کامل از قدرت سیاسی نزد نظامیان دیده می‌شود و آنها مجری دستورات رئیس جمهوری هستند.

قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، قزاقستان یکی از مهم ترین مراکز تولید و آزمایش تسلیحات نظامی بود. این جمهوری ۳٪ کل صنایع نظامی اتحاد جماهیر شوروی را در اختیار داشت و ۷۵۰۰۰ کارگر در این صنایع که بیشتر در قسمت‌های شمالی کشور و تحت تسلط کامل روس‌ها قرار داشت، فعالیت می‌کردند. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، عمده صنایع نظامی قزاقستان (در سال ۱۹۹۴) تولید نظامی خود را متوقف کرده، برخی از آنها تغییر کاربردی داده شده و برخی نیز تخریب گردید. از سوی دیگر، با تشکیل ارتش ملی قزاقستان بخشی از تجهیزات به جا مانده از ارتش شوروی در اختیار این ارتش قرار گرفته و برخی نیز به فروش رسید. سلاح‌های استراتژیک ارتش شوروی از جمله ۱۴۱۰ کلاهک هسته ای در سال ۱۹۹۵ به روسیه منتقل شده و مراکز آزمایش و تولید سلاح‌های هسته ای در این کشور تخریب گردید. در سال ۱۹۹۴ نیز بخشی از سلاح‌های هسته ای این کشور تحت برنامه مشترکی بین آمریکا و قزاقستان (با نام پروژه SAPPHIR PROJECT) به آمریکا انتقال یافت.

سلاح‌های بیولوژیکی این کشور نیز تحت برنامه مشترک کاهش تهدید، منهدم شده و مراکز تولید این سلاح‌ها به مراکزی با تولیدات پزشکی تغییر یافته‌اند. تمام موشک‌های بالستیک این کشور، از جمله ۱۰۴ فروند موشک بالستیک SS-18، در سپتامبر ۱۹۹۶ به روسیه انتقال یافته و انبارها و تجهیزات نگهداری آنها تحت برنامه مشترک کاهش تهدید (وزارت دفاع آمریکا) در سپتامبر ۱۹۹۹ تخریب گردید. طبق گزارش‌های مراکز تحقیقاتی مختلف، امروزه قزاقستان هیچ نوع سلاح استراتژیک در اختیار ندارد و تجهیزات متعارف نظامی این کشور بیشتر وارداتی و ساخت کشور روسیه (تجهیزات به جا مانده از لشکر چهلیم ارتش اتحاد جماهیر شوروی سابق) است.

سلاح‌ها، پایگاه‌ها و پیمان‌ها: سلاح‌های نیروی زمینی عبارت است از: تانک جنگی: ۶۵۰ دستگاه T72 و ۲۸۰ دستگاه T-62؛ خودرو شناسایی: ۱۴۰ دستگاه BRDM؛ خودرو جنگی پیاده نظام زرهی: ۵۰۸ دستگاه 2 و BMP-1 و ۶۵ دستگاه BRM؛ نفربر زرهی: ۸۴ دستگاه 80 و BRT-70 و ۶۸۶ دستگاه MT-LB APC؛ توپخانه کششی: ۱۶۳ عراده از انواع ۱۲۲ و ۱۵۲ میلی متری؛ موشک زمین به زمین: ۱۲ فروند SS-21؛ سلاح‌های ضد تانک (۱۰۰ میلی متری): ۶۸ دستگاه T-12 و MT-12.

سلاح‌های نیروی هوایی نیز عبارت است از: جنگنده شکاری: یک هنگ با ۴۰ فروند MIG-29؛ جنگنده هوا به زمین: سه هنگ مشتمل بر یک هنگ با ۱۴ فروند SU-25، یک هنگ با ۲۵ فروند SU-24 و یک هنگ با ۱۴ فروند SU-27؛ هواپیمای شناسایی: یک هنگ با ۱۲ فروند SU-24؛ هلی‌کوپتر: تعدادی MI-29 و MI-8؛ هواپیمای آموزشی: ۱۲ فروند L-39 و ۴ فروند YAK-18. سلاح‌های موجود در نیروی دریایی به این قرار است: سلاح‌های گارد مرزی: شناور گشتی: ۵ فروند GUARDIAN PCI یک فروند DAUNTLESS PCI و ۴ فروند ALMATY PCI به علاوه ۵ قایق گشتی.

قزاقستان در پیمان‌های زیر مشارکت دارد:

- ۱- پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ایالات متحده آمریکا، ۱۹۹۹)؛
 - ۲- پیمان مبارزه با تروریسم (ایالات متحده آمریکا، ۱۹۹۹)؛
 - ۳- پیاده کردن تجهیزات مراکز هسته‌ای قزاقستان (آمریکا، ۱۹۹۳)؛
 - ۴- قرارداد فروش ۴۰ فروند MIG-21 به کره شمالی (کره شمالی)؛
 - ۵- قرارداد فروش تسلیحات به قزاقستان (آمریکا، ۲۰۰۲)؛ طبق این قرارداد، تسلیحات نظامی به ارزش ۲۷۵۰۰۰۰ دلار از سوی آمریکا به قزاقستان فروخته خواهد شد. فروش هلی‌کوپترهای جنگی و نیز خودروهای نظامی هامر از جمله مفاد این قرارداد است.
 - ۶- برنامه همکاری‌های نظامی مربوط به سال ۲۰۰۰ (آمریکا، ۱۹۹۹)؛ همکاری‌های مستقیم نظامی و ارتباطات مستقیم وزارت خانه‌های دفاع دو کشور، بازسازی و تقویت بنیه نظامی قزاقستان، مدرنیزه کردن تجهیزات نظامی قزاقستان، آموزش افسران قزاق، همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم و فروش تسلیحات نظامی از مفاد این قرارداد است.
- پایگاه نظامی قزاقستان به این ترتیب است:
- پایگاه‌های زمینی: سمی (SEMEY)، آیاگوز (AYAGOZ)، آلماتی و سارای ازیک (SARAY OZYK).

پایگاه‌های هوایی: تقریباً دارای ۳۰ پایگاه هوایی در تمام کشور است.

پایگاه‌های دریایی: نیروی دریایی ندارد. پایگاه‌های دریایی زیر مورد استفاده گارد مرزی است:

آکتاو (AKTAU) (مقر فرماندهی)، باتینو (BATINO) و ساریشاقان (SARYSHAGHAN).

مجتمع‌ها و صنایع نظامی

نام	تولیدات	محل استقرار
مرکز ولادیمیروکا (VLADIMIROVKA)	محل انجام آزمایشات موشکی	ولادیمیروکا
مرکز ساری شاقان (SARYSHAGHAN)	محل انجام آزمایشات موشک‌های بالستیک و سیستم‌های پدافند هوایی	امبا
مرکز سمی پالاتینسک	محل انجام آزمایشات هسته‌ای	سمی پالاتینسک
مرکز بایکونور (BAIKONUR)	مرکز سکوهای پرتاب فضایی	بایکونور (طبق قرارداد ۲۰ ساله‌ای در اختیار روسیه قرار دارد)
کارخانه کِمِن (KEMEN)	بریلیموم مصنوعی و سوخت راکتورهای هسته‌ای	کِمِن
کارخانه اکتاو (AKTAU)	تولید اورانیوم غنی شده	اکتاو
صنایع پتروپاول (PETROPAVEL)	تولید موشک‌های بالستیک کوتاه برد ۲۱-SS، تولید اژدر و سیستم‌های ارتباط دریایی، موشک انداز، توپ و خودروهای زرهی	پتروپاول
کارخانه اسلحه‌سازی آلماتی	اژدر	آلماتی
صنایع نظامی آکسو (AKSU)	تولید سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک	آکسو
کارخانه پاولودار (PAVLODAR)	تولید سلاح‌های شیمیایی	پاولودار

- تمامی صنایع و مراکز یاد شده به جر مرکز فضایی بایکونور تخریب شده و برخی دیگر، مانند کارخانه آلماتی، تغییر کاربری داده شده است.
- نتیجه این بررسی اجمالی عبارت است از:
- ۱- ارتش این کشورها از جمله ارتش‌های جدید التأسیس اند که تا نهادینه شدن و قدرت یابی به منظور دفاع از منافع ملی فاصله زیادی دارند.
 - ۲- ارتش این کشورها یا هم‌چنان از سوی فرماندهان روسی هدایت می‌شود و یا بخشی از سربازان آن را روس‌ها تشکیل می‌دهند. ضمن این‌که از لحاظ فنون و سلاح‌های نظامی نیز متکی به ارتش روسیه می‌باشند.
 - ۳- ضعف اقتصادی مانع از صرف بودجه کافی برای تقویت ارتش شده است. پیش‌بینی‌ها از ادامه این ضعف در سال‌های آینده حکایت دارد؛ از این رو طی سال‌های آینده امید چندانی به ظهور ارتش قوی در کشورهای مذکور وجود ندارد.

تصویر کلی از توان و ظرفیت نظامی کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز را می‌توان در جدول زیر مشاهده نمود:

مجتمع‌ها و صنایع نظامی

کشورها و موضوعات	۱ آذربایجان	۲ ازبکستان	۳ تاجیکستان	۴ ترکمنستان	۵ قرقیزستان	۶ قزاقستان	نتیجه
آمادگی نظامی	P	G	P	P	P	F	۳P۱FBG
تجهیزات نظامی	B	G	P	P	P	F	۲BP۱FG
قابلیت نظامی	B	G	P	P	P	F	۲BP۱FG
تطبيق پذیری با ناتو	B	G	P	P	F	F	۲FP۱GB
نتیجه	۳B۱P	۴G	۴P	۴P	۱F۳B	۴F	۵F۶B۹P۴G

ضعف‌های نظامی و دخالت‌های خارجی

ضعف‌های نظامی موجب حضور و یا دخالت نظامی کشورهای خارجی قدرت‌مند فرامنطقه‌ای یا منطقه‌ای در کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز شده است که عمده‌ترین آنها عبارت است از: روسیه: در بیش از یک دهه اخیر، روسیه کوشیده تا با اجرای سیاست‌های چندگانه اهداف خود را در کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز تأمین نماید. بر طبق این سیاست‌ها، دولت‌های مذکور را برای ایجاد نفوذ و تلاش جهت کاهش تهدیدات تحت فشار قرار داده است. این تلاش‌ها شامل روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی و ارائه کمک در همین راستا بوده است. روسیه در پی آن بوده تا با وعده کمک‌ها و تعهدات امنیتی، از ترس بی‌ثباتی و درگیری در منطقه، بیشترین سود را ببرد و حتی برخی مطرح می‌کنند که روسیه برای ایجاد ناامنی در آسیای مرکزی و قفقاز از بی‌ثباتی منطقه‌ای حمایت کرده است. کمک‌های نظامی نیز شامل فروش تسلیحات، استقرار نیروها برای کمک، آموزش‌های مشترک ضد شورش و ایجاد سازمان مشترک ضد تروریستی منطقه‌ای در بیشکک و نیز تأسیس واحدهای مشترک سریع می‌شود. موفقیت روسیه در ارائه کمک‌های نظامی متفاوت بوده است، برای مثال، تاجیکستان از نیروهای روسیه استقبال کرده، قرقیزستان برخی کمک‌های نظامی را پذیرفته و قزاقستان تمایل دارد روابط نظامی و سیاسی خود را با روسیه حفظ کند.

ترکیه: گرچه اشتیاق اولیه ترکیه برای حضور در کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز کم شده، ولی همچنان به دنبال یافتن راه‌هایی برای ایجاد و استحکام روابط با منطقه است. دلیل ترکیه برای این تلاش، نیازهای آن کشور به منطقه است که از جمله آنها نیاز به انرژی است. با این وصف، موفقیت ترکیه در جلب نظر کشورهای آسیای مرکزی محدود بوده است، اما کمک‌های آن کشور به منطقه از اواخر سال ۲۰۰۰ اهمیت جدی‌تری یافته و این کمک‌ها، بیشتر در ازبکستان و قرقیزستان تمرکز پیدا کرده است. در این راستا، نیروهای نظامی ترکیه با واحدهای نظامی ویژه ازبک و قرقیز همکاری داشته و تجهیزات جنگی در اختیار آنان قرار داده و حتی آموزش عملیات ضدتروریستی آنها را برعهده گرفته است. وضعیت قفقاز تا حدودی متفاوت است. اگر دولت‌های آسیای مرکزی نسبت به اقدامات نظامی ترکیه تردید دارند، در مقابل، کشورهای چوچن آذربایجان از حضور نظامی آنکارا استقبال کرده‌اند. در عین حال، ترکیه از مشارکت این کشورها در نیروهای حافظ صلح ناتو در یوگسلاوی حمایت می‌کند و البته ادامه حضور ترکیه در نبرد بین‌المللی بر ضد تروریسم می‌تواند به اعزام بیشتر نیروهای نظامی ترک به کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز منجر گردد.

اروپا: اروپایی‌ها فعالیت‌های دو یا چند جانبه گسترده‌ای را با کشورهای این منطقه دارند. برای نمونه، بریتانیا، همانند آلمان، ارائه دهنده کمک‌های امنیتی به گرجستان می‌باشد که به سهم خود تعادل امنیتی منطقه را به نفع این کشور تغییر می‌دهد. گرچه همکاری آلمان و قزاقستان تا حدودی به خاطر جمعیت قابل توجه آلمانی‌ها در قزاقستان است، ولی به هر روی این همکاری حتی در ابعاد نظامی ادامه دارد و در سال‌های اخیر بیشتر از همکاری نظامی آمریکا و ترکیه بوده است. فرانسه نیز نقش زیادی در تلاش‌های بین‌المللی - جهت کمک به حل بحران ناگورنو - قره باغ داشته است. این کشور همچنین در جنگ بر ضد تروریسم در افغانستان، هواپیماها و پرسنل نظامی خود را در تاجیکستان مستقر کرده و نیز در حال توسعه طرحی برای همکاری‌های نظامی در آینده، شامل آموزش و تبادل اطلاعات نظامی با تاجیک‌ها است. ممکن است دولت‌های اروپایی به عنوان بخشی از نیروهای حافظ صلح چند ملیتی در منطقه حضور پیدا کنند یا این که حضور خود را بیشتر نمایند و البته این احتمال وجود دارد که در صورت درگیری میان دو یا چند دولت در منطقه، خواستار مداخله نظامی ناتو شوند.

آمریکا: حضور و همکاری‌های نظامی آمریکایی‌ها در کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز قبل از حادثه ۱۱ سپتامبر محدود بود، ولی حملات تروریستی به آمریکا نقطه عطفی بر تفکر

استراتژیک آن کشور گردید که حاصل آن برای کشورهای منطقه کشنده بوده، زیرا اکثر دولت‌های منطقه برای مأموریت‌های بشردوستانه و برخی نیز تحت شرایط دیگر، حریم هوایی خود را در اختیار آمریکا قرار دادند. به علاوه، هم‌اکنون آمریکا در کشورهای ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان دارای نیرو، تجهیزات و تأسیسات بوده و قزاقستان نیز با ارائه چنین کمک‌هایی در صورت نیاز موافقت کرده است. البته آمریکا عنوان می‌کند که به دنبال حضور نظامی دائم نیست ولی هیچ نوع تضمین امنیتی به این دولت‌ها نداده است و تنها با امضای موافقت‌نامه‌ای به ازبکستان وعده داده تا هر نوع تهدید خارجی علیه این کشور را مورد توجه جدی قرار دهد.

آمریکا نیروهای نظامی خود را برای کمک به رهبران محلی در جهت کنترل و نابودی گروه‌های تروریستی متعهد ساخته و این مسئله در کنار حضور فیزیکی نیروهای نظامی آمریکا، خطر کشیده شدن پای این کشور به درگیری‌های محلی را افزایش می‌دهد. با نگاهی به تعداد پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز می‌توان این ادعا را تأیید کرد:

آذربایجان: مهم‌ترین پایگاه‌های آمریکا در این کشور پایگاه هوایی است که در نزدیکی باکو، پایتخت آذربایجان، قرار دارد. دو خط لوله نفتی و گازی از این کشور به طرف ترکیه کشیده شده است که یکی از آنها به جبهان در دریای مدیترانه و دیگر به ارزروم در غرب می‌رسد. رامسفیلد در آوریل سال ۲۰۰۵ به این کشور سفر کرده و توافق‌نامه جدیدی برای استقرار نیروهای آمریکایی در این کشور به امضا رساند. آمریکا هم‌چنین ۳۰۰ نظامی خود را برای حراست از سواحل آذربایجان در دریای خزر و در نزدیک مرز با ایران مستقر کرده است. واشینگتن هم‌چنین تمایل خود را برای اعزام چندین هزار نظامی به سه پایگاه هوایی و نیروهای واکنش سریع در شبه جزیره آبشرون در نزدیکی باکو و نیز راه‌اندازی پایگاه‌های راداری در این کشور جهت زیر نظر قرار دادن فعالیت‌های هوایی و زمینی ایران اعلام کرده است، گرچه این اقدام می‌تواند اثر منفی بر پایگاه‌های راداری روسیه در منطقه کایالا در مرکز آذربایجان داشته باشد. توجه ویژه واشینگتن به آذربایجان دارای دلایل زیر است: ۱- در اختیار داشتن منافع نفت و گاز در آب‌های دریای خزر؛ ۲- عبور خط لوله مهم انتقال نفت و گاز از این کشور؛ ۳- امکان زیر نظر قرار دادن و کنترل ایران و بخش شمالی خاورمیانه؛ ۴- جلوگیری از موافقت باکو با درخواست ایران جهت عبور خط لوله ایران به اروپا از طریق قفقاز.

ازبکستان: آمریکا در مقابل پرداخت سالانه ۱۲۰ میلیون دلار به دولت ازبکستان، پایگاه نظامی "خان آباد" را در اختیار خود دارد. علاوه بر آن، واشینگتن سالانه کمک‌های نظامی به ارتش و پلیس

این کشور در مقابل این حضور نظامی تقدیم می‌کند. از این رو دولت آمریکا به شورش‌هایی که در مه گذشته در منطقه آذربایجان واقع در شرق تاشکند علیه دولت مرکزی صورت گرفت توجه چندانی نکرد، زیرا به رژیم قدرتمند برای حفظ پایگاه نظامی خود در خان آباد که برای حمله به ایران منحصر به فرد است، نیاز دارد. این مسئله باعث شده است واشینگتن توجهی به حقوق بشر در ازبکستان نداشته باشد.

قرقیزستان: فرودگاه ماناس در نزدیکی پیشکک به پایگاه نظامی آمریکا مبدل شده است. این پایگاه هوایی ۳۰۰ نظامی را در خود جای داده است.

قزاقستان: قزاقستان یکی از ثروتمندترین کشورهای آسیای میانه به جهت تولید نفت و گاز است. اکنون ۱۲ میلیارد دلار در این صنعت سرمایه‌گذاری شده است که نیمی از آن متعلق به آمریکایی‌ها است. دولت این کشور به ایالات متحده حق استفاده از فرودگاه‌هایش را برای اهداف نظامی داده و هواپیماهای جنگی آمریکا اجازه پرواز در حریم هوایی قزاقستان را دارند.

نتیجه

حضور قدرت‌های بیگانه در منطقه، به کاهش و یا خاتمه بحران‌ها و چالش‌های کشورهای مسلمان آسیای مرکزی و قفقاز منجر نشده است، از این رو باید برای حل مشکلات و معضلات منطقه‌ای و به منظور تقویت نیروهای نظامی برای پاسداشت امنیتی منطقه دنبال راهی دیگر گشت و آن همکاری‌های منطقه‌ای است و برای دستیابی به این هدف، تقویت اتحادیه کشورهای مشترک المنافع ضروری است.

این اتحادیه در زمان تغییر اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۲ با نام دولت‌های مستقل مشترک المنافع به وجود آمد، اما پس از پانزده سال فعالیت طولانی اما نه درخشان خود، احتمال دارد که یک بار دیگر بحران بسیار سختی را متحمل شود، که این کشورها نباید اجازه دهند چنین اتفاقی رخ دهد. این اتحادیه باید مانع از خروج کشورهای عضو گردد. در واقع، باید بتواند پروژه‌های جدی و جذابی در زمینه رشد و توسعه پیشنهاد کند تا آنها را در این اتحادیه نگه دارد و در آینده بیش از اکنون آنها را از مدار نفوذ کرملین خارج نماید. اتحادیه کشورهای مستقل مشترک المنافع باید قادر باشد به یک اتحادیه سیاسی، اقتصادی و نظامی کامل جمهوری‌های پس از فروپاشی شوروی تبدیل شود و فقط به عنوان یک کلوپ مخصوص سران دولت‌ها عمل نکند و در چارچوبی قابل قبول، اعضای این

اتحادیه را حول مسائلی چون نفت و گاز نگه دارد. البته جمهوری‌هایی که ارتباطی با مسیرهای انتقالی انرژی نداشته و دارای ذخایر نیز نیستند، مانند تاجیکستان و قرقیزستان، انگیزه چندانی برای ادامه عضویت در این اتحادیه ندارند و لازم است بر آنها انگیزه‌های جدید به وجود آورد. در جلسه شورای رؤسای دولت‌های مستقل مشترک المنافع که در شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، در ۲۵ می سال ۲۰۰۶ برگزار شد، نخست وزیران کشورهای نماینده، معاونین خود را به این جلسه فرستادند، که این امر یک حرکت ظاهری برای نشان دادن بی‌علاقگی آنها به کار اتحادیه بود. یکی از مسائل مورد بحث این جلسه سرنوشت اتحادیه جمهوری‌های مستقل مشترک المنافع بود. همان گونه که دولت علی دولتوف، معاون اول مدیر حزب دموکراسی ملی تاجیکستان احتمال داد، گمان نمی‌رود کسی بتواند کشورهای عضو اتحادیه را به زور در این اتحادیه نگه دارد. او می‌گوید: «هر کشوری حق دارد خود تصمیم بگیرد که در اتحادیه باقی بماند یا نه و در ارتباط با این، گمان نمی‌رود که خروج این کشورها از اتحادیه تأثیر جدی در کشورهای دیگر و به طور کلی در اتحادیه دولت‌های مستقل مشترک المنافع داشته باشد.»

البته خروج کشورهای غیرمسلمان، حتی روسیه، می‌تواند به تقویت اتحادیه بینجامد، زیرا این کشورها دارای منافع مشترک بیشتری می‌باشند، از این رو باید از واکنش مسکو در مقابل درخواست و اشاره و کنایه گرجستان، اوکراین و مولداوی استقبال کرد. میخائیل فرادکوف، نخست وزیر روسیه، اعلام کرد: «روسیه در اتحادیه کشورهای مستقل مشترک المنافع هیچ کس را نگه نمی‌دارد. اگر می‌خواهید بروید، بفرمایید!» خلأ حضور این کشور را می‌توان با کشورهای مسلمان پر کرد. پریدنستر و آبخازیا مدعی شده‌اند قادرند جای اوکراین، گرجستان و مولداوی را بگیرند. قدم اول در این جهت برداشته شده است. در اواسط ماه می، رؤسای آبخازیا و پریدنستر (سرگی بگاپش و ایگور سمیرنوف) در مسکو درباره شرکت این جمهوری‌های دعوت نشده در اتحادیه گفت‌وگو نمودند. ولی مسئله مهم این است که هنوز روسیه نقش محوری دارد، هر چند به نظر می‌رسد کشورهای مسلمان می‌توانند روسیه را نیز از اتحادیه خارج نمایند.

منابع و مآخذ

- ۱- امیراحمدی، هوشنگ، «نظم‌نویین جهانی، خلیج فارس و تلاش‌های آمریکا برای رهبری جهان»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال ششم، شماره نهم و دهم، (خرداد و تیرماه ۱۳۷۱).

- ۲- برژینسکی، زیبگنیو، *خارج از کنترل*، ترجمه نوه ابراهیم، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۲.
- ۳- رادیو بی. بی. سی، بخش شامگاهی، مورخ سه‌شنبه ۱۳۸۲/۹/۱۱.
- ۴- روزنامه خراسان، شماره ۱۵۷۱۸، سه‌شنبه ۱۳۸۲/۹/۱۱.
- ۵- سریع‌القلم، محمود، «اثرات فروپاشی شوروی بر جهان سوم»، مجله سیاست خارجی، شماره ۴، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی، تهران، (زمستان ۱۳۷۱).
- ۶- ضیایی‌پرور، حمید، *پادگان خزر، گزیده تحولات جهان*، شماره ۱۸، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۲.
- ۷- عزتی، عزت‌الله، *ژئوپولیتیک، انتشارات سمت*، تهران، ۱۳۷۱.
- ۸- _____، «ژئوپولیتیک ایران و تأثیر آن در تأمین امنیت خزر و حوزه خلیج فارس»، جزوه درسی، دوره دکترای جغرافیای سیاسی، ۱۳۷۷.
- ۹- واحدی، الیاس، *گسترش همکاری‌های نظامی آذربایجان و آمریکا تهدیدی علیه ایران*، گزیده تحولات جهان، شماره ۱۹، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۰- وفا، زاله، *اجلاس خزر و مسابقه در نظامی کردن این دریا*، روزنامه انقلاب اسلامی، شماره ۵۴۱.
- ۱۱- هانتینگتون، ساموئل، «آمریکا ابرقدرت تنها: گذار از نظام تک چندقطبی»، ترجمه مجتبی امیری وحید، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال سیزدهم، شماره نهم و دهم (خرداد و تیرماه ۱۳۷۸).

12- WWW.ISNA.IR.

13- WWW.XEBER.NET.



جهانی شدن، انسجام اسلامی، ظرفیت‌ها و راه کارها

عبدالخالق قاسمی *

چکیده

با توجه به این که یکی از اصلی‌ترین روندهای شکل‌دهنده پوشش‌های جهانی شدن، تکاپوهای فرآیندهای منطقه‌ای و کنش اتحادیه‌های بزرگ منطقه‌ای می‌باشد، این نوشتار وحدت و انسجام جهان اسلام را در قالب منطقه‌گرایی اسلامی و در پرتو ایمان به پیام آسمانی، بررسی می‌نماید. نویسنده معتقد است جهان اسلام با بهره‌گیری از تجربیات روندهای منطقه‌ای شدن و با اتکا به سرمایه‌ها و پتانسیل‌های مادی و معنوی خود، به هدف هم‌بستگی و انسجام اسلامی دست یافته و می‌تواند در عرصه روابط و کنش نظام جهانی، معادله را به نفع خود رقم بزند.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، انسجام اسلامی، فرهنگ مدرنیسم غربی، اسلام سیاسی، واگرایی، منطقه‌گرایی.

مقدمه

جهانی شدن را چه ناشی از گسترش فرآیندهای هژمونیک و فرامرزی نظام سرمایه‌داری بدانیم و چه به مثابه پروسه ناشی از توسعه طبیعی دست‌آوردهای مادی و معنوی مشترک بشر در بستر تاریخ تلقی نماییم، هم اکنون به صورت یک باور فراگیر و غیر قابل نفی، روز به روز عینیت و تکوین می‌یابد.

روند جهانی شدن، از نظر ماهیت، متضاد، متکثر، سیال و شناور است و با خود فرصت‌ها و

* محقق و نویسنده.

چالش‌های بی‌شماری را فراهم می‌آورد و هم‌زمان در فرآیند گسترش خود، رویکردها، ایستارها و افق‌های فرهنگی و تمدنی را پدیدار می‌سازد. در عین حال، از طریق تعامل‌های هم‌زمان، درآمیختگی، ترکیب و ادغام‌هایی را در نگرش‌ها و باورهای فرهنگی صورت می‌بخشد.

به عبارت دیگر، فرآیندهای جهانی شدن را نه می‌توان گونه‌شناسی نفی تفاوت‌ها و تمایزهای محلی و نوع همگون‌سازی، یکسان‌سازی و روند کاملاً وحدت‌بخش شناخت و نه می‌توان آن را به صورت جریان‌های کاملاً واگرا، پرتنش، ناسازگار و متخاصم دانست، بلکه آن را هم می‌توان فرآیند هیبرید شدن و ترکیب نگرش‌ها و فرهنگ‌ها در بدنه نظام واره فرهنگ جهانی و هم فضای پهناور مجازی و رقابتی در نظر گرفت که از دل آن مقوله‌های مادی و معنوی متکثر می‌جوشد و به صورت دستگاهی از عناصر سازگار و متناسب با قابلیت‌های وجودی خود، جهان مادی و معنوی ما را بازسازی می‌کند.

اندیشمندان بر این باورند که در شرایط کنونی هر چند فرهنگ مدرنیسم غربی در سایه دست‌آوردهای تکنولوژی و قدرت اقتصادی خود در عرصه‌های مختلف و در مقیاس جهانی یکه‌تازی می‌کند، اما آینده جهانی شدن، استیلا و جهانی شدن فرهنگی را نوید می‌دهد که دارای سیمای انسانی، اصالت ذاتی و درون مایه معنوی و اخلاقی باشد.

لازم است پیش از پرداختن به بحث اصلی، یعنی مؤلفه‌های هم‌بستگی و انسجام اسلامی، مباحث زیر تبیین گردد:

الف. سرخوردگی کنونی فرهنگ مدرنیسم غرب؛

ب. حضور قدرت‌مند ادیان سیاسی، به ویژه اسلام، در عرصه تعاملات بین‌المللی و ماهیت نظام حاکم بر جهان کنونی؛

ج. زمینه‌های واگرایی «چالش‌ها» و گسست‌های فرا روی انسجام اسلامی.

الف. سرخوردگی فرهنگ مدرنیسم غربی

قرن بیستم، قرن منازعات و کشمکش‌های خونین میان قدرت‌مندان در راستای توسعه قلمرو قدرت، سلطه و غارت بود. برآیند این کشمکش‌های خونین و تنش‌های خصمانه، سر برآوردن ایدئولوژی‌ها و نهضت‌های فکری گوناگون، و پیشرفت خیره‌کننده علم و تکنولوژی بود. ادامه این روند، تعمیق آگاهی روزافزون جوامع تحت سلطه از وضعیت ناگوار خویش و در نتیجه، موج استقلال‌خواهی و مبارزات استقلال‌طلبانه را در جوامع تحت سلطه در پی داشت.

تشدید مبارزات نه تنها به برچیده شدن دامن سیاه استعمار از کشورهای مستعمره منجر گردید بلکه در ادامه، زلزله‌های شدیدی را بر بنیان و شالوده نظام سرمایه‌داری غرب وارد آورد. در پایان سده بیستم، با فروکش نمودن تنش‌های خصمانه و جنگ سرد، دیری نپایید که نظام سرمایه‌داری و وجوه ایدئولوژیک آن تناقض‌های درونی خود را آشکار ساخت، زیرا عقلانیت ابزاری خودبنیاد و نفع‌پرستی اشباع‌ناپذیر انسان غربی سیر شتابناک به خود گرفت و جوامع غربی را به لحاظ اخلاقی و اعتقادی در سراشیبی انحطاط و سقوط قرار داد.

دنیا زدگی، مصرفی شدن شئون زندگی و کالایی شدن ارزش‌های حاکم بر روابط اجتماعی و شیء‌وارگی انسان بر اثر غلبه سازوکارهای اتوماسیون، آلودگی محیط زیست و اکوسیستم‌ها بر اثر سلطه ماشینی انسان بر طبیعت، بحران‌های بزرگی را فرا روی جامعه غربی ایجاد نموده و ساختار منظومه اجتماعی را در غرب دچار فرسایش ساخته است.

بنابراین، فرهنگ مدرنیسم غربی به خاطر فقدان قابلیت و توانایی ذاتی در ایجاد رابطه مسالمت‌آمیز در روابط اجتماعی انسان‌ها و روابط انسان با محیط زیست و همچنین در ارائه پاسخ‌های دموکراتیک به پرسش‌های حقوق شهروندی، سردرگم بوده و در لاک خود فرو رفته است. (داوری، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲) و برای رفع پارادوکس‌ها و تناقض‌های موجود هم‌اکنون از آموزه‌های دینی استمداد می‌جوید. اخیراً اندیشمندان غربی اعتراف می‌کنند که برای ایجاد توازن و عدالت اجتماعی و رسیدن به توسعه پایدار و صلح جهانی و فایق آمدن بر همه کاستی‌های موجود و شکل دادن به ساختار نظام بین‌المللی، باید از آموزه‌های دینی بهره‌مند شد (کوفی عنان، صفحات مختلف). از این رو در شرایط کنونی سرخوردگی فرهنگ مدرنیسم غربی زمینه را برای حضور دوباره ادیان در عرصه تعاملات اجتماعی در سطح داخلی و بین‌المللی فراهم آورده است.

ب. حضور قدرت‌مند ادیان، به ویژه دین اسلام، در عرصه مناسبات جهانی و بین‌المللی:

به رغم تلاش نهضت‌های ضد دینی (Laicism) در جهت حذف دین از عرصه حیات اجتماعی، در عصر حاضر نقش حیاتی دین و کارکرد بنیادی آن در زندگی اجتماعی‌روشن و مسلم‌پنداشته شده است. نقش هنجارها و آیین‌های دینی در ایجاد نظم اجتماعی (انضباط بخشی)، وحدت و هم‌بستگی جوامع انسانی، هدف‌دار کردن زندگی، معنی‌بخشی، مسئولیت‌پذیر نمودن و تزریق اخلاق در حیات اجتماعی و آرایه پاسخ‌های متافیزیکی رستگارکننده و آرامش‌بخش به انسان و همچنین شکل دادن

به نهضت‌های رهایی‌بخش و ظلم‌ستیز، به زعم اندیشمندان علوم اجتماعی، در تاریخ به روشنی تجربه گردیده است (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۵۰۳).

به دلیل توان بالای ادیان در حل مشکلات روانی و اجتماعی افراد، امروزه ادیان به عرصه تعاملات سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی فراخوانده شده‌اند. کوفی عنان رئیس پیشین سازمان ملل در تبیین این مسئله می‌گوید: «نظام سلطه کنونی بیش از هرچیز به بازخوانی و بازاندیشی نیازمند است. در جهانی پر از تناقض‌ها و تضادها به سر می‌بریم. هر روز شعار جنگ و صلح، بشر امروزی نه با خود سرسازش دارد و نه با محیط پیرامون خود. تهدیدها موج فرامنطقه‌ای دارد. در نظم کنونی جهان، بی‌عدالتی، نابرابری در ساختارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی نهادینه شده است. باید سیاست و اقتصاد را انسانی نمود. پروژه‌های انسانی در همه ابعاد اگر با سنت‌های دینی نسبتی برقرار ننماید، سرانجام محکوم به شکست است». (عنان، ص ۱۴).

در این میان، دین مقدس اسلام به دلیل جامعیت و پویایی آموزه‌هایش، جایگاه ویژه‌ای دارد. اسلام از آغاز تولد، یک تئوکراسی و حکومت سیاسی بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود یک رهبر فرزانه سیاسی بود که با حضور تابناکش در بدو امر توانست میان قبایل متخاصم عرب وحدت سیاسی ایجاد نماید. (بشریه، ۱۳۷۴، ص ۲۳۳). سازوکارهای سیاسی - اجتماعی پیامبر صلی الله علیه و آله برای پی‌ریزی یک جامعه مدنی و یک دولت شهر جامع، فراشمول و دارای استحکام اصولی بود. عهدنامه مدینه نخستین سند سیاسی بود که بر اساس آن، امت واحده اسلامی شکل گرفت. این سند، به طور رسمی برادری و هم‌بستگی اجتماعی مسلمانان را اعلام نمود. (پیشین، ص ۲۳۵).

میثاق‌ها، قراردادهای و سایر مقوله‌های سیاسی و حقوقی که توسط پیامبر اجرا می‌گردید، به نحوی می‌توانست مناسبات شهروندی را در همه زمینه‌ها برآورده سازد و هم‌بستگی و انسجام منطقی را میان شهروندان تحقق بخشد. بر همین اساس، ساختار سیاسی و اجتماعی و به عبارت دیگر، دولت‌شهری را که پیامبر صلی الله علیه و آله تأسیس نموده بود، به علاوه سیره سیاسی و اجتماعی حضرت، همواره برای مسلمانان در طول تاریخ الهام‌بخش و عبرت‌آموز می‌باشد.

در عصر حاضر، ساختار اجتماعی در بیشتر کشورهای اسلامی یا میراث به جا مانده از استعمارگران است و یا برگرفته از الگوهای مهندسی شده آنان می‌باشد. اما با رونق گرفتن نهضت‌های اسلامی در عصر پسا استعماری، فرآیندهای اسلامی‌سازی در بیشتر کشورهای اسلامی همه بسترها و لایه‌های اجتماعی را فرا گرفته است و آموزه‌های اسلامی تقریباً به همه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اجتماعی در سطح مناسبات داخلی و خارجی محتوا بخشیده است.

روند چشم گیر و خیره کننده پویش‌های سیاسی دین اسلام و حضور روز افزون فرآیندهای سیاسی آن در عرصه تعاملات بین‌المللی، ناظران بین‌المللی را مهیوت ساخته و بر این اساس، ناظران و کنش‌گران سیاسی جامعه غرب در رویارویی با اسلام دو تفسیر و تلقی ارائه نموده‌اند: (فوازی، ۱۳۸۳، صفحات مختلف).

۱. اسلام سیاسی کنونی چهره هجومی علیه نظام سلطه امروزی دارد و تهدید جدی برای نظام هژمونیک سرمایه داری به حساب می‌آید. به همین دلیل، از سر در ماندگی، شعار اسلام ستیزی و اسلام هراسی (Islamphobia) را در جامعه غرب به صدا در آورده است.

۲. اسلام سیاسی چهره تعامل گرا و خشونت گریز دارد و خواهان گفت‌وگو با همه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها است و حتی در لیبرالیزه کردن امور اجتماعی جوامع، همانند اصلاح‌گرایان پروتستان در اروپا نقش ایفا می‌نماید (پیشین).

بررسی و تبیین این دو رویکرد فرصت دیگری می‌خواهد، اما مطلب قابل توجه این است که در هر دو رویکرد، گسترش روز افزون حضور سیاسی دین اسلام در عرصه روابط بین‌المللی به مثابه یکی از کنشگران اصلی و رشد چشم گیر پویش‌های سیاسی دین اسلام در شکل دادن به صورت‌بندی‌های وجوه ایدئولوژیک و معرفتی نظام جهانی به شکل بارزی مطرح می‌باشد.

ج. زمینه‌ها و ریشه‌های واگرایی و چالش‌های فراروی انسجام اسلامی:

برای ترسیم سیمای هم‌بستگی و دست یافتن به مکانیسم‌های عملی و مؤثر، بازانندیشی در چالش‌ها، موانع و بازدارندگی‌ها و ریشه‌های آن حیاتی‌ترین مسئله می‌باشد.

ریشه‌های چالش‌ها و واگرایی به زمان حضور استعمار در کشورهای اسلامی بر می‌گردد. حضور استعمار در جهان اسلام تبعات زیادی به همراه داشت. رویارویی مسلمانان در برابر پیشرفت‌های فنی، تکنولوژیکی و نظم و انضباط حاکم بر زندگی اجتماعی دولت‌های استعماری، نوعی بی‌هویتی، بی‌سامانگی، خود کم بینی، از خود بیگانگی و سرخوردگی را در مسلمانان القا نموده بود، اما با خروج استعمار و استقلال مجامع اسلامی، در واکنش به این سرخوردگی و تحقیر، حرکت‌های قومی‌گرایانه و ناسیونالیسم نژادی در مجامع اسلامی اوج گرفت و به تدریج تشدید یافت، که از آن جمله می‌توان به ناسیونالیسم عربی (پان عربیسم) و پان ترکیسم اشاره نمود. با گذشت زمان و تشدید حرکت‌های قومی‌گرایانه، زمینه‌های نفاق، واگرایی و تنش‌های فرقه‌ای (سکتاریستی) Sectarism در جوامع اسلامی پدید آمد (ساعی، ۱۳۷۷، ص ۷۵).

افزون بر این، شکل‌گیری دولت‌های ملی، به اختلاف مرزی و تنش‌های منطقه‌ای در مجامع اسلامی هم دامن زد. این دو مسئله باعث شد که بیشتر کشورهای اسلامی دوباره روابط خود را با قدرت‌های بزرگ، از جمله جهان غرب، سامان بخشند. قدرت‌های سلطه نیز از این خلأ فراهم آمده، در جهت تشدید نفاق در مجامع اسلامی و فروش تسلیحات و تجهیزات لجستکی و نظامی خود به آنان بهره بردند و به تحریک کشورهای اسلامی علیه هم‌دیگر پرداختند. به همین دلیل، کشورهای اسلامی در صد سال اخیر کمترین میزان تعامل را در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با هم‌دیگر داشته‌اند. بررسی‌ها و مطالعات حکایت از آن دارد که این کشورها در دهه‌های اخیر بالاترین هزینه نظامی را، که خود به وجود آورنده تنش‌های منطقه‌ای است، در جهان داشته‌اند. به رغم تلاش سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و توافقات به عمل آمده، کشورهای اسلامی فقط ۱۰٪ مبادلات تجاری و تعاملات اقتصادی با هم‌دیگر داشته و ۹۰٪ این تعاملات با کشورهای دیگر و عمدتاً با جهان غرب، بوده است. (نادران، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۳).

در شرایط کنونی، چالش‌های اساسی که انسجام و هم‌بستگی کشورهای اسلامی را تهدید می‌کند دارای زمینه‌های داخلی و بیرونی می‌باشد:

الف. زمینه‌های داخلی چالش‌ها

ساختار سیاسی و اقتصادی دولت در بیشتر کشورهای اسلامی ناکارآمد و دارای ویژگی‌های مشترک ذیل می‌باشد:

۱. به لحاظ سیاسی و فرهنگی:

استبداد دولتی و ساختار غیر دموکراتیک دولت، نقش تمام‌گرایانه دولت در جهت‌گیری‌های اجتماعی، فقدان آزادی‌های مدنی برای شهروندان و به ویژه اقلیت‌های قومی و مذهبی و هم‌چنین ساختار و دایره‌های بسته عقیدتی، مذهبی اقلیت‌های آشوب و شورش‌های داخلی را در برخی از کشورهای اسلامی به وجود آورده است.

۲. به لحاظ اقتصادی:

سطح پایین بهره‌وری به خاطر فقدان تکنولوژی و نیروی کار ماهر، نرخ بالای رشد جمعیت، تک محصولی بودن و وابستگی به صادرات یک محصول، سطح پایین زندگی (فقر عمومی)، نابرابری اجتماعی و فساد حاکم بر دستگاه دولتی، کلیت و هم‌بستگی درونی کشورهای اسلامی را دچار فرسایش نموده است.

ب. زمینه‌های بیرونی چالش‌ها:

۱. موجودیت اسرائیل در منطقه خاورمیانه:

خاورمیانه به لحاظ جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی استراتژیک‌ترین نقطه جهان می‌باشد. منابع سرشار انرژی، منابع کانی و ویژگی‌های ممتاز جغرافیایی باعث شده که همواره خاورمیانه در مرکز توجهات بین‌المللی و به ویژه قدرت‌های بزرگ، قرار گیرد. با اشغال خاک فلسطین توسط اسرائیل و تهاجم هر روزه این رژیم علیه فلسطینی‌ها و سایر کشورهای عربی و هم‌چنین توسعه‌طلبی ارضی اسرائیل، فضای حاکم بر خاورمیانه همواره بی‌ثبات می‌باشد. بی‌ثباتی حاکم بر فضای خاورمیانه بهانه خوبی را برای حضور نیروهای بیگانه از جمله آمریکا و انگلیس و بهره‌برداری از منابع خاورمیانه، کنترل اوضاع منطقه و دست اندازی در امور داخلی و اجتماعی کشورهای اسلامی فراهم آورده است.

۲. اختلافات مرزی و رقابت بر سر برخی از منابع حیاتی از جمله منابع آبی:

در بین برخی از کشورهای عربی و هم‌چنین کشورهای عربی با کشورهای دیگر و بین کشورهای اسلامی آفریقایی اختلافات مرزی مشاهده می‌گردد. مطالعات حکایت از آن دارد که در آینده نیز ممکن است برخی از کشورهای خاورمیانه، از جمله اردن، فلسطین، سوریه، لبنان و اسرائیل بر سر منابع آبی رو در روی هم قرار گیرند.

دلایل زیر اهمیت استراتژیک منابع آب و رقابت بر سر آن را روشن می‌کند:

- ۱- رشد جمعیت و تأمین نیازهای آشامیدنی، کشاورزی و صنعتی؛
 - ۲- گسترش حقوق ملی در زمینه مالکیت منابع آبی؛
 - ۳- ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی، گسترش کشاورزی و نقش آن در حفظ مالکیت ارضی؛
 - ۴- اعتبار سیاسی و اهمیت استراتژیک منابع آبی در مناسبات سیاسی. (کاظم، ۱۳۸۳، ص ۲۵۹).
- با توجه به این مسائل، چاره‌اندیشی و اقدام عملی برای رفع این خلأ و دست یافتن به انسجام و هم‌بستگی پایدار ضروری به نظر می‌آید.

زمینه‌ها و مولفه‌های اصلی انسجام و هم‌بستگی:

انسجام و هم‌بستگی به زمینه‌ها و بسترهای طبیعی نیازمند است. به طور کلی، داشتن مشترکات و ویژگی‌های مشابه زیر، از عواملی است که انسجام و هم‌بستگی را سامان می‌بخشد:

- ۱- همسانی ارزشی، بایست‌های اخلاقی مشترک، فرهنگ جهان‌بینی و اعتقادات مشترک؛
- ۲- همسانی شیوه زندگی و هم پوشانی الگوهای روابط جمعی، از قبیل آیین‌ها و هنجارها؛
- ۳- توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و ساختارهای اداری و سیاسی مشابه؛
- ۴- رشد متوازن و هم سطح بودن به لحاظ اقتصادی، تکنولوژیکی و سرمایه‌های انسانی.

زمینه‌های انسجام در جهان اسلام:

با وجود شکاف‌های موجود فرا روی انسجام اسلامی، جوامع اسلامی دارای زمینه‌ها و بسترهای اساسی برای دستیابی به هم‌بستگی و انسجام هستند. ایمان مشترک به پیام آسمانی و رسالت نبی اکرم ﷺ و سیره سیاسی حضرت، را می‌توان از اصلی‌ترین مؤلفه‌ها و محورهای هم‌بستگی و انسجام تلقی نمود. پتانسیل‌های معنوی آموزه‌های اسلامی و توانایی این آموزه‌ها در حل مشکلات و پیچیدگی زندگی امروز باعث شده است که تعالیم اسلامی در کانون توجهات محافل فکری و آکادمیک جهان قرار گیرد. دغدغه‌های امروزین بشر که از آن به گرایش‌های اخلاقی و انسان‌مدارانه تعبیر می‌شود، از جمله نگه‌داشتن حرمت انسانی، مسئولیت‌پذیری در برابر نسل‌های آینده، حفاظت از محیط زیست، آزادی، برابری، کرامت انسانی و تعاون و همکاری، در متن آموزه‌های اسلامی می‌درخشد.

بسط و تبیین این آموزه‌ها از طریق توسعه گفتمان‌های فرهنگی و گشودن افق‌های اندیشه اسلام از سوی اندیشمندان مسلمان می‌تواند انسجام اسلامی را حول محور هویت اندیشه اسلامی سامان بخشد. افزون بر این، موجودیت اسرائیل و زورگویی و توسعه‌طلبی آن به مثابه تهدید مشترک برای جغرافیای جهان اسلام و رویارویی ایدئولوژیکی جهان اسلام با غرب، فضای ژئوپولیتیکی مشترک و سرنوشت مشترک، ضرورت هم‌بستگی و داشتن استراتژی مشترک را برای همه کشورهای اسلامی گوشزد می‌نماید.

راه کارهای انسجام اسلامی:

با توجه به شرایط حاکم بر جهان کنونی که فرآیندهای جهانی‌شدن، جهان را به عرصه کنش‌های اتحادیه‌های بزرگ منطقه‌ای تبدیل نموده است، طرح انسجام اسلامی را می‌توان در قالب وحدت و یک‌پارچگی جغرافیایی عقیدتی مسلمانان با منطقه‌گرایی اسلامی مطرح کرد.

تعریف منطقه گرایی:

منطقه گرایی عبارت است از مجموعه اقدامات منطقه‌ای در جهت تسهیل تجارت؛ از قبیل: رفع موانع گمرکی، رفع محدودیت از بازار، گسترش بازار کارآمد ورود سرمایه مالی، سرمایه گذاری‌های مستقیم و غیر مستقیم، همکاری در زمینه ارتقای دانش فنی، تکنولوژیکی، و ایجاد فرصت‌های شغلی در منطقه در راستای دستیابی به وحدت و یکپارچگی اقتصادی که بتوان از آن به مثابه راهبرد منطقه‌ای مشترک در جهت رسیدن به سطح مطلوب توسعه اجتماعی استفاده نمود.

(جهانشمولی اسلام و جهانی سازی، مقاله نادران، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۴۱).

اندیشمندان علوم اقتصادی اذعان می‌نمایند که یکپارچگی اقتصادی در قالب منطقه گرایی از مؤثرترین و کارآمدترین مکانیسم‌ها برای رشد اقتصادی منطقه در تعامل با نظام اقتصادی جهان بوده و کارکردهای ذیل بر آن مترتب است:

۱- یکپارچگی اقتصادی از طریق بسیج منابع منطقه‌ای و استفاده بهینه از این منابع که عبارت‌اند از: پتانسیل‌های طبیعی موجود در منطقه، سرمایه‌های فیزیکی (تکنولوژی و تجهیزات ماشینی)، سرمایه‌های انسانی (نیروی کار ماهر و مدیریت مطلوب آن) و سرمایه‌های اجتماعی (چارچوب‌های قانونی، فرهنگ و چارچوب‌های نظارتی مشترک جوامع را به سطح مطلوب توسعه اجتماعی خواهد رساند).

۲- توانایی بازارهای داخلی را در مقابله با نوسانات اقتصادی و جهانی بالا برده و از تأثیر شوک این نوسانات می‌کاهد.

۳- قدرت چانه زنی را در نظام اقتصاد جهانی ارتقا می‌بخشد.

۴- از اساسی‌ترین و کارآمدترین ابزار در جهت دستیابی به وحدت اجتماعی در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی می‌باشد.

ریشه‌های تاریخی منطقه گرایی:

در سال ۱۹۵۵ و بعد از پایان دو جنگ جهانی، برخی از سران کشورهای اروپایی مجموعه‌ای از اقدامات را در جهت رفع تنش‌های موجود و جلوگیری از جنگ‌های احتمالی در اروپا به اجرا گذاشتند، اما توفیقات چندانی به دست نیاوردند، تا این‌که طرح تشکیل جامعه ذغال سنگ و فولاد اروپا که در آغاز میان فرانسه و آلمان شکل گرفت زمینه‌های وحدت و یکپارچگی جامعه اروپا را فراهم آورد. این طرح با گذشت زمان در ابعاد گسترده تر و در پهنای وسیع تر به انجام رسید. تشکیل شوراها و

کمیته‌های اقتصادی برای شناسایی اولویت‌ها و مزیت‌های نسبی سایر کشورهای اروپایی در زمینه‌های معدن، صنعت، انرژی، خدمات و کشاورزی باعث شد این طرح مورد قبول سایر کشورهای اروپایی قرار گیرد و اکثر آنها به عضویت آن درآیند.

در هم تنیدگی و هم پیوندی مسایل اقتصادی در بین مجامع اروپایی سبب شد که جامعه واحد اروپا در همه زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی سامان یافته و در عرصه روابط بین‌الملل استراتژی مشترکی را در پیش بگیرد و از امنیت سیاسی، اقتصادی خود به طور یک‌پارچه و منسجم دفاع نمایند. (اسمیت، ج ۲، ص ۱۱۱۸). وحدت جامعه اروپا الگوی موفق‌تری شد برای سایر یک‌پارچگی‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای همانند اتحادیه آمریکای شمالی، آمریکای لاتین، وحدت جامعه آفریقا، اتحادیه جنوب شرق آسیا و اتحادیه کشورهای عربی که نه تنها در عرصه نظام اقتصادی جهانی خود نمایی می‌کنند بلکه هم‌بستگی آنها در همه مسایل اجتماعی در حوزه روابط بین‌المللی تبلوری خاص دارد.

از این رو، منطقه‌گرایی اسلامی به مفهوم استفاده از ظرفیت‌های موجود در جهان اسلام در رویارویی با کنش‌های جهانی است. کشورهای اسلامی می‌توانند در قالب وحدت منطقه‌ای، جغرافیایی و عقیدتی جهان اسلام، به گسترش سطح همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دست یابند و در عرصه مناسبات جهانی به عنوان قطبی نیرومند ظاهر گشته و از امنیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود به خوبی دفاع نمایند.

با توجه به وحدت ایدئولوژیکی، ساختار مشابه اجتماعی و سطح متوازن اقتصادی در بیشتر کشورهای اسلامی و سایر بسترهای موجود نهادها و سازمان‌های مردمی از زیر بنایی‌ترین و بنیادی‌ترین ابزار در شکل دادن به فرآیندهای انسجام بخش و وحدت منطقه‌ای می‌باشد.

تشکیل نهادهایی همانند: شوراهای اقتصادی و اجتماعی برای برنامه ریزی و سازمان دادن به برنامه‌های اقتصادی، بانک توسعه اسلامی در جهت تأمین سرمایه و شناسایی محیط سرمایه‌گذاری، بانک اطلاعات در جهت ارائه اطلاعات مربوط، شورای پژوهش‌های اقتصادی در جهت راه‌اندازی پروژه‌های تحقیقاتی برای شناخت منابع، اولویت‌های سرمایه‌گذاری و بالتبع سرمایه‌گذاری‌های مشترک، صندوق تعاون اسلامی برای امداد رسانی، نهادهای نمایندگی در راستای شناخت نابسامانی‌های اجتماعی، همانند: توزیع نابرابر فرصت‌های اجتماعی، فقر، بیماری‌ها و حوادث طبیعی، شورای عالی قضایی مبنی بر ارائه چارچوب‌های تضمین‌دهنده حقوقی و امنیت اقتصادی، نهادهای ناظر بر اجرای مقررات اسلامی، شرکت‌های تجاری فراملیتی بین مجامع اسلامی، بازارهای

مالی، اتحادیه کارگران و کارفرمایان در راستای مبادله نیروی کار، انسان‌ها و بنیادهای آموزشی، همانند: دانشگاه‌های بین‌المللی اسلامی در راستای شناخت استعدادها، جذب، مبادله استاد و دانشجو و سرمایه‌گذاری در بخش سرمایه‌های انسانی و شورای علمی مشترک در این زمینه، ایجاد آکادمی زبان برای برنامه‌ریزی و داشتن زبان واحد و توسعه ظرفیت زبانی در دنیای مجازی در جهت گفت‌وگو و تعامل فرهنگی با جهانیان و بالاخره، شوراهای گفت‌وگو و هماهنگی برای انجام تعامل فکری میان اندیشمندان و سران مذاهب، همانند: سازمان تقریب بین مذاهب و سایر انجمن‌ها و احزاب سیاسی، همه می‌تواند بسترها، زیرساخت‌ها و مجاری سازنده وحدت و هم‌بستگی منطقه‌ای، جغرافیایی و عقیدتی مسلمانان باشد.

بنابراین، حضور و مشارکت مردم و نهادهای مردمی در یک چارچوب و فرم سازمان‌دهی شده و مهندسی شده، زیر بنا و پایه اصلی یک پارچگی و هم‌بستگی منطقه‌ای تلقی می‌گردد.

توسعه بازار مشترک اسلامی و اتحادیه‌های گمرکی:

کشورهای اسلامی، با دارا بودن بیش از یک پنجم جمعیت جهان و ۲۳٪ از مساحت جغرافیای جهان و در اختیار داشتن ۴۰٪ از صادرات مواد خام و ۵۰٪ از صادرات نفت و گاز و سایر منابع طبیعی، فرآورده‌های دامی و محصولات کشاورزی، نقش بزرگی را در چرخه نظام اقتصادی جهان ایفا می‌نمایند. (نظری، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۹۶). حجم بزرگ جمعیت انسانی در یک مساحت وسیع جغرافیایی موقعیت بسیار زیبا و مناسبی را برای مصرف انواع کالاها و فرآورده‌های صنعتی فراهم آورده است. با وجود این، بهره‌برداری کشورهای اسلامی از این منابع، اندک و ناچیز بوده، اما سهم کشورهای صنعتی در بهره‌گیری از بازارهای کشورهای اسلامی و گردش فرآورده‌های آنان در این بازارها چشمگیر می‌باشد.

بنابراین، یکی از اساسی‌ترین مکانیسم‌ها در راستای تعمیق هم‌گرایی اقتصادی و تقویت تعامل‌های منطقه‌ای در حوزه جغرافیای عقیدتی مسلمانان، توسعه بازار مشترک اسلامی و اتحادیه‌های گمرکی می‌باشد.

بازار مشترک اسلامی با سازوکارهای مربوطه، زمینه تولید انواع کالاها و مبادلات فرآورده‌های مختلف، خدمات و اشتغال مطلوب نیروی کار در بخش فعالیت‌های بازرگانی را فراهم می‌سازد. گردش کالاهای مختلف در بازار مشترک اسلامی از طریق رقابتی کردن بازار، رشد و بهبود تولید، ارتقای سطح کیفی تولید، بهبود سطح تکنولوژیکی، شکل‌گیری صنایع مختلف و در مجموع، رونق فعالیت‌های بازرگانی، تولیدی و صنعتی را در پی خواهد داشت.

اتحادیه‌ها و توافقات گمرکی در راستای رفع موانع گمرکی و ایجاد تسهیلات برای گردش کالاهای کشورهای عضو و همچنین در راستای جلوگیری و ایجاد محدودیت برای ورود کالاهای بیگانه عمل می‌نمایند. بازار کشورهای اسلامی بیشتر در اختیار کالاها و فرآورده‌های صنعتی قدرت‌های بزرگ اقتصادی می‌باشد. بنابراین، کشورهای اسلامی با ایجاد توافقات واقعی و سازمان دادن به امور بازار و نظارت بر آن، دست‌کم می‌توانند بازارهای اسلامی را از وابستگی به کالاهای بیگانه نجات داده و با جای‌گزین کردن تولیدات و فرآورده‌های خود، به اهداف رشد و توسعه اقتصادی، توسعه تکنولوژیکی و هم‌بستگی در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دست‌یابند. در دهه‌های اخیر هرچند که کشورهای اسلامی به ایجاد برخی اتحادیه‌های اقتصادی و سیاسی مبادرت نموده‌اند که از آن میان می‌توان به سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین تشکل اسلامی، شورای اقتصادی وحدت عربی، بازار مشترک عربی، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه مغرب، سازمان اکو و گروه (D8) اشاره کرده، اما کثرت توافقات بی‌پایه، فقدان مکانیزم اجرایی درست، سیاسی بودن نگرش‌های حاکم در درون سازمان‌ها و بر توافقات به عمل آمده و فقدان سیاست‌گذاری‌های فرهنگی در این زمینه باعث گردیده که توافقات آنها در صحنه عمل نمود درخشانی نداشته باشد.

از اقدامات اساسی و بنیادی دیگر، پیوند این گونه اتحادیه‌ها با هم‌دیگر است. هم‌پیوندی و گسترش ارتباطات میان این گونه اتحادیه‌ها و سازمان‌ها سطح همکاری و بهره‌وری را افزایش می‌دهد. با وجود این، به رغم کاستی‌ها و نارسایی‌ها، تلاش سران کشورهای اسلامی و نهادهای مردمی و باز اندیشی، واقع‌نگری و بازخوانی عملکرد و تجربه‌های پیشین، به اصلاح و بازسازی ریشه‌ای این گونه تشکل‌ها و اتحادیه‌ها منجر شده و در آینده نزدیک هم‌بستگی و انسجام اسلامی را در پی خواهد داشت.

جمع‌بندی و نتیجه:

در عصر حاضر با توجه به ناکامی و شکست فرهنگ مدرنیسم غربی در حل پیچیدگی‌ها و تناقض‌های زندگی اجتماعی، زمینه برای حضور دوباره ادیان در شکل دادن و محتوا بخشیدن به فرآیندهای اجتماعی در سطح روابط داخلی و بین‌المللی فراهم آمده است. در این میان، دین اسلام به دلیل اخلاقی بودن و فطری بودن آموزه‌هایش، در عرصه روابط بین‌المللی حضور پر فروغ، روز افزون و چشم‌گیر دارد. پویای معنوی و سیاسی دین اسلام در شکل دادن به صورت بندی‌های وجوه معرفتی و ایدئولوژی نظام جهانی به شکلی فزاینده نقش ایفا می‌نماید.

به رغم حضور قدرت‌مند اندیشه دین مبین اسلام در تعاملات فرهنگی جهان، کشورها و مجامع اسلامی از وجود برخی گسست‌ها، چالش‌ها و نفاق رنج می‌برند. ریشه‌های این چالش‌ها و تنش‌ها عمدتاً به زمان حضور استعمار در کشورهای اسلامی بر می‌گردد. به طور کلی، شکل‌گیری ناسیونالیسم قومی، فرقه‌های مذهبی و تنش‌های مرزی، از پیامدهای حضور استعمار در مجامع اسلامی تلقی می‌گردد. افزون بر آن، ساختار غیر دموکراتیک دولت، دایره‌های بسته ساختار اجتماعی، فقدان تشکل‌های مردمی، ضعف بنیه اقتصادی، سطح پایین بهره‌وری، موجودیت اسرائیل، حضور نیروهای بیگانه در مجامع اسلامی، وابستگی به قدرت‌های بزرگ و رقابت بر سر برخی از منابع حیاتی از عوامل دیگر تشدید تنش و نفاق در مجامع اسلامی ارزیابی می‌گردد. با وجود این، مجامع اسلامی از مؤلفه‌ها و بسترهای طبیعی هم‌بستگی و انسجام برخوردار می‌باشد.

ایمان به پیام آسمانی و رسالت نبی اکرم ﷺ و سیره سیاسی آن حضرت، اصلی‌ترین پشتوانه برای هم‌بستگی مجامع اسلامی به شمار می‌آید. علاوه بر آن، همسانی ارزشی، همسانی شیوه زندگی، رشد متوازن و هم‌سطح به لحاظ ساختار اجتماعی، رویارویی ایدئولوژیکی با جهان غرب، فضای ژئوپولیتیکی مشترک و مقابله با توسعه طلبی رژیم صهیونیستی از فاکتورهای دیگر هم‌گرایی و انسجام به حساب می‌آید.

به طور خاص، یکی از راه‌کارهای اصلی انسجام اسلامی، طرح منطقه‌گرایی عقیدتی مسلمانان می‌باشد. کشورهای اسلامی با استفاده از تجربیات روند منطقه‌ای شدن و با اتکا به ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها و سرمایه‌های مادی و معنوی خود می‌توانند از این طرح در راستای انسجام اسلامی و مقابله با نوسانات اقتصادی جهانی بهره‌گیرند. در هم تنیدگی اقتصادی در میان مجامع اسلامی، علاوه بر رشد، توسعه اقتصادی و خودکفایی، وحدت فرهنگی و سیاسی را نیز تحقق خواهد بخشید. مشارکت نهادهای مردمی به مثابه پایه‌های اصلی این طرح به حساب می‌آید.

منابع و مآخذ

- ۱- استیوا، اسمیت، جهانی شدن سیاست و روابط بین الملل در عصر نوین، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، ابرار معاصر، تهران.
- ۲- امینی، علی‌اکبر، جهانی شدن و جهانی سازی، پیشینه و چشم انداز، انتشارات دیگر، تهران،

۱۳۸۳.

- ۳- ای شو وال، چهره جدید امنیت در خاورمیانه، ترجمه قدیر نصیری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۳.
- ۴- باری، اکسفور، نظام جهانی شدن، اقتصاد، سیاست و فرهنگ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی، تهران، ۱۳۷۸.
- ۵- بشیریه، حسین، جامعه شناسی سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۶- داوری، رضا، بحران مدرنیته، مؤسسه فرهنگی صراط، تهران، ۱۳۷۵.
- ۷- رابرتسون، رونالد، جهانی شدن تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، نشر ثالث، تهران، ۱۳۸۲.
- ۸- روزنا، جیمز، جهان آشوب‌زده، ترجمه علی رضا طیب، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۲.
- ۹- ساعی، احمد، مسائل اقتصادی جهان سوم، سمت، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۰- عنان، کوفی، فراخوان به نظم‌نویین جهانی، ترجمه ماهر آموزگار، نشر مرکز، تهران.
- ۱۱- فوازی، جرجیس، آمریکا و اسلام سیاسی، ترجمه کمال سروریان، مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۲- کاظم، محمد، تحولات جهانی در اندیشه امپراطوری جدید، وزارت فرهنگ و ارشاد، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۳- گیدنز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۱۴- مارتین، آلبرو، عصر جهانی، ترجمه نادر سالارزاده، مؤسسه آزاد اندیشان، تهران، ۱۳۸۲.
- ۱۵- مرقاتی، طه، جهان‌شمولی اسلام و جهانی‌سازی، مجموعه مقالات، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۱۶- نادران، الیاس، جهان‌شمولی و جهانی‌سازی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ج ۲، ۱۳۸۲.
- ۱۷- نش کت، جامعه شناسی سیاسی معاصر، ترجمه محمد تقی افروز، انتشارات کوثر، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۸- نظری، حسین، جهان‌شمولی و جهانی‌سازی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ج ۲، ۱۳۸۲.



اتحاد و انسجام اسلامی در آئینه چهل حدیث (چهل آئینه، چهل اسرار)

بشیر احمد*

چکیده

در این مقاله با توجه به نیاز مبرم جامعه به اتحاد اسلامی، مجموعه‌ای از احادیث که دارای مضمون و پیام واحد و مشترک درباره اتحاد اسلامی می‌باشد، از منابع اولیه فریقین ذکر شده است. در مجموع، این احادیث بیانگر مبانی، عوامل، محورها، زمینه‌ها، آثار، راه کارها، حدود و شیوه‌های... اتحاد اسلامی و نیز مبین زمینه‌ها و پیامدهای... اختلاف و تفرقه می‌باشد.

کلید واژه‌ها: چهل حدیث، اتحاد و انسجام اسلامی، اختلاف و تفرقه، منشور اتحاد اسلامی.

مقدمه

دعوت به اتحاد و برادری در میان مسلمانان و دوری از تفرقه و پراکندگی، بارها در کلام الهی بر آن تأکید شده است. قرآن کریم مسلمانان را دعوت می‌کند به ریسمان خداوندی چنگ زنند تا دچار تفرقه نشوند؛ «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران/۱۰۳). همه مسلمین از هر نژاد و طایفه و فرهنگ، امت واحدی هستند؛ «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً...» (انبیاء/۹۲) و فرقی میان عرب و عجم نیست؛ تفاخر و برتری‌های قومی، نژادی و زبانی همگی باطل بوده و تنها ملاک برتری تقوا و پرهیزگاری است؛ «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات/۱۳). پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز از آغاز دعوت خود تا زمان رحلت، منادی وحدت بوده و دعوت آن حضرت فراتر از هرگونه مرزبندی سیاسی، قومی و فرهنگی بود.

* محقق و نویسنده.

پیامبر اسلام ﷺ همواره در اندیشه و عمل برای وحدت و یکپارچگی مسلمان تلاش می نمود و مبارزه با عوامل اختلاف و سعی در ایجاد همبستگی و اتحاد امت اسلامی از برنامه های اولیه و اساسی او بود. علی رضی الله عنه درباره تلاش پیامبر ﷺ برای ایجاد وحدت و هم دلی بین مسلمانان می فرماید:

«قد صُرفت نحو أفئدة الابرار، و تُنت إليه أزمة الأبصار، دَفن به الضغائن، و أطفأ به الثوائر، ألف به اخواناً، و فرق به أقراناً، أعزبه الذلة، و أدل به العزة...؛ دل های نیکوکاران شیفته او گشت، نگاه ها به او دوخته شد، خداوند به وسیله او کینه های دیرینه را دفن کرد، شعله های فروزان دشمنی و عداوت را خاموش نمود، دل ها را با هم الفت داد، و مردم را با هم برادر ساخت، و دوستان (در کفر و جهالت) را از هم جدا کرد، ذلت ها را به عزت و عزت ها را به ذلت، تبدیل کرد.» (نهج البلاغه، ۱۴۱، خ ۹۶).

«... فَلَمَّ اللهُ به اصْدَع، وَرَتَّق به الفَتَق، و ألف به الشَّمَل بین ذوی الأرحام بعد العداوة الواغرة فی الصدور، و الضغائن القادحة فی القلوب؛ خداوند به وسیله پیغمبر جدایی ها را وصل، و فاصله ها را پیوسته کرد، میان خویشان ألفت داد و یگانگی برقرار ساخت پس از آن که دشمنی ریشه دار در سینه ها و کینه های برافروخته در دلها جای داشت.» (پیشین، ۳۵۳، خ ۲۳۱).

ولی نباید تصور کرد وحدتی را که پیامبر به وجود آورد بدون زحمت و تلاش بوده است شهید مطهری در این باره می گوید: «ما می گوئیم پیغمبر وحدت بی نظیری ایجاد کرد و خیال می کنیم تنها چیزی که مؤثر بود این بود که رسول اکرم ایمان به خدا به آنها یاد داد و بعد هم فرمان داد متحد باشید و آنها متحد شدند، فکر نمی کنیم که موانع و عوائق اتحاد را که همان ناهماهنگی ها و ناهمواری ها و پستی و بلندی ها و دست اندازها از ناحیه مواهب اجتماعی بود از بین برد، هم مقتضی را ایجاد کرد و هم مانع را مفقود کرد. (مطهری، ج ۹، ص ۱۵۰ و ۱۵۱).

امروز یکی از نیازهای اولیه و اساسی جهان اسلام بازگشت به اتحاد و اتفاق و اقتدار و وحدتی است که پیامبر اعظم ﷺ برای بنیان نهادن آن زحمات طاقت فرسایی را متحمل شد. شخصیت پیامبر اسلام ﷺ هم اساسی ترین محور اتحاد مسلمین می باشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرماید: «یکی از عواملی که می تواند در این زمینه [اتحاد بین ملت های اسلامی] مرکز باشد عبارت است از وجود مقدس نبی اکرم ﷺ. (دیدار با کارگزاران نظام و میهمانان خارجی کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۴/۵/۲۴).

«آن چه که همه مسلمان ها از لحاظ فکر و اعتقاد وحدت و تفاهم، روی او اشتراک دارند وجود

مقدس پیامبر خاتم و نبی اکرم حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. این نقطه را باید بزرگ شمرد.»
(سخنرانی در جمع قاریان چهل کشور جهان، ۱۳۶۸/۱۲/۴).

پس خداوند توسط پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همه دعاوی مبتنی بر فرقه گرایی، تفاخر و تعصب‌ورزی‌های فاقد اساس و بنیان‌های مشروع و معقول را درهم شکست. در عصر کنونی هم گفتار، رفتار و شخصیت اجتماعی، سیاسی و... ایشان می‌تواند دیوارهای تعصب، تفاخر و فرقه‌گرایی را درهم شکند و اتحاد و انسجام اسلامی را به وجود آورد.

قبل از پرداختن به اصل مطلب ذکر چند نکته ضروری است:

۱. از مجموع چهل حدیث ذکر شده، ۳۷ حدیث از شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده و تریب احادیث نقل شده از آن حضرت به این شکل است که اول احادیث کتاب‌های فریقین، سپس احادیث کتاب‌های اهل تشیع و اهل تسنن و در نهایت نیز برخی از احادیث ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام ذکر گردیده است.

۲. برای هر یک از احادیث عنوانی متناسب با مضمون آن ذکر و در ذیل آن شرحی کوتاه بیان شده است.

۳. در شرح احادیث، از اقوال برخی از متفکران و بزرگان اسلامی و منادیان وحدت و انسجام اسلامی استفاده شده است.

۴. در پاورقی برخی از احادیث برای واژه‌های ناآشنا و غیر مأنوس و یا چند معنایی توضیحی ارایه شده است.

۵. در بعضی از پاورقی‌ها احادیث مشابه ذکر شده است.

۶. در ذیل برخی از منابع عبارت «با اندکی تفاوت» نقل شده است که مراد از آن این است که تفاوت حدیث مذکور در این منبع از جهت کم و زیاد بودن بعضی از کلمات و یا جابجایی آنها است نه از لحاظ مفهوم و مضمون آن.

۱. منشور اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ آبَائَكُمْ وَاحِدٌ كُلُّكُمْ لِأَدَمَ وَ أَدَمٌ مِنْ تُرَابٍ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ

وَأَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَيَّ عَجَمِيٍّ فَضُلٌّ إِلَّا بِالتَّقْوَى.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

ای مردم! پروردگار شما یکی است، پدران شما یکی است، همه از آدم هستید و آدم از خاک است، کسی از شما نزد خدا گرامی تر است که پرهیزگار تر است. عرب بر عجم برتری ندارد مگر پرهیزگارتر باشد.» (حرانی، ۱۳۹۴ ق، ص ۴؛ با اندکی تفاوت: معالم الحکومه، ص ۴۰۴؛ بلاغة الامام علی بن الحسین عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۵۵، باب الخطب؛ با اندکی اختلاف: سیوطی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ح ۷۵۳۶، ص ۱۰۰).

در این حدیث، درون مایه اصلی وحدت و صمیمیت و اتحاد مسلمانان از هر قوم و نژاد و ملت را تقوا دانسته است، چون هرچه ایمان، باور و عمل خالص شود و تقوای الهی بیشتر گردد، مهر و محبت افزایش می یابد و دل ها به هم پیوند خورده و به وحدت و صمیمیت و اتحاد می رسند. علاوه بر این، باید توجه داشت که ریشه اصلی تفرقه در جامعه اسلامی دربی تقوایی افراد نهفته است. امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ می گوید: «... همین نژادبازی که اسلام قلم سرخ روی آن کشیده و ما بین سیاه و سفید و ما بین ترک و عرب و عجم هیچ فرقی نگذاشت و فقط میزان را تقوای واقعی قرار داد. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ».

از دیدگاه اسلام، تعصبات نژادی و گرایش های نامعقول و تند و افراطی نسبت به زبان و قوم و ملیت خویش یکی از بزرگ ترین موانع اتحاد مسلمانان محسوب می شود.

۲. رمز اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
الْمُسْلِمُونَ إِخْوَةٌ لَأَفْضَلَ لِأَحَدٍ عَلَى أَحَدٍ إِلَّا بِالتَّقْوَى.»

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمانان با هم برادرند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد، جز به تقوا.» (متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۱۴۹؛ نهج الفصاحه، ح ۳۱۱۲؛ سیوطی، پیشین، ج ۷، ح ۲۳۵۳۸، ص ۴۴۴).

اخوت و برادری عاطفی ترین و صمیمی ترین نوع رابطه ای است که بین مسلمانان وجود دارد و پیامبر خواسته تا به بهترین وجه مسلمان ها را به هم پیوند دهد. قرآن نیز رمز وحدت مسلمانان را اخوت و برادری دانسته است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/۱۰).

رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) می گوید: «یکی از کارهایی که پیامبر، شاید در همان ماه های اول ورود به مدینه انجام دادند، ایجاد عقد اخوت بین مسلمان ها بود؛ یعنی مسلمان ها را باهم برادر

کرد. این که می‌گوییم باهم برادر هستیم، در اسلام یک تعارف نیست؛ یعنی حقیقتاً مسلمین نسبت به یکدیگر دارای حق برادری هستند و نسبت به هم طلب‌کارند؛ هم‌چنان که برادران نسبت به هم مدیون یکدیگر هستند و باید نسبت به هم حقوق متقابلی را عمل کنند. پیامبر، این را عملی کرد. (به نقل از منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛ سبزیان، خرداد ۱۳۸۶ش، ص ۱۵۸-۱۵۹).

اقبال لاهوری یکی از متفکران جهان اسلامی این حدیث را در قالب شعر این‌چنین بیان می‌نماید:

هدف نمایی فطرت و رمز مسلمانی چیست جهان شمولی اخوت و فراوانی محبت
(بقائی ماکان، ۱۳۸۰ش، ص ۵۲)

۳. مشارکت و اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ الْمَرْصُوصِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنای استواری است که اجزای آن، یکدیگر را استحکام می‌بخشند.»
(صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۹۹؛ نهج الفصاحه، حدیث ۳۱۰۳؛ سیوطی، پیشین، ج ۳، ح ۲۳۴۵۲، ص ۴۳۲؛ رازی، ج ۲، ص ۴۵۰) (در دو منبع اخیر کلمه «المرصوص» نیامده است).

در این مثال، بر وحدت مسلمین تأکید شده است. همان‌طور که یک ساختمان محکم توسط اجزای مختلف و متفاوت به وجود آمده هدف واحدی را تشکیل می‌دهد، مؤمنین و مسلمانانی که از اقوام، نژادها و سرزمین‌های مختلف هستند نیز همانند یک ساختمان محکم به هم پیوستگی دارند و هدف واحدی را که همان اعتلای کلمه توحید است، دنبال می‌کنند. می‌توان گفت که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌خواهد مسلمانان در همه امور با یکدیگر مشارکت و معاونت نمایند تا بتوانند در سایه این مشارکت و همکاری دین و ایمان خود را حفظ کنند و نگذارند اجانب بر آنان تسلط پیدا نمایند.

۴. ضامن و بقای اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

خَيْرَ الْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ مَأْلَفَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُؤْلَفُ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

بهترین مؤمنان، کسی است که محور الفت مؤمنان باشد، کسی که انس نگیرد و با دیگران مانوس نشود خیری ندارد.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۱، ص ۳۹۳؛ با اندکی تفاوت: سیوطی، ج ۳، ح ۲۳۴۶۴، ص ۴۳۴).
شکی نیست که محبت و دوستی یکی از عوامل و رموز اتحاد و انسجام دل‌ها است. جامعه‌ای که مهر و مودت و دوستی در آن حاکمیت و محوریت پیدا می‌کند از هر نوع اختلاف و فساد دور می‌ماند. محبت نه فقط فرد را به تعالی می‌رساند بلکه ضامن سلامتی و پیشرفت یک جامعه و ملت است. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نه تنها از مؤمنین و مسلمین محبت و دوستی یک‌دیگر را خواستار است، بلکه تأکید می‌کند که محور محبت و الفت دیگران قرار بگیرید تا هر یک از شما بتواند هم‌بستگی نسبت به یک‌دیگر را حفظ نماید.

۵. امداد الهی در سایه اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَجْمَعَ هَذِهِ الْأُمَّةَ عَلَى الضَّلَالَةِ أَبَدًا، وَيُدَّ اللَّهُ عَلَى الْجَمَاعَةِ... فَعَلَيْكُمْ بِسَوَادِ الْأَعْظَمِ، فَإِنَّهُ مَن شَدَّ شَدًّا فِي النَّارِ؛

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

خداوند هیچ‌گاه اجتماع این امت را بر گمراهی و ضلالت قرار نداده است، که دست خدا با جماعت است... پس به جمعیت عظیم مسلمانان پیوندید، همانا انسان تنها بهره‌آتش است.» (ابن ابی عاصم، ج ۱، ح ۶۸، ص ۹۰؛ با اندکی تفاوت: نهج الفصاحه، ۳۲۱۱، ص ۸۸).

امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ می‌گوید: «باید همه دست به هم بدهند، هر کسی به مقداری که قدرت دارد، خیال نکند یک نفر است وقتی پهلویش نفرها واقع شد هم‌چون قطره‌های متصل سیل می‌شود و چون سیل‌ها با هم متحد شدند دریا درست می‌شود. جماعت وقتی که باهم شد پشتیبانشان خدای تبارک و تعالی است: يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ». (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۶، ص ۷۹).

قرآن هم بر این امر تأکید می‌ورزد: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران/۱۰۳).

اقبال لاهوری این حدیث را در اشعارش این‌چنین می‌سراید:

حرز جان کن گفته خیر البشر هست شیطان از جماعت دورتر

(اقبال لاهوری، ۱۹۹۷م، ص ۴۷).

۶. اتحاد اسلامی، رحمت الهی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَالْفِرْقَةُ عَذَابٌ.»

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

جماعت (وحدت)، مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است. (ابن ابی عاصم، ج ۱، ص ۱۰۴؛ نهج

الفصاحه، ح ۱۳۲۳).

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وحدت و انسجام مسلمین را همانند کتاب خدا، مایه رحمت شمرده و حتی مؤمنین را منشا رحمت دانسته است؛ از این رو دوری و تفرقه مسلمین جز عذاب و ذلت چیزی نیست. مسلمان به هر اندازه‌ای که به جماعت مسلمین پیوند داشته باشد استقلال و استحکام خواهد داشت ولی دوری از این جماعت باعث نکبت و خواری او می‌گردد. در عصر کنونی سلطه سیاسی، نظامی و به ویژه فرهنگی از سوی اجانب و قدرت‌های استکباری و استعماری در بسیاری از مناطق و کشورهای اسلامی نمونه‌ای از عذاب و مشکلاتی است که در تفرقه و عدم اتحاد مسلمین نهفته است؛ از این رو رهایی همه جانبه مسلمانان از سلطه‌گری بیگانگان در سایه اتحاد اسلامی میسر است که از آن به رحمت یادشده است.

اقبال لاهوری اشاره ظریفی در بیانات خویش به رحمت بودن وحدت مسلمین را دارد، می‌فرماید:

فرد را ربط جماعت رحمت است جوهر او را کمال از ملت است
تا توانی با جماعت یار باش رونق هنگامه احرار باش

(اقبال لاهوری، پیشین، ص ۷۷).

۷. وحدت ستیزی، گسستن از اسلام

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:
مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شَبْرًا خَلَعَ اللَّهُ رِبْقَةَ الْإِسْلَامِ مِنْ عُنُقِهِ.»

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

۱- الرِّبْقَةُ: در واقع نام حلقه ای است در ریسمان که به گردن یا پای حیوان می‌بندند برای نگهداری او، و در این جا به عنوان استعاره برای اسلام آمده است؛ یعنی مسلمان توسط حلقه‌های اسلام جان و ایمان خویش را مراقبت می‌کند که این حلقه‌ها عبارت است از: حدود، احکام، امر و نهی‌های آن. (ابن ابی عاصم، ج ۲، ص ۴۲۱).

هر کس یک وجب از جامعه «مسلمین» دور شود خداوند رشته مسلمانی را از گردن او باز کند.» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱؛ نهج الفصاحه، ۲۷۶۹؛ ابن ابی عاصم، ج ۲، ص ۴۲۱ با اضافه چند کلمه، و مجلسی، پیشین، ج ۲۷، ص ۷۳).

در این حدیث به وحدت‌ستیزی اشاره شده است و پیامبر اکرم حتی یک وجب گسستگی و دوری از جماعت مسلمین را مساوی با گسستگی از اسلام دانسته است؛ یعنی مسلمان بودن به اتحاد و انسجام با مسلمانان مقید شده است؛ از این رو کسی که در پی اختلاف باشد از چارچوب اسلام خارج گشته است. قرآن کریم هم تفرقه و پراکندگی را یکی از صفات و برنامه‌های مشرکین اعلام می‌نماید: «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا» (روم/۳۱ و ۳۲).

۸. نماد اتحاد مسلمین

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ: عَلَى أَنْ يُوَحَّدَ اللَّهُ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آيَتَاءَ الزَّكَاةِ وَ صِيَامَ رَمَضَانَ وَ الْحَجَّ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

اسلام بر پنج پایه نهاده شده است: توحید و یکی دانستن خدا، برپاداشتن نماز، پرداختن زکات، روزه ماه مبارک رمضان و حج بیت الحرام.» (صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۵. در کتاب‌های شیعه‌ای به جای کلمه «توحید»، لفظ «ولایت اهل بیت» ذکر شده است؛ ر.ک: شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۳۵۳).

در این حدیث به نمادهای اساسی و بنیادی اتحاد و انسجام اسلامی اشاره شده است. توحید، نماز، زکات، روزه و حج همه سمبل و نماد وحدت می‌باشد.

امام خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ در این باره می‌گوید: «وحدت کلمه، در زیر لوای توحید قابل جمع است.» رهبر معظم انقلاب نیز می‌گوید: «جای‌جای حج، مظهر اتحاد و انسجام اهل قبله و رنگ‌باختن تفاوت‌های طبیعی و اعتباری و برجسته شدن وحدت و برادری حقیقی و ایمانی آنها است.» (پیام حج، ۴ ذی‌الحجه ۱۴۲۸).

شهید مطهری درباره این نماد وحدت می‌گوید: «حج رمز ریختن و شکستن تعینا و غلاف‌ها و حصارهای خیالی و اعتباری است. همه دور یک خانه طواف کردن، رمز هدف واحد، فکر واحد و ایده واحد است.» (جاوید موسوی، ۱۳۸۶ ش).

اقبال لاهوری در اشعار خویش این نماد را باعث دوام امت مسلمان می‌داند:

روزگارش را دوام از مرکزی
سوز ما هم ساز ما بیت الحرام

قوم را ربط و نظام از مرکزی
راز دارد راز ما بیت الحرام

(اقبال لاهوری، پیشین، ص ۲۷۶).

۹. تفرقه، مرگی جاهلانه

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هر کس از گروه مسلمانان جدا شود بر مرگ جاهلیت بمیرد.» (نهج الفصاحه، ۲۸۵۵؛ مسند ابن راهویه، جزء ۱، ص ۱۹۲؛ لابن ابی عاصم، ج ۱، ح ۷۸، ص ۱۰۰ و ج ۲، ح ۷۵۰ ص ۴۲۹، با اضافه جمله «من خرج عن الطاعة» در اول حدیث).

کسی که همراه جماعت مسلمین نباشد نمی‌تواند شناخت و معرفت خوبی نسبت به رفتار و سلوک فردی و اجتماعی مسلمانان داشته باشد و همیشه در جهالت و گمراهی خواهد ماند و هیچ‌گاه به حقیقت و واقعیت دست پیدا نخواهد کرد و مرگ در چنین حالتی جز مرگ جاهلیت نخواهد بود. در مقابل، اگر انسان با جماعت باشد و رفتار، کردار و اعتقادات آنها را بشناسد می‌تواند به حقیقت برسد و مرگ او هم عالمانه خواهد بود.

۱۰. هم‌بستگی، حیات جامعه مسلمین

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُسْلِمُونَ كَالرَّجُلِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى عَضُو مِنْ أَعْضَائِهِ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمانان نسبت به هم‌دیگر هم چون یک مرد هستند که هرگاه عضوی از اعضای او دردمند شود، اعضای دیگر او نیز احساس درد می‌کنند.^۱» (متقی هندی، پیشین، ح ۷۵۹؛ با اندکی تفاوت: سیوطی، پیشین، ح ۲۳۴۷۰، ۲۳۴۷۱ و ۲۳۴۵۷، ص ۴۳۳ و ۴۳۵؛ نهج الفصاحه، ح ۱۱۳۹ و ۳۱۰۶، ص ۵۲۷ و ۵۳۰).

۱- مضمونی مشابه این حدیث در کتاب‌های دیگر مانند صحیح بخاری، ص ۳۷ و مسند احمد بن حنبل، ج ۴ ص ۲۷ این چنین آمده است: «مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادِهِمْ وَ تَرَاحُؤِهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ عَضُو تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالْمَسِّهِ وَ الْجَمْعِ»؛ به نقل از: امیر اردوش، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۹.

در این حدیث، وحدت و هم‌بستگی جامعه مسلمانان به وحدت و هم‌بستگی اعضای انسان تشبیه شده است. شهید مطهری در توضیح این حدیث می‌گوید: «یکی از علایم حیات جامعه این است که هم‌بستگی میان افرادش بیشتر است. خاصیت مردگی متلاشی شدن و متفرق شدن و جدا شدن اعضا از یک‌دیگر است. خاصیت اجتماع، هم‌بستگی و پیوستگی بیشتر اعضا و جوارح آن اجتماع است. (مطهری، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۲).

سعدی این حدیث را در قالب شعر به این صورت بیان نموده است:

بنی آدم اعضای یک‌دیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چون عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

۱۱. آثار اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ وَالْمُؤْمِنُ مَنْ أَمَنَهُ النَّاسُ عَلَى دِمَائِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ. پیامبر

اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امان‌اند و مؤمن کسی است که مردم او را بر جان و مال خویش امین بدانند.» (سیوطی، پیشین، ج ۷، ح ۲۳۵۲۶، ص ۴۴۴؛ ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، ج ۱، ص ۹۸ و ج ۷، ص ۱۸۶؛ صحیح مسلم، پیشین، ج ۱، ح ۵۰۰۶، ص ۱۱۴۵؛ ترمذی، ج ۹، ح ۲۵۵۱، ص ۲۱۵؛ نسائی، ۱۴۲۱ ق، ح ۵۰۰۶، ص ۱۱۴۵؛ ابن حنبل، جزء ۱۷، ح ۸۵۷۵، ص ۱۱۷ و جزء ۴۸، ح ۲۲۸۴۱، ص ۴۲۶، ۷۹، ۱۳۳ و ۱۹۷ و ج ۱۸، ص ۱۱۷؛ باندکی تفاوت: نهج الفصاحه، ح ۲۱۶۶، ص ۷۰؛ معانی الاخبار، ص ۲۳۹).

این حدیث بیان‌گر اثرات وحدت و هم‌بستگی مسلمین است، زیرا بر اثر تعلیمات اسلامی یک فرد مسلمان و مؤمن در پی سلامتی دیگر مسلمانان می‌باشد. هم‌چنین بیان‌گر رفتار اجتماعی مسالمت‌آمیز یک فرد مؤمن و مسلمان در سطح کلان جامعه مسلمین است که در نهایت این نوع رفتار در بین مسلمانان چیزی جز وحدت، هم‌دلی و اعتماد به یک‌دیگر را در پی نخواهد داشت. اقبال لاهوری درباره هم‌زیستی مسالمت‌آمیز می‌گوید: «معنی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز این است که به کسی نگوئیم خط و ربطت باطل است. اختلاف نباید سبب شود سر یک‌دیگر را بشکنیم.» (بقایی ماکان، پیشین، ص ۳۰۴).

فطرت مسلم سرپا شفق است در جهان دست و زبانش رحمت است

(اقبال لاهوری، پیشین، ص ۲۶۷).

۱۲. پرهیز از دشنام و لعن

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

سِبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

دشنام دادن به مسلمان فسق است و کشتن او مساوی با کفر است.» (ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، ج ۱، ص ۱۷ و ج ۷، ص ۸۴ و ج ۸، ص ۹۱؛ صحیح مسلم، پیشین، جزء ۱، ح ۹۷، ۲۰۲؛ ترمذی، جزء ۷، ح ۱۹۰۶، ص ۲۵۵ و جزء ۹، ح ۲۵۵۸، ص ۲۲۵؛ نسائی، پیشین، ح ۴۱۱۰ تا ۴۱۱۹، ص ۹۸۰ تا ۹۸۱؛ قزوینی، ۱۴۱۵ق، جزء ۱، ح ۶۸ ص ۷۸ و جزء ۱۱، ح ۳۹۲۹ تا ۳۹۳۱، ص ۴۲۷ تا ۴۲۹؛ ابن حنبل، جزء ۳، ح ۱۴۵۵، ص ۴۶۵ و جزء ۷، ح ۳۴۶۵، ص ۵۰۰ و جزء ۸، ح ۳۷۰۸، ص ۲۴۳ و ح ۳۹۱۰، ص ۴۵۱ و جزء ۹، ح ۴۰۴۱، ص ۷۱؛ کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۳۵۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۸۰؛ مجلسی، پیشین، ج ۷۱، ص ۲۴۶، ج ۷۲، ص ۱۴۸ و ۱۵۰؛ بااندکی تفاوت: نهج الفصاحة، ح ۲۲۴۰).

یکی از اسباب اختلاف که در جامعه اسلامی مشاهده می‌گردد دشنام و تکفیر بعضی از گروه‌های مسلمین نسبت به یک‌دیگر است، که برای ایجاد وحدت، پرهیز از آن واجب می‌باشد. تکفیر و دشنام، گروه‌های مسلمان را به انزوا می‌کشاند و جهل، خشم و تعصب را شعله‌ور می‌کند. مسلمانان باید به این حدیث پیامبر توجه کامل داشته باشند. بعضی‌ها کشتن مسلمان را امری پسندیده می‌دانند، غافل از این‌که طبق حدیث پیامبر اسلام آنها خود کافر بوده و مرتکب گناهی بزرگ می‌شوند.

۱۳. زمینه‌ها و مقدمات وحدت

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لِلْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتٌّ بِالْمَعْرُوفِ يُسَلِّمُ عَلَيْهِ إِذَا لَقِيَهُ وَيُجِيبُهُ إِذَا دَعَاهُ وَيَسْمَعُهُ إِذَا عَطَسَ وَيَعُودُهُ إِذَا مَرَضَ وَيَتَّبِعُ جَنَازَتَهُ إِذَا مَاتَ وَيُجِبُّ لَهُ مَا يُجِبُّ لِنَفْسِهِ

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمان را بر مسلمان شش حق است: وقتی او را می‌بیند سلامش می‌گوید و چون دعوتش می‌کند می‌پذیرد و چون عطسه می‌زند، خدا را برایش سپاس می‌گوید و چون بیمار می‌شود، عیادتش می‌کند و چون می‌میرد جنازه اش را تشییع می‌کند و آنچه که برای خویش می‌پسندد برای او هم می‌پسندد.» (ترمذی، ج ۹، ص ۳۸۶؛ صحیح مسلم، پیشین، جزء ۱۱، ح ۴۰۳۲، ص ۱۲۷؛ قزوینی، پیشین، ج ۴، ح ۱۴۲۳، ص ۳۶۲؛ ابن حنبل، جزء ۲، ح ۶۳۶، ص ۱۴۲ و جزء ۱۸، ح ۸۴۹۰، ص ۱۳۲؛ جزء ۱۹، ح ۸۹۷۳، ص ۱۶). (در کتاب‌های

مذکور در برخی از احادیث به پنج و در برخی دیگر به چهار حقوق اشاره شده است.) با اندکی تفاوت: نهج الفصاحه، ح ۱۳۹۲ و ۲۲۷۲، ص ۱۹۴.

در این حدیث به برخی از رفتار اجتماعی هم‌چون سلام کردن، عیادت، اجابت دعوت مسلمان، شرکت در تشییع جنازه و... اشاره شده است که یک فرد مسلمان باید در روابط اجتماعی با دیگران به این نوع رفتار توجه داشته باشد زیرا باعث ایجاد صمیمیت و مودت در سطح جامعه شده و هم‌بستگی به وجود می‌آورد.

۱۴. زمینه‌های اختلاف و تفرقه

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَا تَحَاسَدُوا وَلَا تَنَاجَشُوا وَلَا تَبَاغَضُوا وَلَا تَدَابَرُوا وَلَا يَبِيعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَيْعِ بَعْضٍ وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يَخْذُلُهُ^۲ وَلَا يَحْفَرُهُ...»

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

حسودی مکنید و در معامله هم‌دیگر یا مگذارید و دشمنی مکنید و به هم پشت مکنید و در معاملات با هم دیگر خصومت مکنید. ای بندگان خدا! با هم برادر باشید. مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمی‌کند و او را تنها و بی‌یاور نمی‌گذارد! اگر احتیاج به کمک داشته باشد به او کمک می‌کند] و او را تحقیر نمی‌کند.» (صحیح مسلم، پیشین، جزء ۱۲، ح ۴۶۵۰، ص ۴۲۶؛ ترمذی، ج ۷، ص ۱۶۶؛ ابن حنبل، جزء ۱۵، ح ۷۴۰۳، ص ۴۴۳؛ مالک بن انس، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۳۹۶. با اندکی تفاوت: نهج الفصاحه، ح ۲۴۴۲ و ۲۴۳۶، ص ۷۰).

حسد، کینه، تجسس، دخالت بی‌جا و... عواملی است که آتش تفرقه را شعله‌ور می‌کند؛ از این رو پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تأکید می‌کند که از آنها پرهیز گردد.

رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) می‌فرماید: «مردمی که در بین خود دچار حسد باشند، دچار بدخواهی یک‌دیگر باشند، دچار حيله‌گری با یک‌دیگر باشند، دچار حرص به دنیا و غل نسبت به مال دنیا باشند و دچار کینه ورزی با یک‌دیگر باشند در این جامعه حتی اگر قانون هم به طور دقیق عملی

۱- يقال باع فلان علی بیع فلان: این یک ضرب المثل قدیمی عربی است که برای مردی به کار می‌برند که با صاحبش بر سر چیزی خصومت می‌کند و او از روی نیرنگ می‌خواهد او را مغلوب نماید. وقتی چیزی را با مهارت به دست می‌آورد می‌گویند: باع فلان علی بیع فلان؛ (ج ۱۱، ص ۲۰۲، لسان العرب، ج ۸، ص ۲۴-۲۵).

۲- خذل: به معنی ترک معونت و اعانت می‌باشد؛ (پیشین).

شود، سعادت در این جامعه نیست... این جامعه بشری مطلوب نیست، جامعه ای که انسان در آن احساس ناامنی کند، هر انسان احساس کند که به او حسد می‌ورزند، نسبت به او بد دلی دارند، نسبت به او کینه ورزی می‌کنند، برای او توطئه می‌چینند، و نسبت به او و دارایی او حرص می‌ورزند، راحتی در این جامعه نیست.» (سخنرانی در جمع بسیجیان، ۱۳۸۵/۱/۱۶).

۱۵. مبانی حقوقی وحدت مسلمین

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

... كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ دَمُهُ وَمَالُهُ وَعِزُّهُ حَسْبُ امْرِئٍ مِنَ الشَّرِّ أَنْ يَحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

همه چیز مسلمان بر مسلمان حرام است؛ خوشش، مالش، آبرویش. برای مرد همین شرس است که برادر مسلمان خویش را تحقیر کند.» (صحیح مسلم، پیشین، ج ۱۲، ص ۴۲۶؛ ترمذی، پیشین، ص ۱۶۶؛ قزوینی، پیشین، جزء ۱۲، ص ۲۵۷؛ نهج الفصاحه، ح ۲۱۶۶، ص ۷۰ و ۲۴۰).

بسیاری از فقهای اسلامی این روایت را زیربنای روابط اجتماعی و حقوقی به شمار آورده و معتقدند از آن جا که این روایت شامل سه حوزه مال، آبرو و جان مسلمانان می‌باشد، نقشی پایه‌ای در تأمین حقوق هر انسان مسلمان داشته و همه عرصه‌های حقوقی مربوط به فرد را در بر می‌گیرد. جامعه‌ای که بر پایه احترام متقابل و عدم تعرض مستقیم و غیر مستقیم به حقوق دیگران شکل گرفته، جامعه متحد، منسجم و خالی از هر نوع اختلاف و تفرقه است.

۱۶. بهترین مسلمان، اتحادآور

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُسْلِمُ إِذَا كَانَ مُخَالِطًا النَّاسِ وَيَضِيرُ عَلَى آذَانِهِمْ خَيْرٌ مِنَ الْمُسْلِمِ الَّذِي لَا يُخَالِطُ النَّاسَ وَلَا يَضِيرُ عَلَى آذَانِهِمْ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمانی که با مردم بیامیزد و بر آزارشان شکیبایی کند، بهتر است از مسلمانی که با مردم نیامیزد و بر آزارشان شکیبایی نکند.» (ترمذی، ج ۹، ح ۲۴۳۱، ص ۴۷؛ سیوطی، پیشین، ج ۷، ص ۴۶۲؛ متقی هندی، پیشین، ج ۱، ص ۶۸۶؛ نهج الفصاحه، ح ۳۱۰۸، ص ۳۸۲).

این حدیث بر اختلاط و اجتماع مسلمانان تأکید نموده است. مراد از اجتماع و جماعت مسلمین، همان طور که در برخی از کتاب‌های فریقین آمده است، جماعت اهل حق است.

۱۷. ایمان واقعی در سایه هم‌بستگی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هیچ یک از شما مؤمن [واقعی] نمی‌شود تا موقعی که آن‌چه برای خویش دوست دارد برای برادر [مسلمان] خود هم دوست داشته باشد.» (نسائی، پیشین، ح ۵۰۴۹، ص ۱۱۵۴؛ با اندکی تفاوت: نهج الفصاحة، ح ۲۷۰۰، ص ۸۸).

دوست داشتن یکی دیگر از عوامل اتحاد و هم‌دلی محسوب می‌شود. پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این گفتار خویش در پی آن است تا ایمان واقعی مردم را در راستای دوست داشتن یک‌دیگر و خواسته‌های یک‌دیگر ارزیابی نماید. وقتی خواسته‌ها یکی شود دیگر جایی برای تفرقه نخواهد بود بلکه هم‌بستگی تمار عیار بر فرد و جامعه مسلمین حاکم خواهد گشت.

۱۸. راه کارهای اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

ثَلَاثٌ لَا يُعِلُّ عَلَيْهِنَّ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلَّهِ وَالتَّصِيحَةُ لِأُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَالزُّوْمُ

لِجَمَاعَتِهِمْ

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی به آن خیانت نکند: خالص نمودن عمل برای خدا، خیرخواهی پیشوایان مسلمین، همراه بودن با جماعت مسلمین.» (سیوطی، پیشین، ج ۷، ح ۲۳۸۲۲ و ر.ک: ح ۲۳۸۲۴، ۲۳۸۲۵ و ۲۳۸۲۷ تا ۲۳۸۳۰، ص ۴۸۴ تا ۴۸۶؛ کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۰۳).

در این حدیث به راه کارهای اساسی اتحاد اسلامی اشاره شده است: خلوص عمل که باید جوهر عبادت و اعمال مسلمانان باشد؛ خیرخواهی پیشوایان که محور اتحاد بوده و اتحاد جز در سایه اطاعت

و فرمان بری از آنها میسر نیست، و همراه بودن با جماعت مسلمین که در واقع جدا نشدن و اختلاف و پراکندگی ایجاد نکردن در بین مسلمانان می‌باشد.

۱۹. هم‌بستگی مسلمانان نسبت به بیگانگان

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُسْلِمُونَ يَدُّ عَلَى مَنْ سَوَاهُمْ تَتَكَافَأُ دِمَاؤُهُمْ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمانان، یک دست [یک پارچه هم چون یک دست نیرومند] نسبت به بیگانگان هستند و خوششان برابر است.» (متقی هندی، پیشین، ج ۲، ح ۴۴۱، ص ۴۰۲ و ج ۱۱، ص ۳۱۶۴۷؛ کلینی، پیشین، با اندکی تفاوت: سیوطی، پیشین، ح ۲۳۴۶۹، ص ۴۳۵).

مسلمانان می‌توانند با اتحاد و یک‌پارچگی در مقابل تجاوز بیگانگان صف‌آرایی کنند. امام خمینی (قدس سره) در توضیح این حدیث مبارک می‌فرماید: «...حتی تعبیر دو دست نفرمودند، و باید شما اجتماع و وحدتتان را به جایی برسانید که بین خودتان جدایی نبینید و این دستور اسلامی است که با یک‌دیگر برادر باشید که هیچ قدرتی نتواند بر شما چیره شود.» (امام خمینی، ص ۱۶، ۱۰، ۶۱ به نقل از میرآقوی، ۱۳۷۹ ش).

۲۰. نرمی و آسان‌گیری، دو عامل اتحاد

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُؤْمِنُونَ هَيِّنُونَ لَيِّنُونَ كَالجَمَلِ الْآلِفِ إِنْ قِيدَ إِنْقَادًا وَإِذَا أُبِيحَ عَلَى صَخْرَةٍ إِسْتِنَاخًا.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مؤمنان آسان‌گیر و نرم‌اند، هم‌چون اشتهر دست‌آموز که اگر ریسمانش را بکشند، می‌رود و اگر او را بر سنگی بخوابانند، می‌خوابد.» (نهج‌الفصاحة، ح ۳۰۹۹، ص ۵۳۰؛ سیوطی، پیشین، ج ۳، ح ۲۳۴۷۲، ص ۴۳۵).

آسان‌گیری و نرمی دو عامل اصلی در تفاهمات اجتماعی و فرهنگی بوده و سبب بقا و پیشرفت یک قوم و ملت است. اگر روح آسان‌گیری، تسامح و نرمی بر روابط فردی و اجتماعی یک ملت حاکم گردد اختلاف در سطح جامعه به وجود نخواهد آمد.

۲۱. تفرقه، باعث دین زدایی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْأَيْنَ فِي التَّبَاغُضِ الْحَالِقَةُ^۱ لَا أَعْنِي خَالِقَةُ الشَّعْرِ وَ لَكِنْ خَالِقَةُ الدِّينِ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

آگاه باشید که در دشمنی‌ها، ستردن و تراشیدن نهفته است، اما نه تراشیدن مو، بلکه ستردن دین.» (کلینی، پیشین، جلد ۲، ص ۳۴۶. با اندکی تفاوت در منابع گوناگون اهل سنت هم به همین مضمون روایت آمده است، از جمله این دو حدیث: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَفْضَلِ مِنْ دَرَجَةِ الصَّلَاةِ وَ الصَّيَامِ وَ الصَّدَقَةِ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالَ: إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَيْنِ، قَالَ: وَ فَسَادُ ذَاتِ الْبَيْنِ هِيَ الْحَالِقَةُ، وَ لَا أَقُولُ تُحَلِّقُ الشَّعْرَ وَ لِيَكُنْ تُحَلِّقُ الدِّينَ؛ قرشی دمشقی، ۱۴۲۰ق، ج ۲ و ۳، ص ۴۱۲ و ۹۰.

دَبَّ إِلَيْكُمْ ذَاءُ الْأَمَمِ قَبْلَكُمْ أَلْحَسَدُ وَ الْبَغْضَاءُ وَ الْبَغْضَاءُ هِيَ الْحَالِقَةُ، خَالِقَةُ الدِّينِ لَا خَالِقَةُ الشَّعْرِ...؛ ابن حنبل، ج ۳، ص ۳۴۷.

دشمنی مسلمانان با یکدیگر باعث تضعیف نیرو و قدرت آنها می‌گردد و در نتیجه، دین و عظمت آن که جز در سایه اتحاد و هم‌بستگی مسلمانان بقا و دوام نمی‌یابد، از بین خواهد رفت. امروزه به خاطر همین کینه‌توزی‌ها و دشمنی‌های بی‌مورد و غیر معقول، بسیاری از ملت‌ها و کشورهای اسلامی، عظمت و قدرت خویش را از دست داده و اجانب بر آنان تسلط یافته‌اند.

۲۲. اختلاف، مایه دگرگونی قلب‌ها

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

إِسْتَوْوُوا وَلَا تَخْتَلِفُوا فَتَخْتَلِفَ قُلُوبُكُمْ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

با یکدیگر برابر باشید و دگرگون مشوید که دل‌هایتان دگرگون می‌شود.» (نهج الفصاحه، ح ۲۸۸ و با اندکی تفاوت: ح ۲۸۹ ص ۸۸؛ متقی هندی، پیشین، ح ۸۹۵).

برابری و مساوات نکته قوت اتحاد و وحدت ملت‌ها است و مسلمان باید این نکته قوت را حفظ نموده و از اختلافات پرهیز کند.

۱- الحالقه: مراد از حالقه قطع رحم و ظلم به یکدیگر هم می‌باشد؛ (لسان العرب، ج ۱۰، ص ۶۶).

۲۳. دایره مسلمانان

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ دَعَا إِلَى عَصِيْبِيَّةٍ^۱، وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ قَاتَلَ عَلَى عَصِيْبِيَّةٍ وَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ مَاتَ عَلَى عَصِيْبِيَّةٍ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

کسی که برای تعصب و عصبیت دعوت کند از ما نیست، و کسی که برای تعصب بجنگد از ما نیست، و کسی که بر عصبیت بمیرد از ما نیست.» (سجستانی از دی، ح ۵۱۲۱ و با توضیحات بیشتر در مسند ابن راهویه، جزء ۱، ص ۹۲. مثل همین حدیث در کتاب‌های شیعه با مضمون دیگری آمده است: مَنْ تَعَصَّبَ وَ تُعَصَّبَ لَهُ فَقَدْ خَلَعَ رِبْقَةَ الْإِيمَانِ مِنْ عُنُقِهِ؛ کلینی، پیشین، ص ۳۰۸).

در این حدیث مبارک، پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تعصب بی‌جا و باطل را مورد مذمت شدید قرار می‌دهد و دعوت به عصبیت و جنگیدن برای آن و مردن در حالت عصبیت را خروج از دایره اتحاد و اسلام می‌داند، زیرا تعصب‌ورزی بی‌جا عمده‌ترین عامل اختلاف میان مسلمانان می‌باشد.

امام خمینی (قدس سره) در این باره می‌فرماید: «عصبیت، یکی از اخلاق باطنه نفسانیه است که آثار آن مداخله کردن و حمایت نمودن از خویشاوندان و مطلق متعلقان است، چه تعلق دینی و مذهبی و مسلکی باشد، یا تعلق وطنی و آب و خاکی و غیر آن، که منشأ بسیاری از مفاسد اخلاقی است و خود آن فی نفسه مذموم است گر چه برای حق با امر دینی باشد و منظور اظهار حق نباشد بلکه منظور غلبه خود با هم مسلک خود یا بستگان خود باشد.» (امام خمینی، چهل حدیث، ص ۱۲۵-۱۲۶).

۲۴. خیر خواهی برای اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَنْ يَضْمِنُ لِي خَمْسَةَ أَضْمِنُ لَهُ الْجَنَّةَ: النَّصِيْحَةَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ النَّصِيْحَةَ لِرَسُولِهِ، وَ النَّصِيْحَةَ لِكِتَابِ اللَّهِ، وَ النَّصِيْحَةَ لِدِينِ، وَ النَّصِيْحَةَ لِحَمَاةِ الْمُسْلِمِينَ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هر کس پنج چیز را برای من ضمانت کند من نیز در عوض بهشت را برایش تضمین می‌نمایم: خیر خواهی برای خدا، خیر خواهی برای پیامبرش، خیر خواهی برای کتاب خدا، خیر خواهی برای

۱- عصبیة: دفاع از خویشاوندان و گروه چه ظالم باشد چه مظلوم.

دین اسلام و خیرخواهی برای جماعت مسلمین.» (طبرسی، ۳۸۵ق، ح ۳۱۰؛ مشابه این حدیث در کتاب‌های اهل سنت آمده است، از جمله شخصی معنی «الدَّيْنُ النَّصِيحَةُ» را از پیامبر گرامی اسلام می‌پرسد و ایشان می‌فرماید: مراد از آن خیر خواهی خدا، و برای کتاب خدا، و برای پیامبر خدا، و برای رهبران مسلمین و عامه مسلمین می‌باشد؛ صحیح مسلم، پیشین، ح ۵۵، ص ۵۵).

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این گفتار وحدت‌آمیز خواستار خیرخواهی برای جماعت مسلمین می‌باشد و آن را هم‌ردیف خیرخواهی برای خدا، پیامبر، قرآن و اسلام قرار داده است.

۲۵. محور اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

.. فَأَنْتُمْ «أَهْلَ الْبَيْتِ» أَهْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الَّذِينَ بِهِمْ تَمَّتِ النَّعْمَةُ وَاجْتَمَعَتِ الْفُرْقَةُ وَاتَّكَلَتِ الْكَلِمَةُ. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

شما اهل بیت، اهل الله هستید که به برکت شما، نعمت کامل گشته و پراکندگی بر طرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است.» (کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۴۴۶).

اتحاد و انسجام مسلمانان بر حول محور اهل‌بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام امری ممکن و پسندیده است. همه مسلمانان جهان بر عظمت آن بزرگواران و نقش آنان در ترویج و تبیین دین مبین اسلام واقف‌اند؛ از این رو رفتار و گفتارشان می‌تواند الگو و نمونه برای مسلمانان باشد. مقام معظم رهبری (دامت برکاته) در این باره می‌فرماید: «امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام محور وحدت است. همه دنیای اسلام در مقابل امیرالمؤمنین خاضع‌اند و عامه دنیای اسلام امیرالمؤمنین را تجلیل می‌کنند... درباره او اشعار مدح‌آمیز دارند، نه فقط درباره امیرالمؤمنین بلکه درباره همه یا اغلب ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام اینها خاضع‌اند.» (خطبه نماز جمعه تهران، ۱۳۸۳/۸/۱۵).

۲۶. خطر تکروی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

ثَلَاثَةٌ لَا تَسْأَلُ عَنْهُمْ: رَجُلٌ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ وَ عَصَى إِمَامَهُ وَ مَاتَ عَاصِيًا وَ أُمَّةٌ أَوْ عَبْدٌ أَبَقَ مِنْ سَيِّدِهِ فَمَاتَ. وَ امْرَأَةٌ غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا وَ قَدْ كَفَاهَا مَوْؤَنَةُ الدُّنْيَا فَتَبَرَّجَتْ بَعْدَهُ، فَلَا تَسْأَلُ عَنْهُمْ..

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

از سه کس می‌رس: ۱. مردی که از جماعت مسلمین دوری گزیند، و امام خود را نافرمانی کند، و در آن حال بمیرد؛ ۲. کنیز یا بنده‌ای که در حال گریز از آقای خود بمیرد؛ ۳. زنی که شوهرش از او دور باشد و مخارج او را بپردازد و در غیبت شوهرش، آرایش و خودنمایی کند؛ از اینها می‌رس.» (نهج الفصاحه، ح ۱۲۲۴).

از دیدگاه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کسی که از جماعت مسلمین فاصله گرفته و نیز امام مسلمین را که محور اتحاد و انسجام است، نافرمانی نماید عصیان نموده است و اگر در این حال بمیرد عاصی مرده است.

۲۷. وحدت شرط مسلمانی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لَلْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هر کس روز خویش را آغاز کند و به کارهای مسلمانان همت نگمارد، مسلمان نیست و هر کس بشنود که کسی مسلمانی را به کمک فرا می‌خواند، ولی پاسخش را ندهد، مسلمان نیست.» (حر عاملی، پیشین، ج ۱۶، ص ۳۳۶؛ کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۳؛ باندکی تفاوت: نهج الفصاحه، ح ۲۹۵۵، ص ۱۳۸۵).
اهتمام ورزیدن به امور مسلمانان در واقع نوعی هم‌بستگی و وحدت و همدلی را در پی خواهد داشت و مسلمان کسی است که به فکر حل امور و مشکلات دیگر مسلمانان باشد. به گفته شهید مطهری «مسلمان شرط مسلمانی‌اش هم‌دردی و همدلی است». (مطهری، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۸).

۲۸. نهی از ترساندن مسلمان

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَا تَرَوْعُوا الْمُسْلِمَ فَإِنَّ رَوْعَةَ الْمُسْلِمِ ظُلْمٌ عَظِيمٌ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمان را مترسانید، زیرا ترساندن او ستمی بزرگ است. (نهج الفصاحه، ح ۲۴۵۰، ص ۱۰۷ و باندکی تفاوت: ح ۲۵۲۶ و ۲۹۰۱).

یکی از موانع اتحاد و انسجام مسلمین این است که رعب و وحشت در دل‌های آنان ایجاد گردد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ترساندن مسلمان را مساوی با ظلمی بزرگ دانسته است. می‌توان گفت که ترساندن نوعی ترور و یا مقدمه ترور می‌باشد و پیامبر رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مقدمه ترور را گناه و ظلم عظیم می‌شمارد. وای بر حال کسانی که به خاطر جهالت نسبت به آموزه‌های اسلامی و یا از روی تعصب و کینه‌توزی مسلمانان را به تروریست متهم می‌کنند و یا فتوای جاهلانه درباره کشتار و ترور فرد مسلمان و یا غیر مسلمان صادر می‌کنند.

۲۹. اطاعت، مساوی با وحدت

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

إِسْمَعُوا وَأَطِيعُوا لِمَنْ وُلَّاهُ اللَّهُ الْأَمْرَ، فَإِنَّهُ نِظَامُ الْإِسْلَامِ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

به فرمان حاکمان الهی گوش فرا دهید و از آنها اطاعت کنید، زیرا اطاعت از رهبری مایه «وحدت

امت اسلام» است. (شیخ مفید، پیشین، ج ۱، ص ۱۴، مجلس ۲، ح ۲).

در این حدیث، به وحدت امت اسلامی اشاره شده که جز در سایه اطاعت و پیروی از حاکمان اسلامی میسر نیست، زیرا رهبریت و حاکمیت اسلامی نقش محوری در اتحاد اسلامی دارند و از این رو اطاعت آنها برای امت اسلامی واجب می‌باشد. در بسیاری از احادیث، رهبری و اطاعت از او به نخ تسبیح که جلوی از هم پاشیدن دانه‌های آن را می‌گیرد و یا به چوب آسیاب که سنگ آسیاب را در توازن نگه می‌دارد، تشبیه شده است.

۳۰. ایمان، بنیاد اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُؤْمِنُونَ كَالنَّفْسِ الْوَاحِدَةِ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مؤمنان هم‌چون یک روح هستند. (رازی، پیشین، ج ۲، ص ۴۵۰).

در این حدیث، ایمان اساس وحدت و هم‌دلی معرفی شده است.

استاد شهید مطهری می‌گوید: «آن عاملی که واقعاً افراد را هم‌روح می‌کند، ایمان است. هرگز

تاریخ جهان اتحادی را که در میان هم‌دین‌ها و هم‌ایمان‌ها بوده است در میان گروه‌های دیگر نشان نداده است که اصلاً خودشان را یکی ببینند.» (جاوید موسوی، پیشین، ص ۱۰۱).

اقبال لاهوری چه زیبا سروده است:

مؤمنان معدود لیک ایمان یکی جسمشان معدود لیکن جان یکی

(اقبال لاهوری، پیشین، ص ۱۷۹).

۳۱. پیامدهای اختلاف

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

مَا اخْتَلَفَ أُمَّةٌ بَعْدَ نَبِيِّهَا إِلَّا ظَهَرَ أَهْلٌ بِاطْلِقِهَا عَلَى أَهْلِ حَقِّهَا.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

هیچ امتی پس از پیامبرشان، اختلاف نکردند مگر آن‌که گروه باطل بر حق گرایان چیره شدند.»

(متقی هندی، پیشین، ح ۹۲۹).

یعنی اهل باطل و گمراه فرصت‌طلب از اختلافات یک ملت به نفع خویش استفاده می‌کند و زمام امور آن ملت را به دست خویش می‌گیرد. این هشدار بود که پیامبر اکرم به امت واحده خویش گوشزد نمود تا مبدا این امت هم دچار سرنوشت امت گذشته گردد، ولی متأسفانه مسلمانان و به خصوص حاکمان دولت‌های اسلامی این هشدار را نادیده گرفته‌اند و از این رو در عصر حاضر شاهد سیطره و چیره‌گی اهل باطل بر مملکت‌های اسلامی و سرزمین‌های مسلمین هستیم.

رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) می‌فرماید: «امروز این ضعف و ذلتی که مسلمانان کشورهای در دنیا دچار آن شده‌اند، ناشی از همین تفرق و اختلاف است.» (روز ولادت پیامبر اکرم و امام صادق، ۱۳۷۲/۶/۱۴).

۳۲. اختلاف، موجب هلاکت

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَا تَخْتَلِفُوا، فَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ اخْتَلَفُوا فَهَلَكُوا.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

اختلاف نکنید، آنان که قبل از شما بودند اختلاف کردند و هلاک شدند.» (متقی هندی، پیشین،

ح ۴۸۹).

یکی از پیامدهای مهم اختلاف ملتها هلاکت و نابودی آنها است. تاریخ شهادت می‌دهد که اقوام گذشته بر اثر اختلافات و تفرقه نابود شدند. قرآن کریم هم به صراحت به این پیامد نابودکننده اشاره می‌کند: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال/۳۶).

اولین منادی اتحاد اسلامی در قرن بیستم، سید جمال الدین اسدآبادی، در این مورد می‌گوید: «تجربه تاریخی نشان می‌دهد که عروج و سقوط نژادها و اقوام و ملل در گرو اتحاد و عدم آن بوده است. این ناموس خداوندی است که نصیب هر ملتی از هستی، تنها به مقدار بهره‌ای است که از اتحاد و اتفاق برده است و خداوند هیچ قومی را هلاک نساخته مگر پس از آن که به تفرقه و نفاق مبتلا شدند.» (مقاله الوحدة و السياسة، ص ۷۴؛ به نقل از صاحبی، ۱۳۷۴ ش).

شهید مطهری نیز می‌گوید: «یکی از عواملی که مایه فناى اقوام است تفرق و تشتت است، دست‌دست شدن، فرقه فرقه شدن، دو قبیله شدن، هر دسته‌ای یک فکری، عقیده‌ای، مسلکی داشتن، هر دسته‌ای در گوشه‌ای یک کشور تشکیل دادن.» (مطهری، مجموعه آثار؛ ج ۲۵، ص ۳۰۷).

۳۳. عوامل مثبت اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَلَا يُسْلِمُهُ وَمَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ وَمَنْ فَرَّجَ عَنَّا مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَةً مِنْ كُرْبَاتٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

مسلمان برادر مسلمان است، نه به او ظلم می‌کند و نه از او دست‌بر می‌دارد تا هر کاری بخواهد انجام دهد [او را به حال خودش وا نمی‌گذارد] و کسی که حاجت برادر [مسلمان] خویش را بر آورده کند خدا حاجت او را بر آورده می‌کند، و کسی که مصیبتی را از مسلمانی دور کند خدا غمی از غم‌های روز قیامت را از او دور می‌نماید، و کسی که مسلمانی را بپوشاند خداوند در روز قیامت او را خواهد پوشاند.» (ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، ج ۳، ص ۹۸).

یکی از عواملی که می‌تواند نقش مثبت و سازنده در امر اتحاد و انسجام مسلمانان داشته باشد کمک و یاری آنان نسبت به هم‌دیگر و به خصوص برطرف کردن نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فردی و غم و اندوه یک‌دیگر است.

۳۴. اختلاف، نابودگر مسلمانان

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

إِذَا أَشَارَ الْمُسْلِمُ عَلَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ بِالسَّلَاحِ فَهُمَا عَلَى جُرْفٍ^۱ جَهَنَّمَ فَإِذَا قَتَلَهُ خَرَا جَمِيعًا فِيهَا.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

وقتی مسلمانی اسلحه ای علیه برادر مسلمان دیگر می‌کشد پس هر دوی آنها درآبکند دوزخ می‌باشند، و وقتی او را می‌کشد هر دو در آن می‌افتند.» (نسائی، پیشین، ح ۴۱۲۲، ص ۹۸۱؛ متقی هندی، پیشین، ح ۳۹۸۹۹).

اسلحه کشیدن مسلمانان بر روی یکدیگر، اتحاد و هم‌بستگی آنان را از بین می‌برد و نه فقط به ذلت و خواری در دنیا منجر می‌گردد بلکه در آخرت هم عذاب جهنم را برای آنها در پی خواهد داشت. بنابراین، در دوران ما کسانی که به اسم مسلمان علیه برادران مسلمان خود در دیگر کشورهای اسلامی اسلحه می‌کشند و آنان را به طرز فجیعی به قتل می‌رسانند، نمی‌توانند مسلمان باشند بلکه آلت و وسیله دست استعمار و دشمنان اسلام‌اند.

۳۵. سزای تفرقه انداز

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

لَا يَجِلُّ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلَّا بِأَخْدَى ثَلَاثِ النَّفْسِ بِالنَّفْسِ وَالتَّيِّبِ^۲ الزَّانِي وَالتَّارِكُ دِينَهُ الْمُفَارِقُ أَوْ الْفَارِقُ الْجَمَاعَةَ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود:

ریختن خون مسلمان جز در سه حالت روا نمی‌باشد: کسی که مرتکب قتل نفس شود، مردی که زن داشته باشد و زنا کند، و کسی که از اسلام دست بردارد و یا از جماعت [مسلمین] جدا شود.» (ابن حنبل، جزء ۹، ح ۴۱۹۷، ص ۲۳۲؛ متقی هندی، پیشین، ح ۳۸۰).

از نگاه پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ کسی که از جماعت مسلمین دوری گزیند و باعث تفرقه مسلمین گردد باید از بین برود، زیرا بالاترین عامل شکست و ذلت و سقوط امت اسلامی و مسلمین تفرقه و اختلاف است و از این رو فتنه‌انگیز و تفرقه‌افکن مستوجب قتل است.

۱- جرف: یعنی پایه ضعیف.

۲- التَّيِّبُ: زن بیوه و یا مردی که همسر داشته باشد؛ (لسان العرب، ج ۱، ص ۲۴۸).

۳۶. گستره اتحاد اسلامی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ نُصْحَةٌ^۱ وَادُّونَ^۲ وَإِنْ اِفْتَرَقَتْ مَنَازِلُهُمْ وَآبْدَانُهُمْ^۳ وَالْفَجْرَةُ^۴ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَشَشَةٌ^۵ يَتَّخِذُونَ^۶ وَإِنْ اجْتَمَعَتْ مَنَازِلُهُمْ وَآبْدَانُهُمْ.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

افراد با ایمان، بعضی برای بعضی دیگر خیرخواه هستند، با یکدیگر مهر و محبت می‌ورزند گر چه منزل‌هایشان و جسم‌هایشان از یکدیگر جدا است و گناهکاران، بعضی برای بعضی دیگر بدخواه هستند، یکدیگر را یاری نمی‌کند گرچه منزل‌هایشان و جسم‌هایشان یکی است.» (سیوطی، پیشین، ج ۳، ح ۲۳۶۱۶، ص ۴۵۳؛ متقی هندی، پیشین، ح ۷۵۷).

مؤمنین چون ایمانشان ملاک و اساس وحدت است هر جا که باشند دلشان برای یکدیگر می‌تپد و مرزها و محدودیت‌های جغرافیایی و منطقه‌ای و نسلی و نژادی و... مانع اتحاد آنها نمی‌شود. امام خمینی (قدس سره) می‌فرماید: «مرزها جدا، قلب‌ها با هم اگر چنانچه مسلمین با هم اتحاد کنند با حفظ مرزهای خودشان لکن قلب‌هایشان با هم متحد باشد اینها جمعیت کثیری هستند.» (امام خمینی، ج ۱۰، ص ۲۲۳).

اقبال لاهوری در این باره چنین سروده است:

جوهر ما با مقامی بسته نیست	باده تندریش به جامی بسته نیست
هندی و چینی و سفال جام ماست	رومی و شامی گل اندام ماست
قلب ما از هند و روم و شام نیست	مرز و بوم او به جز اسلام نیست

(اقبال لاهوری، پیشین، ص ۱۷۹).

۳۷. اختلاف افکن، ملعون درگاه الهی

«قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ:

ثَلَاثَةٌ لَعَنَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى: رَجُلٌ رَغِبَ عَنِ وَالِدَيْهِ وَرَجُلٌ سَعَى بَيْنَ رَجُلٍ وَامْرَأَةٍ يَفَرِّقُ بَيْنَهُمَا ثُمَّ يَخْلُفُ عَلَيْهِمَا مِنْ بَعْدِهِ وَرَجُلٌ سَعَى بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْأَخَادِيثِ لِيَتَّبِعَ غَضُوبًا أَوْ يَتَخَاسَدُوا.

۱- نصيحة: نصح الشئى یعنی خلص و اصل النصح ای الخلوص؛ (لسان العرب، ج ۲، ص ۶۱۶).
 ۲- الفجرة: حلف فلان على فجرة و اشتمل على فجرة اذا ركب امرا قبيحا من يمين كاذب او زنا او كذب؛ (پیشین، ج ۵، ص ۴۷).
 ۳- غشش: الغش، نقيض النصح و هو مأخوذ من الغشش المشرب المكدر؛ (پیشین، ج ۶، ص ۳۲۳).

پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

خدا سه کس را لعنت کرده است: کسی که به پدر و مادرش بی‌اعتنایی بکند، کسی که میان مرد و زنی سعایت کند تا بین آنها جدایی و اختلاف بیندازد و سپس خودش با آن زن ازدواج کند، و کسی که میان مؤمنین سخن چینی کند تا آنان نسبت به یک‌دیگر دشمنی و حسد بورزند.» (متقی هندی، پیشین، ح ۴۳۹۳۰).

پدر و مادر، زن و شوهر و مؤمنین نوعی اتحاد و هم‌بستگی را برای جامعه مسلمین به وجود آورده و نقش اساسی در یک‌پارچی جامعه ایفا می‌کنند. در قرآن هم اطاعت از پدر و مادر در چند جا هم‌ردیف توحید الهی دانسته شده است. هم‌چنین زن و شوهر منبع وحدت و مجسمه رحمت و مودت دانسته شده‌اند و از برادری و یک‌پارچگی مؤمنان به عنوان رحمت الهی نام برده شده است.

۳۸. اصول و مبانی اتحاد اسلامی

«قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

وَالظَّاهِرُ أَنَّ دِينَنَا وَاحِدٌ وَنَبِيِّنَا وَاحِدٌ وَدَعْوَتُنَا فِي الْإِسْلَامِ وَاحِدَةٌ...»

امیرمؤمنان علی عليه السلام فرمود:

بدیهی است که پروردگار ما یکی است و پیغمبر ما یکی است و دعوت ما در اسلام یکی است.»

(نهج البلاغه، نامه ۵۸).

این جمله را امام علی عليه السلام در نامه‌ای برای مردم جهان اسلام بیان نموده و در آن از سرپیچی مردم شام شکایت کرده است که ما و آنها دارای یک دین و یک پیغمبر و یک رسالت و دعوت هستیم. پس از آن، در توضیح این جمله فرموده است: ما چیزی بیش از شامیان درباره ایمان به خدا و تصدیق رسولش نداریم، آنها نیز در این خصوص فزونی بر ما ندارند، ما و آنها در همه امور شریک و متحد هستیم.

رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) می‌فرماید: «اگر چه به نظر ما اختلاف شیعه و سنی، در حقیقت اختلاف نیست، زیرا اصول اصلی اسلامی که اگر کسی آنها را نداشت، مسلمان نیست، مشترک‌اند؛ یعنی هر دو مذهب، به قبله واحد، خدای واحد، پیامبر واحد، قرآن واحد و احکام و ارکان واحد اسلامی معتقدند.» (۱۳۶۸/۴/۴).

اقبال لاهوری در این مورد می‌گوید:

سود یکی است این ملت را هم نقصان یکی
پیامبر هم یکی است و نیز ایمان یکی
کعبه یکی، خدا یکی و قرآن هم یکی
چه کار بزرگی! گر بود مسلمان یکی
(اقبال لاهوری، کلیات اقبال، ص ۲۶۰).

۳۹. رهبر عامل وحدت

«قَالَتْ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ عَلَيْهَا السَّلَامُ:

.. وَ طَاعَتُنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتُنَا لِمَا لِلْفِرْقَةِ وَ الْجِهَادُ عِزُّ الْإِسْلَامِ.

فاطمه زهرا علیها السلام فرمود:

پیروی از ما «اهل بیت» نظام امت، و رهبری ما عامل وحدت، و جهاد مایه عزت و سربلندی
اسلام است.» (اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج ۲، ص ۱۰۹).

یکی دیگر از عوامل وحدت اسلامی رهبریت است. رهبر نقش اساسی در وحدت مسلمین ایفا
می‌کند، زیرا در نظام اسلامی محور و تکیه‌گاه مردم محسوب می‌شود و مردم در همه شئون زندگی
مادی و معنوی خویش به او پناه می‌برند و از رهنمودهایش در همه ابعاد زندگی استفاده می‌نمایند.

۴۰. شیوه‌های اتحاد اسلامی

«قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

صَدَقَةٌ يُجِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحَ بَيْنِ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارُبَ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا.

امام صادق علیه السلام فرمود:

صدقه‌ای که خداوند آن را دوست دارد، ایجاد وحدت هنگام پیدایش اختلاف و تباهی امت، و
نزدیک کردن آنها در هنگام جدایی است.» (کلینی، پیشین، جلد ۲، ص ۲۰۹).

اصلاح ذات البین یکی از شیوه‌های اتحاد اسلامی است که قرآن هم بر آن تأکید می‌کند:
«مؤمنان برادر یک‌دیگرند پس میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید.» در قرآن و کلام پیامبر صلی الله علیه و آله
اهمیت زیادی به سالم‌سازی روابط انسانی داده شده است.
بر اساس این شیوه اگر فضایل اخلاقی در تمام سطوح و لایه‌های درونی جامعه توسعه پیدا کند

فضایی آکنده از انسانیت و اخلاق اسلامی همه جا را فرا می‌گیرد و هم‌بستگی درونی و معنوی میان مردم ایجاد می‌شود، که بر اثر آن، آنان نه تنها با هم‌دیگر اختلاف نکرده و هر کس راه جداگانه‌ای را برای خود انتخاب نمی‌کند، بلکه همه به یک‌دیگر احترام گذاشته و پیشنهادهای و خواسته‌های هم‌دیگر را می‌پذیرند و یاری نمودن هم‌نوع خود را افتخار می‌دانند.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- نهج البلاغه.
- ۳- مفاتیح الجنان.
- ۴- نهج الفصاحه.
- ۵- ابن ابی عاصم، السنه، المكتب الاسلامی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
- ۶- ابن حنبل، ابو عبدالله احمد بن محمد، مسند احمد بن حنبل، دار صادر، بیروت.
- ۷- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ادب الحوزة، قم، ۱۴۰۵ ق.
- ۸- اربلی، علی بن حسین، كشف الغمة، مكتبة بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
- ۹- اربلی، علی بن حسین، كشف الغمة، مكتبة بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ ق.
- ۱۰- اقبال لاهوری، محمد، رموز بیخودی، كوه نور پریس، دهلی نو، ۱۹۹۷ م.
- ۱۱- اقبال لاهوری، محمد، کلیات اقبال، ندیم یونس پرینترز، لاهور پاکستان.
- ۱۲- امام خمینی، چهل حدیث.
- ۱۳- امام خمینی، صحیفه نور.
- ۱۴- امیر اردوش، محمدحسین، تأملی بر مسئله وحدت از دیرباز تا دیروز، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴ ش.
- ۱۵- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
- ۱۶- بقایی ماکان، محمد، سونیش دینار (دیدگاه‌های علامه اقبال)، فردوس، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- ۱۷- ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۵۷ ق.
- ۱۸- جاوید موسوی، سید حمید، اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۶ ش.

- ۱۹- حرانی، ابو محمد حسن بن علی، تحف العقول، مکتب بصیرتی، قم، ۱۳۹۴ق.
- ۲۰- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۹ق.
- ۲۱- حنظلی مروزی، اسحاق بن ابراهیم بن محمد، مسند ابن راهویه، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ق.
- ۲۲- رازی، ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتوح، شرکت به نشر، مشهد، ۱۳۸۱ ش.
- ۲۳- سبزیان، علی اکبر، منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی، انتشارات خادم الرضا، ۱۳۸۶ش، چاپ اول.
- ۲۴- سجستانی ازدی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲.
- ۲۵- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، جامع الاحادیث، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- ۲۶- شیخ مفید، امالی، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- ۲۷- صاحبی، محمدجواد، اندیشه اصلاحی در نهضت های اسلامی اخیر، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۴ش.
- ۲۸- صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرّسین، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۸ق.
- ۲۹- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار، مکتبه حیدریه، نجف، ۱۳۸۵ق.
- ۳۰- قرشی دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن محمد کثیر، تفسیر ابن کثیر، دار طیبه للنشر و التوزیع، الرياض، ۱۴۲۰ق.
- ۳۱- قزوینی، ابو عبدالله محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ق.
- ۳۲- قشیری، مسلم، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- ۳۳- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، طهران، ۱۳۶۵ش.
- ۳۴- مالک بن انس، الموطأ، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۴ق.
- ۳۵- متقی هندی، علاءالدین بن علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ق.
- ۳۶- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.
- ۳۷- مطهری، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۰ش.
- ۳۸- مطهری، مرتضی، احیای تفکر اسلامی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۰ش.

- ۳۹- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار.
- ۴۰- مطهری، مرتضی، یاداشتهای شهید مطهری، انتشارات صدرا، تهران.
- ۴۱- معالم الحکومه.
- ۴۲- میرآقوی، سید جلال، جهان اسلام مشکلات و راه کارها، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹ش.
- ۴۳- نرم افزار المكتبة الشاملة.
- ۴۴- نرم افزار جامع الاحديث.
- ۴۵- نسائی، ابو عبدالرحمن بن شعیب، سنن النسائی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۲۱ق.
- ۴۶- [www:leader.ir](http://www.leader.ir)



لا يمشى تقرب

آمایش سرزمین؛

برقرار کننده عدالت اجتماعی اسلامی در جهت تحکیم انسجام اسلامی

محمد سریرافراز و فاطمه فهیمی فر*

چکیده

همواره یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای اسلامی رسیدن به حد مطلوبی از توسعه یافتگی می‌باشد. مطالعه برخی کشورهای جهان سوم که در این مسیر موفق تر عمل نموده‌اند، گویای این مطلب است که توسعه ملی و رشد اقتصادی هنگامی میسر است که مردم آن کشور با اتحاد و یکپارچگی گام به سوی تعالی بردارند. همه ما به مانند اجزای یک سیستم هستیم و تنها زمانی این سیستم قادر به تحرک و پویایی است که همه با هم به شکل مطلوب در جایگاه مخصوص به خود قرار بگیریم، و منابع نیز متناسب با موقعیت افراد و مناطق، با کمک علم جغرافیای کاربردی توزیع شود و از هر جزء مجموعه کارایی خاص حاصل شود. تمام این موارد تنها به کمک ابزاری به نام «آمایش سرزمین» صورت می‌گیرد. آمایش سرزمین نوعی برنامه‌ریزی است که به سرزمین به عنوان رکن اساسی و تعیین کننده در تأمین اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توجه می‌کند. می‌توان گفت برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش سرزمینی می‌تواند اصل عدالت را که یکی از فرامین مهم اسلام است محقق نماید. از این رو با توجه به مطالب بیان شده در این مقاله، این نوع برنامه‌ریزی اگر در دیدی کلان مورد استفاده تمام کشورهای اسلامی قرار گیرد با توجه به نتایج حاصل از آن می‌توان به انسجام اسلامی دست یافت.

کلیدواژه‌ها: آمایش سرزمین، انسجام اسلامی، عدالت اجتماعی اسلامی.

* دانشجویان کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان.

مقدمه:

غایت اصلی تمام برنامه‌ریزی‌ها رسیدن به توسعه پایدار، تعادل منطقه‌ای، توزیع مناسب فعالیت‌ها و استفاده حداکثر از فعالیت‌های محیطی در فرایند توسعه مناطق می‌باشد.

چهار سطح برنامه‌ریزی را می‌توان از هم تفکیک نمود:

۱- خرد؛ ۲- کلان؛ ۳- توسعه؛ ۴- آمایش. آمایش راهنمای تدوین سایر سطوح برنامه‌ریزی است. پیامد فضایی آمایش متفاوت از پیامد فضایی سایر سطوح برنامه‌ریزی است. در واقع، پیامد فضایی آمایش تعامل بین انسان و فعالیت‌های انسان در فضا و چیدمان منطقی از استقرار جمعیت و فعالیت در پهنه سرزمین می‌باشد و نقش آن در سایر برنامه‌ریزی‌ها به صورتی است که تمام برنامه‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در سطوح مختلف جغرافیایی متأثر از آن می‌باشد. هدف نهایی برنامه‌ریزی توسعه فضایی و آمایش سرزمین، «برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی» است و در مقایسه با سایر سطوح برنامه (خرد، کلان، توسعه‌ای) دارای هدفی جامع‌تر و راهبردی‌تر است.

اهداف اصلی آمایش سرزمین، ارائه مسیرهای منطقی در بهره‌گیری از منابع طبیعی و انسانی، جلوگیری از اتلاف منابع طبیعی، ممانعت از به‌کارگیری غیر علمی این منابع، استفاده مناسب از منابع محیطی و توسعه مطلوب انسانی است، به گونه‌ای که بررسی جمعیتی، طبیعی، حمل و نقل، مکان‌یابی صنایع، خدمات‌رسانی روستاها، بررسی شکل پراکندگی پدیده‌های طبیعی و انسانی و علت‌های آن، چگونگی توزیع امکانات در تصمیم‌گیری‌ها و آینده‌نگری، بیشترین نقش را در برنامه‌ریزی اقتصادی کشور ایفا می‌نماید.

بنابراین، این نوع برنامه‌ریزی می‌تواند زمینه‌ساز اجرایی کردن آموزه‌های اسلامی بر پایه عدالت اجتماعی گردیده و وحدت ملی را در پی داشته باشد و با توجه به تمسک هر یک از کشورهای اسلامی به حبل‌الله، به انسجام اسلامی بینجامد.

اتحاد ملی؛ پیش زمینه انسجام اسلامی

با توجه به اهمیت برقراری عدالت اجتماعی در دین مبین اسلام و با نگرش و تأمل در حکومت اسلامی ناب در صدر اسلام و نیز اجرایی شدن حکومت عادلانه - هر چند کوتاه - حضرت علی (ع) می‌توان گفت: یکی از اصولی‌ترین آموزه‌های اسلام ناب محمدی، برقراری عدالت اجتماعی در میان

تمام افراد یک جامعه می‌باشد و با اجرایی شدن آن، زمینه برقراری اتحاد ملی و انسجام اسلامی در یک جامعه اسلامی ایجاد می‌گردد.

بنا به نظر مرحوم علامه جعفری وحدت به سه دسته تقسیم می‌شود: وحدت مطلق، وحدت مصلحتی عارضی و وحدت معقول، و وحدت معقول بهترین و اجرایی‌ترین نوع برقراری وحدت در میان جوامع مسلمانان است و آن را این‌گونه تعریف می‌نماید: «قرار دادن متن کلی دین اسلام برای اعتقاد همه جوامع مسلمان و بر کنار کردن عقاید شخصی نظری و فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات مربوط به هر یک از اجزای متن کلی دین که مربوط به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی است.»

بنابراین، به نظر نگارندگان این مقاله، برقراری عدالت اجتماعی با تمسک به برنامه‌ریزی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر پایه برنامه‌ریزی آمایش سرزمینی می‌تواند زمینه ساز ایجاد اتحاد ملی در کشورهای اسلامی گردد.

انسجام اسلامی از منظر آمایش سرزمین

در یک جامعه ممکن است اتحاد ملی به واسطه جغرافیا، زبان، تاریخ، آینده مشترک و... ایجاد گردد، اما همه اینها منجر به انسجام نمی‌گردد، زیرا انسجام به مفهوم هم‌دلی و هم‌رنگی در اهداف، ارزش‌ها و نگرش‌ها و به عبارتی دیگر، سازگار نمودن اهداف و عقاید می‌باشد، و هدف نهایی آن، یک‌پارچه نمودن جوامع با اهداف مشترک است.

در بررسی‌های صورت گرفته درباره موضوع انسجام می‌توان آن را از نظر تحلیلی به سه سطح تقسیم نمود:

۱. سطح خرد، که به بررسی پیرامون افراد و شهروندان می‌پردازد؛
 ۲. سطح میانی، که به بررسی در سطح خانواده، گروه و خرده فرهنگ‌ها می‌پردازد؛
 ۳. سطح عالی، که به بررسی در ساختارها و نهادها می‌پردازد.
- با توجه به مطالب بیان شده، برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش سرزمین سه سطح بالا را مورد توجه قرار می‌دهد.

از بعد بین‌المللی، کشورهایی که دارای روابط منسجمی هستند بهتر می‌توانند به اهداف مشترک خود دست یابند. در بحث انسجام، مهم‌ترین عامل، حفظ و نگه‌داری آن می‌باشد که با توجه به آیات

قرآنی مبنی بر این که عوامل انسجام در بین مسلمانان از منظر فاعلی همانا خداوند، و از منظر مادی، عقاید مشترک و بینش توحیدی، و از دید صوری، همکاری در نیکی‌ها و تقوا و برقراری عدالت می‌باشد، می‌توان با تمسک به کلمه توحید و توحید کلمه، با توجه به آموزه‌های قرآنی، در حفاظت از اتحاد و انسجام اسلامی کوشید.

از این رو می‌توان گفت با ایجاد وحدت معقول، بنا به گفته علامه جعفری و همچنین تأسی به آیات قرآن و ملاحظه جامعه اسلامی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلِيٌّ، کشورهای اسلامی باید در طراحی برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی خود برقراری عدالت اجتماعی را سرلوحه خود قرار دهند که این مهم بدون بررسی‌های فضایی که همانا برنامه‌ریزی مبتنی بر آمایش سرزمین می‌باشد، میسر نمی‌گردد.

اصول برنامه‌ریزی

اصول جدید برنامه‌ریزی بر چهار اصل زیر استوار است:

- ۱- ویژگی فضایی، که نیازمندی‌ها و ویژگی‌های مکان‌ها در آن مد نظر قرار می‌گیرد؛
 - ۲- ویژگی‌های پایداری، که در آن بحث پایداری در مقیاس کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت مورد توجه قرار می‌گیرد؛
 - ۳- ویژگی یک‌پارچگی، که لزوم هماهنگی اهداف و اقدامات را مورد توجه قرار می‌دهد.
 - ۴- ویژگی جامعیت، که لزوم توجه به تمام بخش‌ها در یک نگرش سیستمی و جامع را بیان می‌کند.
- در این چارچوب، بعد فضا دارای اهمیت فراوان است و اصول برنامه‌ریزی فضایی در برگیرنده اصول پایداری، یک‌پارچگی و جامعیت است. در این میان، رسالت برنامه آمایش سرزمین، رسیدن به عدالت اجتماعی از طریق دسترسی عادلانه و توزیع فضایی دستاوردهای توسعه، کارایی ناشی از برقراری و تقویت پیوندها و ایجاد یک‌پارچگی فضایی، تعادل اکولوژیکی و ارتقای کیفیت زندگی و حفظ و اعتلای هویت منطقه‌ای است.

آمایش سرزمین

آمایش سرزمین را مدیریت فضا می‌نامند؛ مدیریتی که تلاش می‌کند در سطوح مختلف بین منافع و عملکرد فردی و اجتماعی، نوعی تعادل و هماهنگی ایجاد کند و همچنین می‌کوشد تا تضاد بین

منافع افراد جامعه را با منافع عمومی جامعه از بین برده، آن را در جهت منافع عمومی جامعه اسلامی هدایت کند. به لحاظ مفهومی آمایش سرزمین ایجاد کننده تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت تعریف شده است که تلفیقی از سه عنصر علم اقتصاد، جغرافیا و جامعه‌شناسی می‌باشد؛ در نتیجه، بایستی نقش یک نظام بین رشته‌ای را بازی نماید و با تکیه بر نگرش سیستمی و با در نظر گرفتن مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرایند آمایش، در حل بخشی از مشکلات جامعه بشری گام بردارد. از جمله مؤلفه‌های تأثیرگذار بر فرایند آمایش سرزمین، صفات فرهنگی و اقتصادی جامعه، فضای روی زمین، هوا، موجودات زنده، توان اکولوژیکی منطقه (آب و زمین) و رابطه انسان و محیط می‌باشد. (مؤمنی، ۱۳۸۲، ص ۲۸-۲۲).

آمایش سرزمین ابزاری مبتنی بر اکوسیستم است که می‌تواند محیط، جامعه و اقتصاد را طوری هدایت کند که پایداری منابع به هر طریق ممکن تضمین گردد، و با این توان‌مندی، قصد دارد معیارهای محیطی، اجتماعی و اقتصادی را با هم درآمیزد و به این ترتیب از میزان تقابل آنها بکاهد، اهداف کاربری‌ها را برآورده سازد، نارسایی‌ها و کمبودها را رفع و اولویت‌ها را در سطوح محلی، ملی و جهانی تعیین کند.

در بحث آمایش سرزمین، ویژگی‌ها و قابلیت‌های یک منطقه از چند بعد قابل بررسی است:
(۱) توان اکولوژیکی محدوده مورد مطالعه: از نظر محیطی محدوده فوق دارای چه توان‌مندی ویژه‌ای است که در برنامه‌ریزی‌های افق می‌توان با تکیه بر آن، توسعه کشور را تسریع بخشید.

(۲) موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه: یک منطقه از نظر جغرافیایی چه مزیتی دارد و چگونه می‌توان از آن بهترین استفاده را برد.

(۳) قابلیت‌های اقتصادی و اجتماعی: چه نوع فعالیت‌هایی در کدام مکان‌ها دارای قابلیت توسعه و استقرار می‌باشد. (زالی، ۱۳۸۵، ص ۳۰).

آمایش سرزمین به معنای تنظیم رابطه انسان و فعالیت‌های انسان در فضا، رویکردی کل‌نگر، جامع‌نگر و بلندمدت در برنامه‌ریزی محسوب می‌شود؛ بنابراین، آمایش سرزمین وظیفه تنظیم و هماهنگ‌سازی راهبردها و جهت‌گیری‌های کلی بخش‌ها و مناطق کشور را به عهده داشته و تدوین سیاست‌اجرایی و برنامه‌های عملیاتی توسعه بر مبنای این راهبردها به عهده بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی است. (مختاری، ۱۳۸۵، ص ۵-۱۰).

به عبارتی، در نگاه آمایش مهندسی، ترتیبات بهره‌وری بهینه از ظرفیت‌های اجتماعی و طبیعی مد نظر می‌باشد.

شیوه‌های متفاوتی در جهان به منظور آمایش سرزمین وجود دارد، از جمله: تحلیل سیستم‌های دینامیکی (Dynamic system analysis)، تحلیل اثرگذاری (Impact analysis)، تحلیل عملیات (Scenario analysis)، تحلیل سیستم اطلاعات جغرافیایی (Geographic information system analysis) و تحلیل ارزیابی چند معیاری (Multi-criteria evaluation analysis). با توجه به این که نقشه‌ها ابزار کار آمایشگر محسوب می‌گردد، روش تحلیل سیستم اطلاعات جغرافیایی به دلیل کارایی آن در ایجاد بانک‌های اطلاعاتی، در ایران مورد توجه محققین و برنامه‌ریزان قرار گرفته است. (رحیمی، ۱۳۸۴، ص ۲۶). هم‌چنین، سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) افزون بر این که ابزاری برای برنامه‌ریزی می‌باشد، می‌تواند نیاز انواع دیگر برنامه‌ریزی‌های را نیز برطرف نماید. (نظری، ۱۳۷۸، ص ۷).

اهداف کلی آمایش سرزمین

هدف آمایش سرزمین ایجاد زمینه به منظور استفاده بهینه، محسوس، عملی، سالم و مؤثر از هر بخش از زمین است، و به طور جامع می‌توان موارد زیر را به عنوان اهداف کلی آن بیان نمود:

۱. گسترش، تناسب‌سازی و تجهیز فضاهای زیست و فعالیت با توجه به جمعیت رو به رشد کشور، با اهتمام به استعدادها و محدودیت‌های سرزمینی؛
۲. متعادل‌سازی فضاهای زیست و فعالیت، به طوری که از تمرکز زدایی در منطقه‌ای از کشور جلوگیری شده و به کاهش اختلاف بین درجه توسعه یافتگی مناطق مختلف کشور بینجامد؛
۳. برقراری ارتباط بین مراکز زیست و فعالیت در کشور، به صورتی که این مراکز به طور هماهنگ با هم عمل نموده و موجبات حداکثر بهره‌وری بهینه از قابلیت‌های سرزمینی را فراهم نمایند؛
۴. حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی به منظور بهره‌برداری بهینه از منابع در طول زمان به گونه‌ای که اگر منبع مورد نظر پایان پذیر باشد، حداکثر منافع اجتماعی تأمین گردد و اگر منبع مورد

نظر پایان‌ناپذیر باشد حد برداشت مجاز رعایت گردد، تا توازن طبیعی در بهره برداری از این منابع به وجود آید. (ضوابط ملی آمایش سرزمین).

با توجه به موارد بالا می‌توان مطابق ماده ۱ ضوابط ملی آمایش سرزمین، به طور کلی گفت: آمایش سرزمین به دنبال تحقق موارد زیر است: وحدت و یک‌پارچگی سرزمین؛ گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای؛ تقویت توسعه متوازن اجتماعی و اقتصادی مناطق؛ افزایش کیفیت زندگی؛ حفاظت محیط زیست، و کاربری هدف‌مند فضایی.

اهداف اصلی برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و اسلامی:

۱- رشد اقتصادی؛

۲- استقلال اقتصادی؛

۳- عدالت اجتماعی اسلامی.

با توجه به موضوع مورد بحث، در این قسمت به بررسی عدالت اجتماعی اسلامی می‌پردازیم. عدالت اجتماعی اسلامی، به معنای برخورداری عادلانه افراد از مواهب، امکانات، فرصت‌ها و دست‌آوردهای اجتماعی است، به طوری که علاوه بر تأمین سطح قابل قبول رفاه برای افراد جامعه، هر کس با توجه به استعداد و مشارکت خود سهم مناسب در تولید و کسب درآمد بیابد.

می‌توان گفت توسعه اقتصادی به مثابه ابزاری است که به ایجاد «عدالت اجتماعی اسلامی» می‌انجامد و این دو باعث هم‌افزایی یک‌دیگر می‌گردند.

عدالت اجتماعی اسلامی؛ پل ارتباطی آمایش سرزمین و انسجام اسلامی

همان‌طور که بیان شد، برقراری عدالت اجتماعی اسلامی به عنوان یکی از دستاوردهای آمایش سرزمین مطرح می‌شود. مرحوم علامه طباطبایی معنای اصلی عدالت را اقامه مساوات میان امور می‌داند. آمارتیا سن معتقد است عدالت را در قابلیت باید دنبال کرد؛ یعنی اگر کاری کنیم که مردم قابلیت‌های خود را بروز دهند، به عدالت نزدیک شده‌ایم.

در بیانی ساده‌تر می‌توان عدالت را چنین تعریف کرد:

«بهره‌مندی تمامی افراد جامعه از فرصت‌های یکسان برای برخورداری از منابع».

عدالت اجتماعی اسلامی همواره به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی مطرح بوده و کشورهای جهان، به خصوص کشورهای در حال توسعه همواره در پی برقراری عدالت اجتماعی اسلامی در جامعه بوده و دولت‌ها نیز از دیرباز برقراری آن را نوید می‌دادند. عدالت اجتماعی در اندیشه مدرن، همه افراد انسانی را برابر فرض می‌کند و در پی برابر کردن فرصت‌ها و درآمدها و ثروت‌ها می‌باشد. با توجه به تعریف ساده و جامعی که برای برقراری عدالت و عدالت اجتماعی اسلامی بیان گردید می‌توان گفت اگر آمایش سرزمین به شکل مطلوب و متناسب با اقتصاد هر کشوری طراحی و اجرایی شود، بهترین زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی اسلامی خواهد بود، زیرا با توجه به مطالب بیان شده، امکان دسترسی یکسان همه افراد جامعه را برای برخورداری از منابع فراهم می‌کند.

در همین راستا برقراری عدالت اجتماعی اسلامی نیز زمینه‌ساز توسعه اجتماعی خواهد بود و هنگامی که کشور از طریق عدالت به حد مطلوبی از توسعه برسد آن‌گاه اتحاد ملی در بین تمام اقوام کشور حکم‌فرما خواهد شد. این یک رابطه ساده بوده و به آسانی قابل درک است. وقتی کشوری از این مسیر به توسعه یافتگی دست یافت و اتحاد و انسجام بین افراد مختلف مردم آن جامعه برقرار گردید آن‌گاه برقراری این اتحاد، خود زمینه‌ساز توسعه اقتصادی خواهد شد.

کشورهای بسیاری از طریق اتحاد ملی به توسعه اقتصادی رسیده‌اند و یا گام‌های قابل توجهی در عرصه جهانی برداشته‌اند که از آن جمله می‌توان به کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا اشاره نمود؛ کشورهایی مانند: اندونزی، مالزی، چین، ژاپن و... که با یک‌پارچگی خود توانسته‌اند قله‌های ترقی را یکی پس از دیگری طی نمایند. همان‌طور که اشاره شد، در ابتدا باید یک جرقه زده شود تا این اتحاد فراهم آید و یکی از راه‌های ایجاد آن، تحقق آمایش سرزمین می‌باشد.

سپس این حرکت به مانند حرکت یک بهمن خواهد بود که در سرایشی تند کوه قرار گرفته است که ما آن را در علم اقتصاد «چرخه تار عنکبوتی» می‌نامیم؛ به این صورت که ابتدا عدالت اجتماعی اسلامی زمینه‌ساز برقراری اتحاد ملی می‌گردد و در مرحله بعد همین اتحاد ملی به وجود آمده، زمینه‌ساز برقراری عدالت می‌باشد و دوباره همین سیکل ادامه دارد (به صورت دایره متحدالمرکزی که در حال باز شدن هستند).

در قسمت بعدی به چگونگی تأثیرگذاری برقراری عدالت اجتماعی اسلامی بر تحکیم نهادهای اجتماعی می‌پردازیم که بهترین حالت آن، به اتحاد تمام نهادها و در نهایت اتحاد ملی منجر خواهد شد.

زمینه‌های تحقق عدالت اجتماعی اسلامی

عدالت اجتماعی اسلامی در روابط میان حکومت و مردم، رسوم و قراردادهای اجتماعی، قانون‌ها و برنامه‌ها و همچنین در برخورد افراد با یکدیگر تبلور می‌یابد. عدالت آن است که در شرایط همسان، رفتار، یکسان بوده و در شرایط متفاوت، به تناسب توانایی‌ها، استحقاق و نیازهای افراد می‌باشد. روشن است که ما با دو گونه رفتار روبه‌رو هستیم: یکی رفتار حکومت و برنامه‌ریزان آن با شهروندان و دیگری رفتار شهروندان با یکدیگر. هر یک از اینها نقشی اساسی در تحقق یا عدم تحقق عدالت اجتماعی ایفا می‌کند و تا هنگامی که ذهنیت، اعتقاد و عمل آنها هماهنگ با هدف یاد شده نباشد، به عینیت درآمدن آرمان عدالت ناممکن خواهد بود. (پاپلی یزدی، ۱۳۷۳، صص ۵۱-۵۷).

از میان رفتن رفتارهای ناعادلانه، چه از سوی حکومت و چه از طرف مردم، به تغییر نگرش حاکمان، برنامه‌ریزان، مدیران اقتصادی و تک تک افراد جامعه بستگی دارد. این شرایط، زمانی محقق می‌شود که افراد جامعه به دور از تعصبات و تبعیض‌ها و براساس معتقدات دینی یا دست کم براساس ملاحظات انسانی و عقلایی، روابط اقتصادی جامعه را براساس عدالت شکل دهند. آنچه دستگاه رهبری و هدایت جامعه برای انجام این امر به آن نیاز دارد، زدودن فساد از دستگاه اداری و داشتن توان مدیریت و برنامه‌ریزی در فعالیت‌های اقتصادی است.

در صورت وجود این شرایط، حکومت باید امکانات تولید و فعالیت اقتصادی را در اختیار عموم قرار دهد و با برقرار کردن سیاست‌های پولی و مالیاتی صحیح، به هدایت و راه‌بری این فعالیت‌ها بپردازد. همچنین با ایجاد برخی سیستم‌ها، به کنترل و تصحیح روش‌ها و شناسایی، تغییر و جای‌گزینی افراد همت‌گمارد.

امکانات تولید و فعالیت اقتصادی در سرمایه، پول و اعتبار، کالاهای سرمایه‌ای و زمین منحصر نمی‌شود، بلکه آموزش عمومی علوم و فنون و ایجاد امکان بهره‌گیری عمومی از تکنولوژی، امنیت قضایی و تجاری، ایجاد بازارهای مناسب برای فروش تولیدات، ایجاد و کنترل روندهای مطمئن

برای تولید و توزیع و در پایان، تنظیم قواعد و قوانین مناسب برای زدودن تبعیض و بی‌عدالتی در تولید و تجارت و توزیع را در برمی‌گیرد.

اما اگر آن چه گفته شود، تحقق پذیرد، هنوز از عدالت اجتماعی فاصله‌ای بسیار داریم، زیرا توجهی به تفاوت توانایی افراد برای شرکت در فعالیت‌های اقتصادی نداشته‌ایم. بخش وسیعی از جامعه به سبب ضعف استعدادها، طبیعی، شرایط تحمیل شده اجتماعی، عارضه‌ها و حوادث و یا قرار نداشتن در سن فعالیت اقتصادی، از فعالیت اقتصادی سالم ناتوان‌اند و برنامه‌ریزی برای تحقق عدالت اجتماعی بدون توجه به این اقشار راه به جایی نمی‌برد. بررسی وضعیت اقشاری که توانایی کافی برای شرکت در فعالیت اقتصادی ندارند، می‌تواند به روشن‌تر شدن مباحث بعدی کمک کند.

۱. انسان‌ها صفات و ویژگی‌های روحی، فکری و بدنی متفاوتی دارند. هم‌چنین، در ذوق و سلیقه، حافظه، هوش و سرعت انتقال، توان ابداع و ابتکار، قدرت اراده و تصمیم‌گیری، نیروی عضلات و مقاومت بدن و سلامت و معلولیت متفاوت‌اند. طبق بررسی‌های برخی روانشناسان، ۶۸٪ جمعیت، دارای استعداد متوسط، ۱۶٪ دارای استعداد زیر متوسط و ۱۶٪ دارای استعدادی بالاتر از متوسط می‌باشند. روشن است که این تفاوت‌های طبیعی، حتی در شرایط مساوی تولید و فعالیت اقتصادی، تفاوت درآمد را در پی خواهد داشت و حتی در شرایط کاملاً برابر می‌تواند به فقر یکی و غنای دیگری منجر شود.

۲. تفاوت دیگر، در شرایط اجتماعی تحمیل شده بر برخی از افراد است، که به تفاوت درآمد و تفاوت سطح زندگی می‌انجامد. نمونه‌های روشن این گروه، افراد با خانواده پرجمعیت و بردگان هستند که غالباً حتی در شرایط مساوی فعالیت، نمی‌توانند سطح زندگی خود را به سطح مناسبی برسانند.

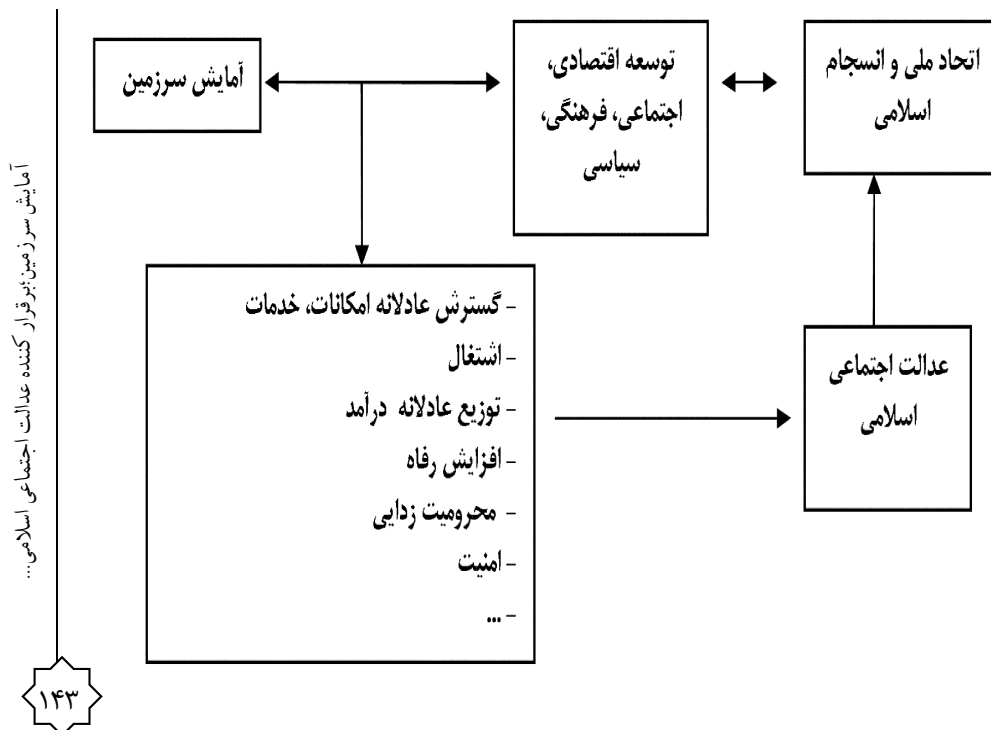
۳. حوادث اجتماعی و بلایای طبیعی نیز می‌تواند در شکل‌های مختلف به ناتوانی گروه‌هایی از مردم در فراهم کردن معیشت خود بینجامد. قحطی، بیماری، آوارگی و در راه ماندن، زلزله، افلاس و ورشکستگی، جنگ و اسارت، از مصادیق آشنای این حوادث و مصایب است.

۴. دست آخر باید از ایتمام، بازنشستگان فقیر و سالخورده‌گان مسکین نام برد که به‌خاطر نداشتن توان‌مندی فعالیت اقتصادی، توان کافی برای شرکت در فعالیت اقتصادی را ندارند.

حال اگر بخواهیم عدالت اجتماعی اسلامی در جامعه تحقق یابد، باید روابط چهارگانه‌ای که از آن سخن گفته شد، با توجه به تفاوت‌های ذاتی، شکل مناسبی به خود گیرد. برای تنظیم و تعدیل هر یک از این روابط، باید ابزارهای مناسبی آماده کرد؛ ابزارهایی که با کمک آنها بتوان به زنده کردن جامعه، آبادی شهرها، احیای زمین، حمایت مردم از حکومت و پیروزی بر همه دشمنان اسلام رسید و فقر را در جامعه اسلامی ریشه کن کرد. یکی از این ابزارها، همان‌گونه که بیان شد، ابزار آمایش سرزمین است.

ارائه یک مدل بر مبنای عدالت اجتماعی اسلامی

با توجه به مبانی نظری و کاربردی ذکر شده، مدل شماتیکی به شرح زیر به دست می‌آید که بیان‌گر ارتباط دوسویه میان آمایش سرزمین و توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و فرهنگی است و در صورت حصول تمام جوانب، رسیدن به اتحاد ملی و انسجام اسلامی امکان‌پذیر می‌گردد. الگوی مطرح شده، بیان‌گر این مهم است که با استفاده از مدل برنامه‌ریزی آمایش سرزمینی و نتایج به دست آمده از آن می‌توان به عدالت اجتماعی اسلامی دست یافت و موجبات تحقق اتحاد ملی و انسجام اسلامی را فراهم نمود.



نتیجه گیری

کشورهای در حال توسعه‌ای مانند کشور ما همواره در تکاپو هستند که پله‌های ترقی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را با سرعت هر چه تمام‌تر طی کنند. بی‌شک این مهم محقق نخواهد شد مگر آن‌که کشوری در یک مجموعه واحد به مانند یک سیستم منسجم که هر جزء آن وظیفه خاص خود را داشته و همه مکمل یک‌دیگر هستند، فعالیت نماید. ما این دیدگاه سیستماتیک را «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامیدیم. حال سؤال این است که برای دستیابی به اتحاد ملی و انسجام اسلامی چه باید کرد و چه راه‌کارهایی وجود دارد. طبق مطالب بیان شده، یکی از وجوه تحقق آن برقراری عدالت اجتماعی اسلامی می‌باشد. وقتی فرد بداند در بهره‌برداری از منابع کشورش با سایر هم‌میهنان خود در موقعیت یکسانی قرار دارد، به طور قطع همین اعتماد و هم‌سویی می‌تواند از درون و به صورت خودجوش زمینه‌ساز اتحاد ملی گردد.

تحقق عدالت اجتماعی امری بس دشوار است و ابزارهای اجرایی شدن این آرمان پیچیده می‌باشد، اما در چند دهه اخیر ابزاری با کارایی و قابلیت‌های علمی بالاتر که اجرایی‌کردن آن نیز نسبت به سایر موارد راحت‌تر می‌باشد، به نام «آمایش سرزمین» مطرح شده است. آمایش سرزمین نوعی برنامه‌ریزی است که به سرزمین به عنوان رکن اساسی و تعیین کننده در تأمین اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توجه می‌کند.

با توجه به مطالب بیان شده و این که امسال که با درایت مقام معظم رهبری سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامیده شده، از این طریق می‌توان به حد مطلوبی از عدالت اجتماعی، توسعه یافتگی و در نهایت، اتحاد ملی رسید و هنگامی که اتحاد ملی شکل گرفت به صورت خودکار زمینه‌ساز توسعه و... خواهد شد که این حرکت یک دور تسلسل تکاثر خواهد بود.

ارائه راه کارهای پیشنهادی

پیشنهاد نگارندگان مقاله این است که در راستای به کارگیری علم جغرافیای کاربردی در جهت شناسایی امکانات و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی در سطح جهانی، ملی و منطقه‌ای به صورتی به سامان‌دهی فضا بپردازیم که اولویت اول آن همانا محرومیت زدایی و رفع استثمار، استعمار و استضعاف انسان و محیط باشد که نتیجه این امر، صلح و امنیت و آرامش و آسایش در تمام کشورهای اسلامی است.

هم چنین پیشنهاد می‌شود اکنون که در آغاز طراحی برنامه پنجم توسعه ایران قرار داریم، همان‌گونه که پیش بینی شده، روح حاکم بر این برنامه مبتنی بر آمایش سرزمین باشد و نیز با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر طراحی مدل برنامه توسعه اسلامی - ایرانی، از برنامه ریزی مبتنی بر آمایش سرزمین با توجه به نتیجه آن که همانا عدالت اجتماعی اسلامی می‌باشد، برای طراحی مدل مطرح شده توسط مقام معظم رهبری استفاده گردد و با اشاعه ویژگی مطلوب این نوع از برنامه‌ریزی، در دیگر کشورهای اسلامی زمینه تحقق جامعه اسلامی که بر مبنای آموزه‌های اسلامی تحقق یافته فراهم آید و در دید کلان، به وسیله اتحادیه کشورهای اسلامی به آرمان‌ها و اعتقادات یکسان دین اسلام با توجه به تمام فرقه‌های اسلامی دست یافت که این مهم، عامل به وجود آورنده انسجام اسلامی در بین کشورهای عضو می‌گردد.

با توجه به مطالب بیان شده، می‌توان گفت کشورهای اسلامی به طور اعم و کشورهای اسلامی حوزه خاورمیانه به طور اخص، باید در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای خود از این شیوه استفاده نموده و آن را اجرایی نمایند، زیرا با توسل به این نوع برنامه‌ریزی می‌توان به برقراری عدالت اجتماعی مد نظر اسلام در هر کشور اسلامی دست یافت و نیز در سطح کلان‌تر، می‌توان نقاط ضعف و قوت کشورهای اسلامی را بررسی نمود و به برنامه‌ریزی جامعی دست یافت.

در این راستا پیشنهاد نگارندگان این است که با توجه به قابلیت‌های ابزار آمایش سرزمین می‌توان به نوعی دیگر از عدالت دست یافت؛ به این ترتیب که نهادی مانند اتحادیه اروپا (به عنوان مثال، اتحادیه کشورهای اسلامی) تشکیل شود و در مرحله بعد با توجه به نتایج آمایش سرزمین که یکی از آنها شناسایی مزیت‌های هر منطقه می‌باشد، هر کشور اسلامی با لحاظ نمودن «مزیت‌های نسبی» خود به تولید کالاها و خدمات مزیت‌دار و صدور آن به کشورهای اسلامی بپردازند که این امر، خود زمینه‌ساز عدالت اجتماعی اسلامی و در نهایت، اشاعه دهنده انسجام اسلامی در بین ملت‌های اسلامی می‌باشد.

منابع و مآخذ

- ۱- پاپلی یزدی، محمد حسین، «عدالت اجتماعی و توسعه: کاربرد فلسفه و ایدئولوژی در آمایش سرزمین»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال نوزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۳.
- ۲- جهانی، علی و مسگری، سوسن، GIS به زبان ساده، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران، ۱۳۸۳.

- ۳- رحیمی، سرور، جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۴.
- ۴- زالی، نادر، «جایگاه آمایش سرزمین در نظام برنامه‌ریزی کشور»، تعامل، شماره ۴، ۱۳۸۵.
- ۵- ضوابط ملی آمایش سرزمین، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مصوبه هیئت وزیران، به شماره ۴۱۲۷۹/ت/۳۱۶۱۱ هـ بتاریخ ۱۳۸۳/۹/۴.
- ۶- مبانی نظری عدالت اجتماعی، مدیریت بهره‌وری بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، پاییز ۱۳۷۵.
- ۷- مجموعه مقالات کاربردهای سیستم اطلاعات جغرافیایی، انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری با همکاری انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۴.
- ۸- مختاری، دود، «مقدمه‌ای بر آمایش سرزمین»، تعامل، شماره ۴، ۱۳۸۵.
- ۹- مصاحبه با جناب آقای قاسم مدنی مدیر اطلاعات اداره آمایش سرزمین معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
- ۱۰- مؤمنی، مصطفی، «اشاره‌ای به خصلت میان‌دانشی آمایش سرزمین و جایگاه آن در جغرافیا»، آموزش جغرافیا، شماره ۶۴، ۱۳۸۲.
- ۱۱- نظری، فرض‌الله، لزوم آمایش سرزمین و به‌کارگیری GIS در ایران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه استان اردبیل.



مأخذ
البيانات
الاسلامية

لا يمشى تقرب

مأخذشناسی انسجام اسلامی

سلیمان حبیبی

اتحاد اسلامی در آثار شهید آیت الله مطهری

سید حمید جاوید موسوی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۶،
۱۶۰ صفحه، رقعی.

اتحاد، رمز عزت و عظمت مسلمانان در درازای زمان و پهنای زمین
بوده است. ملت شریف و آگاه ما نیز این واقعیت تردیدناپذیر را در لحظه
لحظه حیات طیبه خویش به تماشا نشسته و این باور راستین را با ذره ذره

وجود خود احساس کرده است که با پای افزار وحدت و همبستگی می‌توان قلله‌های افتخار و پیروزی
را فتح نمود و مرزهای شرف و غیرت و مردانگی را در نوردید. نویسنده در سالی که به یمن
هوشمندی رهبر فرزانه انقلاب به عنوان «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» زینت یافته است، بر آن
شده تا با غور و بررسی در آثار استاد شهید آیت الله مطهری، اعجاز آفرینی اتحاد و انسجام را به
نظاره نشیند و به نشانه‌ها و آموزه‌های مرتبط با اتحاد اسلامی از دیدگاه شهید مطهری پرداخته و آن
را در آثار وی جست‌وجو نماید. کتاب از یک مقدمه و دیباچه و هشت فصل تشکیل شده که عناوین
آن به این قرار است:

وحدت کلمه در کلام قدسی رسول اکرم ﷺ و عقد اخوت؛ سیره علی علیه السلام در زمینه وحدت؛
علی علیه السلام و اتحاد اسلامی؛ سکوت برای وحدت؛ علی علیه السلام فدایی وحدت؛ قرآن و وحدت؛ وحدت در
احادیث؛ پیشگامان وحدت اسلامی؛ سید جمال و اتحاد اسلامی؛ عبده و وحدت دنیای اسلام؛ اقبال و
احیای همبستگی اسلامی؛ آیت الله بروجردی و وحدت اسلامی؛ وحدت جبهه، راهگشای وحدت؛
علامه امینی و نقش الغدیر در وحدت اسلامی؛ اسلام فرامرزی و وحدت اسلامی (داعیه جهانی
اسلامی؛ نهضت بشری و اتحاد اسلامی؛ اتحاد روح ایرانی با اسلام؛ اسلام، محور وحدت)؛ حج،
همایش اتحاد (حج کنگره عمومی اسلامی؛ پیامبر و حج وحدت بخش؛ حج در کلام علی علیه السلام؛ امام

صادق عليه السلام و حج؛ توحید هدف، وحدت راه؛ حج و وحدت اجتماعی؛ حج، وحدت در عمل و فکر و ذکر و لباس؛ حج، رمز وحدت؛ حج و اتحاد دل‌ها؛ حج و وحدت؛ تقویت پیوند مسلمانان؛ جلوه‌های اتحاد در آیین اجتماع؛ غوغای تفرق، اغوای شیطان؛ پیریشان با باد در کوچه‌های اتحاد (ملاک‌ها و معیارهای وحدت اسلامی؛ اهتمام اسلام به وحدت؛ وحدت، ضروری‌ترین نیاز عصر؛ وحدت و ترویج زبان‌های اسلامی؛ محورهای وحدت اسلامی؛ لوازم ایجاد وحدت؛ شناخت متقابل مذاهب اسلامی؛ اتحاد، زمینه ساز قدرت)؛ بزم اتحاد در ضیافت کلمات (اتحاد ضروری‌ترین نیاز؛ تشکل مسلمین در یک صف؛ اتحاد بر اساس ایمان؛ اسلام و ملت‌ها و اقوام؛ رابطه کار و اتحاد؛ جهاد اختلاف و جهاد اشتراک؛ اتحاد مسلمانان، هدف بزرگ اسلام؛ اولین وظیفه آمران و ناهیان؛ علی عليه السلام مظهر گذشت برای وحدت؛ وحدت و اخوت؛ حربه مخالفین اتحاد اسلامی و ملت واحد مسلمانان).

اتحاد ملی و انسجام اسلامی از منظر نهج البلاغه و رهبران اسلامی

محسن دهقانی، قم، انتشارات گلستان ادب، چاپ اول، ۱۳۷۶، ۲۵۶ صفحه، رقی.

هم‌بستگی ملی، انسجام اسلامی، وفاق اسلامی و وحدت از مفاهیمی است که در آموزه‌های اسلامی به عنوان یک ضرورت برای تشکیل جامعه آرمانی بر آن تأکید شده است. نویسنده در این کتاب طی سه فصل ضمن تعریف وحدت، از عوامل ایجاد وحدت و موانع آن از دیدگاه حضرت علی عليه السلام و شخصیت‌های معاصر سخن گفته و مراحل و راه کارهای رسیدن به این آرمان اسلامی را با اشاره به آسیب‌ها و آفات جوامع اسلامی تحت عناوین ذیل بیان نموده است:

فصل اول: اتحاد و انسجام (تعریف اتحاد؛ تحقق اتحاد ملی؛ تعریف انسجام اسلامی؛ اقسام وحدت (تقسیم وحدت نسبت به امت اسلامی؛ تقسیم وحدت بر اساس متعلقات اسلامی)؛ عامل اساسی در تحقق وحدت اسلامی؛ حاکمیت اسلام؛ عوامل تقویت کننده انسجام اسلامی (رفع اختلاف؛ خردورزی؛ دشمن شناسی؛ فتنه شناسی (راه سالم ماندن از فتنه)؛ قرآن محوری؛ ایمان‌گرایی؛ حق‌طلبی؛ اطاعت از رهبری؛ نبوت‌گرایی؛ دین باوری و دین‌گرایی؛ احترام به آداب و سنن منطبق با ملت اسلامی؛ استفاده از دانشمندان و حکیمان در عرصه کشورداری؛ تفکر در

امت‌های گذشته توسط مسئولان و مردمان هر جامعه؛ عوامل تضعیف کننده وحدت اسلامی (تحریف اسلام و تفسیر دروغین از دین؛ دوری از اخلاق و صفات عالی انسان؛ شکستن قوانین الهی؛ جدایی حرف و عمل)؛ سیر مراحل هفت‌گانه برای دستیابی به محورهای اصلی وحدت؛ نقش مسئولین حکومتی در وحدت اسلامی؛ راه کار وحدت در نظام حکومتی ایران؛ جواب شبهه اتحاد از طریق دین؛ سه پیشنهاد.

فصل دوم: نامه‌های اتحاد (پیام امام خمینی علیه السلام خطاب به مسلمین جهان و...): نامه سید جمال الدین اسدآبادی، در خصوص درخواست از سلطان عثمانی جهت اقدامات عملی برای اتحاد اسلام؛ نامه ابوالحسن میرزا قاجار (شیخ رئیس) در دعوت مسلمانان به اتحاد اسلام؛ نامه شیخ عبدالرحیم اصفهانی درباره علت‌های انحطاط مسلمین، و...).

فصل سوم: موضوع اندیشمندان و رهبران اسلامی در جریان وحدت اسلامی (اندیشه اتحاد سید جمال الدین اسدآبادی، عبدالکریم شیرازی، محمدغزالی، دکتر مصطفی شکعه، استاد بهنساوی، استاد سمیع عاطف الزین، استاد شهید مرتضی مطهری، هم‌چنین اندیشه‌های نورانی آیت الله خامنه‌ای (رفع اختلاف‌ها به عنوان اولین جهت‌گیری در مسئله وحدت؛ حاکمیت اسلام به عنوان دومین جهت‌گیری در مسئله وحدت؛ دروس‌های جامعه و حکومت؛ شرط موفقیت و عدم موفقیت حرکت وحدت؛ نقشه استکبار، ایجاد اختلاف بین مسلمانان؛ توجه به وحدت جهانی اسلام و...)، دیدگاه‌های حضرت امام خمینی علیه السلام (محور نخست: شیعه و سنی در مسیر وحدت‌طلبی؛ محور دوم: تفرقه و اختلاف؛ محور سوم: هم‌بستگی دولت‌های اسلامی؛ محور چهارم: حفظ اسلام و قرآن و سیره پیامبر؛ محور پنجم: لزوم دعوت به وحدت) و علامه محمدتقی جعفری (مبانی وحدت اسلامی).

اتحاد ملی و انسجام اسلامی: پیام‌ها، راه‌ها و موانع

میرزایی، علی اکبر، قم انتشارات صالحان، چاپ اول، سال ۱۳۸۶، ۹۶ صفحه، رقعی.

این مجموعه، به طرح مباحثی پیرامون «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» از زوایای مختلف و با استفاده از آیات و روایات، ذیل این موضوعات پرداخته است: تعریف اتحاد و انسجام؛ اتحاد و انسجام در قرآن

و روایات؛ نیاز ملت به اتحاد و نیاز اسلام به انسجام؛ پیام‌های اتحاد و انسجام؛ راه‌های دستیابی به اتحاد و انسجام؛ موانع به وجود آمدن اتحاد و انسجام؛ خطرات ملت بی‌اتحاد و اسلام بی‌انسجام؛ نقش جمهوری اسلامی ایران در انسجام دنیای اسلام؛ فلسفه نام‌گذاری سال‌ها. نویسنده در پایان، در ذیل عنوان «تشکیل همه جانبه حکومت اسلامی و نقشه‌های استکبار و استعمار برای اسلام، به مقاصد شوم استکبار جهت اختلاف انداختن بین مسلمانان اشاره نموده و ضمن بیان نقاط عمده ضعف مسلمین، توصیه‌هایی جهت ایجاد هم‌بستگی و دوستی و دوری جستن از تفرقه ارائه نموده است.

اتحاد ملی و انسجام اسلامی در پرتو آموزه‌های غدیر

رضوانی، علی اصغر، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۱۵۳ صفحه، رقعی.

ضرورت عقلی اتحاد ملی و انسجام اسلامی بر کسی پوشیده نیست و از منظر قرآن و روایات نیز بر این امر سفارش شده است و از آن جایی که سال ۱۳۸۶ از طرف مقام معظم رهبری «دام عزه» سال اتحاد ملی و

انسجام اسلامی نام‌گذاری گردیده و نظر به این‌که غدیر در فرهنگ اسلامی محور اتحاد و انسجام اسلامی است، این کتاب با هدف ارائه راه کارهای اسلامی برای رسیدن امت اسلامی به وحدت سیاسی و حقیقی و نیز ارائه راه حل‌هایی جهت یک‌پارچگی و انسجام اسلامی، در دو بخش «اتحاد ملی» و «انسجام اسلامی» تدوین یافته است که مهم‌ترین عناوین آن عبارت‌اند از: «اتحاد ملی» (مفهوم اتحاد ملی؛ اصالت وحدت؛ قرآن و اتحاد ملی؛ روایات و اتحاد ملی؛ سیره پیامبر ﷺ در مورد اتحاد ملی؛ اتحاد ملی در صدر اسلام از دیدگاه مششرقان؛ راه کارهای اتحاد ملی...); «انسجام اسلامی» (مفهوم انسجام اسلامی؛ اقسام انسجام اسلامی؛ دعوت قرآن به انسجام اسلامی؛ روایات و دعوت به انسجام اسلامی؛ برخی از مشترکات امت اسلامی؛ راه کارهای انسجام اسلامی؛ دین، در راستای انسجام اسلامی؛ آثار وحدت سیاسی؛ عواقب عدم انسجام اسلامی؛ موانع انسجام اسلامی؛ انسجام حقیقی «طرح درازمدت»؛ امام علی علیه السلام و دعوت به اهل بیت علیهم السلام؛ غدیر، در راستای انسجام اسلامی؛ غدیر از دیدگاه برخی از اهل سنت؛ برخی شاعران غدیر از اهل سنت؛ پیام‌های غدیر به جامعه اسلامی...).

اتحاد ملی و انسجام اسلامی در پرتو واعتصموا بحبل الله جمعياً و لا تفرقوا

جواد عقیلی پور، تهران، انتشارات عابد، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۱۱۸

صفحه، رقی.

اگر با دقت به آیات قرآن کریم و یا به روایات ائمه علیهم السلام بنگریم و هم‌چنین نگاهی به اطراف خود بیندازیم به خوبی درک خواهیم کرد که

انسان موجودی اجتماعی است و کمال او در ارتباط با جامعه است و برای ادامه حیات خود نیاز به وحدت و هم‌بستگی با مردم دارد. ولی متأسفانه بعضی افراد و یا ملت‌ها برای استثمار سایر افراد و ملت‌ها همواره تلاش می‌کنند این وحدت و هم‌بستگی را از بین ببرند تا از این طریق بتوانند به راحتی بر اموال و منافع آنها مسلط شوند. در دنیای امروز نیز این موضوع به روشنی در میان جوامع دیده می‌شود و دشمنان برای از بین بردن وحدت مسلمین دست به هر اقدامی می‌زنند. نویسنده در این کتاب می‌کوشد مسائلی را که موجب اتحاد ملی و انسجام اسلامی می‌گردد از طریق عناوین زیر تبیین نماید:

ولی فقیه؛ ولایت فقیه و نقش آن در اتحاد بین مردم؛ وحدت و همدلی امت سرلوحه دعوت انبیا؛ اتحاد ملی و انسجام اسلامی در بیانات مقام معظم رهبری؛ وحدت از دیدگاه حضرت امام خمینی علیه السلام؛ وحدت اسلامی در آینه نگاه استاد مطهری؛ اتحاد بین مردم، فلسفه بعثت انبیا؛ نقش ائمه در ایجاد اتحاد و هم‌بستگی مردم؛ ارزش هم‌بستگی مردم در حکومت اسلامی؛ نقش عدالت در وحدت ملی؛ نیاز کشور به مشارکت عمومی؛ اتحاد رمز پیروزی؛ اخوت اسلامی، مهم‌ترین مسئولیت‌های اجتماعی انسان در برابر یک‌دیگر؛ مشارکت مردم در جامعه و ایجاد وحدت ملی؛ خدمت‌گزاری مسئولین به مردم و نقش آن در وحدت ملی؛ هم‌بستگی و وحدت مردم در چشم انداز بیست ساله نظام؛ انرژی هسته ای، اتحاد و انسجام ملی؛ اخلاق اجتماعی کارگزاران اقتصادی و ایجاد وحدت و همدلی بین مردم؛ نقش قوای سه گانه در اتحاد ملی؛ انسجام اسلامی در برابر جهان‌خواران و استکبار؛ از بین بردن انسجام اسلامی توسط استکبار با ایجاد درگیری‌های مذهبی و قومی؛ انسجام اسلامی و وحشت غرب؛ حج مصداق اتحاد و یک‌دلی؛ روز قدس، روز اسلام و انسجام برای قیام علیه اسرائیل؛ مسجد پایگاه وحدت ملی و اذان شعار وحدت ملی؛ قرآن مبنای وحدت امت اسلامی؛ پیوندهای امت اسلامی، علل پیروزی اسلام و مسلمین و ایجاد یأس و نومیدی توسط دشمن برای از بین بردن اتحاد ملی.

اتحاد ملی و انسجام اسلامی رمز نجات و بقای مسلمین

حیدری، حسن، قم، نشر روح، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۲۲۱ صفحه، رقعی.
این کتاب، به مناسبت سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی و با استفاده
از آیات و روایات و بهره گیری از نظرات اندیشمندان چون: امام خمینی،
مقام معظم رهبری، استاد شهید مطهری و... تدوین گردیده و مهم ترین

موضوعات و مطالب آن عبارت است از: اتحاد، همبستگی و انسجام در اندیشه سیاسی امام خمینی؛
محورهای وحدت اسلامی؛ ملاکها و معیارهای وحدت اسلامی؛ سوء تفاهم، عامل تفرق؛ مفهوم
وحدت و اتحاد؛ سطوح وحدت و انسجام؛ ماهیت وحدت و انسجام از دیدگاه امام خمینی؛ اتحاد ملی و
انسجام اسلامی از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای؛ اتحاد و انسجام اسلامی در عصر حاضر؛ اتحاد شیرین در
اندلس؛ نتیجه نفاق ضد اتحاد؛ آثار اتحاد؛ مهم ترین آثار اتحاد اجتماعی؛ عوامل وحدت از نگاه شهید
مطهری؛ عوامل و راه کارهای اصول اتحاد؛ عامل معنوی، سرمنشأ اتحاد انسانها؛ اهمیت همدلی
ایمانی؛ اتحاد در عصر حاضر؛ وحدت اسلامی و ارکان آن؛ موانع دستیابی به اتحاد؛ اتحاد ملی و
انسجام اسلامی در قالب شعر و روایت؛ اتحاد رمز پیروزی؛ اهمیت وحدت؛ نکات اتحاد و انسجام؛
وحدت ملی؛ عرصه‌های اتحاد؛ پیامبر و حج وحدت بخش؛ اتحاد در حوزه اسلامی؛ طریق وحدت، و...

اتحاد ملی و انسجام اسلامی در کلام مطهر

مجتبی حاجی کمالی، واحد پژوهش اداره کل تبلیغات اسلامی استان
اصفهان، اصفهان، انتشارات شهید حسین فهمیده، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۸۰
صفحه، رقعی.

شهید مطهری از چهره‌هایی است که به اذعان همگان در تبیین
مهم ترین مفاهیم دینی و پالایش آن نقش بارزی دارد و از پیشروان

احیای تفکر اسلامی محسوب می‌شود. وی در عین بهره‌مندی از منابع اصیل دینی، زبانی گویا و
بینشی عمیق، دین را پاسخگوی نیازهای انسان امروزی معرفی نمود و توانست چهره مترقی و
زندگی‌ساز اسلام را در معرض دید همگان قرار دهد. شهید مطهری از وحدت به مثابه فریضه‌ای
بزرگ یاد می‌کند که کیان مسلمین به آن وابسته است و آن را مهم ترین مصداق امر به معروف و نهی

از منکر در همه زمان‌ها برمی‌شمارد. وی وحدت را آرمان متفکران و دلسوزان درجه اول جهان اسلام معرفی می‌کند، زیرا تفرقه، انحطاط مسلمین و تفوق استعمار غرب بر سرنوشت آنان و غارت منابع مادی و معنوی آنها را در پی خواهد داشت.

نویسنده در این کتاب به دیدگاه استاد مطهری در اهمیت و تبیین وحدت اسلامی و راه‌های تحقق و رفع موانع آن و تلاش‌ها و دیدگاه‌های برجستگان دنیای اسلام و تشیع و... پرداخته است. وی ابتدا موضوع وحدت مسلمانان از دیدگاه پیامبر ﷺ را مطرح می‌کند و آن‌گاه هویت واقعی و ملاک وحدت مسلمانان از نظر اسلام، علت شکست عرب‌ها در برابر اسرائیل و موضوع تعصب‌های ملی و انترناسیونالیسم اسلامی را بررسی می‌نماید و در ادامه، نظر علامه امینی، آیت الله بروجردی، سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده را درباره وحدت مسلمانان بیان می‌کند. موضوعات زیر نیز بخش دیگری از این کتاب را تشکیل می‌دهد: بررسی مفهوم وحدت اسلامی در مبحث امامت و رهبری؛ ایده طراحان اندیشه وحدت اسلامی؛ سیره عملی علی‌علیه در حفظ وحدت اسلامی؛ وحدت مسلمین عامل پیشرفت علمی؛ مصلحت بزرگ اتحاد مسلمین و سکوت علی‌علیه؛ مسئله فلسطین امروزی؛ و...

اتحاد ملی و انسجام اسلامی رمز پیروزی

رضا کریمی، قم، انتشارات نسیم حیات، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۲۴۰ صفحه، رقعی.

وحدت و اتحاد به معنای یگانگی ملت، اجتماع ملت در اهداف مشخص و وحدت عموم مردم در یک هدف مشترک می‌باشد. نویسنده در این کتاب طی نه فصل با استناد به آیات و روایات، مبانی و مشخصات

وفاق اجتماعی و انسجام اسلامی را با هدف محقق ساختن احکام و عقاید اسلامی بیان نموده، که مهم‌ترین عناوین آن عبارت است از: اتحاد در لغت و اصطلاح؛ انسجام اسلامی؛ اهمیت و ضرورت اتحاد ملی؛ اتحاد از دیدگاه قرآن؛ اتحاد در سیره حضرت رسول اکرم ﷺ؛ وحدت در سیره حضرت امیرالمؤمنین علی‌علیه؛ وحدت از دیدگاه امام راحل ﷺ؛ وحدت در کلام مقام عظامی ولایت، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای؛ عوامل اتحاد ملی (ولایت فقیه؛ اهداف و آرمان‌های بلند امام خمینی ﷺ و مقام عظامی ولایت؛ پاسداری از خون شهدا و تداوم راه آنها؛ قانون اساسی؛ وجود دشمنان خارجی)؛

راه کارهای اتحاد ملی (حقوق متقابل مردم و دولت؛ رعایت حقایق متقابل مردم نسبت به یکدیگر سبب اتحاد و همدلی می‌شود؛ عدالت؛ نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر؛ برخورد قاطع با فتنه‌ها؛ خیرخواهی و انتقادات سازنده؛ مدارا و سازگاری؛ پرهیز از رفتار خشونت‌آمیز با مردم؛ سعه صدر؛ مهربورزی و عطوفت اسلامی؛ اطلاع‌رسانی صحیح و شفاف؛ مردم سالاری دینی)؛ دشمن‌شناسی (بیهود دشمن سرسخت مسلمانان؛ منافقان؛ استکبار جهانی..)؛ ره‌آورد شوم تفرقه و اختلاف (تسلط بیگانگان و دشمنان؛ تسلط شیطان؛ زوال نعمت‌ها و ضعف اقتصادی؛ از بین رفتن اقتدار سیاسی و امنیت ملی؛ عقب‌ماندگی؛ رواج فقر و فحشا؛ هرج و مرج و قانون‌گریزی)؛ ره‌آورد اتحاد ملی، هم‌بستگی و پیروزی (وحدت و همدلی باعث پیروزی در تمام میادین خواهد شد؛ امنیت و آسایش؛ اتحاد و همدلی سبب فراوانی نعمت‌ها خواهد بود؛ برخورداری از قدرت و توان در امور مختلف؛ پیشرفت علمی؛ ایجاد یأس و نوامیدی در دشمن؛ تعامل و همدلی بین دولت و ملت)؛ جلوه‌گاه‌های اتحاد ملی (نماز وحدت‌آفرین و دشمن‌شکن جمعه؛ عشق به ولایت؛ حضور یک‌پارچه در مراسم ملی، انتخابات)؛ انسجام اسلامی (توحیدگرایی و یگانه‌پرستی؛ پیامبر واحد؛ کتاب واحد؛ قبله واحد؛ وجود دشمنان مشترک).

اتحاد ملی، انسجام اسلامی: مجموعه‌ای از اتحاد ملی و انسجام اسلامی و خدمت‌رسانی و شناخت دشمن بزرگ انسان‌ها...

محمدتقی صرفی پور، قم، انتشارات ناصر، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۱۵۲ صفحه، رقعی.

گزارشی از تعالیم قرآنی و حدیثی درباره ارکان و پایه‌های وحدت

اسلامی و لزوم توجه مسلمانان به اتحاد است که به مناسب نام‌گذاری سال ۱۳۸۶ از سوی مقام معظم رهبری به سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» در سه بخش تدوین شده است. در بخش اول، ضرورت وحدت و مضرات اختلاف از دیدگاه‌های مختلف با عنوان «اهمیت وحدت در قرآن و احادیث» ذیل این عناوین بررسی گردیده: اهمیت و ارزش وحدت در قرآن و حدیث؛ پایه‌های انسجام وحدت در اسلام؛ اتحاد ملی و خنثی شدن توطئه‌های استکبار جهانی و نقشه‌های دشمنان انقلاب؛ انسجام و خنثی شدن توطئه‌های صهیونیست جهانی؛ وحدت اسلامی، علاج واقعی مشکلات

مسلمانان؛ آرای متفکران و اندیشمندان جهان اسلام پیرامون ضرورت وحدت اسلامی؛ عوامل اختلاف بین شیعه و سنی؛ تقویت وحدت؛ قرن حاکمیت اسلام؛ و من «وحدت» نام دارم. سپس در بخش‌های دوم و سوم، نکاتی در راستای رسیدن به هدف اتحاد ملی و انسجام اسلامی، با عنوان‌های: خدمت‌رسانی مسئولین به مردم، علل جنگ ستیزی شیطان بزرگ با اسلام و... بیان شده است.

الگوهای وحدت اسلامی از دیدگاه مصلحان دینی معاصر

مجید مختاری، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام،

۱۳۸۳.

سستی و عقب ماندگی مسلمانان در چند قرن اخیر موضوعی نیست

که هیچ اندیشمند مسلمانی بتواند نسبت به آن بی تفاوت باشد، اما در این

میان، به خصوص در اواخر قرن سیزدهم هجری و هم‌زمان با فروپاشی دولت عثمانی، برخی مصلحان دینی برجسته در دوران معاصر با توجه به آموزه‌های وحیانی و شناسایی رابطه مستقیم میان تفرقه و افول مسلمانان، به بررسی تفصیلی علت‌های تفرقه و انحطاط مسلمین و ارائه راه کارهای اصلاح این وضعیت پرداخته‌اند که آگاهی از آرا و استفاده از تجربیات آنها برای افرادی که می‌خواهند در این مسیر گام بردارند لازم است. این پژوهش با همین منظور و در راستای رویارویی با تحولات اخیر جهانی که جریان استکبار با هدف سرکوب جریان اسلام سیاسی - با بهانه قرار دادن حوادثی چون عملیات یازده سپتامبر - جبهه خود را بیش از پیش منسجم می‌سازد، به عنوان اقدامی مقدماتی انجام شده است.

در فصل اول پایان نامه (کلیات) ابتدا به اجمال، مبانی وحدت اسلامی و ریشه‌های تفرقه در قرآن بررسی شده و مشخص گردیده که توحید مبنای امت واحد است. در ادامه، به پیشینه وحدت و افتراق جهان اسلام در مقاطع مختلف پرداخته شده و چگونگی تلاش ائمه علیهم السلام برای حفظ یک‌پارچگی جامعه اسلامی در قرون نخستین و شدت یافتن جریان تفرقه و انحطاط در قرون اخیر به اختصار توضیح داده شده است.

فصل دوم به آرا و راهبردهای سید جمال الدین اسد آبادی به عنوان پیشگام نهضت اتحاد اسلام در دوران معاصر اختصاص یافته و دیدگاهها و اقدامات متنوع او در ارتباط با اقشار مختلف جامعه و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تبیین شده است.

فصل سوم در مورد ارزیابی آرای مهم‌ترین شاگردان مکتب اتحاد اسلام سید جمال الدین (عبده، کواکبی، رشید رضا و اقبال لاهوری) می‌باشد که با توجه به شرایط اسفناک جوامع اسلامی در نیمه اول قرن چهاردم (بیستم میلادی) بر اقدامات اصلاحی تدریجی، حرکت‌های فرهنگی و رویکردهای روانشناختی تأکید داشته‌اند.

اما فصل چهارم به بررسی دیدگاه‌های برخی از مهم‌ترین مصلحان دینی برجسته در نیمه دوم این قرن (مودودی، سید قطب و امام خمینی علیه السلام) اختصاص یافته که با توجه به اختلافات بنیادین مبانی اسلام و جریان غالب غرب و در پی شکست عملی سایر مکاتب در جوامع اسلامی به صراحت به ارائه الگوهای انقلابی پرداخته و از لزوم دگرگونی‌های اساسی در ساختارهای جوامع به اصطلاح اسلامی و انقلابی جهان سخن گفته‌اند و در مقام عمل نیز (به ویژه حضرت امام خمینی علیه السلام) گام‌های مؤثری در راستای طرح خویش برداشته‌اند.

در بخش پایانی، با عنوان «جمع‌بندی و نتیجه‌گیری»، نیز به برخی از مهم‌ترین موانع وحدت در جهان اسلام اشاره شده است.

باید با هم باشیم؛ گزیده‌ای از نصایح امام خمینی درباره اتحاد ملت و هم‌بستگی مسلمین

خانه فرهنگ و هنر سافیا (تهیه کننده)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۷۲ صفحه، رقعی.

این کتاب که به مناسبت نام‌گذاری سال ۱۳۸۶ از سوی مقام معظم رهبری به سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» تدوین گردیده، مروری

است بر سخنان حکیمانه حضرت امام خمینی علیه السلام درباره وحدت امت و هم‌بستگی اسلامی که مهم‌ترین عناوین آن عبارت است از:

دست خدا با جماعت است؛ اتحاد تکلیف شرعی؛ باید با هم باشیم، همه زیر یک پرچم؛ علی علیه السلام الگوی اتحاد؛ اختلاف سم است؛ اختلاف‌ها را کنار بگذارید؛ هم‌صدایی رمز پیروزی؛ وحدت مذهبی داشته باشید؛ طرد طاغوت با وحدت کلمه؛ دانشگاهی و روحانی با هم باشند؛ با صدای واحد در راه

استقلال کشور؛ ما مسلمان‌ها باید چه جور باشیم؛ اگر وحدت کلمه را از دست شما گرفتند باز همان اسارت است؛ جدا کردند روحانیون را از روشن‌فکران؛ حزب مستضعفین بر ضد مستکبرین؛ مطبوعات به تفرقه دامن نزنند.

امام علی علیه السلام و هم‌گرایی اسلامی در عصر خلافت

علی اکبر احمدپور، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۳۰۸

صفحه، وزیری.

زندگی امام علی علیه السلام و سیره فردی و اجتماعی آن حضرت چنان پرفروغ و خیره‌کننده است که قلم از بیان و توصیف آن ناتوان است. او بسیاری از فضایل و نیکی‌ها را در خود جمع داشت و می‌توان گفت

در این کمالات، بی‌همتا بود؛ از این رو برای آنان که به دنبال کمال جویی و کسب فضیلت و نیز شناخت و آشنایی بیشتر با معارف و اندیشه‌های دینی‌اند بهترین الگو به شمار می‌آید.

یکی از خصوصیات این پیشوای الهی، توجه ویژه او به «وحدت و هم‌گرایی» است. وی که پس از

رسول خدا صلی الله علیه و آله با اختلافات و درگیری‌های فراوانی روبه‌رو شد و فتنه‌ها پی‌درپی به سوی سراریر گشت با هوش‌مندی و درایت، به ریسمان «وحدت» چنگ زد و برای زنده ماندن دین خدا و رشد گسترش معارف اسلامی، مسیر هم‌گرایی را در پیش گرفت. رفتارهای او در این مورد برای همه کسانی که به سیاست از منظر آموزه‌های دینی می‌نگرند، بسیار درس آموز و پر نکته است.

در این کتاب، نویسنده بر آن است تا جنبه‌های مختلف این هم‌گرایی را ژرف‌کاوی کند و به پرسش‌های مطرح شده در این بخش تا حدودی پاسخ گوید. بر این اساس، زندگی و عملکرد امام علی علیه السلام از این جهت که وی سرآمدترین پرورده رسول خدا بود، می‌تواند ارزش‌های عملی دین را تجسم عینی بخشد و میزانی دقیق و کارآمد برای ارزش‌گذاری رفتارها و سنجش موضع‌گیری‌ها باشد.

از سوی دیگر، از آن جا که اساس و ریشه اختلافات در جامعه دینی پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسئله حکومت و رهبری باز می‌گشت، طبیعی است که هرگونه موضع‌گیری و اقدام در این مسئله حیاتی و سرنوشت‌ساز، می‌توانست برای همه فرقه‌های اسلامی در مسائل اختلافی و جنجال‌برانگیز راه‌گشا و آموزنده باشد و اساس و پایه‌ای استوار و مستحکم در مسایل فیما بین تلقی گردد؛

به ویژه آن که آن حضرت خود را در این موضوع دارای حق دانسته و امتیازهای خویش را در سنجش با دیگران به مراتب برجسته‌تر و نمایان‌تر و در برابر، رفتار مردم و گردانندگان حکومت را جفا در حق خود می‌دانست؛ در این صورت است که فاصله‌ها و جدایی‌ها از بین خواهد رفت و هم‌گرایی سنجیده و مقبولی در جامعه اسلامی پدید آمده و از آسیب‌های احتمالی و چالش‌های فرارو خواهد کاست.

این اثر در شش فصل، هم‌گرایی در سیره و گفتار امام علی علیه السلام را بررسی می‌کند که مهم‌ترین عناوین آن عبارت است از: مفهوم هم‌گرایی؛ وحدت و هم‌گرایی در اصطلاح حکیمان، مستکلمان و عارفان؛ گونه‌های هم‌گرایی و پایدارترین آن؛ هم‌گرایی در قرآن؛ سنت و هم‌گرایی؛ هم‌گرایی از نظر عقل؛ هم‌گرایی در نگاه فطرت؛ ضرورت هم‌گرایی؛ پیشینه هم‌گرایی؛ زمینه‌های هم‌گرایی؛ موانع هم‌گرایی؛ محور هم‌گرایی؛ هم‌گرایی در گفتار امام؛ سقیفه، آغازی بر واگرایی‌ها؛ بیعت و هم‌گرایی؛ عرصه‌های هم‌گرایی (حضور در جبهه و جماعات؛ احترام به عواطف مردم؛ سکوت و نرمش در موضع‌گیری‌ها؛ سفارش به هم‌سوئی؛ پرهیز از طرح مسائل اختلاف برانگیز، و...؛ امام علی علیه السلام مدار و محور هم‌گرایی دینی؛ پذیرش عضویت در شورا؛ گامی دیگر در هم‌گرایی اسلامی، و...

جمهوری اسلامی ایران و اتحاد سیاسی اسلام

محمود عرب‌پور، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۷۲.

وحدت اسلامی یک عمل صرفاً سیاسی یا مصلحتی برای رسیدن به مقاصد مادی نیست، بلکه جامعه‌ای متشکل از افراد انسانی هم‌فکر، هم‌عقیده و هم‌مذهب است که نه تنها در اندیشه مشترک هستند که در عمل

نیز اشتراک دارند. وحدت فکری و ایدئولوژیکی مهم‌ترین مبنای هم‌بستگی و تعاون در جامعه اسلامی است. در اسلام جایی برای تشمت در فکر و عقیده وجود نداشته و تمامی عوامل مورد نیاز برای برقراری وحدتی فراگیر پیش‌بینی شده است. موارد اختلاف و آرای متشمت متوجه مسلمانانی است که در درک و شناخت خواسته‌های دین اسلام و نیز پیاده کردن تعالیم آن در مقام عمل، کوتاهی نموده و از آن دور افتاده‌اند و این دوری از تعالیم اسلام اصیل منشأ ظهور اختلاف و تفرقه گردیده است. از این رو، دشمنان اسلام با دور کردن مسلمانان از اسلام و برانگیختن اختلافات، به سلطه خود بر آنها استمرار بخشیده و از این راه به منافع مادی خود دست پیدا کرده‌اند.

جهان اسلام در حال حاضر در حساس‌ترین مراحل تاریخ زندگانی خود قرار گرفته و در شرایط

کنونی شاهد هم‌بستگی کامل دشمنان اسلام برای مقابله با اسلام و مسلمانان در هر سوی جهان می‌باشیم. بدون تردید، تحولات ناشی از فروپاشی بلوک شرق و روند این فروپاشی در اتحاد جماهیر شوروی و تنش زدایی حاصل از پایان جنگ سرد، در حالی که لزوماً جو جدیدی را به کشورهای جهان و به خصوص کشورهای اسلامی تحمیل می‌کند، در عین حال می‌تواند آغازگر روندی باشد که کشورهای مسلمان - که در برگیرنده بیش از یک میلیارد جمعیت جهان هستند - با در پیش گرفتن سیاست‌های صحیح بر مبنای معیارهای اسلامی متناسب و هماهنگ با زمان به استقبال تحولات جهانی بروند و خلأ ناشی از فروپاشی بلوک شرق را با اتحاد و انسجام و برنامه‌ریزی صحیح پر نمایند. جهان اسلام با توجه به اهرم‌های قوی اقتصادی و موقعیت خاص جغرافیایی و سابقه غنی فرهنگی، به خوبی قادر به ایفای نقش مهمی در جهان آینده خواهد بود، ولی ایفای این نقش بیش از هر چیز در گرو سیاست‌گذاری‌های بلند مدت مشترک، دوری از پراکندگی و تفرقه و جمع شدن تمامی کشورها حول محورهای مشترک اسلامی و استقلال در تصمیم‌گیری در قبال بیگانگان خواهد بود. اگر مصوبات سازمان کنفرانس اسلامی اجرا گردد و کشورهای عضو از خنثی‌سازی نیروها و امکانات یک‌دیگر خودداری کنند، مسلمانان به عنوان یک محور قوی و مؤثر در شرایط نوین بین‌المللی مطرح خواهند شد. جمهوری اسلامی ایران با قدرت فرهنگی مطرح در جامعه جهانی، می‌تواند بر روی استراتژی وحدت تکیه کند و آن را مطرح سازد. مجامع فرهنگی ایران می‌توانند در این مسئله پیش قدم باشند. در حقیقت، وحدت اسلامی آرزوی تمام مسلمانان جهان است ولی کشور ما این امکان را دارد که مرکزیت داشته باشد و با مطرح کردن صمیمانه آن با دیگر کشورها قدم مؤثری بردارد، زیرا کشورهای اسلامی، از پاکستان تا شمال آفریقا، دارای قدیمی‌ترین تمدن‌ها و تاریخ هستند و آن‌چه منطقه را تجزیه کرده، مصنوعی است و اهداف استعماری آنها را به وجود آورده است.

با رد کردن موانع وحدت و از بین بردن ریشه‌های پراکندگی کشورهای اسلامی، اگر نتوان به وحدت و یک‌پارچگی رسید، دست‌کم می‌توان از برخورد میان اقوام منطقه جلوگیری کرد. به طور خلاصه، پس از شناخت جهان اسلام و جغرافیای سیاسی و اوضاع و احوال و مسائل گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مسلمانان، و نیز بررسی و ارزیابی عوامل تفرقه و جدایی و موانع وحدت اسلامی، در مرحله سوم باید عوامل و عناصر اتحاد اسلامی بررسی و شناسانده شود و در دو زمینه فکری، فرهنگی، اعتقادی، و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی فعالیت گسترده‌ای انجام گیرد. در زمینه فکری، فرهنگی و اعتقادی، برقراری مجامع و محافل فرهنگی مذهبی، کنفرانس‌های

علمی و فرهنگی و عقیدتی، سیستم ارتباطی قوی، ایجاد مراکز و مؤسسات دینی و آموزشی، انتشار روزنامه‌ها و مجلات در میان کشورهای اسلامی، ایجاد مرکزی تحقیقاتی - علمی متشکل از علما و اساتید برجسته جهان اسلام اعم از شیعه و سنی، تأسیس دانشگاه بزرگ اسلامی در سطح جهان اسلام و ارائه یک طرح نمونه و الگو از جامعه متحد اسلامی ضروری و لازم است.

از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، مهم‌ترین نهاد دارای طرح و برنامه سیاسی که جنبه عملی و اجرایی دارد، سازمان کنفرانس اسلامی است که قدم‌های اولیه را برداشته است. از نظر اقتصادی، توسعه مجامع و سازمان‌های اقتصادی نظیر: سازمان «اکو» و «شورای همکاری خلیج فارس»، در سطح کشورهای اسلامی و در نهایت، ایجاد بازار مشترک اسلامی با همکاری حکومت‌های اسلامی بسیار مفید خواهد بود. باید اذعان کرد که مهم‌ترین هدفی که استعمارگران به خاطر آن دست به تجزیه و تفرقه کشورهای اسلامی زده‌اند، اهداف اقتصادی (به دست آوردن منابع اولیه ارزان و بازارهایی برای عرضه محصولات انبار شده آنها) بوده است. بنابراین، وحدت اسلامی می‌تواند تنها وسیله برای حفظ و تأمین منافع اقتصادی و منابع و مصالح مادی کشورهای اسلامی باشد. شاید بتوان قدم‌های اولیه برای اتحاد اسلامی را از این طریق شروع کرد، زیرا کشورهای اسلامی مکمل‌های اقتصادی کاملی نسبت به هم‌دیگر هستند و ایجاد یک بازار مشترک اسلامی می‌تواند آنها را در راستای رفع نیازهای مادی یک‌دیگر کمک کند.

حدیث برادری در سیره نبوی ﷺ

هدایت پناه، مؤسسه بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳، ۳۶۸ صفحه، وزیری.

نویسنده در این نوشتار ضمن بررسی اهداف و پیامدهای پیمان برادری میان مسلمانان، موضوع برادری رسول خدا ﷺ و امام علی ﷺ را از نظر تاریخی و حدیثی کاوش نموده است. به اعتقاد وی، پیمان برادری

که توسط رسول خدا ﷺ در بدو ورود به مدینه میان اصحاب برقرار گردید از جمله اقداماتی بود که تأثیر فراوانی در زندگی اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی مسلمانان مدینه گذاشت. برخی از مباحث این کتاب عبارت‌اند از: پیمان برادری میان مسلمانان؛ پیمان برادری در مکه و مدینه؛ اهداف پیامبر از نظام مؤاخات؛ پیامدهای مؤاخات؛ مؤاخات رسول خدا ﷺ و علی ﷺ از دیدگاه شیعه؛ مؤاخات رسول

خدا ﷻ و علی ﷺ از دیدگاه اهل سنت؛ نتایج بررسی اسناد احادیث مؤاخات؛ برادری رسول خدا ﷺ و علی ﷺ در شعر و ادب. در بخش پایانی این اثر نیز فهرستی از روایات شیعه و اهل سنت که قضیه مؤاخات پیامبر ﷺ و حضرت علی ﷺ را نقل کرده‌اند، ارایه شده است. یادآور می‌شود این کتاب، اثر برگزیده هفتمین همایش کتاب سال حوزه (۱۳۸۴) می‌باشد.

درآمدی بر اتحاد ملی و انسجام اسلامی

علی بنایی، قم، انتشارات نور مطاف، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۲۷۰ صفحه،
رقعی.

اتحاد ملت و انسجام مسلمانان، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، و حتی در دوران شکل‌گیری نهضت ۱۵ خرداد که به تعبیر حضرت امام خمینی علیه السلام، نقطه عطف تاریخ سیاسی ایران شناخته می‌شود، مورد نظر و

عنایت رهبر فقید جمهوری اسلامی بوده است. کمتر نامه یا پیام یا خطابه و دستوری می‌توان در آثار ماندگار ایشان سراغ گرفت که در آن، از همدلی و انسجام ملی و اسلامی سخن گفته نشده باشد. این مسئله گواه این حقیقت است که وحدت، چه در بُعد ملی و چه در بُعد مذهبی، همواره یک اصل و ارزش و ضرورت به شمار می‌آمده است. استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌المللی پیوسته به دنبال تفرقه‌افکنی در میان ایرانیان و مسلمانان بوده‌اند، تا کامیابی و سرافرازی آنها را به تباهی بکشانند. از آن‌چه گذشت برمی‌آید که شعار اتحاد ملی و انسجام اسلامی در واقع شعار و روش رهبری نهضت و ملت بوده و خواهد ماند، اما طرح آن از جانب مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) را باید بیان یک ضرورت اجتماعی و سیاسی در ابعاد داخلی و خارجی به حساب آورد.

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی و پایه‌گذاری جمهوری اسلامی ایران همواره دو مقوله «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» مورد توجه سیاست‌گذاران و مجریان نظام بوده است، به طوری که گاه تشخیص مرزهای مفاهیم منافع ملی در قالب «اتحاد ملی» و مصالح اسلامی در قالب «انسجام اسلامی» از یک‌دیگر به راحتی امکان‌پذیر نبوده و گاه این معانی به جای یک‌دیگر به کار رفته‌اند؛ از این رو می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که نوع نگاه مسئولان بلندپایه نظام به «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» از بهره‌گیری از بینش اسلامی حکایت می‌کند که خمیرمایه و قالب فکری تصمیم‌گیران نظام اسلامی را شکل داده است؛ به این معنا که در قانون اساسی توجه ویژه‌ای به دو مقوله «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» شده است؛ به عنوان مثال، در اصل ۱۱ قانون اساسی، به اتحاد ملل اسلامی و وحدت

جهان اسلامی، در اصل ۱۵۲ به دفاع از حقوق همه مسلمانان جهان و در اصل سوم به تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان جهان اشاره شده است.

در این نوشتار که از پنج فصل تدوین یافته، کوشش شده است که با بهره‌گیری از هدایت‌گری‌های قرآن کریم و سنت نبوی و عترت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و نیز کلام گهربار بزرگوارانی هم‌چون حضرت امام خمینی رحمته الله علیه و رهبر معظم انقلاب اسلامی، تکلیف مسئولان و مدیران نظام، و نیز جناح‌ها و احزاب و ملت، به روشنی تبیین شود.

مهم‌ترین عناوین فصول پنج‌گانه عبارت است از: تعریف اتحاد ملی و انسجام اسلامی (مفهوم اتحاد ملی؛ اتحاد در سایه امامت و رهبری؛ ضرورت الفت بین مؤمنان؛ وحدت در گرو تقوای الهی؛ وحدت و محبت؛ وحدت و نصرت الهی؛ اختلاف و هلاکت جمعی؛ وحدت و حیات طیبیه؛ وحدت و چیرگی بر اهل باطل)؛ ضرورت طرح اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛ اتحاد ملی، آسیب‌ها و بایسته‌ها (وحدت ملی و امنیت ملی؛ انسجام و هماهنگی ارکان دولت؛ ضرورت همکاری بین سه قوه؛ اتحاد ملی و سلب اعتماد ملی؛ اتحاد ملی، مهم‌ترین سلاح ملت ایران؛ آسیب‌رسانی دشمن به روند اتحاد ملی؛ اتحاد ملی، پایه و مایه پیشرفت‌های کشور؛ ضرورت مقابله با عوامل ضد اتحاد ملی؛ اتحاد ملی در گرو امنیت سیاسی)؛ اتحاد ملی و عدالت اجتماعی؛ انسجام اسلامی، راهبردها و راهکارها (انسجام اسلامی در داخل کشور؛ انسجام اسلامی در جهان اسلام) و...

راه انسجام: تأملی بر وظایف حکومت دینی در قبال دیگر مسلمانان در عرصه بین‌المللی

صمیمی، سید رشید، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۱۱۴ صفحه، رقی.

یکی از مباحث مطرح در محافل فکری جهان اسلام از گذشته تاکنون، دلایل انحطاط مسلمانان و پیشرفت روزافزون غرب و کشورهای

استعماری است. مصلحان جوامع اسلامی نکته‌های دقیق و ظریفی در این باره بیان کرده‌اند که دقت در آنها برای امت اسلامی در سراسر جهان ضروری است. این نوشتار که در شش فصل تدوین گردیده است تلاش می‌کند راه‌های هم‌گرایی بیشتر جهان اسلام و وظایف حکومت دینی را در قبال دیگر مسلمانان در عرصه بین‌المللی ارائه نماید. به همین منظور، به بیان موضوعات زیر می‌پردازد: پای‌بندی به منافع مشترک کشورهای اسلامی؛ پرهیز از دخالت در امور دولت‌های اسلامی؛ احترام به

حق حاکمیت ملی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز؛ دوستی با یک‌دیگر و حفظ پیوندهای دینی و میراث مشترک؛ پاسداری از حقوق و منافع کشورهای اسلامی؛ وظایف حکومت دینی در برابر ملت‌های اسلامی، و رابطه بین منافع ملی و مصالح اسلامی.

عوامل هم‌بستگی ملی: اصول و راه‌کارها

سید حسین تقوی، قم، انتشارات مشهور، چاپ اول، ۱۳۸۵، ۱۲۰ صفحه، رقعی.

بدون تردید، هم‌دلی میان اعضا و گروه‌های یک جامعه و پیروی آنها از ارزش‌ها و ناهنجاری‌های مشترک و نیز وجود احساسات مشترک مذهبی و ملی از مواردی است که می‌تواند امکان برنامه‌ریزی برای

استفاده حداکثر از استعدادها و ظرفیت‌های مختلف انسانی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و نیز دستیابی به اهداف آرمانی جامعه را فراهم سازد. نوشتار حاضر که در پاسخ به فراخوان مقاله از سوی ریاست شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه سراسر کشور در زمینه هم‌بستگی ملی نگاشته شده است در جست‌وجوی عواملی است که موجبات هم‌بستگی ملی را در عرصه‌های مختلف و تقویت آن در کشور ایران فراهم می‌سازد و شامل مباحث زیر است: اهمیت هم‌بستگی «از دیدگاه عقلانی، از نظر تاریخی، از نظر قرآن»؛ مفهوم هم‌بستگی ملی؛ مفهوم هم‌بستگی ملی از نظر امام خمینی؛ مفهوم هم‌بستگی ملی از نظر مقام معظم رهبری؛ محورهای وفاق عمومی و هم‌بستگی ملی؛ دیدگاه‌های صاحب نظران در مورد هم‌بستگی ملی؛ عوامل تقویت هم‌بستگی اجتماعی؛ عوامل تهدید هم‌بستگی اجتماعی؛ راه‌کارهای افزایش هم‌بستگی ملی و مشارکت عمومی و آثار و پیامدهای هم‌بستگی ملی و مشارکت عمومی.

از جمله راه‌کارهای عرضه شده برای افزایش هم‌بستگی ملی و مشارکت عمومی عبارت است از: تقویت ایمان و اعتقاد مردم؛ افزایش آگاهی فردی و اجتماعی؛ مشارکت آزادانه و اختیاری؛ تغییر نگرش مردم نسبت به حاکمیت؛ باور کردن مردم؛ بسیج منابع و به کارگیری همه نیروها؛ تأکید بر عناصر مشترک فرهنگی؛ محوریت رهبری (ولایت فقیه)؛ خدمت صادقانه مسئولان به مردم؛ محبت اهل بیت، و قانون.

علی علیه السلام محور عدالت: جرعه‌های ولایت به روایت شیعه و اهل سنت

اسحاقی، سید حسین، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما؛ دفتر عقل، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۱۶۲ صفحه، رقعی.

سخنان امام علی علیه السلام، اندیشمندان شیعه و اهل سنت را مجذوب خود ساخته است، به گونه‌ای که همواره از دیرباز تا کنون نگاهی ویژه به

سخنان آن حضرت داشته‌اند و در لابه لای کتاب‌های اخلاقی، تربیتی، عرفانی، تفسیری، فقهی و کلامی خود، سخنان آن حضرت را شاهد صدقی بر گفته خود می‌آورند و به شرح و توضیح آن می‌پردازند. در این مجموعه، سخنان حکیمانه آن حضرت از منابع شیعه و سنی در دو فصل «اخلاق فردی» و «اخلاق اجتماعی» فراهم آمده است. یادآور می‌شود برخی از این سخنان هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت به یک لفظ آمده و یا جمله‌ای در یک منبع شیعی به صورت اجمالی بیان شده و تفصیل آن در منابع اهل سنت ذکر گردیده و برعکس.

فصل همدلی: نگاهی به اتحاد و انسجام در آموزه‌های دینی

مظهری، محمدحسن، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۸۱ صفحه، رقعی.

اتحاد و هم‌بستگی ملی و انسجام اسلامی از ضروری‌ترین نیازهای جهان اسلام به شمار می‌رود؛ از این رو، مقام معظم رهبری به منظور

بیداری و بسیج امت اسلامی، سال گذشته را سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامیدند. نویسنده در این کتاب با استفاده از آیات، احادیث و سیره و سخنان بزرگان، طی چهار فصل، نگاهی به اتحاد و انسجام در آموزه‌های دینی دارد. وی در فصل نخست به ذکر برخی آیات مرتبط، همراه با نکته‌ها و پیام‌ها با عناوین زیر پرداخته است: اتحاد و انسجام در آموزه‌های قرآنی؛ گزیده آیات اتحاد و انسجام؛ آیات و نکته‌ها؛ تمسک به ریسمان الهی؛ برادری مؤمنان؛ آشتی دادن مؤمنین؛ پرهیز از اهانت؛ سیمای یاران پیامبر صلی الله علیه و آله؛ اختلاف و سقوط و... فصل دوم این کتاب به نقل برخی احادیث پیامبر

گرامی اسلام ﷺ و امامان معصومین (علیهم السلام) همراه با پیام‌های آنها اختصاص داده شده است. در فصل سوم، نگاهی کوتاه به نمونه‌هایی از سیره پیامبر رحمت و پیشوایان معصومین (علیهم السلام) و چند نمونه از حکایات تاریخی شده است. و فصل چهارم، به گزیده‌ای از سخنان گهربار امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری درباره اتحاد ملی و انسجام اسلامی زینت بخشیده شده است.

مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی غدیر و انسجام اسلامی

دبیرخانه کنگره بین‌المللی غدیر و انسجام اسلامی (گرد آوری و تنظیم)، ساری، انتشارات شلفین، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۸۱۶ صفحه، وزیری. دین و باورهای دینی بزرگ‌ترین و فراگیرترین عامل وحدت و انسجام است که شعاع نفوذ آن از خاک و خون می‌گذرد و در پشت مرزهای

جغرافیایی و سیاسی متوقف نمی‌شود و در صورتی که خورشید حقیقت از پشت پرده ابهام سربرآورد و رخ بنماید، فاصله‌های ظلمانی در شعاع پرفروغ آن محو می‌گردد، و گرنه در تاریکی تردید و بدگمانی، بسیاری از آنها به خلاف مقصود و نقض غرض منجر می‌گردد. به این جهت، بازشناسی و آسیب‌شناسی باورها و آموزه‌های دینی، به ویژه آنها که نقش کلیدی و اساسی دارد، امری ضروری و در اولویت اول می‌باشد.

کنگره بین‌المللی غدیر و انسجام اسلامی فرصتی بود تا پژوهش‌گران را برای بازشناسی ابعاد مختلف غدیر، حول محورهای مفاهیم و مبانی نظری و سیر تاریخی و ثمرات آنها و چالش‌های پیش رو، به پژوهش و نوشتن فراخواند، تا در مورد اساسی‌ترین امری که پیامبر مکرم اسلام ﷺ برای ضمانت حیات اجتماعی بشر به حکم «ماینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی» طرح و در بستر زمان جاری ساخت، بیندیشند و در جهت بازشناسی معتقدات مرتبط با حماسه غدیر و شناسایی و نقد شخصیت‌های بزرگ و اثرگذار از همه فرقه‌های اسلامی که جایگاه ملی و جهانی دارند و بررسی نقاط افتراق و اتفاق و پیدا کردن راه کارهای عملی و گشودن افق‌های جدید برای ایجاد تقرب و انسجام بین مذاهب اسلامی و معرفی فرهنگ غنی غدیر به شکل مطلوب و مقبول با بهره‌مندی از ذخیره‌های بی‌کران و ظرفیت بالایی که در سنت نبوی برای روشن نمودن حقیقت و حصول وحدت وجود دارد، طرحی نو و نتایج سودمند به کنگره ارائه نمایند.

برخی عناوین مقالات و اسامی نویسندگان آن عبارت است از: غدیر از منظر عالمان و منابع اهل سنت / دکتر عباسعلی بهاری اردشیری؛ اهل سنت و حدیث غدیر / محمدرضا جباران؛ غدیر از منظر عالمان و منابع فریقین / محمد حسن حیدری؛ تأثیر بازسازی تاریخ سیاسی اسلام در تحقق انسجام اسلامی / دکتر سیدمجتبی هاشمی رکاوندی؛ واقعه الغدیر و دورها فی الوحدة الانسجام الاسلامی / نبیل الیعقوبی؛ غدیر از دیدگاه شیعه و اهل سنت / علیاصغر اصغری ولوجایی؛ اقبال اهل بیت و انسجام اسلامی / دکتر سیدحسن اسلامی؛ غدیر از منظر عالمان و منابع اهل سنت / محبوبه گل‌فشان؛ غدیر از دیدگاه اهل سنت و اهل تشیع / پروانه کتیمرزه؛ غدیر و مبانی وحدت و انسجام اسلامی / رقیه و حمیدرضا رودی؛ چالش‌های پیش‌رو در انسجام اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری و نقش غدیر در رفع آن / وجیهه صالحی، و...

مبانی و الگوهای وحدت و تفرقه در قرآن کریم

زهره شا کر اردکانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹، ۲۰۴ صفحه.

اختلافات در جوامع بشری روز به روز گسترش یافته و قربانیان فراوانی می‌گیرد. از آن‌جا که وحدت از موضوعات مهمی است که در قرآن نمود ویژه‌ای دارد، نویسنده بر آن شده است که اصل وحدت و راه‌های

عملی قرآن برای دست‌یابی به آن را بازگو و عوامل و موانع وحدت اجتماعی را بررسی کند. این پژوهش در دو بخش و چند فصل تدوین گردیده است: فصل اول شامل کلیات می‌باشد. در فصل دوم به بیان انواع وحدت در قرآن با ذکر شواهد پرداخته شده و بیان گردیده است که قرآن در صدد ایجاد الفت در میان تمام افراد بشر است؛ به وحدت پیروان ادیان توجهی خاص دارد؛ اصول کلی حاکم بر ادیان را یکی می‌داند و همه را به توحید فرا می‌خواند، و برای وحدت مسلمین در مواقع مختلف رهنمودهای ارزشمندی بیان می‌نماید. در فصل سوم، توحید مبنای وحدت برشمرده شده و تحقق وحدت در شکل‌های مختلف که فقط در سایه توحید امکان‌پذیر است، بررسی گردیده است. در بخش دوم، شرک عامل تفرقه دانسته شده و عملکرد منافقین جداگانه بررسی گردیده است، زیرا آنها خطرناک‌ترین گروه تفرقه‌افکن هستند. در پایان نیز چنین نتیجه‌گیری شده است که تحقق وحدت ایده‌آل جامعه قرآنی تنها در سایه توحید، به معنای گسترده و واقعی آن، امکان‌پذیر است و تفرقه عاملی جز شرک و نفاق ندارد.

منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی از دیدگاه قرآن و روایات، مراجع تقلید و مقام رهبری با نگاهی به تاریخ معاصر ایران

علی اکبر سبزیان، قم، انتشارات خادم الرضا علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۸۶، ۱۸۲ صفحه، رقعی.

این کتاب از چهار فصل و با عناوین «وحدت از دیدگاه قرآن و معصومین علیهم السلام»، «وحدت از دیدگاه مراجع و علما»، «اتحاد ملی» و «انسجام اسلامی» تشکیل شده است. مؤلف در مقدمه این کتاب با اشاره به نام‌گذاری سال ۸۶ به سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی توسط مقام معظم رهبری، آورده است: استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا دو مشکل عمده دارد که می‌خواهد با یک شگرد آن را حل کند: مشکل اول آنها انقلاب اسلامی و اتحاد و یک‌پارچگی ملت ایران و مشکل دوم، بیداری منطقه و جهان اسلام است. اگر استکبار بتواند مشکل اول خود را حل کند و انقلاب ایران را براندازد یا مهار کند، طبیعتاً مشکل دوم او نیز حل خواهد شد.

در فصل اول کتاب که با عنوان «وحدت از دیدگاه قرآن و معصومین علیهم السلام» تدوین شده، موضوعاتی هم‌چون: وحدت از دیدگاه قرآن؛ آثار وحدت اسلامی در قرآن کریم؛ تقوا شرط حفظ وحدت؛ یادآوری روزهای سخت (نداشتن وحدت در دوران جاهلیت) و وحدت از دیدگاه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام بررسی شده است. در فصل دوم نیز درباره وحدت از دیدگاه امام و استاد مطهری به همراه بررسی اثرات و نتایج وحدت از دیدگاه دیگر علما بحث شده است.

فصل سوم، به بررسی عوامل ضد وحدت مانند برخوردهای خطی و لوازم توجه به اتحاد ملی به عنوان یک ضرورت پرداخته و ده راهکار علمی را برای اتحاد ملی تشریح نموده است. در فصل چهارم با اشاره به انسجام اسلامی در قانون اساسی و کلام رهبری، به بررسی مسئله ورود استعمار به اختلاف سازی میان شیعه و سنی پرداخته شده و از رسول اعظم صلی الله علیه و آله، حج و امیرمؤمنان علیه السلام به عنوان محورهای انسجام اسلامی نام برده شده است. هم‌چنین، در این فصل ضمن تأکید بر کلمه توحید و لزوم حفظ احترام متقابل، ده راه کار عملی انسجام اسلامی تبیین شده است.

نسیم هم‌بستگی (نگاهی به اتحاد ملی و انسجام اسلامی)

سیدحسین اسحاقی، کرج، نشر آموزش کشاورزی، چاپ اول، ۱۳۸۶،
۳۱۶ صفحه، رقعی.

بی تردید، اتحاد و انسجام اسلامی، از موضوعات بسیار مهمی است که ضرورت آن بر هیچ اندیشمند دلسوز پوشیده نیست. در آموزه‌های دینی به مسئله وحدت و انسجام اسلامی توجه زیادی شده است. نویسنده در این کتاب با استفاده از آیات و روایات اسلامی و دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی، به ویژه حضرت امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری، در پنج فصل به بررسی «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» می‌پردازد که مهم‌ترین عناوین آن عبارت است از: کلیات و مسائل اساسی اتحاد و انسجام؛ اهمیت و ضرورت اتحاد و به هم پیوستگی اسلامی؛ وحدت اسلامی در قرآن؛ همدلی و همراهی مسلمانان در حدیث؛ راه‌های نزدیک‌سازی اندیشه‌های فکری و عقیدتی؛ اختلاف زدایی و ایجاد وحدت اجتماعی؛ اصلاح ذات البین در جهان اسلام؛ عوامل پیدایش تفرقه؛ هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ملت‌های جهان؛ اتحاد ملی و هم‌بستگی اسلامی از دیدگاه امام خمینی علیه السلام؛ اتحاد ملی و انسجام اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری؛ گذری بر هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام؛ اندیشه تقرب، راهی برای ایجاد هم‌بستگی میان مذاهب اسلامی.

مشعل اتحاد

محمدرضا حکیمی و عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، تهران، مؤسسه
انجام کتاب، ۱۳۶۰، ۱۵۶ صفحه، رقعی.

استعمارگران شرق و غرب با سیاست شیطانی تفرقه و جدایی (تفرقه
بینداز و آقایی کن) می‌کوشند با تبلیغات گسترده خود وحدت و هم‌بستگی
مسلمانان را که سنگ بنیان اسلام است از بین ببرند و میان شیعه و سنی

تفرقه انداخته و آنان را چنان به جنگ و جدال با هم سرگرم سازند تا فرصت فکر کردن و مبارزه با
چپاول‌گران را نیابند. نگارنده در این کتاب، با محور قرار دادن وحدت اسلامی، آن را از زوایای گوناگون

بررسی کرده است. مهم‌عنوان‌های این کتاب عبارت است از: قرآن و وحدت اسلامی؛ نهج البلاغه و وحدت اسلامی؛ امام خمینی علیه السلام و وحدت اسلامی؛ سید عبدالحسین شرف‌الدین و وحدت اسلامی؛ علامه امینی و وحدت اسلامی؛ اقبال لاهوری و وحدت اسلامی؛ آیت الله طالقانی و وحدت اسلامی؛ سید جمال‌الدین و وحدت اسلامی؛ اقبال لاهوری و وحدت اسلامی؛ رکن‌الدین اکافی و وحدت اسلامی؛ شیخ محمود شلتوت و وحدت اسلامی؛ جماعت تقریب و وحدت اسلامی، و...

هم‌بستگی ملی در ایران

داریوش قمری (گردآورنده)، تهران، مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۴، ۲۲۳ صفحه، رقی.

هم‌بستگی ملی، ناظر بر پیوندهایی است که اجتماعی را به ملت تبدیل می‌سازد و بقا و تداوم آن را در طول زمان تضمین می‌کند. فرهنگ‌ها، نظام‌های اعتقادی، جهان بینی‌ها، مذاهب و ایدئولوژی‌ها در ردیف عوامل ذهنی اثرگذار بر هم‌بستگی هستند.

نویسنده در این کتاب کوشیده است برخی عوامل و عناصر هم‌بستگی ملی را در ایران بررسی کند. افزون بر این، در بخش‌هایی از کتاب، به پاره‌ای از چالش‌ها یا تهدیدهای موجود در مسیر هم‌بستگی ملی در ایران نیز پرداخته شده است. ترتیب قرار گرفتن مقاله‌ها این گونه است که نخست مباحث نظری درباره هم‌بستگی بررسی شده است، سپس به عوامل و عناصر هم‌بستگی ملی پرداخته شده و کارکردهای وحدت‌آفرین و هم‌بستگی‌ساز آنها بررسی شده است و در نهایت نیز به چالش‌ها و فرصت‌های تنوع اجتماعی در ایران توجه شده است.

در فصل اول این پژوهش از رابطه توسعه و هم‌بستگی ملی بحث شده است. نویسنده معتقد است توسعه، نوعی رابطه دوجانبه با هم‌بستگی ملی دارد، به گونه‌ای که از یک سو می‌تواند به تقویت هم‌بستگی ملی بینجامد و از سوی دیگر، در جهت عکس آن عمل کند.

در فصل دوم نیز به بررسی اثر گفت‌وگوی میان فرهنگی بر انسجام ملی پرداخته شده است. در فصل سوم (اسطوره نوروز؛ نماد هم‌بستگی ملی اقوام ایرانی) به نقش پیوندآفرین عید نوروز در میان ایرانیان، پرداخته شده است.

بررسی مفهوم وفاق از دیدگاه قرآن و حدیث، موضوع فصل چهارم است. با توجه به توصیه‌های قرآن و روایات نسبت به ایجاد وفاق و هم‌دلی در میان مؤمنان و معتقدان و با در نظر گرفتن این

نکته که بیشتر مردم ایران مسلمان اند، توصیه‌های یاد شده، نقش تعیین کننده‌ای در ایجاد همبستگی ملی در ایران دارد.

در فصل پنجم، با بررسی فرهنگ سیاسی در ایران، ایجاد امنیت، مهم‌ترین خواسته مردم دانسته شده است که هر حکومتی بتواند آن را برآورده کند، راحت‌تر می‌تواند به ایجاد وفاق و همبستگی ملی در جامعه ایران بپردازد.

در فصل ششم، نویسنده به نقش قانون اساسی در آفرینش وفاق در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. در این فصل، با شناسایی زمینه‌های مؤثر در ایجاد وفاق، به پنج نوع وفاق اشاره شده است که عبارت‌اند از: وفاق میثاقی؛ وفاق ارزشی؛ وفاق شناختی؛ وفاق منزلتی و وفاق نقشی. در فصل هفتم (الگوی جامعه شناختی هویت ملی در ایران)، هویت ملی از دیدگاه جامعه شناختی، به مثابه نوعی احساس تعهد و تعلق عاطفی به اجتماع ملی در نظر گرفته شده است که موجب وحدت و انسجام می‌شود و ابعاد گوناگونی مانند خرده فرهنگ ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی دارد.

عنوان فصل هشتم، «درجه توسعه یافتگی استان‌ها و هم‌سازی ملی در ایران» است. این فصل به بررسی مسئله توسعه نامتوازن مناطق گوناگون کشور پرداخته است.

فصل نهم این کتاب به بحث از گوناگونی زبانی و مذهبی در جامعه ایران اختصاص دارد. نویسنده این فصل، ایران را در ردیف کشورهای قرار می‌دهد که بیش‌ترین میزان گوناگونی زبانی را دارند، ولی یادآور می‌شود بر خلاف بسیاری از کشورهای دیگر که ویژگی‌های گوناگونی دارند، گوناگونی موجود در ایران، برون‌زا و محصول مهاجرت‌ها یا تجربه امپراتوری‌ها نیست، بلکه نوعی تنوع اصیل و بومی است.

در فصل دهم، روابط میان اقوام در ایران و اثرگذاری چنین روابطی بر هویت ملی آنها بررسی شده است. در این فصل، نویسنده با بررسی زمینه‌های همکاری و تعارض میان قومی، بر اساس داده‌های آماری برگرفته از یک پیمایش ملی، به این نتیجه می‌رسد که روابط مبتنی بر همکاری میان اقوام، بر روابط مبتنی بر تعارض و دشمنی برتری دارد. هم‌چنین، اصلاح برخی مناسبات میان قومی یا افزایش تراکم و قرینگی روابط اقوام با یک‌دیگر را اساسی‌ترین گام برای دستیابی به وحدت و همبستگی ملی در ایران می‌داند.

وحدت و انسجام اسلامی

محدثی، جواد، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۸۶، ۶۴ صفحه، رقی.

در این مجموعه، به موضوع مهم «وحدت و انسجام اسلامی» در سایه کلمات و رهنمودهای امیرمؤمنان علی علیه السلام در نهج البلاغه پرداخته شده است؛ پیشوایی که خود، برای «حفظ وحدت»، تلاش بسیار نمود و خون

دل‌ها خورد. از آن‌جا که امام علی علیه السلام چه در دوره پس از وفات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و چه در عصر حکومت خویش، با این مسئله به طور جدی و ملموس درگیر بود، درسخان آن حضرت موارد فراوانی بر محور این موضوع دیده می‌شود. نویسنده در این کتاب تلاش نموده است به اختصار بارزترین و گویاترین آن رهنمودها را با عناوین زیر تبیین نماید: نعمت هم‌بستگی؛ همدلی، عامل وحدت؛ پرهیز از تفرقه؛ محورهای وفاق و همدلی (دین، پیامبران و رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام و رهبر، قرآن)؛ عبرت از تاریخ؛ خون دل‌های علی علیه السلام از تفرقه؛ مسئولان و وظیفه اتحاد آفرینی (رعایت حقوق دولت و ملت، عدالت همگانی، سیاست درهای باز، حفظ آبروی مردم، خدمات صادقانه به مردم، حفظ آداب و رسوم خوب، احترام به پیمان‌ها)؛ گهرهای پراکنده (پرهیز از شایعات، پرهیز از تعصب، شگفت از اختلاف، یک دلی در جبهه جنگ، پرهیز از دورویی، و نقشه شیطانی).

وحدت و هم‌بستگی اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم

محمودی، محمد هادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۲.

هدف از این تحقیق، بررسی وحدت و هم‌بستگی اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم می‌باشد که در این مورد سؤالات زیر مطرح می‌باشد: ۱- واژگان هم‌ارز و غیر هم‌ارز وحدت و هم‌بستگی اجتماعی در قرآن چیست؟ ۲-

عوامل ایجاد و تقویت هم‌بستگی اجتماعی از دیدگاه قرآن چیست؟ ۳- آفات تحقق وحدت و هم‌بستگی اجتماعی از دیدگاه قرآن چیست؟ هم‌چنین بر این اساس، فرضیات زیر مطرح می‌باشد: ۱- واژگان هم‌ارز و غیر هم‌ارز وحدت در قرآن متعدد است؛ ۲- با مراجعه به قرآن چنین استفاده می‌شود

که عوامل مؤثر بر وحدت و همبستگی اجتماعی عبارت‌اند از: عوامل اعتقادی، عوامل اخلاقی، عوامل اجتماعی و عوامل عبادی؛ ۳- با مراجعه به قرآن، آفات وحدت و همبستگی اجتماعی در ابعاد اعتقادی، اخلاقی، روان‌شناختی و اجتماعی قابل بررسی می‌باشد.

روش این پایان‌نامه، تحلیلی - توصیفی می‌باشد و از سه فصل و یک مقدمه تشکیل شده است که در فصل اول، واژگان هم‌ارز و غیر هم‌ارز با وحدت، در فصل دوم، عوامل ایجاد و تقویت وحدت و همبستگی اجتماعی و در فصل سوم آفات تحقق وحدت و همبستگی اجتماعی بررسی شده و نتیجه گرفته شده است که تحقق وحدت ایده‌آل جامعه قرآنی تنها در سایه توحید، به معنای گسترده و واقعی آن، امکان دارد و تفرقه عاملی جز شرک و نفاق ندارد.



المقالات
خلاصة

لا يمشى تقرب

الدين والانسجام الاجتماعي

غلام رضا بهروز لك *

يعتبر الدين ومنذ القدم من اهم عوامل الاتحاد والانسجام الاجتماعي، وكان هذا الاداء واضحاً وجلياً قبل عصر الحداثة. وقد برز اكثر في المجتمعات الشرقية و مازال في عصرنا الحاضر، الا انه طرأ عليه تحولات في الفكر الغربي المعاصر واصبح هذا الاداء هامشياً، وتقمص النشاط الانساني دوره في مهمة الحفاظ على الاتحاد والانسجام الاسلامي. ورغم ذلك فقد استمر الدين في نشاطه بصورة غير مباشرة في الغرب المتقدم.

وفي عالم الاسلام اصبح الدين ورموزه وشخصياته الدينية مهذاً للهوية والذات، ومن ثم مسك بزمام الهوية الاجتماعية للمسلمين، وقد تجلى ذلك في القران الكريم باعتباره رسالة الهية وفي رسول الله ﷺ. كما ان للامام علي عليه السلام في الفكر الشيعي دوراً اساسياً في هذا المجال، واصبح معيار الدين مرتبطاً الى حد كبير بمعرفة الامام علي عليه السلام، وهكذا تحول الامام علي عليه السلام الى مصدر للهوية والانسجام .

المصطلحات الرئيسية: الدين، الهوية، الانسجام الاجتماعي، الدين المدني .

الاهمية الاستراتيجية للاقطار الاسلامية ودور الجغرافيا السياسية في الوحدة الاسلامية

ع.ر. امير دهي *

لا شك انه يمكن تناول الانسجام الاسلامي من زوايا مختلفة، وقد تعرض هذا المقال الى الوحدة الاسلامية من خلال الخصائص الاستراتيجية واهمية الجغرافيا السياسية للبلدان الاسلامية، حيث ان الطاقات والمؤهلات التي تتمتع بها الاصقاع الاسلامية والعوامل الجغرافية والموارد الطبيعية لاسيما تلك التي بحوزة المسلمين اذا تم استثمارها بأحسن وجه سوف تقود الى المزيد من العزة والعظمة، والى الحد من استغلال اعداء الاسلام، ومع اخذ تلك الاهداف بنظر الاعتبار، شرع المقال بسرد الخصائص الاستراتيجية لبلدان نظير نيجريا واليمن وموريتانيا وغينيا وقزاقستان وعمان والكامرون و تركية و تونس و بنغلاديش و بروناي و البحرين و الجزائر دون طرح اي احتمال مسبق في البين، على امل ان يبذل المسلمون وسعهم لتعزيز الانسجام فيما بينهم وتوحيد صفوفهم بغية اجهاض المؤامرات التي تستهدفهم.

المصطلحات الرئيسية: البلدان الاسلامية، الاهمية الاستراتيجية، الجغرافية السياسية للبلدان الاسلامية، الانسجام الاسلامي، الوحدة الاسلامية.

* استاذ مساعد ومدرس في الحوزة العلمية والجامعة، وعضو الهيئة التعليمية بجامعة المصطفى العالمية.

تقييم الطاقات والقدرات العسكرية للاقطار الاسلامية في اسيا الوسطى والقوقاز

مرتضى شيرودي*

لقد رزحت اقطار اسلامية كاذربيجان وازبكستان وطاجيكستان وتركمنستان وقرقيزستان وقزاقستان ردحا طويلا من الزمن - وعلى وجه التحديد منذ تاسيس الاتحاد السوفيتي - تحت راية الجيش الاحمر الشيوعي، وخرمت من اي نوع من الاستقلال في كافة المجالات لاسيما المجال العسكري، وطبعاً لم يراودها قلق بشأن امنها القومي ذلك لان الاتحاد السوفيتي آنذاك قد تكفل بهذه المهمة باعتبارها جزءاً من تراهه، الا ان الوضع قد تغير بعد اضمحلال الاتحاد السوفيتي ودعوة الجيش الروسي الى ثكناته في مسكو وانقسام الجيش الاحمر حيث راحت تهدد تلك الشعوب تحديات جديدة فاخذت بالتفكير ملياً حول تاسيس جيش لها او اعادة تاهيل فلول الجيش الاحمر بغية الحفاظ على أمنها، وقد أثار ذلك تساؤلات واستفسارات عديدة، منها ماهي القدرات العسكرية الفعلية لتلك الدول والى اي حد يمكنها الدفاع عن أمنها القومي؟ وقد تكفل هذا المقال بالاجابة عنها .

المصطلحات الرئيسية: القدرات العسكرية، الاقطار الاسلامية في اسيا الوسطى و القوقاز، اذربيجان، ازبكستان، طاجيكستان، تركمنستان، قرقيزستان وقزاقستان .

العولمة، والانسجام الاسلامي، والقابليات والآليات

عبد الخالق قاسمي *

عالج هذا المقال وحدة العالم الاسلامي وانسجامه في اطار اقليمي اسلامي على ضوء الايمان بالرسالة السماوية، مع الاخذ بنظر الاعتبار ان من أبرز مسارات العولمة هي أنشطة التكتلات الاقليمية الكبرى .

ويذهب الكاتب الى امكانية تخطي العالم الاسلامي للخلافات بغية الوصول الى ساحل الاتحاد والانسجام عبر الانتفاع من تجارب عملية الاقلمة والاعتماد على الثروات والامكانيات المادية والمعنوية المتاحة، وبذلك يتيسر له قلب موازين القوى في معترك الصراع السائد على النظام العالمي لصالحه.

المصطلحات الرئيسية: العولمة، الانسجام الاسلامي، ثقافة الحداثة الغربية، الاسلام السياسي،

الانفرادية، الاقليمية .

ناشر الثقافة

سال چهارم / ویژه نامه انسجام اسلامي (۳)

* كاتب وباحث.

الاتحاد والانسجام الاسلامي في مرآة الاربعين حديث

بشير احمد*

نقل هذا المقال طائفة من الاحاديث المشتركة شكلاً ومحتوى في الوحدة الاسلامية، من امهات مصادر الفريقين مع الاخذ بنظر الاعتبار الحاجة الملحة للمجتمع الى الوحدة والاتحاد . وقد استعرضت تلك الاحاديث عوامل وخلفيات وأثار وآليات وحدود واساليب الاتحاد الاسلامي، وكذلك تبعات ونتائج الاختلاف والانقسام .

المصطلحات الرئيسية: الاربعون حديث، الاتحاد والانسجام الاسلامي، الاختلاف والانقسام، منشور الاتحاد الاسلامي.

التنمية المحلية، تحقيق العدالة الاجتماعية للاسلام بغية تعميق اواصر الانسجام الاسلامي

محمد سريرافراز و فاطمة فهيمي فر*

ان من التحديات الكبرى التي تواجه الاقطار الاسلامية هي بلوغ مستوى مطلوب من التنمية.وقد حازت بعض بلدان العالم الثالث على نجاح ملحوظ في هذا المسير .وهذا ان دل على شيء فانما يدل على ان التنمية الوطنية والاقتصادية انما تتيسر حينما يخطو الشعب باتحاده وتلاحمه خطوات ثابتة نحو التعالي.

وكل نظام انما يكون قادراً على اداء نشاطه وحيويته اذا كان كل جزء من اجزائه يقوم بمهمته الموكولة على عاتقه بشكل مطلوب، وتوزع الثروات والموارد وفق المناطق الجغرافية من خلال الاعتماد على علم الجغرافيا .

وكل ذلك يتم عبر الاستعانة بألية التنمية المحلية، والتنمية المحلية هي نوع من التخطيط على الصعيد المحلي باعتباره ركناً اساسياً ومصيرياً في تحقيق اهداف التنمية الاقتصادية والاجتماعية والثقافية والسياسية.

ويمكن القول بان التخطيط الذي يقوم على التنمية المحلية، يمكن ان يحقق اصل العدالة الذي يتوخاه الاسلام، من هنا فقد تعرض هذا المقال الى هذا النوع من التخطيط وانه اذا تحقق على نطاق اوسع في كافة الاقطار الاسلامية فان النتائج الحاصلة منه ستؤدي الى المزيد من الانسجام والتلاحم الاسلامي

المصطلحات الرئيسية: التنمية المحلية، الانسجام الاسلامي، العدالة الاجتماعية للاسلام .

* من طلاب ماجستير في فرع تخطيط الانظمة الاقتصادية، ومن اعضاء نادي الباحثين الشباب .

Spatial Planning arranging Islamic Social Justice in Line with Empowering Islamic Cohesion

By: Mohammad Sarir Afraz *, and Fatima Fahimifar **

Abstract:

It is one of the concerns of Muslim countries to get to an acceptable level of development. A study of the third world countries which have been more successful in the path of development indicates that national development and economic growth is achieved only when all the people take steps toward development. People act like parts of a system. A system is active and dynamic only when its components are properly placed in their designated positions and the resources are distributed based on positions of segments proportionally and every elements act based on its own requirements.

The mentioned system above is achievable by a tool named "Spatial Planning" which is a kind of planning that considers territory as a substantial and determining factor in achieving the objectives such as socio-economic, political and cultural developments.

In other words, a plan which is based on Spatial Planning is capable of realization of justice, an important teaching in Islam.

By applying Spatial plan, Muslim countries will consequently be able to attain Islamic cohesion.

Keywords: Spatial Planning, Islamic cohesion, Islamic social justice

****- PhD in Economic Sciences, Faculty member of Azad University- Tehran Central Branch.***

***** - MA student studying Programming Economic Systems, Member of Young Researchers Club.***

***Islamic Cohesion in the Reflection of
40 Tradition (40 Mirrors- 40 Mysteries)***

By Bashir Ahmad *

Abstract

Presenting a collection of traditions about Islamic cohesion taken from outstanding sources of different Islamic religions, the author tries to underline the essential need for Islamic cohesion.

The presented traditions argue all dimensions of Islamic unity including fundamentals, factors, grounds, results, methods, extend, and the outcomes of disunity and conflicts.

Keywords: 40 traditions, Islamic unity and cohesion, disunity and conflict, Islamic Cohesion Charter

*- MA in Islamic Philosophy, Researcher and Author.

ناپيشا تقظير

سال چهارم / ویژه نامه انسجام اسلامی (۳)

۱۸۴

Globalization, Islamic Unity, Capacities and Solutions

By: Abdulkhaliq Ghasemi *

Abstract:

One of the requirements of globalization is the changes that occur within regions and influential regional unions. The present writing reviews unity of the Islam world in Islamic regions under the light of faith to message of God.

The author believes that Islam world can take advantage of its financial and spiritual capacities to attain solidarity and Islamic cohesion and consequently change the situation to the benefit of Muslim nations.

Keywords: Globalization, Islamic unity, Western modernized culture, political Islam, Divergence, Regional inclinations.

An analysis of military capacity of Muslims in Central Asia and Caucasian Region

By: Morteza Shirudi *

Abstract

From the formation of Soviet Union until collapse of Red Communism in 1990 several countries, namely Azerbaijan, Uzbekistan, Tajikistan, Turkmenistan, Georgia, and Kazakhstan were dominated by Soviet Union. Although they were dependent to Soviet Union their security was guaranteed.

The collapse of Soviet Union and the vulnerable condition of Moscow compelled the decision makers to call the military forces to Moscow.

This in turn concerned the newly-established countries since there was no guarantee for their security for the weak condition of Soviet Union and their army members who had been dispatched to Moscow.

Consequently, the countries named above decided to either found their own territorial army or rebuild the old Red Army to secure their countries. These developments raise several questions such as how powerful their military forces are and to what extent they are capable of defending themselves. The present article is aimed at answering such question.

Keywords: military capacity, Muslim countries located in Central Asia and Caucasian region, Azerbaijan, Uzbekistan, Tajikistan, Turkmenistan, Georgia, Kazakhstan

****- Faculty Member of Sepah Army Islamic Research Center and university professor.***

ناپیشا تقی‌زاد

سال چهارم / ویژه‌نامه انسجام اسلامی (۳)

Strategic and geopolitical role of Islamic countries regarding Muslim cohesion

By : E-R Amirdehi *

Abstract:

Islamic cohesion can be examined from different dimensions. The present article however, explains Muslim cohesion according to strategic and geopolitical position of Islamic countries. In other words, in case the regional advantages, geographical factors and natural resources of Muslim countries are used effectively, Muslim's position in the world will grow and the enemies situation will weaken.

The author illustrates the point by explaining strategic situation of several Islamic countries namely, Nigeria, Yemen, Mauritania, Ghana, Mauritania, Kazakhstan, Oman, Cameroon, Turkey, Tunis, Bangladesh, Brunei, Bahrain and Aljazeera.

The write hopes this writing help Muslims learn about such strategic positions and then try to get to Islamic cohesion and castrate enemies' conspiracies.

Keywords: Islamic countries, strategic position, Islamic countries strategic and geopolitical situation, Islamic cohesion, Muslim unity.

Religion and Islamic Cohesion

By: Dr. Gholamreza Behruzlak *

Abstract

Religion has always been the most substantial factor for social cohesion. Until the post-modern era this function of religion was prominent and one could find it in the West community.

A comparative study of the Middle Eastern Islamic societies and the Occident indicates that unlike the Occident societies, such a function of religion in Middle Eastern Islamic societies is still outstanding and present. Religion in the modern West has lost its functions and the more it has been marginalized, the more social contracts have taken religion place. Nevertheless, religion is in some way present in the Occident.

In Islam world religion, symbols and religious figures are essential elements giving identity to society and therefore are determining factors for social identity. The Holy Quran as the Devine message and the Holy Prophet are the best examples as identity and cohesion factors.

In Shiism, there is also another key element for social cohesion that is the Imams. As part of Shiite belief, one's faith is examined by the extent of knowledge "Marefat" they have about the Imam. In Shiite Islam, Imam is the main part of identity and cohesion.

Keywords: religion, identity, social cohesion, civil religion.

***- Faculty member of Baqur Olum University based in Qom.**

نایشنا نقتزب.

سال چهارم / ویژه نامه انسجام اسلامی (۳)

ABSTRACT

الابيض القوي.

In The Name Of God

لا إله إلا الله